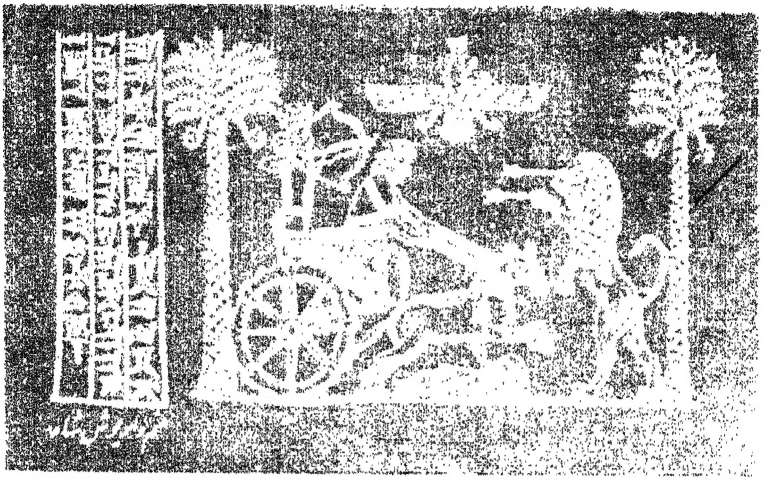

بررسیهای تاریخی

سال پنجم
شمارهٔ ۲

خرداد ـ تیر ۱۳۴۹
(شمارهٔ مسلسل ۲۶)

بفرمان

مطاع شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران

مجلّه
بررسی های تاریخی

خرداد ـ تیر ۱۳۴۹

ژوئن ـ ژوئیه ۱۹۷۰

شماره ۳ سال پنجم

شماره مسلسل ۲۶

« در این شماره »

صفحه	عنوان مقاله	نویسنده یا مترجم
۱–۱۲	معرفی چند سکه از دوران قاجار	محمد مشیری
۱۳ ۲۰	آب تخت جمشید در زمان هخامنشیان....	علی حاکمی
۲۱–۳٤	شاهنامهٔ فردوسی و تاجنامه‌های ساسانی	محمد محمدی
۳۵–۵٦	زیگورات چغازنبیل	محمود کردوانی
۵۷–۱۰۲	روابط ایلخانان مغول با دربار واتیکان (بقیه)	علاءالدین آذری
۱۰۳–۱۲۲	پیشینهٔ تاریخی شطرنج (بقیه)	مجید یکتائی
۱۲۳–۱۳٤	گزارشی دربارهٔ ارتش ایران. ..	احسان‌الله اشراقی
۱۳۵–۱۸۰	شصت و چهار سند دربارهٔ واقعهٔ هرات	ایرج افشار
۱۸۱–۲۰۸	تحقیقی دربارهٔ شغل و وظیفه منشی‌الممالکی	سرهنگ جهانگیر قائم‌مقامی
۲۰۹–۲۵۲	نامه‌هائی از میرزا آقاخان کرمانی (بقیه)	سروان محمد کشمیری
۲۵۳–۲۹۲	اعلان‌ها و اعلامیه‌های دورهٔ قاجار	محمد اسماعیل رضوانی
۲۹۳–۳۰٤	اعلان‌ها و اعلامیه‌های دورهٔ قاجار (ضمایم)	سرهنگ جهانگیر قائم‌مقامی
۳۰۵–۳۰٦	**بخش دوم**	
۳۰۷–۳۱۰	کتابهای رسیده	

TABLE DES MATIERES

	Première Partie	Page
Mochiri (Mohammad)	: Présentation quelques monnaies de l'epoque des Kadjars.	1- 12
Hakemi (Ali)	: D'où venait l'eau de Persépolis à l'epoque de l'Achéménides.	13- 20
Mohammadi (Mohammad)	: Le Shah-namé de Ferdowsi et les Tadj-namés des Sassanides.	21- 34
Kordovani (Mahmoud)	: Zigourates de Tchegha-Zinbil.	35- 56
Azari (Alaeddine)	: Les relations des Ilkhanans mongols avec la Cour du Vatican (Suite).	57-102
Yektaï (Madjid)	: L'histoire du jeu d'Echécs (Suite).	103-122
Echraghi (Ehsannollah)	: Un rapport sur l'armée de l'Iran à l'epoque des Kadjars.	123-134
Afchar (Iradj)	: Soixante-huit documents inédits sur les evenements de Hérat.	135-180
Ghaemmaghami (Colonel Dj.)	: Une recherche sur la fonction et les devoirs de Monchiolmamalek.	181-208
Kechmiri (Capitaine M.)	: Quelques lettres de Mirza Agha-Khan Kermani (Suite).	209-252
Rezvani (Mohammad Esmaïl)	: Les proclamations et les annonces de l'epoque des Kadjars.	253-292
Ghaemmaghami (Colonel Dj.)	: Les pieces annexées sur les proclamations et les annonces de l'epoque des Kadjars.	293-304
	Deuxième Partie	305-306
	Les nouveaux livres.	307-310

« ذکر تاریخ گذشته از واجبات است بخصوص در
مورد ملتهائی که افتخار داشتن تاریخ کهن ملّی را دارند
جوانان باید بدانند که مردم گذشته چه فداکاریها
کرده و چه وظیفهٔ حساس و فوق العاده بعهدهٔ آنها
است . »

از سخنان شاهنشاه آریامهر

بفرمان مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران ارکان مجله بررسی‌های تاریخی بشرح زیر میباشد

الف ـ هیئت رئیسه افتخاری:

تیمسار سپهبد اسدالله صنیعی	تیمسار ارتشبد فریدون جم	جناب آقای دکتر علینقی عالیخانی
(وزیر جنگ)	(رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران)	(رئیس دانشگاه تهران)

ب ـ هیئت مدیره:

تیمسار سپهبد غلامرضا ازهاری	جانشین رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران
تیمسار سپهبد علی کرمیلو	معاون هم آهنگ کننده ستاد بزرگ ارتشتاران
تیمسار سرتیپ حسین رستگار نامدار	رئیس اداره کنتر ولر ستاد بزرگ ارتشتاران

پ ـ هیئت تحریریه

آقای دکتر غلامرضا بابایی	استاد تاریخ در دانشگاه تهران
آقای دکتر عباس زریاب خوئی	رئیس گروه تاریخ در دانشکده ادبیات تهران
آقای سید محمد تقی مصطفوی	استاد باستانشناسی
سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی	مدیر مسئول و سردبیر مجله بررسیهای تاریخی

معرفی چند سکه از دوران قاجار[1]

بقلم

محمد مشیری

۱ – در شماره اول سال چهارم «مجله بررسیهای تاریخی» مقاله محققانه و ممتعی دربارهٔ «تطور شیروخورشید(ص۲۵۹)درج شده شده بود که محتوی پژوهش جدید و کاملی دراین مورد بود. ضمن تحقیق درسکه‌های زمان سلطنت فتحعلیشاه قاجار سه‌سکه معرفی گردیده‌بود که یکی‌از آنها مورد بحث ماست و آن سکه‌ای است (شکل۲۶ آن مقاله) که ما عکس بزرگ‌شده آن را درزیر میآوریم (شکل شمارهٔ۱)

بطوریکه در عکس مشاهده میشود در روی سکه عبارت (السلطان بن السلطان فتحعلی شاه قاجار) ودرپشت آن «تصویریك

۱ – این مقاله از کتاب «سکه‌های طلای ایران از شاه اسمعیل تاامروز» تالیف نویسندهٔ مقاله که هنوز بچاپ نرسیده خلاصه شده‌است.

ودرروی سکه عبارت «فتحعلی‌شه خسرو کشورستان» با خط نستعلیق بسیار زیبا نقش‌شده که‌دوایرو کنگره‌هاواسلیمیهای‌خوش‌نقش‌وجالب ، زیبائی‌آن‌را چند برابر کرده است .

سکهٔ نقره ضرب انگلستان درموزه بریتانیا British Museumموجودو نویسنده کاتالوگ آن موزه R. s. poole (که کتابی نیز بنام :

The Coins of the Shahs of persia

دارد و به‌سال ۱۸۸۷ در لندن به‌طبع رسیده که حاوی تحقیقات جامعی دربارهٔ سکه های دوران صفویه وزندیه و قاجار است) به شماره ٥٤٢ آن را ثبت کرده‌است ورابینودر کتاب خود تصویرآن‌رادر PL ۲۲ به‌شماره ۰۵۷۳ آورده‌است وبطوریکه گفته‌شد این سکه‌نقره است‌اماسکه‌ای که‌ما دربالاازآن بحث کردیم ، درایران ضرب شده‌وازطلا است وتاکنون‌فقط یکی ازآن دیده‌شده‌واکنون شاید منحصربه‌همین‌یکی‌باشد وبهمین علت در هیچ‌منبع وکاتالوگ‌خارجی دیده نشده وذکری‌ازآن‌نرفته است خوشبختانه زینت بخش کلکسیون‌سکه‌های موزه ایران‌باستان است و به‌کوشش خانم ملکزاده‌بیانی موزه‌دار موزه ایران باستان‌از مبادله‌باآقای‌عزیز بیگلوبدست آمده وبشماره۳۷۷موزه ثبت‌شده و٤/٥ گرم وزن دارد .

۲ ـ سکه‌ای طلای‌ازفتحعیشاه است که‌تاکنون‌در هیچ منبع وکاتالوگ نیامده وتاتاریخ امروز نظیرودومی‌آن‌دیده نشده‌است‌این‌سکه‌نیزخوشبختانه درموزهٔ‌ایران باستان‌به‌شماره ۳۷۷ضبط واز سکه‌هائی‌است که‌ازموزهٔ گلستان دریافت‌شده‌است ودراین‌سکه عکس تمام قد فتحعلیشاه درروی آن‌نقش‌شده‌و با مطالعه وبررسی آن شکل‌لباس سلطان وقت که‌تاج کیانی را برسردارد و بازوبندهای الماس دردوبازووخنجر بر کمرویك عصادردست دارد که‌سرعصا به شکل کبوتری است (این عکس در نقاشی‌های کلکسیون‌ایمری[۲] نیز عیناً موجود است) کفشهای پاشنه‌بلند که‌بپای‌شاه‌است‌جالب‌میباشد . درطرف چپ عکس شاه یك شاخه بابرگ‌ازدرخت‌مو دیده‌می‌شود که درسکه‌محمد-

۲ ـ مراجعه شود به‌مجله «روزگارنو» چاپ‌لندن ، دورهٔ اول ، شماره۳صفحه۹

شیرویك اسب دیده‌می‌شود که‌روی دوپا بلند شده و دستهای خود را روی لوحه‌ای که‌درمیان آن‌نیزنقش شیروخورشید نشسته‌تصویرشده‌است‌نهاده‌اند».

درزیرنویس‌همان صفحه، اشاره‌به مقاله آقای یحیی ذکاء که درشماره۲۱ هنرومردم درج‌شده‌است. نظریه‌آقای‌ذکاء دربارهٔضرب‌سکه‌درانگلستان کاملا صحیح است آقای ذکاء درآن مقالات که‌بعداً بصورت کتابی بنام (تاریخچهٔ تغییرات و تحولات درفش وعلامت دولت ایران ازآغاز سدهٔسیزدهم‌هجری‌تا امروز) ازطرف وزارت فرهنگ‌وهنر منتشرشده نظریاتی‌ابراز داشته‌اند که حاکی ازفرط علاقمندی ایشان به‌شعایرملی ومذهبی است ولی متأسفانه‌فقط نظریه‌شخصی ایشان است که احساسات عالیه‌خودرا در موضوع دخالت داده ومبنای‌تحقیقی وعلمی آن‌ضعیف‌است. زیرا این سکه ها ازطرف دولت‌ایران سفارش داده نشده است‌وپس‌ازرسیدن به‌ایران‌هم درجریان‌دادوستدودسترس مردم نبوده است.

این‌سکه‌ها جزوهدایائی‌است که دولت انگلیس بوسیله‌سر گوراوزلی‌به دربار ایران فرستاده‌بود وبعنوان « دست‌لاف»بین وزراء و امراء و درباریان پخش‌شده‌وهیچگونه ارزش‌پولی نداشته‌است واینکه مرقوم داشته اند.

« ... از قرائن چنین پیداست که سکه‌های جدیدپس ازرسیدن به‌ایران بعلت‌ضرب‌آرم‌نوظهور خارجی‌برروی آنها بخصوص باآن‌اژدهای نامأنوسش که به‌چشم ایرانیان آن زمان‌سخت بیگانه می‌نموده درطرز کتابت عبارت (اسدالله الغالب) که کلمهٔ «الله» آن ازنظر ایرانیان مسلمان درجای‌بسیار نامناسب‌افتاده است ــ ذوب گردیده؛ اثری ازآنهادرایران‌باقی‌نمانده است». باتوجه به‌شکل ۲ ملاحظه می‌شود که نه‌تنها این سکه مردود شناخته نشده بلکه‌بسیارموردتوجه‌قرار گرفت ودربارایران‌ازروی آن‌سکهٔ طلائی‌نیزضرب کرده اند (سکه موردبحث بالا،شکل۱ از نقره بوده است) و از روی همان نقش وسرسکه آرم انگلستان باترکیب والحاق شیر وخورشیدایران وجمله (اسدالله‌الغالب)درایران‌ازطلای نسبتاً خالص که‌باربسیار کم‌داردضرب‌خورده

تاریخ ضرب ۱۲۵۸ (سال نهم سلطنتوی) قیدشده ودرپشت آن‌عکس شیر و خورشید که‌تاج کیانی دربالا و برگ خرما و زیتون درحاشیه‌آن است نقش شده‌است .

از محمدشاه سکه‌های زیادی دردست‌است ولی این‌سکه‌بسیار کم‌ونایاب است ودرجائی‌نیز کاتالوگ نشده بطوریکه دیده‌میشود درحاشیه دور نام‌شاه خوشه‌های انگور وبرگ‌مودیده میشود که درسکهٔ فتحعلیشاه نیز بآن‌اشاره شد این سکه بسیار تمیز وخوب‌مانده وخوب هم ضرب خورده‌است به‌عکس سایرسکه‌های محمدشاهی که بادست وچکش ضرب‌خورده معلوم‌میگردد که این‌سکه بادستگاه پرس‌شده و سرسکه‌های آن نیز بسیار استادانه حکاکی شده‌اند.

۵ ـ سکه دیگری که اینک معرفی می‌شود از احمد شاه قاجار است که درشکل٦ دیده میشود ذکر این‌سکه‌نیزدرهیچیك‌ازکاتالوگ‌ها نیامده‌و تاکنون نظیر دیگری‌ازآن پیدانشده است.

این سکه‌درموزهٔ ایران‌باستان‌به‌شماره ۸۰٤ ضبط‌است وجزو کلکسیون مرحوم‌مسیوریشار بوده که ازآقای غفاری‌خریداری‌شده واکنون زینت‌بخش کلکسیون موزه میباشد.

مشخصات این‌سکه که آن‌را ازسایر سکه‌های احمد شاه ممتاز میسازد نقش روی‌سکه است که دارای امتیازات خاصی بشرح زیر می‌باشد:

برخلاف سایرسکه‌ها که احمدشاه را با کلاه ماهوت زمان خود نشان می‌دهد فقط دریك سکه طلا مانند این‌سکه کلاه پوست‌بسر گذاشته‌است در این سکه شاه کلاه پوست بخارا برسردارد وپیچیدگی‌های موی پوست کلاه خوب پیداست‌ومهم‌ترازهمه نشان کلاه‌است که‌برای‌اولین‌بار درتاریخ‌قاجاریه نشان کلاه ازدوشیر روبرو که تل کلاه را در دست گرفته و سرپا ایستاده‌اند تشکیل شده است.

شاه نیز بعداً می‌بینیم (معلوم‌نیست این‌توجه به‌درخت موو انگور معنی‌خاصی داشته یابرحسب تصادف درسکه‌ها آمده‌است وفقط برای زینت بوده است) ازمطالعه‌پشت‌سکه‌معلوم‌می‌شود که‌درزنجان‌ضرب‌خورده‌است(ضرب‌دارالعبادهٔ زنجان) و فاقد تاریخ است. درهرحال از سکه‌های بسیار جالب وممتاز و کمیاب‌است.

۳ـ یك سکه بسیار قشنگ وزیبا که خوشبختانه سالم‌وخوب‌مانده‌است ازحسینعلی میرزافرمانفرماست که در شکل ٤ دیده‌میشود. این‌سکه ازطلا و ٤/٥ گرم‌وزن دارد ودرموزهٔ ایران باستان بشماره ۳۷۸ ثبت‌است تاریخ ضرب این‌سکه ۱۲٥۰ ومحل ضرب شیراز است. حسینعلی میرزا فرمانفرما فرزند پنجم فتحعلیشاه متولد ۱۲۰۳ قمری و عموی محمدشاه بوده وازسال ۱۲۱٤ قمری به‌فرمانفرمائی وحکومت فارس‌منصوب گردید ومدت۳٦ سال متوالی‌با نهایت اقتدار درفارس وقلمروآن فرمانفرمائی کرد و پس‌از فوت فتحعلیشاه (۱۲٥۰ هجری‌قمری) درشیراز تاج‌برسر گذارد وخودراحسینعلی شاه‌خواند وبرای تصرف اصفهان ازشیراز لشکر بیرون فرستاد ولی‌قشون محمدشاه در بین راه اصفهان‌وشیراز لشکروی راشکست داد واورادرشیراز دستگیر کرده وروانه تهران نمودند ودرطهران دربرج نوش نزدیك به‌ارك سلطنتی‌زندانی نمودند وسه‌ماه بعدببیماری وبا که درطهران شیوع داشت درنهایت عسرت و بدبختی جان داد. این‌سکه‌بسیار نایاب است ودومی آن دیده نشده‌است.این سکه درطهران پیداشده وبه‌موزه رسیده‌است.

٤ ـ تصویر شماره‌ه‌یك سکهٔ‌طلا ازمحمدشاه‌قاجاراست که بشماره ۳۷۸ درموزه ایران باستان ضبط است و ٤/٥ گرم وزن دارد و ازموزهٔ گلستان بدست آمده است.

بطوریکه ازشکل آن پیداست روی سکه نام‌محمدشاه باشعاری که‌برای خود انتخاب کرده بود (شاهنشه انبیامحمد) ومحل‌ضرب‌دارالخلافه طهران و

شکل ۱ ـ عکس رو وپشت سکهٔ نقره ضرب انگلستان که در موزهٔ بریتانیا به شماره ۵۴۲ ضبط است

بطوریکه درشکل ٦ دیده میشود زمینه سکه ساده‌است وعکس نیم‌تنه احمد شاه با کلاه مخصوص در روی سکه است و درپشت سکه دربالا تاج کیانی و زیر آن عبارت السلطان‌احمدشاه قاجار وزیر آن تاریخ ۱۳۳۲ ودورتاج ونوشته‌شاخ وبرگ تزئینی‌نقش‌شده است.ضمناً بایددانست درتمام سکه‌های احمدشاهی نیم‌رخ صورت بطرف چپ سکه است فقط دراین سکه است که نیمرخ بطرف راست سکه‌ملاحظه میشود. وزن سکه ۲۷ گرم وقطر آن ۳۱ میلیمتر است .

شکل ۲ ــ عکس رو و پشت سکهٔ طلای فتحعلیشاه قاجار است که در موزهٔ ایران‌باستان به شمارهٔ ۳۷۷ ضبط می‌باشد .

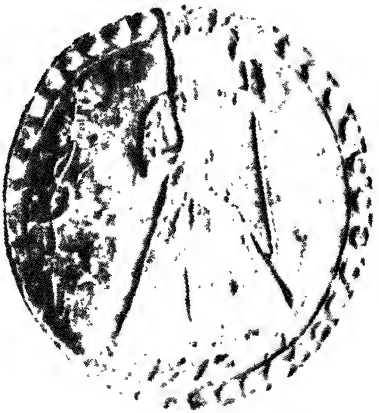

شکل ۳ ـ عکس رو و پشت یك سکهٔ بی نظیر از فتحعلیشاه که به شماره ۳۷۷ در موزه ایران باستان ضبط است

شکل ٤ ــ عکس رو و پشت سکه‌ای ازحسینعلی میرزا فرمانفرما پسر فتحعلیشاه

شکل ۵ ـ یك سکهٔ طلای کم یاب از محمدشاه قاجار عکس رو و پشت

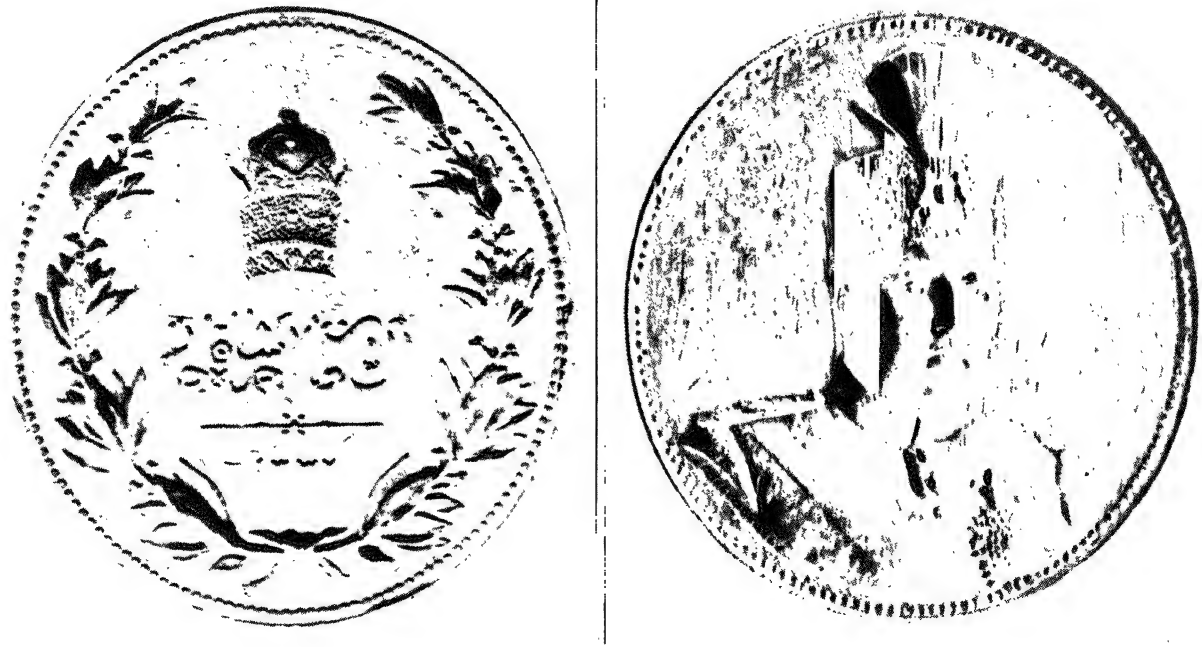

شکل ٦ـ عکس‌رو و پشت یک سکهٔ بی‌نظیر از احمدشاه قاجار

آب تخت جمشید

در زمان هخامنشیان از کجا تأمین میشده است

بقلم

مهندس علی حاکمی

آب تخت جمشید در زمان هخامنشی از کجا تأمین میشد؟

نگاهی دقیق به‌وضع کنونی تخت جمشید گویای عظمت و آبادانی دوران گذشته پر افتخار آنست. زمانیکه کاخهای باشکوه و بیشمار آن بجلگه مرودشت سایه می افکند بی گمان کاخهای زیر صفه شاهنشاهان هخامنشی‌را پذیرا میشدو کاخهای‌روی سکومانند آپادانا و صد ستون و تالار مرکزی وغیره درمواقع خاصی مورد استفاده قرار میگرفت محل‌سکونت‌فصلی‌شاهنشاهان درکاخهای زیرسکوبوده که در بستان‌سرای‌بزرگی قرارداشت و صفه تخت جمشید بر آن مسلط بود.

بناهای روی صفه می بخشید درغیراینصورت علاوه بر بستن فضای نمای اصلی کاخها ازدیدومنظر آنها می کاست.

امروزه درهٔ جنوبی تخت جمشید بعلت سیلابهای متمادی و همچنین فاضل آبهائیکه از روی صفه سرازیرشده وبدان میریخت ازخاك انباشته شده است بطوریکه پای قسمتی از دیوارهای صفه جنوبی تا شش متر احتیاج به خاك برداری دارد تابه صخره طبیعی و پایه اصلی دیوار برسد. حالیه فقط پای دیوارهای شمالی وقسمتی ازدیوارهای غربی صفه نمایان است که برروی صخره طبیعی قرار دارند.

ولی قسمت جنوبی هنوز از زیر خاك خارج نشده است تا بتوان وضع طبیعی واصلی آنرا در دوران هخامنشی معلوم داشت. زمانیکه محل کنونی تخت جمشید برای ساختن چنین بناهای باعظمتی انتخاب شد حتماً ازلحاظ موقعیت طبیعی یعنی آب وهوا وموقعیت نظامی مناسب بوده است.

وضع طبیعی صخره‌ای که دیوارهای صفه برآن استواربود ازسمت جنوب بطرف غرب رو بافزایش میگذاشت و به انتهای قسمت شمالی ختم میشد وهر کجا صخره ارتفاع بیشتری داشت بهمان نسبت بلندی سنگ چین نقصان یافته است روی این اصل شیب قسمتی ازآبروهای تخت جمشیدهم بطرف درهٔ جنوبی که عمق بیشتری داشته ساخته شده بود درابتدابرروی این کوه سنگی منفرد ومجزا کاخهای آپادانا وتچروهدش وبنای مدخل تخت جمشید وقسمتی ازصد ستون وچند بنای جنب کاخ آپادانابنیان نهاده شد. بین قسمت غربی صفه و کوه رحمت دره‌ای قرار داشته است که به درهٔ جنوبی منتهی میگردند وبعداً دراین قسمت ، کاخ صدستون ومجموعه بناهای خزانه ایجاد شد برسطح این کوه مجزا که سه سمت آن به استثنای قسمت شرقی سنگ چین شده است کف بناها به نسبت اختلاف سطح طبیعی صخره در ارتفاعات مختلف قرار دارد. که بلندترین قسمت را درزیر کاخهای تچروهدش وآپادانا مشاهده میکنیم.

منظره کنونی این مجموعه گسترده هر بیننده را به‌تفکر وامیدارد که درزمان گذشته وضع عمومی آن چه بوده‌است؟ داریوش بزرگ بچه منظوری این محل را انتخاب کرده و آب مورد مصرف ساکنین صفه‌وبستان سرای زیر آن از کجا تأمین میگردید؟

گرچه‌سالهاموضوع‌تأمین‌آب مورد نیازتخت جمشید درزمان هخامنشی مورد بحث و گفتگو بوده‌است ولی اخیراً براثر مطالعاتی که‌بوسیله‌نگارنده انجام گرفت شاید تاحد زیادی چگونگی این امرروشن گردد وبدین مناسبت نتیجه مطالعات خودرا دراین باره باطلاع علاقمندان میرساند.

بطوریکه از ظواهر بنا و آثار مکشوفه نمایان است تخت جمشید در زمان هخامنشی از دوقسمت تشکیل میگردید.

اول - صفه و کاخهای آن

دوم - بناهای زیرصفه که بوسیله دیوار دومی محصور شده و دوطرف این دیوار به‌حصاربرجهای‌بالای‌کوه‌رحمت‌مربوط میگردید

سوم - بستان سرای وسیعی‌که صفه و بناهای مزبور را در برگرفت.

در حال کنونی ارتفاع صفه تخت جمشید درهمه‌جا یکسان نیست بلندی قسمت شمالی وغربی‌وجنوب غربی بیش‌ازقسمت شرقی‌وجنوبی‌آنست. ولی با کمی دقت در وضع عوارض طبیعی زمین معلوم میگردد ارتفاع درهٔ شمالی صفه‌درزمان هخامنشی‌بیش‌ازارتفاع قسمت غربی وبخصوص درهٔ‌جنوبی آن بوده است. اختلاف سطح بناهای روی صفه بمناسبت وضع طبیعی کوه سنگی مجاور کوه رحمت بوجود آمده‌است ضمناً دردرهٔ جنوبی ارتفاع صفه کمتر بنظرمیرسد درصورتیکه دراین قسمت ارتفاع دیوارصفه ازسطح صخره اولیه کمتر از سایر قسمتها نمیباشد ولی عمق درهٔ جنوبی باعث گردید که ارتفاع سطح سنگ‌چین این قسمت هم‌سطح دیواره‌های غربی و شمالی نباشد البته بانیان تخت جمشید هم مایل نبودند که ارتفاع دیوارهای جنوبی را هم‌تراز قسمتهای دیگر بنمایند. چون این اختلاف سطح زیبائی خاصی به

آمده است و نیز با کمی دقت دردیـوار جنوبی صفه، عمق سنگ تراشیده ،از سطح کنونی در حدود ٦متر پائین‌تر است و نیز کف اطاقهای کاخ‌های پائین صفه اکنون هم سطح زمین یا پائین‌تر ازآن قرار دارد در صورتیکه کف کلیه آنها نسبت به سطح بـاغ باید بلندیهای متفاوتی می‌داشت از طرفی وجود استخری در منتها الیه بنا های جنوبی پائین صفه تخت ، وجودآب را دردرهٔ مزبور محرز میسازد. چون آب استخر مزبور ازآب درهٔ جنوبی تأمین میشد برای اینکه ارتفاع آب درهٔ جنوبی در زمان هخامنشی درپای صفه جنوبی معلوم ووضع اولیه درهٔ مزبوراززیر خاك نمایان گردد لازم‌است کلیه خاکهائی که دراثر کاوشهای سالهای گذشته‌وسیلابهای قرون متوالی‌دراین دره انباشته شده‌است با وسائل کافی از آنجا خارج کرده و در کشتزارهای مجاور پخش گردد تابدین وسیله بتوان دره مزبوررا از زیر خروارها خاکهای زائد پاك کرد بااین‌کاراولاً عمق اصلی دره جنوبی و دیوارهای صفه دراین قسمت کاملا آشکار میگردد ثانیاً منبع اصلی آب دره جنوبی که درپای صفه جمع میشد و بصورت آبگیر طبیعی خودنمائی میکرد نمایان خواهدشد، زیراچاهی که اکنون دردرهٔ جنوبی وجود دارد عمق آن از هشت متر تجاوز نمیکند ضمناً دارای آب دائمی فراوانی‌است که‌درهیچ فصلی خشك نمیشود همین‌امرباعث‌امیدواری است که‌اگر روزی‌خاکهائی‌ازدرهٔ جنوبی خارج شودشکل بناهای زیرصفه و آب‌نمای آن بصورت اصلی جلوه گرخواهد شد.

برای تعیین ارتفاع آب زیر صفه میتوان از اختلاف سطح استخر موجود در سمت‌چپ درهٔ جنوبی استفاده کرد در نتیجه سطح‌آب آبگیرپای صفه‌را معلوم داشت . شیبی که اکنون از صخره های قسمت غربی شروع شده وبه صخره‌های جنوبی منتهی میگردد شکل‌آبگیرهای صفه‌را تا حدی مشخص میسازد چون زمینهای دره جنوبی مشرف بهمین آبگیر بود و این گـوشه مهمترین‌قسمت‌مسکونی‌را تشکیل می‌دادبناهای مهم‌زیرصفه درکنارآن‌ایجاد شده‌بودتاساکنین آن‌بتوانند بسهولت‌ازآب‌درهٔ مزبور استفاده کنند .

باتوجه‌به‌مطالب فوق معلوم میگردد که شالوده کلیه دیوارهای سنگچین صفه تخت‌جمشیدبرروی صخره‌های همین کوه مجزا گذارده‌شده‌است ازطرفی چون عمق درهٔ جنوبی زیاد بود شالوده دیوار دراین قسمت از عمق بیشتری شروع گردید. گرچه بانیان تخت جمشید میتوانستند ارتفاع صفه جنوبی را هم‌سطح قسمت غربی بسازند ولی همانطوریکه قبلا اشاره رفت این امرباعث جلوگیری از دید کاخهائی میشد که در پشت هم قرار داشتند بدین جهت اختلاف سطح کاخهای روی صفه فقط بمنظوراستفاده ازنور بیشتر ودید مناظر جلگه مرودشت و فضای باغ وسیع پای صفه بوجود آمد.

آب‌تخت جمشید در زمان هخامنشی ازدرهٔ جنوبی تأمین میگردیده: بنظر میرسد که‌اززمانهای بسیاردوراین دره‌دارای آب‌فراوان بوده‌است«همین‌امر بعداً توجه‌شاهنشاهان هخامنشی‌رابسوی خود جلب‌نمود وبدستور داریوش‌بزرگ بنیادکاخهای تخت‌جمشید دراین محل گذارده شد. زیرا دواصل‌قدیمی اهمیت قسمت جنوبی صفه را تأیید میکند یکی وجود کاخهای متعددی است که به فاصله معینی از دیوار صفه در قسمت جنوب و جنوب غربی ساخته شده است دیگر اولین کتیبه داریوش که‌بردیوار جنوبی صفه نقر گردیده. باتوجه به‌دو نکتهٔ فوق این نتیجه بدست میآید که درزمان هخامنشیان درهٔ جنوبی تخت جمشید محل مصفائی بوده و آب آن علاوه برباغ زیرصفه قسمتی از جلگه مرودشت را سیراب میکرد در چند سال قبل نیز در درهٔ مزبور چاهی حفر شده‌است که عمق آن از ۸متر تجاوزنمینماید ودارای منبع آب فراوانی‌است که قسمت عمدهٔ آن تا شهر تازه ساز مرودشت روان است. پیدایش این آب زیرزمینی دردرهٔ جنوبی مربوط بدوران اخیر نبوده‌بلکه درزمان هخامنشی هم وجود داشته است فقط باید علت کور شدن مجاری آنرا تحقیق و تفحص نمود. همانطوریکه قبلاذکرشد درهٔ جنوبی صفه تخت جمشید درزمان قدیم وضع کنونی را نداشت بلکه این دره بتدریج بوسیله لایه‌های سیلابی کوه رحمت و خاکهای آوار کاخهای صفهٔ تخت جمشید پرشده وبوضع امروزی در

شمال
جاده شیراز

نکته دیگر یکه جلب توجه میکند وجود کتیبه داریوش بزرگ در قسمت جنوبی دیوار صفه میباشد . در آغاز امر بنظر میرسد که کتیبه مـزبور در جای مناسبی نقر نشده است ولی با توجه بمطالب فوق میتوان دریافت که در روزگار آبادانی تخت جمشید محل آن در بهترین نقطه قرار داشته است که مشرف بباغ و آبگیر زیر صفه بود و کسی نمیتوانست به آسانی بدان دسترسی یابد مطلب دیگری که اهمیت قسمت جنوبی تخت جمشید را محرز میسازد وجود بناهائی نظیر کاخهای روی تخت میباشد که در پائین تکرار شده است .

در پایان جای امیدواریست که با کاوشهای پی گیر اداره کل باستان شناسی در تخت جمشید بتوان روزی وضع قسمت جنوبی تخت را احیا نمود چون عمل خاك برداری در این ناحیه علاوه بر کشف بناهای زیر تخت جمشید سبب پیدایش آبگیر زمان هخامنشی و آثار دیگری مربوط به بناهای روی صفه خواهد شد . ضمناً موقعیت بناهای زیر صفه را نسبت به یکدیگر در زمان شاهنشاهان هخامنشی کاملا روشن خواهد کرد . درخاتمه متذکر میگردد که در نقشه های ضمیمه این مقاله حدود فرضی آب نما در درهٔ جنوبی نشان داده شده است و البته پس از کاوش شکل اصلی آن در زمان هخامنشی وقبل از آن بصورت قطعی نیز معلوم خواهد شد .

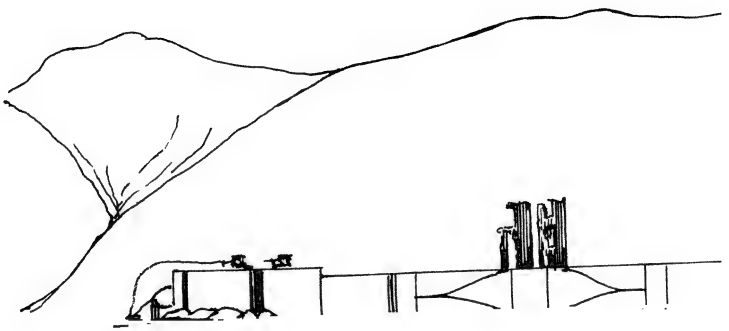

یادداشت مجله

مقالهٔ حاضر از سلسله سخنرانیهائی است که در دومین کنگرهٔ تاریخ و فرهنگ ایران که در آبانماه ۱۳۴۸ در تهران برگزار گردید ایراد شده ، ما از نظر اهمیت موضوع و ارزش وجودی آن با کسب موافقت وزارت فرهنگ و هنر بچاپ آن مبادرت می‌کنیم. بدین‌سبب مجلهٔ بررسیهای تاریخی از جناب آقای دکتر صادق کیا معاون محترم وزارت فرهنگ و هنر صمیمانه سپاسگزاراست.

شاهنامهٔ فردوسی و تاجنامه‌های ساسانی

بقلم

محمد محمدی

(دکتر در ادبیات)

شاهنامهٔ فردوسی بنا به عقیدهٔ مشهور وبنا بر آنچه از مقدمه‌های آن بر می‌آید، چه مقدمهٔ قدیم وچه‌مقدمهٔ جدید، مبتنی است بر شاهنامهٔ ابومنصوری که در اواسط قرن چهارم هجری به فرمان ابومنصوربن‌عبدالرزاق‌طوسی‌از نامه‌های کهن‌ایرانی گردآوری شده‌است. ومأخذاصلی‌شاهنامهٔ ابومنصوری‌هم کتاب«خداینامه» بوده است که در اواخر دورهٔ ساسانی تدوین شده و عبارت بوده‌از داستانهای‌ملی وحوادث تاریخی‌آن از قدیمترین‌زمانها که‌هنوز شکل تاریخی بخود نگرفته بود وداستانها سینه‌به سینه‌نقل می‌شدند تادورانیکه

زیرا امروز ما در ضمن جستجو ها و کاوشهای خود جسته گریخته به مآخذی برمی‌خوریم که با آنکه در اصالت آنها شکی نیست معذلك مطالب آنها در کتب تاریخی وشاهنامه‌ها منعکس نشده . و چون موضوع سخن‌ما در اینجا شاهنامهٔ فردوسی‌است ازینرو بحث خود را بهمین کتاب‌و بعضی‌مآخذ ساسانی محدود می سازیم .

استاد فقید پروفسورآرتور کریستن‌سن که بدون شك یکی‌ازمحققان کم نظیر دربارهٔ تاریخ وتاریخ تمدن دورهٔ ساسانی‌است درتعریف منابع‌ساسانی که مورد استفادهٔ مورخان‌عرب وایرانی قرار گرفته گوید «سرچشمهٔ‌اطلاعات فردوسی‌وثعالبی‌یکی بوده است. دراکثر روایاتیکه مؤلفان مذکور ازخدای نامك‌نقل کرده‌اند مطالبی‌هم‌ازسایرمآخذپهلوی‌مثل‌آئین نامك وتاجنامك‌و اندرزها ورمان‌های عامیانه گرفته وداخل نموده‌اند . »[۱]

در اینجا صحبت ما برسر کتابی است که در این عبارت بنام «تاجنامك» ذکرشده و علت انتخاب این موضوع‌آن است که تحقیق در این امر علاوه‌بر فائده‌ای که‌ازنظربحث در مآخذشاهنامه دارد در روشن ساختن یك راه‌جدید برای تحقیق در ادبیات ساسانی نیزدارای اهمیت فراوان است .

شاید لازم باشد که بعنوان مقدمه به‌این مطلب توجه کنیم که‌پس‌ازانقضاء دورهٔ ساسانی‌آثار و نوشته‌هائی که ازآن دوره در رشته‌های مختلف ادب و تاریخ وبعضی‌ازعلوم معمول‌آن عصربه‌مسلمانان رسید کم نبود . توجه‌خاصی که در دورهٔ ساسانی و بخصوص از زمان خسروانوشیروان به‌بعد به‌فرهنگ و ادب وعلوم عصرمی‌شدباعث شده بود که کتب متعددی در رشته‌های‌مختلف علم و ادب بزبان پهلوی تألیف ویاترجمه گردد وبه‌این‌جهت دراواخرآن‌عصر زبان پهلوی زبانی‌نسبتاً پرمایه بود و در رشته‌های ادب و فرهنگ‌سرمایه‌ای قابل توجه داشت .

۱ - ایران در زمان ساسانیان ، ترجمهٔ رشید یاسمی ، تهران ۱۳۱۷ ، ص ۴۰

جنبهٔ تاریخی بخود گرفته‌ووقایع ثبت وضبط میشده‌اند . واین کتاب‌مهمترین مأخذی بوده‌است که در بارهٔ تاریخ‌عمومی ایران وبعضی‌از سرزمینهای تابع آن درزبان پهلوی وادبیات ساسانی وجود داشته است .

کتاب خداینامه پس‌از غلبهٔ‌اعراب و انتشار اسلام در ایران از دو طریق مستقل وجدا ازهم به‌عالم اسلام وایران راه یافت . یکی بوسیلهٔ ترجمهٔ عربی آن که درنیمهٔ اول‌قرن دوم‌هجری بعمل‌آمد ودیگر بوسیلهٔ ترجمهٔ‌فارسی‌آن که‌خیلی پس‌از این‌تاریخ واحتمالا در قرن چهارم‌صورت گرفته‌است . ترجمهٔ آن درعربی بنام‌سیرالملوك یا سیرملوك الفرس خوانده شد ودر فارسی بنام شاهنامه معروف گردید که قبل ازفردوسی‌هم کسان دیگری در صدد جمع یا نظم‌آن بوده‌اند وکم‌وبیش آثاری هم به‌نثر یا به‌نظم در این زمینه بوجود آورده اند ولی‌عظمت شاهنامهٔ فردوسی همهٔ آنهارا به‌دست فراموشی‌سپرد .

کتاب‌خداینامه‌هرچندمهمترین وبزرگترین کتابی بوده که دربارهٔ‌تاریخ وداستانهای‌ایرانی درزبان پهلوی وجود داشته ولی دراین‌زمینه مأخذمنحصر بفردنبوده‌است.غیرازخداینامه کتب تاریخی دیگری‌هم در زبان‌پهلوی‌وجود داشته‌اند که‌خودسندی‌مستقل بشمارمی‌رفته‌اند.ومانند بعضی‌ازداستانها وقصه های‌مستقل که‌به‌تدریج به‌خداینامه یا ترجمه های‌آن افزوده گشته وجزء‌آن شده‌اندواین کتابهادرخدای‌نامه‌واردنشده‌وهمچنان‌مستقل وجدا باقی مانده‌اند. و علت اینکه در بعضی از کتب عربی قدیم و همچنین در شاهنامهٔ فردوسی مطالبی دیده می‌شود که در همه یا بعضی از کتب دیگر نیست همین‌است که هر یك از مؤلفان علاوه بر خداینامه از مأخذ دیگری هم که بدون شک با مآخذ قدیم پهلوی‌ارتباط داشته بی واسطه یابا واسطه استفاده کرده‌اند .

ولی باوجوداین‌نمی‌توان گفت که تمام‌مآخذیکه در ادبیات پهلوی‌وجود داشته مورداستفاده تاریخ نویسان‌عربی‌زبان ویا گردآورندگان شاهنامه‌های فارسی قرار گرفته وخارج‌از آنچه دراین کتب مندرج‌است سند دیگری‌شامل مطالب‌دیگری درتاریخ ایران در ادبیات ساسانی وجودنداشته‌است .

عربی رفته ویا اثری ازآنها برجای مانده باتفحص ودقت بررسی کنیم شاید به رقمی نزدیك به صد یا متجاوز ازآن برسیم [۲].

هرچند برخی ازآثار دورهٔ ساسانی‌بعدها بزبان فارسی هم نقل شده‌ولی هرگز همهٔ این‌آثار بدان صورت که به عربی ترجمه گردید به زبان فارسی درنیامد، وجزآثارمعدودی‌ازآنها درادبیات‌فارسی‌راه نیافت. آنهم‌چندقرن‌پس ازانقضای دولت ساسانی که ازآن‌دوره‌آثارزیادی در دست نبود وبه‌این‌جهت است که بسیاری از کتب ورسائلی که به عربی ترجمه گردیده و نامی ازآنها در مآخذ عربی باقی مانده درمآخذ فارسی و درآثار بازماندهٔ زبان پهلوی ناشناخته و ناآشنا است.

از این‌رو ادبیات عربی‌دردورهٔ عباسی وبخصوص‌آن دسته ازعلوم‌وآدابی که درآن عصردر ادبیات عرب بوجودآمد وقبل ازآن در زبان عربی سابقه نداشت ازنظرتحقیق درادبیات دوره ساسانی دارای اهمیت فراوانی‌است زیرا باکاوش وتجسس درادبیات عربی دورهٔ عباسی می‌توان چهرهٔ ادبی ایران را در دورهٔ ساسانی خیلی روشنتر وباشکوهترازآنچه امروزهست جلوه گرساخت.

از جمله کتبی که درهمان نیمهٔ اول قرن دوم هجری بوسیله ابن مقفع اززبان پهلوی به‌عربی‌ترجمه گردید کتاب یا کتابهائی بوده است که درمآخذ عربی به اسم «کتاب‌التاج» ذکر شده.[۳] این اسم ترجمه تاجنامه است که در پهلوی تاجنامك خوانده می‌شده است. سابقاً اهل تحقیق گمان می‌بردند که کتاب‌التاج یا تاجنامه عنوان یك کتاب بوده و گرچه استاد فقید کریستن‌سن در موردی احتمال داده بود که شاید در ادبیات ساسانی تاجنامه های متعدد

---

۲ ــ برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ مترجمان از پهلوی و کتبی که ترجمه کرده‌اند رجوع شود به کتاب نگارنده به عنوان «المترجمون والنقلة عن الفارسیة فی‌القرون الاسلامیة الاولی» چاپ دانشگاه لبنان ــ بیروت، ۱۹۶۷.

۳ ــ عیون‌الاخبار ابن قتیبه، ج ۱، ص ۸، ۱۰، ۱۳، ۴۰،۴۷، و صفحات دیگر... ج۲ وج۳ در چند موضع، الفهرست ابن‌ندیم، ص۳۱۵، ص۳۱۸. السعادة والاسعاد ص ۴۰۰،۴۳۲،۴۳۵،۴۴۲،۴۴۳.

ترجمهٔ نوشته‌های پهلوی بزبان‌عربی ازاوائل قرن دوم شروع گردید و اگر ترجمهٔ دیوان عراق را اززبان پهلوی به‌عربی سرآغاز عصرترجمه ازاین زبان بدانیم باید تاریخ‌آنرابه‌نیمهٔ دوم قرن اول هجری جلوببریم . بهرحال از نیمهٔ اول قرن دوم و بخصوص در دوران ابن مقفع که در سال۱٤۲ هجری به‌قتل رسیدکار ترجمه از فارسی به‌عربی رونقی بسزا یافت و بعدها درزمان مأمون باتأسیس بیت‌الحکمه که هم کتابخانه و هم‌دارالترجمه‌ای بود وچند تن از ایرانیان فاضل آنجا را اداره می کردند و در آن به‌کار نقل و ترجمه اشتغال داشتندکارترجمه از پهلوی هم‌همچنان رواج‌داشت بطوری که تااواخر قرن دوم و نیمه‌های قرن سوم بیشتر کتابهائی که جنبهٔ ادبی وتاریخی داشت و با محیط اسلامی هم سازگار بود به تشویق وزرای ایرانی بـه عربی ترجمه گردید .

البته قسمت عمدهٔ‌آن ترجمه ها بتدریج بخورد زبان عربی رفت و جزء مؤلفاتی گردید که دراین زبان بوجودآمد و کم کم‌ازآنها جزنامی بـاقی‌نماند وشایداز بسیاری‌ازآنها حتی‌نامی‌هم‌باقی‌نمانده‌باشد. ولی‌با مراجعه‌به‌آن‌نامها واطلاعاتی که ازمنابع قدیم عربی وبخصوص از ادبیات دورهٔ عباسی بـدست می‌آیدمعلوم می‌شود که درقرنهای نخستین اسلامی عدهٔ نسبتاً زیادی ازآثار پهلوی به عربی ترجمه‌شده. خیلی بیش ازآنچه معمولا تصورمیرودبوده‌است .

اگر همهٔ مآخذقدیم عربی را با دقت جستجو کنیم و کسانی‌را که‌بعنوان مترجم زبان پهلوی به‌عربی نامی‌ازآنها در این کتابها باقی مانده ویا ترجمهٔ کتابی را ازپهلوی بعربی بآنها نسبت‌داده‌اند ــ اگرچه مترجم‌حرفه‌ای‌بشمار نمیرفته‌اندــ جمع کنیم‌شایدعدهٔ‌آنها از۳۰ نفر متجاوز گردد. واگر کتابها و رسائلی هم که ازپهلوی به عربی ترجمه شده وذکری ازآنها درمآخذ قدیـم

آنها را دردسترس نداشته‌اند. ولی برای اینکه این داوری مبتنی برحدس و گمان نباشد عجالتاً آنرا محدود به‌همان قسمتی می کنیم که فرصت مقایسه و سنجش مطالب آن با مطالب شاهنامه دست داده و در آن تا حدی بحث وبررسی شده‌است .

یکی از کتابهائی که ازنوع همین تاجنامه ها بوسیله ابن مقفع به عربی ترجمه شده کتابی بوده که در الفهرست ابن ندیم بنام « کتاب التاج فی‌سیرة انوشروان» یاد شده، یعنی« تاجنامه در سیرت انوشروان ». گرچه تا چندی پیش بعضی از خاورشناسان بسبب آنکه اثری ازچنین کتابی درجائی نیافته بودند- ووجود چنین کتابی با گمان آنهادائر بریگانه بودن کتاب تاجنامه مغایرت داشت-دروجود چنین کتابی درادبیات ساسانی تردید داشتندوعبارت «فی سیرة انوشروان» را الحاقی میشمردند ولی همانطور که گفتیم امروز ما دربارهٔاین کتاب اطلاعات جامعتری داریم وحتی قسمتهائی ازترجمهٔ عربی‌آن را هم دربعضی‌ازمآخذ عربی یافته‌ایم[۶] که‌نه‌تنهابرای فهم‌نوع مطالب تاجنامه ها بلکه حتی برای روشن ساختن بعضی ازحوادث دوران خسروانوشیروان بسیارمفید وجالب است .

کتاب‌التاج‌فی‌سیرة انوشروان شرح‌حال وکارنامه‌ای بوده‌است ازخسرو انوشروان که انشا کنندهٔ آن خود وی بوده و به اصطلاح امروز یك Auto Biographi است . آثاری که توانسته‌ایم‌تا کنون از این کتاب از مآخذقدیم‌عربی به‌دست‌آوریم شامل‌چندموضوع‌ازحوادث‌مهم‌عصر انوشروان است که‌علاوه برآنچه معمولا در تواریخ مستند به‌خداینامه‌ومنابع‌دیگریافت می‌شود دارای اطلاعات بیشتر ودقیقتری است . از مقایسهٔ این مطالب باآنچه

۶- نویسندهٔ این مقال درچندسال پیش این قطعات را به‌فارسی برگرداند وبامقدمه مفصلی در بارهٔ این تاجنامه در دو شماره از مجلهٔ الدراسات‌الادبیة نشریه کرسی فارسی دانشگاه لبنان دربیروت باعنوان «کتاب التاج فی‌سیرة انوشروان» به‌چاپ‌رسانید.وآنچه دراین مقال ازاین تاجنامه نقل می‌شود همه ازآن ترجمه است .

وجود داشته [٤] لیکن این امر از حداحتمال تجاوز نمی کرد ولی‌امروز ما از این کتابها یابعبارت دیگراز این دسته‌از کتابها اطلاعات بیشتری داریم.امروز ما میدانیم که تاجنامه درادبیات پهلوی عنوان خاص یك کتاب نبوده بلکه مانند بیشتر عناوین‌آن دوره همچون «اندرزنامه» و «پندنامه» و«آئین نامه» عنوان عمومی کتابهائی بوده است که درموضوع خاصی‌تألیف‌میشده .

موضوع تاجنامه‌هامعمولاچیزهائی‌بوده که‌دانستن‌آنها برای پادشاهان و شاهزادگان وطبقه اشراف مملکت ازلحاظ‌آشنا شدن با رسم‌وآیین شاهی و مملکت‌داری وآگاهی‌برسر گذشت پادشاهان گذشته وسنتهای ایشان‌ضروری وجزء فرهنگ‌مخصوص‌این‌طبقه بشمار می‌رفته وبه‌این‌جهت‌هم‌باعنوان‌عمومی «تاج» که‌ازمختصات‌پادشاهان بوده‌شناخته شده‌اند . این‌قبیل کتابها یامشتمل برتعلیماتی‌درامورسلطنت و تشریفات درباری بوده و یا متضمن شرح حال و سر گذشت و کارنامهٔ یکی از پادشاهان وسخنان حکیمانه واندرزهائی که‌در موضوعهای‌مختلف از زبان‌آنها روایت‌می‌شده است .

بطورقطع نمیدانیم که درادبیات ساسانی چندکتاب از این نوع وجود داشته ولی ازجستجوهائی که‌تاکنون به‌عمل‌آورده‌ایم‌نام‌ونشانی‌ازچهار کتاب از این نوع که بزبان عربی ترجمه شده یافته‌ایم که چون در جای دیگر [٥] دربارهٔ آنها بطور تفصیل بحث شده در اینجا به تفصیل آن نمی‌پردازیم.

دراینکه‌آیافردوسی‌یا گردآورندگان‌شاهنامهٔ ابومنصوری ازاین کتابها استفاده کرده‌اند، ویا اینکه متن پهلوی این کتابها تا اواخر قرن چهارم باقیمانده و در دسترس ایشان بوده است شك وتردید فراوان هست. بلکه اگر بخواهیم ملاك داوری خود را دراین باره آن قسمت از آثار باز مانده از بعضی از این تاجنامه‌ها ومقایسه‌آن بامطالب شاهنامه درهمان زمینه قرار دهیم باید بگوئیم که گردآورندگان شاهنامه از این مآخذ بی‌اطلاع بوده یا

٤ــ ایران درزمان ساسانیان، ترجمهٔ رشید یاسمی، ص٣٤

٥ــ رجوع شود بکتاب نگارنده بنام «الترجمة والنقل عن‌الفارسية في‌القرون‌الاسلامية الاولى» جلد اول«کتب‌التاج وآلابين». انتشارات دانشگاه‌لبنان- بیروت، ١٩٦٤

نشسته بودم، وبرای سفیرانی که‌ازسوی‌خاقان هیتالیان وچین‌وقیصر ربار گاه‌مابودندطعام گسترده‌بودند، که‌نا گاه‌مردی‌ازاسواران‌باشمشیر رون‌آمد وتا نزدیك پرده پیش دوید وپرده را درسه‌جای بدرید [۹] ست بدانجا کـه مـا نشسته بودیم در آید وبما حمله کند یکی از به من اشاره کرد کـه شمشیر برکشم و به‌استقبال اوشتابم ولی من م که اگر اوتنها یك مرد باشد میان من و اوحائل خواهند شـد و وهی باشند شمشیر من کاری از پیش نخواهـد برد. ترس به‌خود راه زجای نجنبیدم. یکی ازنگهبانان اورا گـرفت مردی بود از ری از ن وخاصان خود ما تردیدی نبود که کسان‌بسیاری همرای اوهستند. استند که درآنجا ننشینم وبزم‌شراب را درجمع حاضـرنشوم تا کنه شکارشود. خواست آنان را اجابت نکردم تا سفیـران در من بیم و نبینند وبرای شراب بیرون‌آمدم، چون ازآن کار فـراغت یافتم مـرد ببریدن دست وعقوبتهای دیگربیم دادم تا نام کسی که اورا بدینکار خته براستی بگوید و به‌او اطمینان دادم که اگر راست گویداز آن بتی بدو نرسد. گفت گروهی که از خود کتابها وسخنانی پرداخته و که ازسوی خدا است اورابدینکاروا داشته وبدو گفته‌اند که کشتن ا به بهشت خواهدبرد. چون از این امرجویا شدم آنرا درست یافتم. دادم تا مرد رازی را رها کنند وآنچه ازمال او گرفته بودند باوبـاز د وبزدن گردن آن کسانیکه دینی به‌دروغ آورده و او را بدینکار ه بودند فرمان دادم وازآنها کسی را برجای نگذاردم. »

چنانکه گذشت‌ازاین واقعه‌هیچ ذکری درشاهنامه نشده‌وهمچنین‌است یگری از دورهٔ انوشروان که در تواریخ غربی منعکس شده ولی در

لسی که درحضور پادهاشان‌تشکیل می‌یافت پرده‌ای پادشاه را ازحضارجدامیکرد . شاهی و پرده مذکور ده ذراع بود و بین پرده و مقام اعضاء طبقه اول‌نیز ده له بود (جاحظ ومسعودی)

در شاهنامه فردوسی در تـاریخ وقایع زمان انوشروان نقل شده این نتیجه بدست می آید که این کتاب در دسترس گردآورندگان شاهنامه نبوده است. واز این اوراق میتوان در روشن ساختن بعضی از نقاط دورهٔ انوشروان که در تواریخ شرقی روشن نیست استفاده نمود. و اینك برای اینکه هم با این کتاب بیشتر آشنا شویم وهم مطالب آن را با شاهنامه بسنجیم چند نمونه از مطالب آنرا در اینجا ذکر می کنیم :

۱- پروکوپیوس تاریخ نویس رومی که همزمان انوشروان وژوستینیان قیصر روم بوده وحوادث جنگهای روم وایران را در این زمان برشته تحریر کشیده خبری را دربارهٔ سوء قصد نسبت به انوشروان نقل میکند که ظاهراً در تاریخ رسمی دورهٔ ساسانی یعنی خدای نامك منعکس نشده بوده است. پروکوپیوس این سوء قصد را در اثر توطئه بزرگان ایران که ازروش حکومت انوشروان دلگیر ودرصدد بوده اند دیگری را ازخاندان قباد به شاهی بنشانند دانسته است.[۷] اگرچه این نظر پروکوپیوس دربارهٔ نسبت دادن سوء قصد به بزرگان ایران باسیر حوادث درزمان انوشروان هم آهنگ بنظر نمیرسد زیرا خسرو انوشروان بیش از هر پادشاه دیگر باقلع و قمع مزدکیان به بزرگان ایران خدمت کرده وهیچ موجبی برای دلگیری آنان تا این حد که بچنین کار خطیری دست بزنند وجود نداشته است ولی درهرحال خبر جالبی است که از نظر مطالعه دروضع دورهٔ ساسانی قابل مطالعه است. درشاهنامه فردوسی هیچگونه اشاره ای به این حادثه وجود ندارد ولی دراوراق بازیافته از کتاب سیرت انوشروان این حادثه بصورتی بیان شده است که با سیر حوادث دورهٔ انوشروان منطبق تر ودرنظر عقل ومنطق درست تر بنظر می رسد. دراین اوراق این حادثه چنین بیان شده[۸]:

« روزی در هنگامی که برای گذراندن تابستان به همدان میرفتم در

۷- تاریخ جنگهای ایران وروم، ترجمه محمد سعیدی ص ۱۱۰-۱۱۱

۸- الدراسات الادبیة، نشریه کرسی فارسی دانشگاه لبنان، بیروت، ۱۹۶۲ ج ۳ ،ص ۳۴۷.

از وقایع مهم دوران انوشروان مسالهٔ روابط ایران باخزرها درقفقاز و کرانه‌های شمال غربی دریای خزر بود. و دراین قسمت غالباً نواحی شمال غربی ایران موردتاخت وتازاین قبایل قرار می گرفت گاهی نیز ازطرف‌دولت روم پشتیبانی می‌شدند. بیش از یکبار انوشروان به‌آن حدود لشگر کشید و برخی از قبایل ترك را مطیع ساخت و هردسته ازآنها را تحت فرماندهی یکی از سرداران خود در ایالتهای شمالی قرارداد. در شاهنامهٔ فردوسی از سفرهای خسرو به‌قفقاز ذکری نشده و بطور کلی سفرهای جنگی انوشروان در شاهنامه قدری درهم است وغالباً درتعیین محل جغرافیائی آن‌مسامحه‌ای دیده‌میشود.ولی‌در کتاب‌سیرت‌انوشروان‌دربارهٔ‌دوسفرجنگی‌خسرو انوشروان بقفقاز اطلاعات دقیق‌ونسبتاً مفصلی‌بدست می‌آید. سفراول چنین‌بیان‌شده:[۱۲]

« ترکهائی که در ناحیه شمال بودند شرحی از تنگدستی و نیازمندی خود به ما نامه کرده و نوشتند اگر چیزی به‌آنها ندهیم بکشور ماخواهند تاخت. آنها چند چیز میخواستند یکی‌آنکه‌آنان را در سلك سپاهیان خود درآوریم وبرای‌آنها وظیفه‌ای مقرردارایم که بدان زندگی کنند و ازسرزمین گنجه و بلنجر وآن‌ناحیه به‌اندازه‌ای که بتوانندروزی خود را ازآن‌بدست آورند به‌آنهاواگذاریم. من صلاح چنان دیدم که خوددر همان راه تادربند صول‌پیش روم. می‌خواستم شاهانی که ازطرف مابرآن نواحی گمارده‌شده‌اند بدانند که‌ما چگونه هرزمان اراده کردیم‌برای‌سفرآماده و به‌اینکارتوانائیم. و همچنین می‌خواستیم که آنها هیبت‌شاهی و کثرت سپاهی وآمادگی تمام و سلاح کامل ما را که بدان بر دشمنان خود چیره می گردند به‌بینند و نیروی پشتیبان خود را در هنگام نیازمندی بشناسند. ونیزمیخواستم که‌آنها را در این سفربادادن پاداش و بخشیدن مال و نزدیك ساختن بخود و باسخنان نرم و ملاطفت‌آمیز دلخوش‌دارم، تا این عمل دوستی و گرایش آنها را نسبت بما بیفزاید وآنان را درجنگ بادشمنان ماسرسخت و پایدارترسازد. وهمچنین

۱۲ ــ مرجع سابق، ص ۳۵۵

شاهنامه از آن اثری نیست و در سیرت انوشروان تفصیل آن واقعه آمده است و آن موضوع تعقیب و آزار آن دسته از اشراف و نجبای ایرانی است که دیانت زردشتی را ترك نموده و به‌دین مسیح گرویده بودند. به‌این واقعه یکی از مورخین کلیسای مسیحی بنام J.La Baurt در کتابی که بعنوان «مسیحیت در امپراطوری ایران درزمان ساسانیان» نوشته، اشاره کرده و تاریخ آنرا در آغاز جنك ایران و روم نوشته و واسطه و عامل این کاررا هم هرمز موبدان‌موبد انوشروان‌دانسته‌است[۱۰]. به‌این واقعه‌هم‌درشاهنامه فردوسی و احتمالا درمآخذ دیگری که‌هم از خداینامه استفاده کرده‌اند اشاره ای نیست،ولی در کتاب سیرت انوشروان تفصیل این واقعه به این صورت ذکر شده است.

« موبدان‌موبد بما گزارش کرد که گروهی‌ازاشراف که‌آنهارانام‌برده‌بود، و برخی ازآنها بردرگاه ما حاضر و بعضی درشهرهای‌دیگر بودند، دینشان مخالف دینی است که ما از پیامبر و دانایان خود به‌ارث برده بودیم، و که آنها درنهان بدین خود سخن می گویند و مردم را به‌آن‌می‌خوانند، ودر این امر تباهی مملکت است زیرا با این حال رعیت یکدل نخواهند ماند تا همه آنچه را که شاه دردین‌خودحرام میشمارد حرام بشمارند وآنچه را که او روا میداند روا بدانند . . . من‌آن پراکنده دلان را خواستم تا باآنها گفتگو و مجادله شود و برحقیقت واقف گردند وآنرا گردن نهند . و فرمودم تاآنها را از شهرو کشور و قلمروفرمانرائی من دور کنند و هرسو به جستجو پردازند تا هر که بر دین آنها است باآنان‌نیز به همانگونه‌رفتارشود»[۱۱] La Bourt در این باره‌می‌نویسد که شدت جنگ ایران و روم برآتش تعصبات‌دینی‌دامن میزد و شاه اگر چه این آزارها را قبول نداشت لکن محض رعایت سیاست اغماض و تحمل می‌نمود .

10— J.labourt, le Christianisme dans L'empire Perse Sous la dynastie Sassanide. Paris 1904 ص۱۷۶ببعد

۱۱- الدراسات الادبية ، ج۳ ، ص ۳۰٤

«من در پذیرش آنان چندین فائده دیدم از آنجمله یکی توش و توان و دلیری آنان بود ، و دیگر این بود که بیم داشتم از اینکه احتیاج آنانرا وادارد تا به - قیصر یا پادشاه دیگری روی آورند و آنان بکمك این ترکان توانائی یافته و برما چیره شوند .

«قیصر پیش از این هم این ترکان را با دستمزد گزافی برای جنگ با شاهان کشور ما بمزد میگرفت و آنها را در آن جنگ بسبب همین ترکان شوکتی بود زیرا ترکان لذت زندگی را نچشیده اند و سختی زندگی آنها را برمرگ دلیر میسازد . به آنها نوشتم :

«ما هر کسی را که در اطاعت ما در آید می پذیریم و آنچه را داریم از کسی دریغ نمیداریم و به مرز بان در بند نیز فرمانی نوشتم که آنها را دسته دسته بدرون کشور راه دهد . بمن نوشت که پنجاه هزار تن از آنان با زنان و فرزندان و بستگانشان و سه هزار تن هم از سران و سرداران آنها همچنین با خانواده و زنان و فرزندان و بستگان آمده اند .

«چون این خبر بمن رسید خواستم که آنان را بخود نزدیك گردانم تا در بزرگداشتی که از آنها میکنم و عطائی که به آنها می بخشم قدر احسان مرا بشناسند ، و با سران سپاه ما مأنوس و آرام دل گردند که هرگاه خواستیم آنها را با یکی از سرداران خود بجائی بفرستیم هریک را به دیگری اعتماد باشد ، پس به آذربایجان حرکت کردم و چون از آذربایجان گذشتم به آنها اجازه حضور دادم ...»

این قطعه نسبتاً مفصل است همهٔ آن با همین دقت در تعریف جزئیات همراه است که چون در اینجا مجال نیست از بقیه آن صرفنظر میشود .

گذشته از مواردی که ذکر شد موارد دیگری هم هست که در کتاب «تاجنامه در سیرت انوشروان» یافت می شود و در شاهنامه نیست و در اینجا مجال ذکر آنها نیست و غرض از بیان این چند مورد هم این بود که اولا نمونه ای از

میخواستم دژهای آنها را سرکشی کنم و در رهگذر خود از حال و وضع خراجگزاران جویا شوم.

«پس راه همدان و آذربایجان پیش گرفتم و چون بدربند صول و شهر فیروز خسرو رسیدم آن شهرهای کهنه و آن مرزها را تعمیر کردم و بساختن دژهای دیگری فرمان دادم. چون خبر فرود آمدن مادر آنجا به خاقان خزر رسید ترسید که مبادا براو بتازیم به من نامه کرد که از آن هنگام که به پادشاهی رسیده‌ام او همواره دوستدار صلح و آرامش بوده و فرمانبرداری مرا برای خود سعادتی میشمارد. یکی از سرداران او چون حال اورا بدینگونه یافت صلاح خودرا در ترك اودید و با دوهزار تن از کسان خود نزد ما آمد. ما او را پذیرفتیم و در نزد سردارانی که در آن ناحیه داشتیم جای دادیم و براو و کسانش معاشی مقرر داشتیم و فرمودیم تا در آنجا دژی به آنان واگذارند. و همچنین فرمان دادیم تا در آنجا نمازخانه‌ای برای همکیشان ما بسازند. و موبد و گروهی از مردان دین را در آن بگماردیم و دستور دادیم که به ترکانی که در اطاعت ما درآمده بودند سود فرمانبری از فرمانروایان را بیاموزند، و آنها را به دوستی و راستی و داد گری و پند آموزی و پایداری در برابر دشمن برانگیزند. و دین و عقیدهٔ ما را بنوخاستگان آنها یاددهند، و در آن مرزها برای آنها بازارهائی بپا داشتم و راههای آنهارا اصلاح کردم و منزلگاهها بساختم.»

سفردوم خسروانوشروان که درسال سی‌وهفت ازسلطنت آن پادشاه اتفاق افتاد در کتاب سیرت انوشروان بدینگونه توصیف شده است.[۱۳]

«برسرسی‌وهفتمین سال از پادشاهی ماچهار تیره از ترکان ناحیه خزر که هرتیره را پادشاهی بود به مانامه نوشتند و در آن از تنگدستی که بدان دچار شده بودند و از اینکه خوشبختی خویش را در بندگی ما میدانند سخن گفته و ازما خواسته بودند که به آنها اجازه دهیم تا بامردم خود به خدمت ما در آیند و بدانچه فرمائیم عمل کنند و آنچه را پیش از پادشاهی ما از آنها سرزده بردل نگیریم و با آنها مانند سایر بندگان خود رفتار کنیم ...

۱۳- مرجع سابق، ص ۳۶۲

زیگورات چغازنبیل

بقلم

محمود کردوانی

الف ـ کشور عیلام

نظر باینکه زیگورات چغازنبیل یکی از بناهای مهم عیلامی است مناسبت دارد قبلا مجملی‌ازتمدن عیلام شرح‌داده شود تا خوانندگان ارجمند بتوانند بدواً با این تمدن و فرهنگ شگرف و کهن آشنا شوند.

موقعیت طبیعی و وضع اجتماعی ـ فلات‌ایران‌باآب و هوای گوناگون‌ودره‌های‌عمیق حاصلخیز چون مثلثی است که مابین‌خلیج‌فارس ودریای‌خزر واقع گردیده ورشته کوههای بلندی که در دوره میوسن[1] بوجودآمده‌آن‌را احاطه کرده است کوهستانهای‌مذکورچون

۱ـ یکی از دوره‌های دوران سوم زمین شناسی است Myocen

این قطعات بازیافته از این کتاب دردست باشد و ثانیاً باین نکته توجه شود که ازخلال مآخذ عربی وادبیات زبان عربی دردوره عباسی میتوان راههای تازه‌ای برای تحقیق در ادبیات ساسانی یافت که محققان جوان نباید از آن غفلت نمایند [۱٤]

۱٤- برای تفصیل این موضوع مراجعه شود به سخنرانی نگارنده در کنگره ایران‌شناسان که درنشریه ایرانشناسی ، ج۱ باعنوان «یکی ازمهمترین منابع تحقیق در باره ادبیات ساسانی» چاپ شده است .

بین‌النهرین بوجودآورند. کوهپایه‌نشینان ایران گاهی راهنمای جنگجویانی بودند که میخواستند بمنظورهای سیاسی و اقتصادی بر کوهستانیان چیره شوند و باکمك این راهنمایان میتوانستند از راههای دشوار و معابر سخت زاگروس بگذرند.

آسانترین وصعب‌العبورترین راهی که دراین قسمت قرارداشت راه بغداد کرمانشاه ـ همدان امروزی بود. این راه سالیان متمادی مورد استفاده آشوریها قرار گرفت و سرنوشت چنین مقدر داشت که ساکنان کوهپایه‌های ایران ازهمین راه تهاجم خودرابجلگهٔ بین‌النهرین آغاز کنند واز کوهستانها بدشت سرازیرشده پرستندگان آشوررا قلع وقمع سازند.

حواشی ومحدودهٔ شرقی وجنوب شرقی ایران تقریباً غیرقابل عبوربود اقوامیکه‌دراین نواحی‌سکونت داشتند دراعصار ماقبل تاریخ ایران توانستند رابطی بین تمدنهای ایران و هند باشند وهمین ارتباط مسالمت آمیز زمینه مساعدی فراهم ساخت تادرقرون بعد داریوش‌بزرگ‌بتواند درهٔ هند وپنجاب را به‌قلمروشاهنشاهی هخامنشی منضم سازد.

مرزهای جنوبی‌ایران بعلت موقعیت خاص جغرافیائی یعنی مشرف بودن بدریا وسایر علل اقلیمی تاحدی‌مانع ازاین بود که ساکنین نوار ساحلی به آسانی روابط اجتماعی خودراباقوام مهاجر فلات ایران برقرار سازند.

رشته‌جبال زاگروس مسیرخود را درامتداد خلیج فارس ادامه میدهد و سد و حائلی بوجود میآورد که عبور از آن برای ساکنین اولیه نجد ایران دشواربودتنها معبرسهل وآسانی که فلات‌ایرانرابسواحل‌خلیج فارس وجلگه بین‌النهرین مربوط میساخت دشت خوزستان بود. رشته‌های فرعی کوههای زاگروس‌این‌جلگه‌هارا نیزمحاصره‌میکند ودنباله ارتفاعات‌آهکی‌آن که در دورانهای بسیار قدیم‌تشکیل یافته‌است‌تاکرانه‌های‌خلیج‌فارس ادامه مییابد. قله کوههای شمالشرقی‌این‌جلگه‌محاط شده‌پوشیده‌ازبرف میباشد وسرچشمه رودخانه‌های متعددی‌است که این‌دشت حاصلخیز را سیراب میسازد

دیواری گرداگرد فرورفتگی مرکزی که درحال‌حاضر بیابان خشك وبی‌آب و گیاهی است قراردارد. رشته کوههائی که ازشمال‌غربی بجنوب‌شرقی کشیده شده است بیش از هزار کیلومتر طول و دویست کیلومتر عرض دارد و بنام زاگروس خوانده میشود . چینهای موازی این سلسله جبال دره‌های سبز و خرمی را بوجودآورده که مرکز نشوونمای تمدنهای مختلف این قسمت از نجد ایران بوده است . کوههای شمالی که البرز نام دارد در امتداد کرانه منحنی‌شکل دریای خزر کشیده میشود وناحیه‌سبزوخرم ساحلی را ازمناطق خشك مرکزی مجزا میکند . البرز سراسر ضلع شمالی فلات ایران را در مینوردد، سپس به‌جبال هندو کش درافغانستان می‌پیوندد وازسمت مغرب نیز به کوههای زاگروس متصل میشود . از ملتقای این دو رشته و مجموع گره خوردگیهای‌ارتفاعات شمالی وغربی سرزمین‌آذربایجان ایران شکل‌میگیرد این خطه شاهد مهاجرت واقامت اقوام مختلفی چون مانها، مادها پارسها وترك وتاتارها بوده‌است. مادها ازاین ناحیه برخاسته‌اند وپارسها نیز قبل‌از مهاجرت‌بجنوب ایران سالیان متمادی دراین منطقه‌متوطن بوده‌اند رشته‌های فرعی البرز در خراسان چندان ارتفاعی ندارد و دارای گذرگاههای سهل ـ العبوری میباشد و دومین مدخلی است که مهاجران ومهاجمان ازآن بداخل نجد ایران نفوذ کرده‌اند با این تفاصیل میتوان نتیجه گرفت نجد ایران که از بیابانهای لم‌یزرع و کوهستانهای صعب‌العبور تشکیل شده است . ظاهراً نبایستی مورد علاقه وتهاجم اقوام خارجی قرار گرفته باشد . لیکن یورشها ومهاجرتهای اقوام مختلف‌خلاف این امررا بثبوت میرساند. چه ازاعصارماقبل تاریخ میهن ما بواسطه موقعیت ممتاز طبیعی به پلی میمانست که آسیای مرکزی رابه‌آسیای غربی متصل‌میکرد ونقش واسطه مابین تمدن وفرهنگ خاوردور ونزدیك را بعهده داشت. ساکنان فلات ایران توانستند دیرزمانی آزادی و صیانت خود را حفظ کنند و در نتیجه برقراری روابط اقتصادی و اجتماعی باهمسایگان شرقی وغربی وضع تثبیت شده‌ای برای ساکنین دشت

کشورعیلام شامل خوزستان ، لرستان ، کـوههای بختیاری وقسمتی از فارس بود واز دوقسمت جلگه و کوهستانی تشکیل میشد.

بخش جلگه‌ای آنرا دشت‌خوزستان‌تشکیل‌میداد که بوسیلهٔرودخانه‌های نسبتاً پرآبی چون‌کارون و دز و کرخه آبیاری میگشت و از دیر باز برای کشاورزی و دامپروری مناسب بود و در نتیجه برای پـرورش و پی ریزی تمدنی بزرك زمینه مساعدی فراهم میساخت.

قسمت کوهستانی عیلام را واراشی میگفتند[۲] که دارای جنگلهای انبوه و منابع احجار قیمتی و دره‌های سرسبز و حاصلخیز جهت پرورش اسب و کشاورزی بود مرکزاین ناحیه شهر شیماش‌نامیده میشد که‌حوالی خرم‌آباد کنونی قرار داشت و پادشاهان محلی عیلام درآنجا سلطنت میکردند.

آنچه مسلم است عیلامیان از هزاره چهارم قبل ازمیلاد در شوش ساکن بوده وتا آنجاکه مدارك کتبی نشان میدهد از دوهزاروششصد وهشتادوپنج سال قبل از میلاد پادشاهان عیلام در این نواحی سلطنت میکرده‌اند و این پادشاهی تا سال ٦٤٠ قبل ازمیلاد ادامه داشت وبا حملهٔآشوربانی پال برای همیشه ازصفحه تاریخ محو گردید لیکن طولی نکشید که قوم و دولت عیلام جزئی ازشاهنشاهی هخامنشی را تشکیل داد.

تحقیقات وکاوشهای باستان شناسی درشوش ثابت میدارد که قبل ازغلبه عناصرسامی بربین‌النهرین این قسمت از کشورما دارای تمدنی‌بزرك و با رور بوده است. باید یادآورشد که تاریخ بین‌النهرین عبارت ازمهاجرت اقوام و نژادهای گوناگون بدین سرزمین واختلاط وامتزاج آنها بایکدیگر میباشد وتا آنجا که میدانیم سومریها اولین ملتی بودند که‌دراین‌منطقه تمدنی‌عمیق بنیان نهادند.

اصل ومنشأ این قوم بتحقیق روشن‌نیست طی حفریاتی که بوسیله‌پوم‌پلی درنزدیك عشق‌آباد صورت گرفت درگـورکان انو[۳] اشیائی بدست‌آمد که

2- Wahrashi 3- Anu

دورشته ازاین رودخانه‌ها که نزدیك بهم جریان دارد یعنی **دز و کرخه** تقریباً بهم موازی بوده و از مرکز خوزستان میگذرد . بطوریکه درفاصله چند کیلومتری بزحمت از هم فاصله میگیرد - کرخه بطرف جنوب غربی جریان می‌یابد ودز مسیر خودرا بسوی جنوب شرقی‌ادامه میدهد وبسومین رودخانه خوزستان یعنی‌کارون می‌پیوندد . درمحلی که رودخانه کرخه به‌دز خیلی نزدیك‌میشود ودر کنار رودخانه‌شاهور دردوران باستان شهری‌بزرگ وعظیم بوجودآمد که در تاریخ ایران وبابل وعیلام بنام شوش معروف است و تمدن عیلام از همین نقطه نضج گرفت . شوش بزودی مدنیت دنیای قدیم را پذیرفت ودراقوام وطوایف بدوی ونیمه بدوی مؤثر افتاد. شهرشوش که‌امروز بصورت تپه و تلهائی چند درآمده است مرکز کشور عیلام بوده و پس از آن هنگامیکه‌حدود ایران درعصرهخامنشی‌ازدرهٔ سندتادریای مدیترانه گسترش یافت شوش چون دارای موقعیت ممتاز وراه ارتباطی مناسب بود ازاین راهها بسایر پایتختهای شاهنشاهی ایران چون هگمتانه (همدان) و تخت جمشید وبابل منتهی میگشت پایتخت ومرکز اداری کشور شد.

البته نباید تصور کرد که گذشته طولانی و مفصل عیلامیان تنها درشهر شوش خلاصه میگشته است. چه‌عیلامیان مردمانی کوهستانی بودند و تمدن اولیه‌آنان باید در دامنه کوهها و دره‌ها تشکیل شده باشد وشوش به‌تنهائی نمیتوانست نقش اساسی را درتاریخ‌عیلام ایفا کند. گمان میرود ناحیه انشان یاانزان که ظاهراً شامل قسمتهای شرقی و شمالی خوزستان ونواحی مرکزی ومغرب وجنوب فارس بوده‌است درتکوین وتکمیل این مدنیت سهم بیشتری داشته‌باشد مضافاً باینکه آب و هوای شوش این منطقه را از نظر سیاسی در درجه دوم اهمیت قرارمیدهد زیرا مدت نه‌ماه ازسال جلگه شوش کاملا گرم و دارای حرارتی طاقت فرساست و نظر استرابن را که میگوید « سوسمارها و مارها نمیتوانند درموقع ظهردر کوچه‌های شوش بخزند مگراینکه ازحرارت آفتاب وزمین غلافکن شوند » تأئید میکند.

بابل وآشور برای حفظ حدود وثغور کشورشان درجنك و ستیز بودند.بحق میتوان این قوم را اولین پاسداران مرز وبوم ایران نامید زیرا اینان قرنها کشور مارا از نفوذ عوامل بیگانه محفوظ نگهداشتند و با تمدن عمیق خود گهواره جنبان فرهنگ وهنر باستانی ایران بودند

ب ـ مذهب عیلامیان

مذهب این قوم بر پرستش خدایان متعـددی استوار بود. برخی از این خدایان بمذاهب جلگه بین‌النهرین تعلق دارد علت این امـر نیزواضح است. چه ملتهای همسایه گاهی تابع و زمانی متبوع یکدیگـر بوده وباهم روابط سیاسی واجتماعی وفرهنگی داشته‌اند.

متأسفانه آثارونوشته‌های باقیماندهٔ عیلامی که بزبانهای اکدی وسومری و بابلی تنظیم شده گذشته از نوشته های شیلهاك اینشوشیناك [6] کـه مربوط بقرن دوازدهم قبل ازمیلادمیباشد.دیگر نوشته‌ها بطور کلی مربوط بساختمان معابد و کاخها ونامهای تشریفاتی شاه وکسان وی بوده و مـدارك و اسنـاد تاریخی آن بسیاراندك است. مقداری اسناد دولتی و صـورتحسابهای مالی و اقتصادی نیز که بزبان عیلامی نگاشته شده و از شوش بدست‌آمده است بـه دورانهای نخستین شاهنشاهی هخامنشی (قرن ششم قبل ازمیلاد) تعلق دارد همچنین مقداری گل نوشته مربوط بقرنهای پنجم وششم قبل از میلاد ازتخت جمشید کشف شده که همگی شامل اسامی خاص است ومنشأ وترکیب‌نژادی ملل مختلف شاهنشاهی هخامنشیان را مشخص میکند.

برروی کتیبه‌هاو گل نوشته‌های مکشوفه از زیگورات چغازنبیل تنهـا اسامی خدایان دیده میشود وبطور کلی ازخلال این‌آثار میتوان تا اندازه‌ای وضع مذهبی عیلام را بررسی کرد

متأسـفانه عیلامیان اسماء بعضی از خـدایان را ننوشته بلکه بوسیله

6– Shilhak – Inshushinak

شباهت زیادی بکار هنرمندان سومری و عیلامی داشت درنتیجه این عقیده قوت گرفت که منشأ دو قوم عیلام و سومرمحتملا بایستی کوهستانهای شمالی ایران باشد واین اقوام بعللی که ازآن جمله شاید بتوان مهاجرت اقوام ثالثی را پنداشت ، بطرف جنوب غربی و مغرب ایران رانده شده و ناگزیر در کرانه‌های کارون و فرات مسکن گزیدند موقعیت شهر نیپپور[4] مرکز سومر نیز این نظررا تأیید میکند زیرا این شهر درمحلی قرار دارد که واسطهٔ بین فلات ایران وجلگه بین‌النهرین محسوب میگردد.

شرق شناسان ازآن جمله ادوارمی‌یر[5] طی بررسیهای مفصلی باین‌نتیجه رسیده‌اند که سومریها قبل‌ازمهاجرت سامیان به‌بین‌النهرین، گذشته‌ای تابناك ودرخشان داشته‌اند وتاآنجا که کاوشهای علمی نشان داده‌است پیش‌ازتشکیل دولتهای سامی نژاد دربین‌النهرین، سومر و عیلام دارای روابط اجتماعی و سیاسی بایکدیگر بودند.

عیلامی‌ها کشورخودرا حاتام‌تی می‌نامیدند که بمعنی کشورحاتام‌هاست. حفریات باستان شناسی‌مدال می‌سازد که‌ازهزارهٔ چهارم قبل‌ازمیلاد عیلامیان دراین نواحی متوطن بوده‌اند و احتمالا ساکنین بومی خوزستان محسوب میشوند. زیرا قرائن و اماراتی موجود است که عیلامیان از شعبه نژادهای سامی وآریائی نبوده‌اند. گرچه زبان عیلامی باعلائم‌میخی بابلی نوشته‌میشد اما تاکنون درست شناخته نشده وهنوز بدرستی کلید کشف رمزآن بدست نیامده است از متن گل نوشته‌ها و لوحه‌های مکشوفه عیلامی آنچه تاکنون خوانده‌اند مطالب جزئی قابل استنباط است .

ازکاوشهای اخیر بخوبی درك میشود که تمدن عیلام بسهم‌خود درتکامل وسیرتمدن بشری نقش خلاقه‌ای همانند تمدنهای سومری وبابلی ایفا کرده سهم ارزنده‌ای را بخوبی به‌تمدن وفرهنك جامعه بشری عرضه نموده است. گذشته ازآن عیلامیان درتمام طول تاریخ خویش با دولتهای سومر واکد و

4— Nippur 5— E. D Meyer

در تورات نیز برج معروف بابل توصیف شده‌است که علم‌باستان شناسی این برج را یك زیگورات میشناسد و آن بنائی است چند طبقه که طبقات بالا بترتیب از طبقات پائین کوچکتر است.

در میان کتیبه‌های مکشوفه‌از کاوشهای باستانشناسی‌یکی ازآنها که‌بنام لوح ازاژیل[11] معروف‌است و درموزهٔ لوورنگهداری میشود زیگورات بابلی راشرح میدهد و مارا باچگونگی آن تااندازه‌ای آشنا میسازد وازاین‌لحاظ حائز کمال اهمیت‌است متأسفانه متن کامل کتیبهٔ آن تاکنون خوانده نشده است و در عوض زیگورات چغازنبیل اطلاعات جدیدی در مورد شناسائی زیگوراتها باختیار باستان شناسان‌میگذارد.

زیگورات چغازنبیل‌به مسافت چهل کیلومتری جنوب‌شرقی‌شوش‌پایتخت عیلام قرار دارد و درآن روزگار درنیمهٔ راه پایتخت شوش و شهر هیدالو[12] (شوشتر کنونی) واقع بود و کاروانها میتوانستند ازشوش وهیدالو یك روزه این مسافت‌را طی کنند.

یکی از شاهان سلسلهٔ‌ایگه‌هالکی[13] عیلام بنام اونتاش‌گال[14] که درحدود ۱۲۵۰ قبل از میلاد سلطنت میکرد مصمم شد در نزدیکی شوش و کنار رودخانه دزمرکز دینی بزرگی ایجاد کند که‌درهنگام جشنهای‌بزرگ محل نیایش و زیارتگاه عمومی باشد اونتاش گال میخواست این شهر که دورانتاشی نامیده شد بسیار مجلل وبزرگ باشدتاهم موجب رضای‌خدایان گردد و هم‌ملت عیلام خشنود شود. بهمین‌منظور درمرکزشهر یك زیگورات یابرج بابل احداث کرد اما هرگز نتوانست ساختمان آنرا باتمام برساند. دلیل این ادعا آجرها و میخهای سفالی کتیبه داری است بنام اونتاش‌گال که در طی کاوشهای زیگورات از دو اطاق بدست آمده و هنوز کار گذاشته نشده بود.

11 – Esagil 12 – Hidalu 13 – Igehalki (سلسله چهارم‌پادشاهی عیلام)
14 - Awntashgal

ایدئوگرامهای زبان اکدی آنها را مرقوم داشته‌اند مثلا نام خدای آفتاب که بزبان سامی شیماش تلفظ میشود در زبان عیلامی معلوم نگردیده بلکه بهمان طریقهٔ سامی در کتیبه‌های عیلامی تکرار شده است.

ازخدایان متعدد عیلامی دوتن در نوشته‌های سلطنتی وعادی ازهمه برتر و بالاتر بودند یکی هومبان[7] و دیگری این شوشیناك[8] نام خدای اول بوسیلهٔ خط نشانه‌ای اکدی نوشته میشود و بمعنی (برتراز همه) است و این شوشیناك (آقای شوش) معنی میدهد معهذا غالب فرمانروایان عیلام در آثار خود علاوه براین دوخدا مکرراز الهه گیری ریشا[9] بعنوان ربة النوع مادر نام برده‌اند. طی حفریات شوش وچغا زنبیل صدها مجسمه از این الهه بدست آمده است و این مطلب میرساند که اجتماع عیلام قلباً برای این ربة‌النوع احترام فراوانی قائل بوده است.

ج ـ زیگورات چغازنبیل- از نظر لغوی زیگورات‌ازدو کلمه‌زاگ‌وگار ترکیب میشود که مکان خداوند معنی میدهد[10]. بنابرمعتقداتی که از قدیم وجود داشت این گونه امکنه مقدس نباید بساختمانهای معمولی مردمی که فنا میشوند و از بین میروند شبیه باشد. بلکه محلی‌است که اموات درآنجا مدفون هستند و درآنجاباقی میمانند. بهمین مناسبت‌زیگورات مکان‌جاودانه ارواح و پرستشگاه ابدی آنهاست.

این نوع ابنیه از آغاز مدنیت اقوام مختلف جلگه بین‌النهرین وجود داشته‌است. ابتدا سومریها وسپس بابلیها و آشوریها بساختن چنین بناهائی پرداختند. عیلامیان که مذهبشان از نفوذ همسایگان برکنار نبود بایجاد زیگورات چغازنبیل همت گماشتند وچنانکه ذکر خواهدشد ذوق وابتکار خاصی بکار بردند و آنرا از زیگورات های مشابه در بین‌النهرین متمایز ساختند.

7-Humban 8—Inshushinak 9—Giririsha

۱۰ ـ مقاله گیرشمن در جلدسوم باستان‌شناسی ـ معنی این کلمه راآقای ردوسن در اختیارنویسنده گذاشته‌اند.

ساختمانی است که درون هم قرار دارد بطوریکه هر قدر بطرف بالا میرود حجمها کوچکتر میشود[۱۸]. در نتیجهٔ حفاری چغازنبیل این اصل پذیرفته شد که ساختمان زیگورات دریك مرحله انجام نشده بلکه ابتدا دوطبقه چهار ضلعی بایك فضای آزاد در وسط آن احداث گردیده است ویك ردیف اطاقهای دراز و باریك دور این صحن وجود داشت که درب آنها بطرف صحن یا فضای آزاد باز میشد. ودر مرحله دوم سایر طبقات را از کف زمین ساخته و فاصله افقی طبقات راباخشت پر کرده‌اند. تاپیش از کشف و خاك برداری زیگورات چغازنبیل باستانشناسان معتقد بودند که زیگورات مرکب از چندطبقه است وهر طبقه برروی طبقه‌زیرین بنا شده‌است. لیکن بایك تونل آزمایشی که در ضلع شمالی زیگورات چغازنبیل زده شد مشخص گردید که هریك از حجمهای طبقاتی بروی زمین بکر ساخته‌شده و کلیه طبقات ازیك عمق وسطح بنیاد گشته است و مانند چند جعبه درون یکدیگر جای دارند و هر طبقه داخل طبقهٔ دیگر محصور شده‌است بطوریکه ۴۴متر ازطبقه پنجم درون طبقات دیگر جای داشت وفقط ۹ متر آن که قسمت بالای این طبقه بود دیده میشد بهمین جهت پروفسور ملوان[۱۹] باستان‌شناس معروف انگلیسی درموقع بازدید چغازنبیل و پی بردن بدین راز گفت «حالا باید تمام زیگوراتهای حفاری شده ازنو حفاری گردد»

معماران زبردست عیلامی طبقات پنجگانه زیگورات را بدقت و حساب شده انجام داده‌اند بطوریکه باتمام عظمت، فشاری برپایه‌ها وارد نشده‌است.

بقیه از صفحه مقابل

۱ — آجر بنام ایشمه کراب - ۵/۷ × ۳۱/۷ × ۳۱/۷ سانتیمتر

۲ — آجر بنام گیری دیشا ۷ × ۳۳/۳ × ۳۳/۳ سانتیمتر

۳ — آجر بنام گیری دیشا ۷/۷ × ۳۴/۵ × ۳۴/۵ سانتیمتر

۴ — آجری بنام شوشیناك ۹ × ۳۷/۲ × ۳۷/۲ سانتیمتر

۱۸ — ارتفاع حجم مرکزی که طبقه پنجم را تشکیل میداد از طبقات دیگر بلندتر بود طبقه زیرین که حجم اول زیگورات را تشکیل میدهد یك متر بلندی و سه متر پهنا دارد و طول هر ضلع آن ۱۰۵/۲۰ متر است محیط اصلی ساختمان را همین طبقه تشکیل میدهد

19- Mallowan

شهرسازان ومهندسین عیلامی که بفرمان اونتاش گال [۱۵] مأمور ساختن این شهر مذهبی‌شدند مجبور بودند مطابق‌میل ودلخواه وی‌کار خود را آغاز کنند وبرای سهولت از شکل طبیعی زمین پیروی کردند و دیوار خارجی شهر را که بیش از چهار کیلو متر طول دارد و یك کثیرالاضلاع منحنی غیر منظم‌را تشکیل میدهددر امتداد اطلال‌طبیعی بنا کردندو بامهارت کم نظیری جهت استحکام دیوار ازاین تپه‌ها استفاده نمودند. مرکز شهر را محل مقدس (تمنس[۱۶])اشغال کرده و این قسمت بوسیله یك‌دیوار محاط ازسایر قسمتهای شهر جدا شده‌است درپشت‌این دیوار معابد خدایان سی گانه عیلام‌قرار داشت وبین دیوار دوم و سوم که تمام شهر دورانتاشی در آنجا واقع میگشت‌اهالی ساکن بودند.

قاعدهٔ بنای زیگورات مربع شکل‌است و طول هرضلع آن ۱۰۵/۲۰ متر میباشد و دراصل دارای پنج طبقه و بارتفاع ٥۳ متر بوده که در حال حاضر فقط ۲٥ متر آن باقی است وشامل سه‌طبقه میباشد.طبقه پنجم که‌برفراز معبد قرار داشت به اینشوشیناك خدای اصلی و عمدهٔ عیلام متعلق بود. این خدا هنگامی از آسمان به زمین میآمد تا مردم او را ستایش کنند. دراین منطقه مسکن میگزید بنابراین زیگورات نقش پله‌کانی را داشت که زمین وآسمان را بهم نزدیك میساخت. وبرسازی بنای زیگورات را آجر های بزرگی به ابعاد مختلف تشکیل میدهد.[۱۷] بطور کلی اسکلت بنا شامل چند حجم

۱٥ - دورانتاشی که بمعنی شهیراونتاش گال‌است در کتیبه‌های آشوربانی‌پال از آن ذکر شده و در هفتمین یورش این پادشاه آشوری ویران گردید آقای‌دومکنم رئیس‌سابق هیئت فرانسه در شوش برای اولین‌بار این اسم را شناخت بعداً آقای پرشل خط شناس معروف فرانسوی آنرا تأئید کرد.

16 - Temenos

۱۷- بنا برتحقیقات آقای د. مکنم آجرهای زیگورات چغازنبیل عموماً بزرگتر و روشنتر و نپخته‌تر از سایر آجرهای عیلامی است و دارای اندازه‌های متغیراست که ضمناً مشخصات چندآجر راکه توسط دانشمند مذکور تهیه شده است جهت مزید اطلاع‌علاقمندان بنظر میرساند.

بقیه درصفحه روبرو

البته معبدپا گردی‌داشته‌است که آنهم‌درحقیقت سکوی محاطی‌زیگورات میباشد که طبقه اول را تشکیل میدهد . [۲۳]

همانطور که‌اشاره‌شدارتفاع این‌سکو یاپا گرد یك متراست وبه‌سه‌دروازهٔ شمالی و شمال‌شرقی و شرقی منتهی میگردد . چنین بنظر میرسد که در یك زمان سه گروه میتوانسته‌اند به‌موازات یکدیگر بزیارت معبد نائل شوندواین سه گروه در اولین مرحله روی سکوهای طبقه اول قرار میگرفتند و سپس به‌طبقات‌دیگرمیرفتند .بدیهی است که هنوزبرای مامشخص نیست چه کسانی این طبقات سه گانه مذهبی را تشکیل میداده‌اندآنچه که محتمل است این‌سه گروه از پیشوایان مختلف مذهبی ترکیب میشده که در هنگام تشریفات بزرگ دینی بنابریك رده‌بندی معین در سکوههای مختلف جای میگرفتند دکتر گیرشمن عقیده دارد مریدان مذهبی از مرز حیاط جلوتر نمیرفتند و جمعیت درحیاط خارجی‌محل مقدس میایستادند و برخی از پیشوایان‌مذهبی عملیات مخصوص نیایش را در حضور جمع‌انجام میداده‌اند .

سه‌پا گردی که‌ذکر آن گذشت‌ظاهراًوجه تشابهی باپا گردهای‌زیگورات اور دارد درآنجا هم مانند دورانتاشی این سه سکو به سه گروه گوناگون روحانیون که از نقاط مختلف میامدند تعلق داشت که درآنجا به‌طبقات بالا میرفتندلیکن‌دردورانتاشی صعود ازطبقهٔ اول به‌بعد در انحصار عده‌معدودی از پیشوایان مذهبی بوده است :

مدرکی بدست نیامده است تا معلوم شود نقش پیشوایان روحانی عیلام چه بوده است . لیکن یقیناً وظایف‌آنان بوظایف پیشوایان مذهبی اقوام‌بین‌النهرین شباهت‌داشته‌است از اسم شهر که بروی کتیبه‌های عیلامی بدست‌آمده و ازفهرست‌سالنامه‌های‌آشوری چنین‌آشکاراست که پادشاه‌زیگورات ومعابد آنرا فقط وقف خدایان نموده است . در این الواح برابر اسم‌خدایان ذکری از پیشوایان مذهبی نیست و تنها نام شاه بچشم میخورد . یحتمل که پادشاه علاوه برحکومت وفرمانروائی پیشوای مذهب ونماینده خدایان نیز بوده‌است

۲۳ - مجله ایرانیکا مقاله آقای دکتر گیرشمن

درچهار ضلع این طبقه پلکانهائی طبقات پنجگانه را بهم متصل میسازد.
طبقه دوم دارای ۱۶ مترپهنا و۸متربلندی است . در این طبقه اطاقهائی باسقف هلالی وجودداشت این اطاقها در طول اضلاع شمال‌غربی وجنوب‌غربی و جنوب شرقی واقع بود وعرض آنها به۲/۱۰ متر و طول هر کدام به ۸تا۱۰ متر میرسید . اطاقهای مذکور بهم راه نداشت وپلکانهای جداگانه‌ای‌مدخل هر کدام بوده است برخی ازاطاقهای طبقه دوم فاقد پلکان میباشد ودرب آنها بدروازه‌های‌طاقدار اصلی که‌چهارمتر ارتفاع‌دارد بازمیشود. دکتر گیرشمن[۲۰] معتقد است که اطاقهای پله‌دار مختص‌قراردادن هدایا و نذرها واطاقهای‌فاقد پلکان محتملا جایگاه برخی‌از خدایان بوده است .

بواسطه وجود بریدگیهائی در طبقات‌بالا مخصوصا درجبهه‌جنوب‌غربی نمیتوان دانست بطور قطع چگونه بطبقاب بالائی زیگورات میرسیده‌اند . وولی[۲۱] ترسیم کنندهٔ اصلی زیگورات‌اور[۲۲] که متعلق به‌سلسله دوم‌سلاطین اوراست . پلکانهای این زیگورات را با بریدگیهای جنوب شرقی زیگورات دورانتاشی (چغازنبیل) مقایسه کرده است و چنین نتیجه میگیرد که این‌دو بریدگی باقیمانده‌پلکانهائی است که قبلا وجود داشته است و ازآن بطبقات بالا میرفته‌اند . لیکن آقای دکتر گیرشمن که خود زیگورات‌دورانتاشی (چغازنبیل)راحفاری کرده این نظر را مردود میداندومعتقد است که‌بریدگی ضلع‌جنوب غربی پلکان اصلی زیگورات بوده است و چنین استدلال میکند که‌اگر نظر وولی درست باشد و پاگردی درطبقات مختلف وجود داشته که بپلکانهای منتهی میشده است وجود این پاگردهای فرضی انسان را مجبور میکرده است که راهی طولانی طی کند و پاگردها را دوربزند تابه پلکانها برسد بدون اینکه اینکار نقشی در مراسم مذهبی داشته باشد از طرفی‌پله‌ها از طبقه اول کم عرض میشود واحتمالا فقط عدهٔ معدودی از پیشوایان‌مذهبی حق استفاده و عبور ازآن را داشته‌اند .

20 - . Ghirshman 21- Woolly 22 - ur

است این اطاق استراحتگاه خداباشد که چون ازطبقه بالا بپائین نزول میکرد درآنجا باستراحت میپرداخت. چهارده سکوی جایگاه قربانی که از آجر ساخته‌شده است درجلودرب‌جنوبی‌قراردارد دراین محل‌دوجایگاه مخصوص ملکه وپادشاه نیز احداث شده است. درهمین حدود سه معبد کوچك دیگر بنا کرده‌اند که‌درزیگوراتهای مشابه ازاینگونه‌معابد اثری‌نیست یازده معبد دیگر که‌درجاهای‌مختلف محل‌مقدس(تمنس)قرار گرفته‌هر گزدرزیگوراتهای بین‌النهرین دیده نشده است علت تنوع این معابد هنوز مشخص نیست گمان میرود که این تنوع ازعقاید مذهبی گروههای متعددی که اجتماع عیلام را بوجود می‌آورده ونقشی که هریك ازفرق مذهبی داشته‌اند سرچشمه گرفته باشد اهمیت این مذاهب را درطبقه‌بندیهای کشوری واثرونفوذآنها درسیستم حکومتی ووابستگی‌آنها به نقاط مختلف کشورعیلام که در عین حال پس از مذهب اصلی‌آن مذهب درآن نواحی مورد پرستش بوده است باید جستجو کرد. مهمترین‌این‌خدایان عبارتند از خدای ایشمه کراب[۲۹] والهه گری‌ریشا که‌معبداین‌دودرضلع‌شمال‌غربی‌محوطه‌زیگوراتواقع‌است معبدخدای گال[۳۰] که نزدیك‌این‌دومعبدمیباشدوبوسیلهٔ حصارمحاطی‌درخارج ازصحن‌زیگورات قرار میگیرد حال آنکه دومعبددیگر بزیگورات نزدیکتر ودرداخل‌محوطه واقع شده است. تصورمیرود که ایشمه کراب کم کم ترفیع مقام‌یافته است‌چه درمعبد لیان که هومبان‌نومناپدراونتاش گال‌آنرا ساخته است الهه گری‌ریشا همسرخدای گال‌بوده است وحتی‌درزمان‌اونتاش گال‌بانی‌زیگوراتدورانتاشی این الهه باتفاق اینشوشینناك و گال خدایان ثلاثه‌ای را تشکیل می‌داده‌اند. معبد الهه پنسی کیر که نخستین بار اسم وی در معاهده‌ای[۳۱]

29- Ishmekerab 30- Gal

۳۱- متن معاهده چنین است: بشنوای الهه پنی‌کیروشما وای خدایان بهشت‌گوش‌فرادارید. تمام شاهان بندهٔ خدایانند یکی‌بنده خدای آفتاب نان‌حونته وشاهی پرستنده اینشوشینناك من الهه شیاشوم وخدای ناپیر والهه نارووندی راگواه میگیرم که دشمن نارامسین خصم‌من است ودوست نارامسین دوست من‌است من‌هیتا هستم وکوشش‌میکنم که شیطان را ازسرزمین اکد بیرون‌برانم. بگذارما ناسازگاری واختلاف راکنار بگذاریم وصلح وصفارا حفظ کنیم.

درشش هزاروپانصدآجر نوشته‌ای که ازچغازنبیل بدست‌آمد هیچ جا اسمی ازجانشینان شاه‌دیده نشده است بااینهمه میدانیم که‌شیلهاك اینشوشینـاك[۲۴] معبد الهه پنی کیر[۲۵] را که اونتاش گال در شوش ساخته بود تعمیر کرد ولی هیچگونه اقدامی برای اتمام زیگورات دورانتاشی که معبد همین الهـه نیزازضمائم آن‌بودبعمل‌نیاورد شوتروك‌ناحونته[۲۶] وپسرش کودورناحونته[۲۷] معبد الهه گری‌ریشا درشهرلیان (بوشهر کنونی) راکه توسط هومبان‌نومنا[۲۸] پدراونتاش گال ساخته شده بود مرمت کردند بدون اینکـه توجهی به شهر مقدس دورانتاشی ومعابدآن داشته باشند. این بی‌اعتنائی جانشینان اونتاش گال خود معمائی‌است که هنوزلاینحل مانده است. البته نباید تصور کرد که پس ازاونتاش گال‌بطور کلی‌این‌شهرفراموش‌شد. زیرا طبقهٔ روحانیان‌بزندگی خود دراین محل ادامه دادند ولی چون نگهداری زیگورات‌مستلزم مخارج سنگینی بود کم کم روبویرانی نهاد درسمت جنوب شرقی زیگورات، آثاردو معبد وجوددارد که‌برای اینشوشیناك خدای‌بزرگ عیلام وقف شده‌است درب یکی ازمعابد دوگانه بطرف داخل زیگورات بازمیشود وفقط تاموقعی‌مورد استفاده بود که محوطه داخلی زیگورات با خشت پرنشده بود وهنوز صحنی وجود داشت. معبد دوم که بنام معبد تحتانی نامگذاری شده است تجلی گاه خدای بزرگ بود. اولین باراست که معبدی با چنین خصوصیات کشف شده است زیرا درمعابد بابل‌وآشور معمولا این‌معبددربالای زیگورات قرارداشت ومیتوان این‌مورد را بحساب یك رسم مذهبی مختص عیلام بحساب آورد از ویژگیهای دیگر این زیگورات اینکه درسمت چپ پلکان جنوبی اطاقی با یك سکوی خشتی وجود دارد که روبروی آن طاقچه‌ای تعبیه شده وممکن

24—Shilhak-inshushinak
25—Pinikir
26—Shutruk-nahunte
27—Kudur-nahunte
28—Humban-numena

نسکو [۳۸] شده است وجود دارد قاعدتاً میبایستی بین این دوکاخ ساختمان دیگری وجود داشته‌باشد . لیکن تمام‌آثارآن براثرسیلاب ازبین رفته‌است. پرستش خدای نسکو برای اولین بار در دورانتاشی دیده میشود وعبادتگاه بدون سقف‌آن درخور توجه است .

در زیریکی‌ازاین‌کاخهاآرامگاه باشکوهی درعمق شش‌متری وجوددارد که‌یك ردیف پلکان‌آجری‌قیراندودآنرا باکاخ مربوط میسازد . این‌آرامگاه بسلاطین عیلام تعلق دارد .

پس ازکاوش معلوم گردید که خاندان سلطنتی اجساد مـرده خـود را میسوزانیده‌اند . سوزانیدن اموات از رسوم ویژه قوم عیلام است واین رسم در انحصار ومختص خاندان سلطنتی بوده است [۳۹] تاکنون قبور سلاطین عیلام تنها درچغازنبیل کشف گـردیده و نظیرآن درنقاط دیگر دیده نشده است . مردم عادی بفراخور استطاعت خود دارای قبور آجری خانوادگی با طـاق هلالی بودند که نمونهٔ‌آن‌همه ساله درشوش کشف‌میشود . قدمت‌آخرین‌قبور خانوادگی مکشوفه شوش به ۲۲۰۰ سال پیش ازمیلاد میرسد . اخیراً از این نوع‌قبورخانوادگی یکی درهفت تپه کشف شد . [۴۰] مردم طبقه پائین دارای قبورحفره‌ای ساده‌ای بودند و گاهی اموات رادرخمره‌های‌بزرگ سفالی‌دفن میکردند .

موضوع قابل توجه در زیگورات چغاز نبیل تأمین آب مورد نیاز است رودخانه دز که درفاصله دو کیلو متری چغاز نبیل جریان دارد شصت‌متر از محوطه بلندی که شهر دورانتاشی را دربرمیگیرد پائین‌تر است بنا برایـن اهالی شهرنمیتوانستند ازآب این‌رودخانه استفاده کنندازطرفی‌آب‌چاه‌محل،

38 - Nusku

۳۹ - کتاب چغازنبیل نوشته دکترگیرشمن .

۴۰ - این قبر خانوادگی درسال ۱۳۴۵ بوسیله همکار ارجمندم‌آقای‌سیف‌اله‌کامبخش فرد کشف گردید .

بین نارامسین و هی تا [۳۲] پادشاه عیلام برده شده از چهار معبد دیگر که در یك گوشه محل مقدس (تمنس) قرار دارد منشعب نمیگردد واز آنها فاصله دارد . کمی نزدیکتر بزیگورات روی محوطه وسیعی درمیان قسمت شمال شرقی محل مقدس ودورتر ازمعابد نامبرده بالا آثار معابد خدایان هیش‌متیك [۳۳] و روهو را تیر [۳۴] موجود است که بنظر میرسد بطور ویژه درمنطقه مال امیر [۳۵] کنونی مورد پرستش بوده‌اند بقایای دومعبد دیگر نظیر معابد مزبور در حیاط تمنس نزدیك درب ورودی جنوب شرقی کشف شده که ازمعبد خدای گال کوچکتر است، علاوه براین معابد محرابهائی درنزدیك زیگورات وجود دارد که هیچکدام بنام خدای معینی نیست چهار دستگاه ازاین محرابها در داخل دیوار محاطی تمنس قرار دارد و دومحراب دیگر روبروی درب ورودی جنوب غربی است که هردو باآجر ساخته شده و روبروی هم واقع بوده ودرست درمجاورت پلکانی است که تا طبقه پنجم امتداد داشت بالاخره آخرین محراب درطبقه اول درجبهه شمال شرقی ونزدیك گوشه شمالی زیگورات واقع شده است گیرشمن میگوید مجسمه‌های زیادی ازجمله مجسمه مفرغی اونتاش گال وملکه ناپیر اسو [۳۶] همسر اونتاش گال درزیگورات وجود داشته است [۳۷] زیرا طی کاوش چغازنبیل آجرهای سوراخ داری بدست آمد که مشخص بود جای نصب مجسمه‌ها بوده است. بعید نیست مجسمه ناپیراسو که درشوش کشف شده است همان مجسمه زیگورات باشد که بوسیله شوتروك-ناحونته بشوش آورده شده است . در گوشه جنوبی شهر آثار دو کاخ ویك دروازه عظیم که باستان‌شناسان بآن نام دروازهٔ شاهی داده‌اند ومعبدی که وقف خدای

32- Hitta 33 - Hishmitik 34 - Ruhurtir

۳۵ - مال امیر وایذه ازبخشهای شهرستان رامهرمز درخوزستان است .

36 - Napirassou

۳۷ - تنها دومجسمه سفالی یکی بشکل گاو ودیگری با بدن شیر وسرعقاب ازچغازنبیل کشف شده که اولی درموزهٔ ایران باستان ودومی درموزه شوش است .

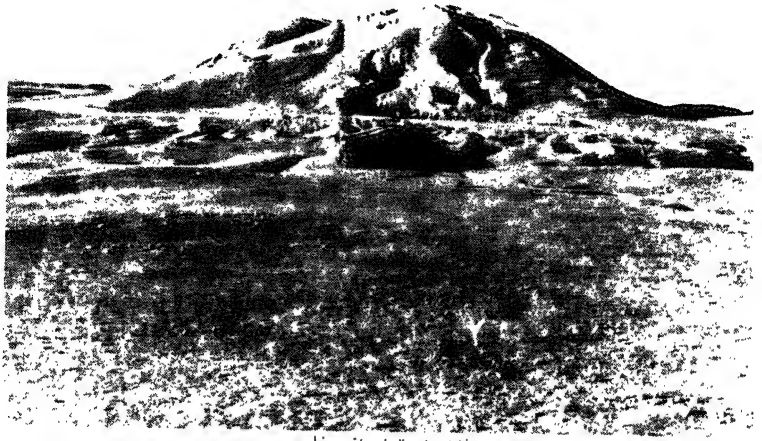

تپه چغازنبیل قبل از حفاری

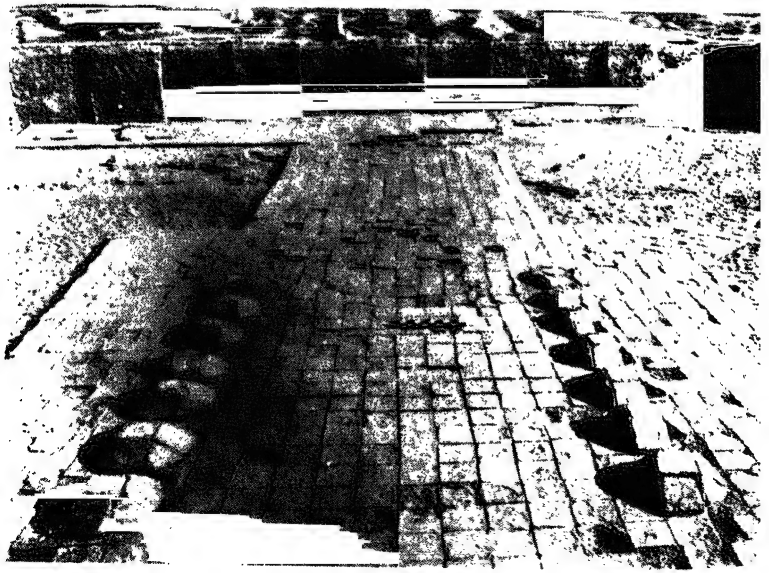

چهارده سکوی قربانی آجری زیگورات چغازنبیل

شور و غیر قابل شرب بود [۴۱] بهمین جهت مهندسین عیلامی برای مشروب کردن شهر از رودخانه کرخه در محل **پایه پل** کانالی بطول ۵۰ کیلومتر حفر کردند . این کانال تا پشت دیواراصلی شهر (دیوارسوم) امتداد دارد و در آنجا بیك منبع بزرگ آب منتهی میگردد . این منبع بطول ۱۰ وعرض ۷و ارتفاع ۵ متر است وازسنگ وساروج وقیرساخته شده است . گوئی‌معماران عیلامی‌ازقانون فیزیکی‌ظروف مرتبط بی‌اطلاع نبوده‌اند زیرا درعرض‌جنوبی منبع که درپشت دیوار محاط شهراست،۹ روزنه ساخته‌اند و این روزنه ها بدرون شهرراه‌دارد . هنگامیکه منبع پرازآب بود . پس ازتصفیه وته‌نشست گل ودرد به‌وسیله روزنه‌های فوق‌الذکر بدرون منبع کوچك دیگری که‌در آن‌سوی دیوار یعنی داخل شهرقرار داشت سرازیر میشد واهالی بدون‌اینکه به منبع‌اصلی کارداشته‌باشند ازآب مورد احتیاج استفاده مینمودند [۴۲] .

هیچیك ازتمدنهای‌آسیای میانه برای دسترسی به آب آشامیدنی چنین روشی را بکار نبسته‌اند واین خود شاهد ارزنده‌ای برای نشان دادن ولیاقت وجرأت معماران عیلامی است .

بطور کلی زیگورات دورانتاشی دارای ویژگیهای بیشماری است که‌آنرا ازبرجهای بابل که‌سومریها وجانشینان‌آنان سامیها ساخته‌اندمتمایز میکند . این‌خصوصیات در بارهٔ محوطه تمنس و مدخلها و معابد ضمیمه آن صادق است ومیتوان ادعا کرد‌داریوش‌بزرگ احتیاجی نداشت‌برای‌ساختمان کاخ خود درشوش ازفن وشیوه معماری بابل استفاده کند زیرا روش معماری عیلام میتوانست بهترین الهام بخش وی باشد .

۴۱ - ضمن خاکبرداری چغازنبیل ، هیأت حفاری اقدام بحفر چاه نمود وثابت کرد که‌آب چاه محل شور می‌باشد .

۴۲ - کتاب چغازنبیل نوشته دکتر گیرشمن .

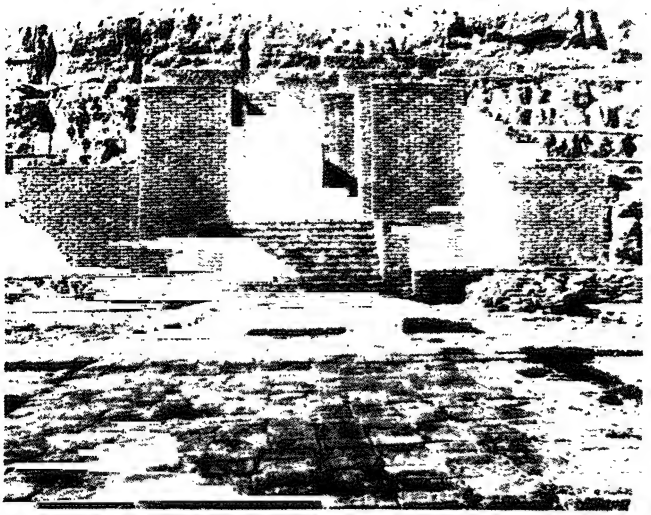

ضلع جنوبی زیگورات

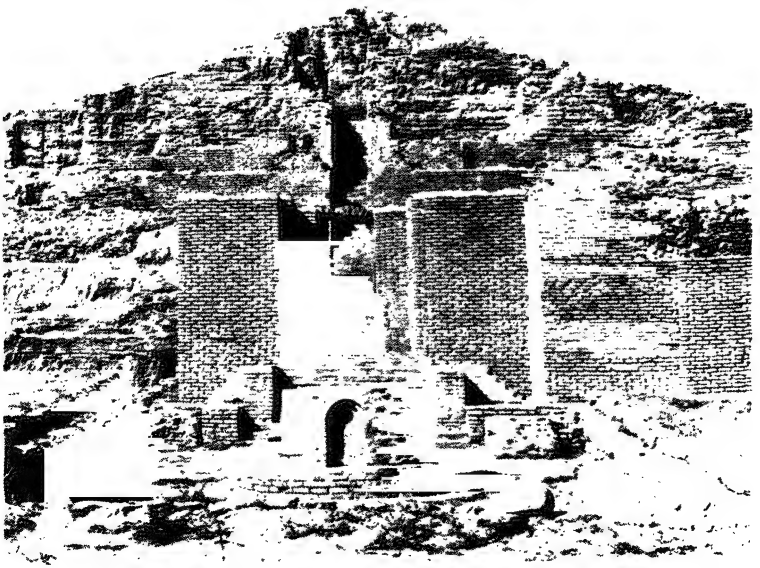

ضع شرقی زیگورات با محراب و پلکان و منظرهٔ عمومی آن

پلکان شرقی زیگورات

مجسمه گاو سفالی مکشوفه از چغازنبیل
با کتیبهٔ میخی بابلی (موزهٔ ایران باستان تهران)

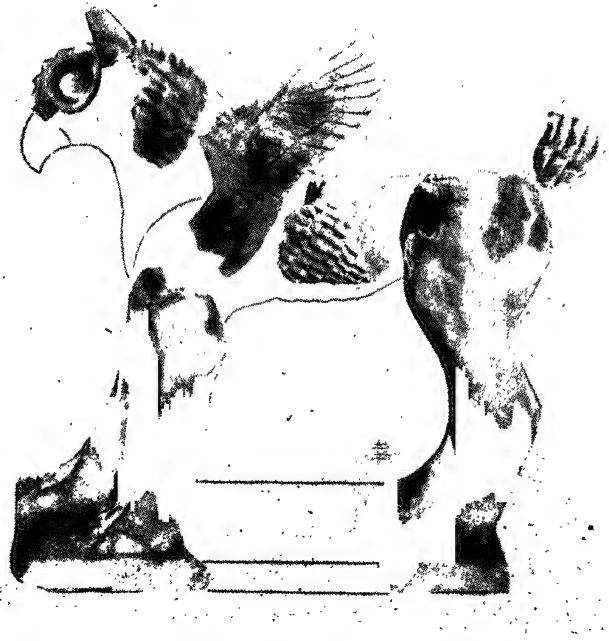

مجسمهٔ حیوان افسانه‌ای گلی با بدن شیر و سر
عقاب مکشوفه از چغازنبیل (موزه شوش)

پیام مجلّه

خوانندگان و ما

در طی چهار سال انتشار مجلهٔ بررسیهای تاریخی (۲۵ شماره) ، فضلا و دانشمندان و خوانندگان محترم علاقمندما بارها نظرات خود راچه کتبی وچه‌تلفنی وچه زبانی ، دربارهٔ مطالب ومباحث‌مجله وهمچنین شکل و قطع ونحوه چاپ آن ابرازفرموده‌اندواداره‌مجله‌نیز با امتنان فراوان اکثر این نظرات رابمنظور بهبود وضع مجله درموقع خود بکاربسته است و قسمت اعظم پیشرفتها و بهبود هائی هم که بتدریج در وضع مجله حاصل شده است بی گمان حاصل همین نظرات

روابط ایلخانان مغول
با دربار واتیکان

(بقیه از شمارهٔ ٤ سال چهارم)

بقلم

علاء الدین آذری
(دکتر در تاریخ)

خوانندگان ارجمند بوده است واز اینرو سازمان مجلهٔ بررسیهای تاریخی بهمه‌جهت سپاسگزار این جمع ازدوستداران فرهنگ و تمدن و تاریخ ایران میباشد.

ولی درخلال اینزمان گلایه‌هائی نیز درمورد تقدم و تأخر چاپ مقالات ازبرخی نویسندگان حساس مابدفتر مجله رسیده‌است که اگرچه تصور وانتظار میرود که آن گلایه‌ها جنبه‌جدی ندارد معهذا مارا ناگزیر میسازد یادآورشویم در ترتیب تقدم و تأخر مقالات جز رعایت وضع مجله ازنظر تناسب موضوعها، رنگ‌آمیزی صفحات، نحوهٔ ارائه مجله وتصویر وبالاخر مشکلات چاپخانه و مسائل فنی، علت دیگری وجودندارد زیرا مقالاتی که درمجله بچاپ میرسد قدر متیقن، موافق مرام و روش مجله میباشند وبالنتیجه ازنظر مجله، تفاوتی میان آنها نیست.

باتوجه به آنچه گفته شد مجله بررسیهای تاریخی مقالات ونوشته‌های تحقیقی ومستدل تاریخی مربوط بایران را که مستند بر مدارک و ارائه مآخذ دربرخی صفحات باشد با امتنان و سپاسگزاری از همکاری نویسندگان ومحققان ارجمند می‌پذیرد

مسئولیت مندرجات و مطالب مقالات وارده با نویسندگان مقالات است ولازم است مجلهٔ بررسی‌های تاریخی در قبال عقاید نویسندگان مسئولیتی نخواهد داشت

مقالات باید حتی‌المقدور روی یک صفحه نوشته شده‌باشد.

مقالاتیکه بدفتر مجله میرسد مسترد نمیشود.

مجله در چاپ و برد مقالاتی که بدفتر مجله میرسد آزاد است.

روابط ایلخانان مغول

با دربار واتیکان[1]

بقلم

علاء الدین آذری

(دکتر در تاریخ)

الف- از هلاکو تا ارغون

دراین دوره روابط سلاطین مغول ایران یا ایلخانان با اروپائیان توسعه مییابد و زمینه برای عقد قراردادهای نظامی فراهم میگردد، علت اساسی گسترش این مراودات جنگهای مداوم ایلخانان با پادشاهان وامرای مصر وشام است که برای مغول شکست وناکامی ببارمی‌آورد و مانع ازتوسعه‌وبسط اقتداروقلمرو ایشان‌میگرددازاینرو کوشش میکنند که پاپها وپادشاهان اروپائی رادراین جنگها با خودهمداستان‌سازندوبیاری آنان حکومت های اسلامی مصروشام رابرانداازند.

منگوقاآن درسال دوم

۱- از ۶۵۱ تا ۷۳۶ هجری قمری

داشتند دیگر مشکل بود که اسلام جانی بگیرد ودرمیان دودشمن متعصب و کینه‌ورز قدعلم کند [۵]

سیل هجوم مغول در مسیر خود بسد مقاومت مسلمین شام و مصر یعنی همان قدرت ومقاومتی که جنگجویان صلیبی راتاروما رکرده‌وآرزوی‌دیرین وعمومی مسیحیان‌را دربارهٔ دست یافتن ارض مقدس (بیت المقدس) و بلاد و سرزمینهای اطراف‌آن نقش برآب کرده بود برخورد وهمین موضوع دربار خان بزرگ وسپس دربار ایلخانان ایران‌رابادستگاه‌پاپ ودربارهای‌مسیحی اروپا نزدیك ساخت وموجب شد که درتمام دورهٔ ایلخانان باب مکاتبه و راه دوستی واتحاد بین ایلخانان ایران‌وپاپ‌ها وپادشاهان مسیحی مفتوح باشد[۶]

مغول در عالم سیاست وسعت نظر داشت وفکرش محدود و کوتاه نبود گرچه چیزی ازتمدن غرب نمی‌فهمید ولی فهمیده بود که مناسبات وروابط باممالك اروپائی‌فایده دارد .[۷]

بعد ازشکست هلاکو درعین‌جالوت چنان‌عداوت وخصومتی‌مابین‌دولت ایلخانی‌ایران ومصریان ایجاد شد که جزاشتعال‌مجددآتش جنگ‌وخونریزی دوباره راه دیگری وجود نداشت . در این دوره هیچ تهمتی برای مردمان خطرناکتر وهولناکتر ازاین نبود که آنها رابداشتن روابط سری باسلاطین مصر متهم نمایند حتی رعایای مسلمان ممالك مغول خیلی بحزم و احتیاط میبایستی رفتار نمایند تامورد سوء ظن واقع نشوند .

ضعف وناتوانی هلاکوخان درمقابله بامصریان ویرا برآن داشت که با اروپائیان روابطی برقرار ساخته وباکمك‌آنان بنقشه‌های جاه طلبانه خود درآسیای غربی جامه عمل‌بپوشاند .

---

۵ - ر ـ ك به تاریخ مغول اقبال ص ۱۹۸ - ۱۹۹

۶ - ر ـ ك بکتاب تحقیق در بارهٔ دورهٔ ایلخانان ایران تألیف دکتر منوچهر مرتضوی ص ۷۷

۷ - ر ـ ك بکتاب تاریخ مختصر ایران از اول اسلام تا انقراض زندیان تألیف پاول‌هرن ترجمه دکتر رضازاده شفق ۱۳۱۴ ص ۷۱

سلطنت خود برادر کوچکتر خویش هلاکو را مأمور دفع اسماعیلیه و برانداختن خلفای عباسی کرد و باو نصیحت کرد که حامی مسیحیان باشد و بدون مشورت دوقوزخاتون زوجه مسیحی خود اقدامی ننماید.

هلاکو که مادر و همسرش مسیحی بودند بالشگریانیکه اکثرشان از ایلات مسیحی مغول یعنی اقوام اویغور و نایمان و کرائیت بودند در اواخر سال ۶۵۱ هجری قمری رهسپار ایران شد، هلاکو شخصاً بودائی مذهب بود و چون در ایران کسی نبود که پیرو این دین باشد [۲] لذا بر اثر نفوذ زوجه مسیحی خود نهایت کمك و همراهی را در حق مسیحیان ایران و ارمنستان مبذول میداشت و همه جا فرمان میداد که برای اینان کلیسا بسازند.

نوشته اند که اردوی دوقوزخاتون هرجا که بود بر در آن ناقوس میزدند [۳] محبت های هلاکو و همسرش بعیسویان ایران بحدی بود که این جماعت خان مغول را ناجی خود دانسته و درصدد برآمدند که از قدرت وی جهت کمك به مسیحیانیکه در شام و مصر با مسلمین در حال جنگند استفاده کنند و آیین اسلام را یکباره از آسیا و آفریقا براندازند.

شاید حمله هلاکو بشام و مصر بیشتر در نتیجه تحریکات مسیحیان ایران باشد.

هلاکو خان. سردار مسیحی ودلاور خود کیتوبوقا را مأمور فتح شام و مصر نمود. این سردار پس از تصرف دمشق در سال ۶۵۸ هجری کلیه مساجد را بکلیسا مبدل ساخت. اگر جسارت و کفایت امیر قدوز و فتح او در عین جالوت [۴] نبود مغول آخرین پناهگاه اسلام یعنی فلسطین و آفریقای شمالی را مسخر مینمود و با پافشاری که در همان ایام صلیبیون عیسوی در قلع و قمع ریشه مسلمین

۲- د. ك به تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت تألیف عباس اقبال ص ۱۹۸

۳- همان کتاب ص ۱۹۸

۴- نزدیك شهر دمشق پایتخت سوریه

این دختر قبلا برای هلاکو نامزدشده بود ولی وقتی عروس را بشهر مراغه پایتخت اولیه ایلخانان آوردند هلاکو در گذشته بود .

آباقا این دختر را بعقد خود در آورد و بدین ترتیب داماد امپراتور بیزانس شد.

وصلت آباقا با دختر امپراطور روم شرقی وسابقه تربیتی که زیر دست مادرش دوقوز خاتون یافته بود روز بروز علاقه ومحبت ویرا نسبت بمسیحیان بیشتر کرد و روحانیون مسیحی در دربار او مورد توجه و احترام زیاد قرار گرفتند با این حال آباقا هرگز از دین آبا واجدادی خود دست نکشید[۱۲] و کماکان بودائی مذهب باقی ماند .

پس از شکست عین جالوت بین ایلخانان ایران وسلاطین شام ومصر خصومت ودشمنی شدیدی بروز کرد که برای مسیحیان بسیار مسرت بخش و امیدوار کننده بود اینان از موقعیت استفاده کرده ودست بتحریکات دامنه داری برای ایجاد جنگهای مجدد بین پادشاه مغول وامراء وسلاطین شام ومصر زدند. آباقا آن عیسویان را وسیله پیش بردن سیاست خود درقبال مسلمین شام ومصر قرار داد وبتوسط آنها چندین بار با پاپ و سلاطین عیسوی مغرب درصدد ریختن طرح اتحاد برعلیه پادشاهان اسلام برآمد .

درسال ٦٦٤ هجری قمری (۱۲٦۷ میلادی) پاپ کلمان چهارم[۱۳] (۱۲٦۸–۱۲٦۵ میلادی) در جواب نامه‌ای که بخط اویغوری ازجانب آباقا باو رسیده بود شرحی نوشت[۱٤] وتقاضا کرد که آباقا بزبان لاتینی با او مکاتبه کند تا

---

۱۲ – ر.ك به کتاب (Histoire de Perce (Moeurs – Usages et coutumes Dece Pays . Racontés . A la Jeunesse Par Mme Laure Bernard ص ۲۱٤

۱۳– پاپ کلمان چهارم Clment IV (کلمنت) یکی ازمشهورترین پاپ‌ها بشمار میرود اودرمبارزه باامپراطوران آلمان ، خاندان هوهنشتافن را بروز سیاه نشاند.

۱٤ – این نامه را پاپ درتاریخ ۱۲٦۷ میلادی در شهر ویتربو (Viterbo) در ۸٤ کیلومتری رم نگاشته بود .

پاپ نیز که ازشکست بزرگ هلاکو درجنگ بامصریان مستحضر شده بود درصددبرآمد که بفوریت خان مغول رابسوی خویش جلب نموده و با همکاری، اوانتقام شکست مسیحیان راازمسلمانان بگیرد.

درکلکسیون ادریك راینولد[۸] نامه‌ای از درباروا تیکان به‌هلاکوموجود است که‌بدون‌نام‌ونشان‌وتاریخ میباشد امامؤلف‌آنرابه‌پاپ‌الکساندر چهارم[۹] نسبت‌میدهد.

نامه‌منسوب به‌پاپ‌درسال ۱۲۶۰ میلادی‌بوسیله ژان کشیش‌مجارستانی[۱۰] بایران رسیده دراین نامه پاپ خشنودی ورضامندی‌خاطرخویش را از ایجاد روابط صمیمانه باهلاکو ابراز داشته‌است.

ایلخان‌ایران ضمناً باامپراطور روم‌شرقی (بیزانس) نیز روابط‌دوستانه‌ای برقرار ساخته بود.

هلاکو که درصددجبران شکست عین‌جالوت‌بود وبرای همین‌امر تدارك کافی‌دیده بودودرسال ۶۶۳ (۱۹ ربیع‌الاول) در کناررود جغتوی آذربایجان درحالیکه بیش از چهل وهشت‌سال نداشت جان سپرد وپس از وی فرزند ارشدش آباقا یا ابقا بپادشاهی رسید. **آباقاخان** ۶۸۰-۶۶۳ هجری‌قمری (۱۲۸۲-۱۲۶۵ میلادی) نیز مانندپدرش مذهب بودائی‌داشت ولی ازدواج‌وی بادسپینا مریم دخترمیشل‌پالئولوگوس[۱۱] (۱۲۸۲-۱۲۵۹) امپراطوربیزانس سبب‌شد که روابط صمیمانه‌ای با مسیحیان داشته‌باشد.

---

۸ - Odoric - Raynold نقل ازتاریخ مغول تألیف دوسون ص ۴۱۰ جلدسوم

۹ - Alexdndre IV (1254 - 1264) دربارهٔاین پاپ مینویسند که مردی صلحجو ومهربان ورحیم وعادل‌بود وی‌نسبت بخصایص جنگجویانه اسلاف خودرغبتی نشان نمیداد، دینداری را برسیاست رجحان میداد وبقول یکی ازوقایع نگاران فرانسیسکن، چون همه روزه شاهد کشمکش‌های موحش دائم‌التزایدی میان عیسویان بود دلشکسته ازجهان‌رفت.

10-Jean Hongrois

۱۱ - Michel Paleolgus میشل‌هشتم امپراطور قسطنطنیه ومؤسس‌سلسلهٔ پالئولوگ.

پاپ تعمیدیافتند ،این تنها نتیجه‌ای بود که ازاین مأموریت حاصل شدچه با پیشرفت سریع وروزافزون مسلمانان وسست‌شدن عزم و اراده صلیبیون در آخرین دورهٔ جنگهای صلیبی ،دیگر کسی بتقاضای آباقا خان درلشگر کشی بشام ومصر توجهی ننمود ، نامه‌ایکه اونوشته بود بنزد ادوارد اول پادشاه انگلستان (۱۳۰۷-۱۲۷۲ میلادی)فرستاده‌شد ولی ادوارد هم به‌عذر اینکه‌در آن‌حال نمی‌تواندلشگری برای‌استخلاص بیت‌المقدس بفرستد ازخودحرکتی ظاهرنساخت و فقط بارسال‌نامه‌ای برای‌آباقا اکتفا نمود مفاد ابن نامه‌بطور اختصار بقرارزیر است :

داوید کشیش بدربار مارسید و نامه‌هائی که‌برای پاپ و پادشاهان مسیحی‌داشت تقدیم‌نمود، این‌نامه‌هانشانهٔ تمایل شما بدین مسیح وتصمیم شما بکمك به مسیحیان ومکان مقدس درمقابل دشمنان مسیحیت می‌باشد.

ماازآن مقام ارجمند خواهشمندیم که‌نقشهٔ مقدس‌راا‌جرا نماید. [۲۰] درحال‌حاضر مانمیتوانیم‌راجع‌بتاریخ‌ورودمان بمکان مقدس و عزیمت مسیحیان بشما اطلاعات جامعی بدهیم زیرا هنوز دراین باب‌تصمیمی گرفته نشده. [۲۱]

۶ ژانویه ۱۲۷۸ میلادی [۲۲]

ازاین‌نامه‌بقول‌مؤلف‌تاریخ‌سیاست‌خارجی‌ایران [۲۳] سه‌مطلب‌مستفاد میشود

۱- درخواست مغولها برای اتحاد با اروپائیان و جلب مساعدت آنها

۲-جواب یأس‌آورآنها که بکمك‌عوامل دیگرمغولها راوادار کرد که قبول

(۲۰) مقصود فتح بیت‌المقدس‌است.

(۲۱) ر. ك به‌کتاب‌تاریخ سیاست‌خارجی‌ایران تألیف‌دکتر کاظم‌صدرازص۳۷تاص۴۵

(۲۲) درتاریخ‌ایران سرپرسی‌سایکس‌مورخه ۲۶ ژانویه (۱۲۷۵) ۱۲۷۴ ذکرشده است ص ۱۴۰

(۲۳) دکتر جواد صدر

فهم مضمون نامه او برای وی ممکن گردد [۱۵].

پاپ دراین نامه ازعملیات واقداماتی که برضد مخالفین خودانجام داده بود مطالبی برای ایلخان نوشت و بپادشاه ایران وعده داد که با کمك سلاطین عیسوی اروپا درجنگ برعلیه مسلمین ازاو جانبداری نماید.

دوسال بعدازاین تاریخ نمایندگانی ازطرف میخائیل پالئولوگوس و آباقا درشهر بلنسیه[۱٦] باپادشاه آراگون[۱۷] ملاقات کرده واز اوخواستند که مطابق وعدهٔ پاپ باسایر سلاطین عیسوی همدست شود و برای دفع مسلمین لشگریان خودرا حاضر نمایند.

پادشاه آراگون باآنکه سالخورده بود تصمیم بجهاد گرفت ولی بعدها بصوابدید برخی ازامرای اسپانیا ازاین تصمیم منصرف شدوازخیانت مردم شرقی وبیرحمی مغول که اذهان اروپائیان راپر کرده بود، اندیشه کرد[۱۸].

آباقا درسال ٦۷۳ هجری قمری مطابق ۱۲۷٤ میلادی به تشویق پادشاه ارمنستان که مایل بآزادی و استخلاص بیت المقدس از چنگ مسلمین بود هیأتی شانزده نفری بفرنگستان اعزام داشت ریاست این عده را داوید نام کشیش برعهده داشت فرستادگان ابقا موقعی بحضور پاپ شرفیاب شدند که درشهر لیون مجمع مذهبی مهمی درشرف انعقاد بود.

باهر پاپ گرگواردهم[۱۹] (گریگوری ۱۲۷٦-۱۲۷۱ میلادی) نمایندگان ایلخان ایران درجلسات شورا حضوریافتند ودونفر ایشان که تاتاربودندباهر

۱۵ ــ نامه‌های پاپ به معمول آنزمان دربار واتیکان بزبان لاتین نوشته میشده و چون اهمیتی داشته‌است ومترجمی برای این زبان درمیان ایرانیان نبوده یادردربار واتیکان آنرا بزبان فارسی مخصوصی که رنگ بیگانگی خورده بود ترجمه میکردند و اصل ترجمه را بایران میآوردند ویامبلغان اروپائی درایران ترجمه میکردند (سعید نفیسی)

۱٦ ــ بلنسیه یا والانس از شهرهای اسپانیا.

۱۷ ــ آراگون ناحیه وسیعی از خاك اسپانیا است.

۱۸ ــ ر ــ ك به کتاب تاریخ مغول اقبال ص۲۰۳

19 - Gregoire X

پاپ برای تحقیق مطلب وتبلیغ آئین مسیح تصمیم گرفت که پنج نفر از کشیشان رابدربار مشرق بفرستد ولی چون درهمان اوان یعنی درسال ۱۲۷۷ میلادی وفات یافت تصمیم فوق درزمان وی عملی نشد.

نیکولای سوم[۲٦] (۱۲۸۰-۱۲۷۷ میلادی) پاپ جدید سال بعد نامه‌ای برای اباقا وقوبیلا نوشته وازمساعدت آنها درحق عیسویان سپاسگزاری نمودضمناً هیأتی پنج نفری از راهبان فرانسیسکن رابدربار تبریز وخانبالیغ[۲۷] اعزام داشت.

درسال ٦٧٦ هجری اباقاخان درمحل ابولستین[۲۸] ازقوای سلطان مصر، الظاهر شکست سختی خورد وقریب هفت هزار نفر از سپاهیان مغول بهلاکت رسیدند.

چون اباقا بمیدان جنگ آمد وآنهمه اجساد کشتگان مغول رامشاهده نمود بی‌اختیار گریست.

میرخواندراجع باین جنگ وشکست مغولان مینویسد:[۲۹]

«کفار تاتار رابه‌تیغ جهاد بگذرانیدند و مدتها وحوش ونسور[۳۰] را از لحوم کشتگان درآن صحراجشن وسورحاصل بود وپادشاه مصرفتحنامه‌ها به اطراف واکناف دیاراسلام فرستاد وازآن فتح‌مبین، اولیاء دین سجدات شکر بجای آوردند.»

اباقانسبت بجاثلیق نصارای بغداد که یوحنادنها[۳۱] نام‌داشت کمال احترام را مرعی میداشت دنها بهمین‌سبب در آنزمان نفوذ فوق‌العاده‌ای کسب کرده بود.

---

26 - Nicolas III

۲۷- خانبالیغ - پکن یا پکینگ پایتخت چین

۲۸- ابولستین - ابلستان درمشرق قیساریه بین جبل توروس وقسمت علیای نهر جیحان (خاك ترکیه) (نقل از کتاب تاریخ مغول اقبال ص ۲۱۳)

۲۹ - جلد پنجم روضة الصفا

۳۰ - نسور جمع نسر (کرکس‌ها)

31 — Jean denha

اسلام کنند .

۳- تغییرات عمده‌ای که درمدت کوتاهی درطرز حکومت مغولها ایجاد شد .

اوضاع سیاسی اروپا دراینزمان بکلی نسبت بگذشته تغییر یافته بود و دیگر آن اروپای سال ۱۲۵۰ نبود که برای سر کوبی مسلمین وتصرف مجدد سرزمین مقدس دنبال متحدین ویاران زورمنددرتفحص باشد. سلاطین اروپائی ازدنبال کردن جنگهای صلیبی بکلی منصرف شده بودند ودیگر مایل نبودند هیچگونه تعهدی را درقبال پاپ اعظم یادیگران برعهده گیرند. قدرت مسلمین شام ومصر وضعف وناتوانی اروپائیان وبی‌فایده بودن جنگهای مقدس را برهمه اروپائیان مسجل ساخته بود اما اباقاخان دست بردار نبود او بتحریك مسیحیان مقیم دربارخود وحس کینه وانتقامی که از شکست پدرش درعین جالوت در نهادش رسوخ یافته بودمیخواست بهرطریقی که امکان پذیر باشد سراسر آسیای باختری وحتی افریقای شمالی را تصرف کرده اساس وپایه اسلام رادراین صفحات متزلزل سازد.

بهمین منظوردرسال ٦٧٥ هجری قمری (۱۲۷٦ میلادی) باردیگر سفرائی بدربـار واتیکان گسیل داشت پاپ ژان بیست ویکـم[۲٤] (۱۲۷۷-۱۲۷٦) از نمایندگان ایلخان که دونفر بودند بخوبی پذیرائی کرد. مأموریت اینها هم مانند دیگران تشویق وتحریص مسیحیان بجهاد با مسلمانان برای گـرفتن بیت‌المقدس بودوازطرف اباقاهمه گونه وعدهٔ کمك ومساعدت داده شده بود .

پاپ مانند گذشته ایشان را به‌نزد سلاطین فـرانسه و انگلستان فرستاد سفرای مذکور که اصلا ازعیسویان گرجستان بودند ازطرف اباقاخان اظهار داشتند که اووقوبیلای قاآن[۲٥] مایلند که قبول دیانت عیسوی کنند .

24- Jean XXI

۲٥ - قوبیلای قاآن فرزند تولی‌خان وعموی اباقا بود وی دراینزمان امپراطور چین بود مارکوپولو جهانگرد معروف ونیزی سالها دردربار وی میزیست ودر سفرنامهٔ خود از شکوه وجلال دربار خاقان چین وخصائل نیکوی قوبیلای سخن‌ها گفته است .

«بنام پدر وپسر و روح‌القدس ، یهبلاهای گوشه‌نشین (معتزل) که‌بافیض وعنایت مسیح جاثلیق - پطریارك - بطریق مشرق است دعاهای ترا التماس میکند و در راه خداوند ما موفقیت ترا خواهانست .»

معنای چهارسطر اول نامهٔ دوم جاثلیق بزرك ایران یهبلاهای سوم نیز مانندنامهٔاول‌است بااین تفاوت که درحاشیه‌آن نام‌پاپ بندیکتوس (بنوای۳۷ یازدهم ۱۳۰۴-۱۳۰۳) ذکرشده ومعلوم میشود که این نامه بعنوان وی‌ارسال شده است.

متن عربی هردو نامه درخصوص مسائل مربوط بآئین مسیح وتبلیغات مذهبی است از اب وابن و روح القدس سخن بمیان میآید ولی هیچگونه اشاره‌ای بروابط فیمابین دو کشورنمی‌نماید بنابراین ازترجمه‌آنهاخودداری میشود . (عکس هردونامه درآخرمقاله بنظرخوانندگان محترم میرسد)

توجهی که اباقا بمسیحیان داشت و دربهبود وضع زندگی ومعیشت‌آنها میکوشیدونیزعداوت‌ودشمنی‌بامسلمانان‌مصروشام،مردم مسلمان‌ایران وعراق را بشدت ازاومتنفر ومنزجرساخت. بااینکه بعلت ترس ازمغول عکس‌العملی درمقابل اعمال اباقا ابراز نشد ولی باید گفت که شاید یکی از عوامل عدم موفقیت ایلخان‌مغول در دفع دشمنان‌خود وسرکوبی ایشان همین عدم‌اعتماد وانزجار عمومی‌نسبت باوباشد .

اباقاخان در سال ۶۸۱ هجری قمری درگذشت و برادرش تگودار که هفتمین پسرهلاکوخان بود بسلطنت رسیداین پادشاه درسنین جوانی برسم آئین مسیح تعمید یافته بود ونیکولا نام داشت ولی پس ازحشروآمیزش با مسلمانان باین دین علاقمند شد و اسلام آورد و احمد نام‌گرفت . بزرگان مغول که بیشتر بودائی یا مسیحی بودند از اینکاراو که لطمه بموقعیتشان میزد بی‌نهایت متنفرشدند، مخصوصاً اصرارسلطان احمد تگودار درمسلمان کردن مغولان وتبدیل بت خانه‌ها وکلیساها بمساجد برشدت تنفر و انزجار

درسال ۶۷۸ هجری قمری دونفر ازمسیحیان نسطوری[۳۲] چین بایران آمدند تا ازاین طریق به‌بیت‌المقدس برای زیارت بروند، یوحنادنها یکی از ایشانرا بخلیفگی چین انتخاب کرد و باو نام یهبلاهای سوم یا جبلها [۳۳] داد وچون یوحنادنها درهمین زمان وفات یافت بدستور اباقا یهبلاهای سوم بسمت رئیس‌مذهب نسطوری ایران تعیین گردید.

رئیس جدید مسیحیان ایران رفیق چینی خود را که بارصوما [۳۴] نام داشت بخلیفگی سرزمین اویغور نامزد کرد ولی بدستور اباقا بارصوما بعنوان سفیرایران مأمور کشورهای اروپائی شد. اباقاخان نامه‌ای به‌پاپ انوریوس چهارم (۱۲۸۷– ۱۲۸۵ میلادی) [۳۵] نوشت و برای جنگ با اعراب مسلمان تقاضای اتحاد وهمکاری ازاو و پادشاهان اروپا نمود ولی این بارهم مساعی وی دراین راه مثمرثمرواقع نگردید.

یهبلا های سوم پیشوای روحانیون مسیحی ایران خود شخصاً بادربار پاپ مکاتبه داشته وخواستار اتحاد واتفاق نصارای شرق وغرب بوده است از این روحانی بزرك دو نامه بزبانهای عربی وآرامی درموزهٔ واتیکان موجود است. تاریخ نامه‌ها سالهای ۱۳۰۲ و۱۳۰۴ میلادی است.

چهارسطرنامه اول و نامه دوم بزبان‌آرامی است[۳۶] که ترجمه‌آن بقرار زیراست :

۳۲- بانی طریقه نسطوری ، نسطوریوس Nestorius اسقف قسطنطنیه بود که‌در سوریه بدنیاآمد ودرسال ۴۲۸ میلادی بمقام اسقفی قسطنطنیه رسید بعدها بملت عقاید افراطی‌اش (افراطیش) درانجمن مذهبی شهرافز Ephese ازمنصب خود خلع شد ودرحدود سال ۴۴۰ درصحاری لیبی درگذشت ــ نسطوریها معتقد بودند که مسیح دوطبیعت مجزا از یکدیگر داشته یکی انسانی ودیگری ربانی وحال‌آنکه یعقوبیان را عقیده برآن بود که این دوطبیعت درذات مسیح وحدت یافته است .

33- Vahballaha III

34- Barsuma ابن صوما ــ برصومه ــ رابان سوما

35- Honorius IV

۳۶- عالیجناب اسقف یوحنا عیسائی رئیس کلیسای کلدانی‌های کاتولیك تهران خطوط آرامی راترجمه کرده‌اند .

«ارغون که زنك کفر والحادآئینه خاطـرش را تیره وتارداشت و چراغ بظلمتکدهٔ احوالش نتابیده بود در افروختن آتش شور و شر از همه بیشتر اصرارمی‌نمود.»

این پادشاه پس ازقتل وزیردانشـمند وبا کفایتش خواجـه شمس‌الدین محمد جوینی صاحبدیوان ، وزارت را به‌سعدالدوله [۴۰] یهودی سپرد و بیش ازپیش مسلمانان را ازخود بدبین ومتنفرساخت. حتی مسلمین بیم‌آن‌داشتند که ارغون‌باکمك مسیحیان واشارهٔپاپ‌اساس‌وبنیان اسلام را واژگون‌سازد. دراینخصوص‌سرجان ملکم مینویسد[۴۱]

« در ایام وزارت سعدالدوله یهودی عیسویان را کار بالا گـرفت و کوکب اقبال مسلمین راجع گشت تا کار بجائی رسـید که اهالی اسلام را در هیچ کـار معتبر مداخلت نماند بلکه حکم شد کـه در دربـار شاهی حاضر نشوندو چون پـاپای روم نکـولای چهارم سفرا بدربار ارغون فـرستـاد تا اظهـار امتنـان از عنـایات ایلخـان نسبت بـه پیروان دین مسیح نماید مؤمنین از این معنی برخویش لرزیدند که مبادا خـانهٔ مقدس کعبه‌راکلیسای نصاری کند اما فوت ارغون قطع بیم‌وامیدطرفین کرده وهنوز بدنش سردنگشته بود که گرم گرم خون سعدالدوله‌ریخته‌شد»[۴۲].

کتاب روضة الصفانیز بطور اختصار اشاره‌ای بموضوع فوق‌نموده‌است .

«سعدالدوله‌بی‌دولت باارغون مقرر کرد که کعبه را معبد اصنام سازد و اهل‌اسلام را تـکلیف کند تا ازعبودیت ملك‌دیان بعبادت اوثان گرایند.»

ارغون اصولا بایرانیان مسلمان اعتماد واطمینان نداشت ازاینروهمواره

۴۰- سعدالدوله قبل ازرسیدن بمقام وزارت بتجارت اشتغال داشت ، در مقام جدید با موافقت ارغون‌خان اکثر قوم وخویشان خود را بمشاغل حساس مالی و کشوری منصوب نمود وی‌ازطبابت سررشته داشت وازاطبای معروف زمان خودمحسوب میشد .

۴۱- تاریخ ایران ص۱۳۹ ذکر سلاطین چنگیزیه

۴۲- ۶۹۰هجری قمری

مغول افزود و بقول مؤلف حبیب‌السیر [۳۸] «وظائف اطباء و منجمان نصاری و یهود را منقطع ودر تجهیز قوافل حاج وترتیب مایحتاج سلسله بیت‌اله بتأکید تمام احکام نافذ گشت».

امرا وبزرگان مغول چون این بدیدند خواستار روی کار آمدن ارغون خان فرزند اباقاخان بمقام خانیت شدند. تگودار چون مسلمان شده بود برخلاف سایر ایلخانان روابط صمیمانه‌ای باپادشاه مصر برقرار کرد واختلافات گذشته را تا حدی برطرف ساخت. کارهای تگودار همانطوریکه اشاره شد برای مغول خوشایند نبود و آنها را وادار بنوشتن نامه های متعدد بدربار قوبیلای قاآن امپراطورچین وبزرك خاندان مغول وشکایت ازاعمال ایلخان ایران نمود.

حکومت سلطان احمد تگودار اولین پادشاه مسلمان ایلخانی در نتیجه دو دستگی بزرگان دربار ودسیسه‌کاری شاهزادگان مغول دیری نپائید وبا کشته شدن وی در ۱۸ ربیع‌الاخر سال ۶۸۳ هـ - ق ارغون خان زمامدار ایران شد

ب - ازارغون تا پایان سلطنت ابوسعید بهادر

درزمان سلطنت ارغون خان (۶۹۰-۶۸۳ هجری قمری) (۱۲۹۱-۱۲۸۴ میلادی) روابط ایران و واتیکان توسعه‌بسزائی یافت وهیأت‌های متعددی بین طرفین مبادله شد و درباب اتحاد واتفاق با عالم مسیحیت برعلیه مسلمانان اقدامات مهمی صورت گرفت.

ارغون بااینکه بودائی مذهب بود تعلق خاطری نسبت به نصارا داشت ودست آنها را درامور مملکت باز گذاشته بود در نسخه خطی کتاب زینة - التواریخ [۳۹] راجع بارغون مطالبی بدین شرح مذکوراست :

۳۸- خواند میر (خواجه غیاث‌الدین‌همام الدین معروف وملقب بخواند میر بواسطه کتاب حبیب السیر یکی ازنامی ترین نویسندگان پارسی درسدهٔ دهم هجری است). (سعید نفیسی)

۳۹- جلد دوم صفحه ۵۲۵

جهان مسیحیت اظهار تشکر و امتنان نموده ودرثانی راجع باصول و قوانین مذهب کاتولیك ونجات‌ورستگاری ابناء بشر درنتیجه فداکاری درراه حقانیت این آئین‌وپیشوای آن یعنی پسرخدا (عیسی) که‌بآسمانهاصعود کرده و رستاخیز وی که باعث نجات مؤمنین خواهد شد ونیز در مورد حواریون و سر دسته آنها سن پیرمطالب مبسوطی‌درنامهٔ خوددذکر کرده است ، ودرپایان نامه‌پاپ نیکولا ، ارغون خان را تشویق میکند که باپذیرفتن مذهب کاتولیك بسوی سعادت ورستگاری گام بردارد [۴۶] .

درنامهٔ دوم که آن‌نیز درتاریخ دهم‌آوریل نوشته شده پاپ میخواهد که بمحض رسیدن نمایندگانش بدربار ایران ، ایلخان با او در مورد آزادی ارض‌اقدس همداستان گردد وهرچه‌زودتر مسیحی شود وتعمید یابد تابدین ترتیب گروه‌بیشماری ازاتباعش ازوی پیروی‌نمایندوبسوی مسیحیت‌روآورند ارغون میتواند باگرویدن بآئین‌مسیح ازعذاب دوزخ برهدوسعادت جاودانی برای خود کسب نماید .

پاپ‌درهمین زمان نامه‌هائی‌برای دوشاهزاده‌خانم مغول باسامی‌الگاك [۴۷] وتوکتان [۴۸] که هردو مسیحی بودند ارسال داشت و از مساعی آنان در راه ترویج‌وانتشار مسیحیت‌تشکر نمود . نمایندگان اعزامی پاپ مرکب ازچند فرانسیسکن بودند که‌ریاست آنهارا ژون دومونت کوروینو [۴۹] برعهده‌داشت.

اعضای این هیأت قبلا مدت ده‌سال درمشرق زمین‌ودرسختترین‌شرایط به تبلیغ واشاعه دین عیسی مشغول بـودند وچون درسال ۱۲۸۹ میلادی بروم باز گشتندپاپ نیکولای چهارم که‌ازتجربیات واطلاعات‌وسیع آنان‌درخصوص مردم شرق وعقاید وآداب ورسوم آنها مستحضر شده‌بودبه کوروینومأموریت داد که‌بدربارارغون‌خان‌رود ونامه‌های ویرا تسلیم‌نماید.

۴۶- نقل از کتاب Histore des Mongol جلد چهارم تألیف دوسون

47- Elegag

۴۸- توکتان خاتون Touctan بیوه‌آباقا ومادرگیخاتوخان بود

49 - John de Monte Corvino

درصدد بود که‌ازوجوداقلیت‌های‌مسیحی‌وکلیمی درادارهٔ امور مملکت‌خویش استفاده‌نماید.

چون درزمان سلطنت سلطان احمد تگودار تعدادی ازنماز خانه ها وکلیساهابدستور وی ویران‌شده‌بودارغون فرمان‌داد که‌کلیه کلیساهای‌ویران شده را ازنو بسازند وآنهائیکه احتیاج به‌تعمیر دارند مرمت‌نمایند.

ارغون خان بعلت علاقه‌شخصی بمسیحیان‌وتحریك و تشویق‌این‌جماعت که در دربار اومنزلتی تمام یافته بودند تصمیم به‌برقراری روابط دوستانه بااروپائیان علی‌الخصوص با دربار واتیکان گرفت.

ایلخان مغول‌بصوا بدید یهبلاها اسقف نسطوری ایران هیأتی رابریاست بارصوما[۴۳] کشیش اویغوری بدربارواتیکان اعزام داشت[۴۴].

اسامی اعضای هیات‌نمایندگی‌ایران‌غیراز بارصوما عبارت بودازسابادین آرخائون وتوماس آنفوزین و یکنفرمترجم بنام اوگت[۴۵].

دراین زمان نیکولای چهارم برمسند پاپی‌تکیه زده‌بود (۱۲۹۲-۱۲۸۸ میلادی) وبسیارشایق‌بود که پادشاه بودائی مذهب ایران مسیحی شودومدافع وفادار مسیحیان گردد، رفتار وسکنات ارغون و علاقه ای که به اقلیت های مسیحی داشت پاپ را تااندازه‌ای درراه وصول بمقصود امیدوارساخته‌بود.

درسال۱۲۸۸ میلادی نمایندگان ایران‌دردربارواتیکان‌نامهٔ‌پادشاه‌متبوع خودرا تسلیم‌پاپ نمودند پاپ نیز درتاریخ دهم آوریل همین سال نامه‌هائی برای ارغون خان ارسال داشت.

درنخستین نامه اولا از اعزام سفرا و مساعی آنان در راه اتحاد مغول و

۴۳- رابان بارصومایاساتوما که بزبان‌سریانی بمعنای معلم است

۴۴- ارغون‌خان بـا انوریوس چهارم که مدت کوتاهی مقام پاپی داشت روابط صمیمانه‌ای برقرارکرده بود ودر نامه‌ایکه برای پاپ مذکور نوشت خاطرنشان کردکه نمایندگانش رابه‌فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا وشارل‌دانژو معرفی نماید ولی هنگـام ورود نمایندگان بدربار واتیکان نیکولای چهارم جای اونوریوس راگرفته بود. (عکس نامه ارغون‌خان که بدربار پاپ ارسال داشته‌است ضمیمه این‌مقاله‌است عکسهای شماره۸ و ۹)

45- Uguet

۱۳۰۷ – ۱۲۷۲ میلادی پادشاه انگلیس و فیلیپ لوبل[۵۴] (۱۳۱٤ – ۱۲۸۵ میلادی) پادشاه فرانسه بود بکشورهای مزبوراعزام داشت.

ضمناً پیشوای کاتولیکها طی نامه‌هائیکه بپادشاهان انگلیس و فرانسه نوشت تأکید و توصیه نمود که بدقت نامه‌های سلطان مغول را مطالعه کرده تصمیمات مفید و ثمر بخشی کـه برای ایلخان ایران امیدوار کننده باشد، اتخاذ نمایند. متن‌نامه پاپ از اینقراراست:

« وقتی که پسران عزیز ما نجیب‌زادگان آندره کـه قبلا زاگان نام داشت و در دربار مـا بوسیله کاردینال اوستی در راه خـدا تعمید یافته است و برادر زاده‌اش دومینیك که سابقا گرگی نامیده‌میشد وباسکارلوس‌دوژیزلفوس همشهری‌جنوائی وهمچنین موراسوس که فرستادگان ارغون‌پادشاه‌مشهورتاتارها و حـاملین پیشنهادات ونامه ها هستند بدربار شما رسیدند. تقاضا داریم که‌ازآنها بخوبی‌پذیرائی‌نمائید و چیزهائی را که از شما درخواست میکنند بدقت توجه نمائید و بسرعت کار آنها را روبراه نموده و اعزامشان دارید زیرا مادر بازگشت آنها میخواهیم که‌سفیر مخصوص وفوق‌العاده خود رابدربار پادشاه اعزام داریم: »

نامه‌ایکه ارغون‌خان بعنوان پادشاه فرانسه نوشته و ارسال داشته بود بزبـان مغولی و خط اویغوری بود کـه اکنون در آرشیو دولت فرانسه محفوظ است و ترجمه آن ازاینقرار است:

54- Philippe IV, lebel

کوروینو با یارانش عازم دربار ایلخان ایران شد و پس از چند ماه به پایتخت ایران [٥٠] رسید و مورد پذیرائی دربار ایران قرار گرفت نمایندهٔ پاپ بعقیده مؤلف تـاریخ مغول [٥١] پاپ را در نظر ارغون و درباریانش همچون خداوند و رهبر وپیشوای یگانه معرفی کرد وچنان کرد که تاتارهای ساده دل با آغوش‌باز ازمسیحیت استقبال کردند.

کوروینو کشیش متهور و ازجان گذشته واتیکان پس‌از اینکه درتبریز مأموریت خودرا بانجام رساند برای ترویج آئین مسیح راه‌خاور دور را در پیش گرفت و بکشور باستانی چین‌رفت ودر شهرهای‌بزرگ وپرجمعیت آن مملکت کلیساهای باشکوه بنانهاد. بطور کلی‌مفاد ومطالب‌بیشترنامه‌هائیکه پاپ‌در اینزمان بدربار ایران ارسال داشته همانطوریکه قبلا ذکرشدتشویق وتحریض ایلخان‌مغول و درباریان او بگرویدن بآئین مسیح‌است، دربعضی‌از این‌نامه‌ها پاپ مصراً از پادشاه ایران‌میخواهد که حامی وپشتیبان‌نمایندگان اعزامی‌او باشد و ازجان آنها درقبال دشمنان و بدخواهان حمایت کند

ارغون‌خان در پاسخ نامهٔ پاپ نامه‌هائی نوشت و آنرا به بوسکارل ـ دوژیزلف [٥٢] که از اهالی بندر جنوا [٥٣] بود سپرد تاهرچه زودتر بهمراهی عده دیگری از نمایندگان او بدربار پاپ برساند.

بوسکارل مأموریت داشت که شخصاً باطلاع پاپ برساند که قوای نظامی ایران آماده‌است که بیت‌المقدس‌را از چنگ‌مسلمین بدرآورد و دراین‌مورد حمایت و پشتیبانی پاپ و پادشاهان اروپائی را طالب است

پاپ بلافاصله بوسکارل راکـه حامل نامه هائی نیز برای ادوارد اول

٥٠- پایتخت ایران دراینزمان شهر تبریز بود

٥١- دوسون- جلد چهارم ص ٦٩ ـ ٧٠

52 - Buscarelle de Jisulf

٥٣- ازبنادر معروف ایتالیا Genez

«ارغون میداند که پادشاه فرانسه آماده‌است که باارتش خود باو ملحق شود تابرسر زمین مقدس تسلط یابند اگر شاه فرانسه باهمراهان خود بیاید ارغون بکمك‌او و پادشاه مسیحی گرجستان که دست‌نشاندهٔ اوست میتواند بیست‌هزار نفر سوار نظام وخیلی بیشتر ازاین تهیه و آماده سازدوچون‌برای پادشاه فرانسه و بارون‌هایش دشوار است که باتعداد کثیری اسب ازراه دریا و خشکی به بیت‌المقدس برسندلذا ارغون‌خان بیست‌الی سی‌هزار رأس‌اسب برای آنها خواه بعنوان پیشکش و خواه در ازای دریافت بهای مناسب تهیه خواهد نمود و همچنین ارغون قول میدهد که تعداد زیادی چهارپا وهمچنین غلات و سایر احتیاجات قشون‌را فراهم سازد.»

ازطرف دولت فرانسه بتشویق پاپ نمایندگانی چند بایران آمدند ولی اینهابه بهانه‌اینکه ارغون‌خان مسیحی نیست حاضر نشدند که در مقابلش زانو بزنند، بااینکه ایلخان چندین بار بوسیله افسران خود بنمایندگان فرانسه چگونگی اجرای مراسم و تشریفات درباری را تعلیم‌داده بود معهذا فرستادگان پادشاه‌فرانسه حاضر بانجام این‌مراسم نشدند ارغون‌خان‌بناچار آنهارادراین‌خصوص آزاد گذاشت ولی‌درنامه‌ایکه‌برای‌حکومت‌فرانسه‌نوشت تقاضاکرد منبعد اگر سفیری اعزام میدارند باوتعلیم دهند که‌همان‌تشریفات و احتراماتی‌را که برای دربارخودشان قائل‌میشوند دراینجانیز مرعی دارند.

نیکولای چهارم در تاریخ ۲۱ اوت ۱۲۹۱ میلادی نامه‌ای بارغون خان نوشت و باو اطلاع‌داد که بوسیله‌زاگان‌نامه‌های ویرا دریافت‌داشته‌وبرحسب تقاضایش ویرا بانگلستان وفرانسه فرستاده‌است دراین نامه باردیگرصریحاً ویرا بگرویدن بآئین مسیح وانجام غسل تعمید دعوت کرده است. پاپ ضمناً نامه‌ای برای اروك‌خاتون [۵۸] فرستادواز اینکه او مسیحی مذهب است اظهار خوشحالی و شادمانی نمود.

۵۸- اروك خاتون‌از نوادگان‌اونگ خان پادشاه قبیله کرائیت‌بود، این زن درتمام‌زندگی درکیش مسیحی سرمیکرد وهمیشه نزد اوکشیشی مسیحی بسرمیبرد، پسرش را پس ازغسل تعمید نیکولا نام نهاد درحالیکه اسم مغولی اوکارباگاندا بود «Carbaganda».

« بقدرت خدای ابدی ، تحت توجهات وعنایات خاقان ارغون ، گفتهٔ ما : » پادشاه فرانسه ، بوسیله سفیر ، مارباصوماساخورا بمن اطلاع دادی، وقتی که دستجات قشون ایلخانی بجنگ مصریان میروند ، عزیمت‌خواهید کرد تابماملحق‌شوید،خبرعزیمت شما برای مامسرت بخش و دلپسند بود .

من گفته‌ام که پیشنهاد کرده‌ایم که درراه خدادر آخرین ماه زمستان سال ۱۲۹۱ میلادی حرکت کنیم وجلوی دمشق موضع بگیریم ، در پانزدهم اولین‌ماه بهارا گر توقول بدهی و سپاهیانت را درموعد تعیین شده بفرستی خداوندبمارحمت‌میآورد وبیت‌المقدس را میگیریم ، من موسکریل ٥٥ لوکوروجی را بحضورت میفرستم که بتو بگویند که اگر توبرای‌ما سفرای دانائی بفرستی که بچند زبان صحبت کنند و برای‌ما پیشکش ها و تحفه‌ها و تصاویر رنگا رنگی از کشور فرانسه بیاورند ما آنها را با میل و رغبت خواهیم پذیرفت و بقدرت خداوند و اقبال خاقان نامه ما نوشته شد در کوندولن ٥٦ در ششمین روز اولین ماه تابستان‌سال گاو....»

وقتی بوسکارل وارد دربار فرانسه شد چون نامه بزبان مغولی بود هیچکس نتوانست از مضمون آن مطلع‌شود . دوسون ٥٧ مینویسد:

---

٥٥ - موسکریل همان بورسکارل است چون مغول اغلب بجای حرف ب حرف میم میگذاشت.

56 - Condaulen

٥٧- ر - ك به تاریخ مغول ص ۷۲ — ۷۳ جلد چهارم

غازان‌خان فاتح بیت‌المقدس :

جلوس غازانخان بتخت سلطنت (۷۰۳-۶۹۵ هجری‌قمری-۱۳۰۴-۱۲۹۵ میلادی) که اسلام‌آورده ودراین‌دین تعصب میورزید آغازیك سلسله‌تحولات اساسی دراوضاع داخلی وروابط خارجی‌ایران بود .

دراینزمان بعلت فوت‌قوبیلای قاآن بزرگ خاندان مغول‌حالت‌اطاعت‌و فرمانبرداری ایلخانان مغول نسبت بدربار خانبالیغ بکلی از میان رفت و سلاطین مغول ایران استقلال یافتند .

بسبب گرویدن ایلخانان بآئین اسلام ، مسیحیان که تااین زمان‌همواره مورد توجه وعنایات دربار مغول بودند بیکباره موقعیت و اعتبار خود را از دست دادند . در کتاب جامع‌التواریخ [۶۱] رشیدی راجع به ازمیان برداشتن معابد وبت‌خانه‌ها مطالبی بشرح زیرمذکوراست :

غازانخان گوید «فرمود که پدرمن‌بت‌پرست بود وبرآن‌در گذشت‌وجهت خود بتخانه ومعبد ساخته‌وبرآن وقفی کرده بنام آن‌جماعت ومن‌آن‌بتخانه را خراب کردم »

در روضة‌الصفا منقول‌است :

«باطراف وجوانب مکتوبات ارسال نمود تا مجموع کلیسا های نصاری‌و دیرمجوس را که سالهای دراز به‌زر ودینار وجواهر شاهوار مزین و آراسته بود غارت کردند » .

دوسون [۶۲] مینویسد «که مأمورین غازان در موصل‌علاوه بر خرابی کلیساها ظروف مقدس‌را نابود کرده نه‌صلیبی ونه عودسوزی وحتی‌نه کتاب انجیلی که پوشیده از طلایا نقره بود باقی نگذاردند . »

ضمناً بدستورغازان دو کلیسای زیبارا که یکی متعلق به فرقهٔ یعقوبی و

۶۱- جلد دوم ص ۹۸۳ درحکایت هفتم (ابطال دین بت‌پرستی)

۶۲- رجوع به کتاب Histoire des Mongols جلد چهارم

بطور کلی درزمان سلطنت ارغون با وجود مبادلهٔ سفرا وارسال‌نامه‌های متعدد بین واتیکان وایران مساعی طرفین در اجرای نقشهٔ تسخیر مجدد بیت‌المقدس وسرکوبی مسلمین مصرو شام عقیم ماند ولی توسعه و گسترش روابط سیاسی سبب ازدیاد نفوذ وقدرت روحانیون مسیحی درایران گشت با کوشش آنان واجازهٔ ارغون‌خان کلیسا های متعددی درایران ساخته‌شد.

ضمناً بعلت آمدو رفت زیاد نمایندگان اروپائی بدربار ایلخان‌ایران و توجهی که اینان‌بامتعه‌وکالاهای ذیقیمت شرق داشتند باب مراودات‌تجارتی بیش از پیش مفتوح گشت و شهر تبریز پایتخت ایلخانان یکی از بزرگترین مراکز بازرگانی آسیا گردید.

ارغون‌خان در سال ۶۹۰ هجری درگذشت‌وبرادرش گیخاتو که مردی عیاش‌و بقول مورخان قدیم فاسق وفاجر بود بایلخانی انتخاب شد.

درزمان سلطنت گیخاتو کتاب دیاتسرون [۵۹] بفارسی ترجمه شد نام مترجم در کتاب ذکر نگردیده ممکن‌است نام او در صفحه اول کتاب که مفقود گردیده ذکرشده باشد با توجه بجدول رمزی که در حاشیه کتاب ترسیم شده میتوان احتمال داد که مترجم‌آن عزالدین محمدبن مظفرمعروف بوده است. این شخص دردربار گیخاتو مقام‌ومنزلتی رفیع بدست‌آورده‌بودو همواره موردتوجه وعنایات ایلخان و وزیر اوصدرالدین زنجانی‌قرارمیگرفت

بطور کلی در زمان گیخاتو وجانشینش بایدوخان [۶۰] بعلت قلت ایام سلطنت وهرج‌ومرج و آشوب داخلی و بیکفایتی ایلخانان مذکور فرصت برقراری روابط مجدد با اروپا حاصل نگردید.

بایدوخان با اینکه مسیحی نبود پیوسته در توسعه و پیشرفت آئین مسیحیت میکوشید با اینحال‌نسبت بمسلمانان بمهربانی‌وشفقت رفتارمیکرد وحتی برای دلجوئی ایشان فرزند خودرا برای‌اقامه نماز جماعت‌میفرستاد.

۵۹- یکنفر مسیحی سریانی‌بنام طاطیانوس اناجیل اربعه (لوقا - مرقس - یوحنا- متی)را درهم آمیخت واز آن کتابی تدوین نمود که دیا تسرون نامیده شد. دراین کتاب سعی شده‌است که با حذف مطالب تکراری، زندگی مسیح بطور کامل تشریح گردد.

۶۰- بایدوخان فقط ششماه حکومت کرد.

دراینزمان صلیبیون درشام وفلسطین بعلت قدرت سلطان مصر ، الملك منصورسیف‌الدین‌قلاوون استحکامات ومواضع مهم خود رایکی پس‌ازدیگری ازدست داده‌وعقب نشستند.صلاح‌الدین خلیل‌پسر وجانشین قلاوون دنبالهٔ اقدامات پدر را درنابودی‌قدرت صلیبیون تعقیب کرد وپس ازچندی شهرهای مستحکم عکا وصیداوصور و بیروت را از ایشان پس گرفت وبکلی‌قدرت‌آنها را در این نواحی مضمحل ساخت .

غازان خان به پیروی ازهدفهای جاه طلبانه اسلاف‌خود تصمیم‌بلشکر-کشی بصفحات شام و فلسطین گرفت ودرسال ۶۹۹ هجری بشام حمله برد و بزودی موفق بفتح این‌ناحیه وسرزمین فلسطین گردید .[۶۷]

خبر پیروزی وموفقیت ایلخان ایران برممالیك مصرانعکاس مطبوعی در اروپا داشت وپاپ وپادشاهان وامرای مغرب زمین را غرق شادی و شعف نمودآنها سالهابود که‌مرتباً دچارشکست‌وناکامی‌درمبارزه بامصریان‌میشدند بنا براین فتح مجدد اماکن مقدس که زادگاه مسیح و زیارتگاه میلیونها عیسوی‌جهان بودآنهم بوسیله سلطان‌مغول که‌ایشان ویرا مسیحی‌می‌پنداشتند واقعاً مسرت بخش بود .

دربار واتیکان‌وسلاطین‌اروپائی‌بلافاصله‌پس‌ازوصول‌خبر فتح‌بیت‌المقدس مصمم شدند که با تشویق‌وترغیب ایلخان به ادامهٔ این پیکاربکلی ریشه‌نفوذ واقتدارمصریان را درفلسطین براندازند وبدین ترتیب انتقام ناکامیهای خود را در مبارزهٔ با ممالیك مصربوسیله‌قوای مغول بگیرند .

غازان‌خان نیزبا وجودتعصب در دین اسلام برای تکمیل فتوحات‌خویش دربلاد شام وفلسطین مایل‌بایجاد روابط دوستانه با اروپائیان بود وهمکیشی با مصریان مانعی درراه مقاصد وی‌ایجاد نمیکرد این‌مطلب برای پاپ وسایر سلاطین اروپا این شبهه را بوجودآورد که ایلخان باطناً تعلق خاطری بدین اسلام ندارد وممکن است باندك تشویقی تغییرآئین دهد .

۶۷- البته بعلت هجوم مغولان جغتائی غازان بناچار نواحی‌مفتوحه را رها کرد و مصریان باردیگر آنهارا باشغال‌خود درآوردند.

دیگری بفرقهٔ نسطوری تعلق داشت بکلی نابود کردند [۶۳] بفرمان ایلخان مسیحیان ملزم بودند که باعلامت زنار یا وصله‌ای برلباس خود درمعابرظاهر شوند یهودیان نیز مجبور بگذاشتن کلاه مخصوص برسر بودند تا از مسلمانان تمیز داده شوند در شهرهائی که تعداد مسیحیان زیاد بود توهین واهانت نسبت‌بآنان باشدت بیشتری انجام‌میشد چنانکه دربغداد قوم نصاری جرئت خروج ازخانه‌را نداشتند فقط زنان مسیحی بعلت تشابه‌البسهٔ خود با مسلمانان میتوانستند درصورتیکه شناخته نشوند بآزادی در کوی‌و برزن‌رفت و آمد نمایند [۶۴] سرپرسی سایکس [۶۵] در مورد سختگیری غازان نسبت‌بمذاهب غیراسلامی‌میگوید که‌اگروساطت‌پادشاه ارمنستان ازمسیحیان تبعه‌ایران‌نبودتعدیل روش‌خصمانه‌سلطان‌مغول‌نسبت‌باین‌قوم‌ممکن‌نمیگردید.

غازان‌خان که‌درجنگ برعلیه مصریان بکمك ارامنه و گرجیان‌نیازمند بود اقداماتی راکه‌علیه مسیحیان و یهودیان‌آغاز کرده‌بود متوقف ساخت و روش مدارا درقبال‌ایشان پیش گرفت وحتی جزیه راکه مجدداً ازغیرمسلمین گرفته میشد لغو ساخت اما بودائیان را مجبور کرد که یا اسلام آورند و یا کشور را ترك گویند.

با وجودسختگیری وشدت عملی که ابتدا غازان نسبت بعیسویان از خود نشان‌داده بودمع‌الوصف روابط سیاسی ایران با دربار واتیکان‌وسلاطین اروپائی کماکان برقراربودحتی‌با وجود مسلمان‌شدن‌ایلخان همچنان پاپ‌های رم انتظارداشتند که‌بکمك‌پادشاه ایران دنیای مسیحیت را درپیکار با مسلمین به پیروزی وموفقیت رهنمون گردند. [۶۶]

۶۳– بفردولت قاهره ازعودالصلیب اعوادمنابر ساختند وازکلیساء سیاه کلیسان و صوامع مجوس معابد ومساجد اسلام برافراختنددریکدم عالمی ازعمه ضلالت وشرکت کفربنورصدق ایمان راه یافتند .. نقل ازتاریخ وصاف ص ۳۲۴

۶۴–رك به تاریخ مغول اقبال ص ۲۶۰

۶۵–رك به تاریخ ایران ص ۱۵۵ جلد دوم

۶۶– دربار واتیکان ظاهراً اطلاعی ازمسلمان شدن غازان نداشت. (عکس نامه غازان‌خان که بدربار واتیکان فرستاده است ضمیمه این مقاله است عکس شماره ۱۰)

معلوم نیست که غازان‌خان به‌تقاضای پادشاه آراگن چه جوابی داده‌است ولی‌میتوان گفت که‌ایلخان ایران بی میل نبود که درصورت فتح اماکن‌مقدس قسمتی‌از آنرا بمسیحیان‌واگذار نماید تامراسم‌مذهبی‌خود رادر کمال‌آسودگی وآسایش انجام دهند . ایلخان بزرگ ایران با دربار انگلستان وفرانسه نیز روابط سیاسی‌برقرار کرده بود وسفرای‌اوبحضور ادوارد اول پادشاه‌انگلستان رسیدند ونامه‌های سلطان متبوع خود را تسلیم نمودند ادوارد نیز سفیری بنام جوفری‌دولانگلی[۷۲] بهمراهی دوتن ازرجال دربارخود بایران فرستاد و نامه‌ای نیز برای‌خلیفه مسیحیان مشرق ارسال داشت [۷۳]

بیعلاقگی سلاطین اروپا بمسائل مشرق‌وکم‌قدرتی پاپ دراین‌زمان که دیگر آن‌نفوذ کلام سابق را نداشت و نیز شکست بزرگ غازان درسال ۷۰۲ هجری‌درمحل‌مرج‌الصفر[۷۴] ازسپاهیان سلطان مصرالملك‌الناصر ومتحدینش کلیه‌اقداماتی‌را که‌درطریق‌اتحاد واتفاق‌دول‌اروپا وپاپ با دولت ایلخان‌ایران انجام شده بود بی‌ثمر ساخت .

قیصر روم شرقی که دراینوقت‌آندرونیك پالئولوگ نام داشت از تهاجم ترکان عثمانی به‌قلمرو حکومت خویش بیمناك شده وازغازان کمك خواست ولی در گذشت ایلخان مانع از همراهی وی نسبت بدولت بیزانس گردید .

بااینکه سلطان محمود غازان چندان رعایت حال مسیحیان کشور خود را نمیکرد معهذا در گذشت او درسال ۷۰۳ هجری قمری‌برای مسیحیان که امید بسیاری باو در مبارزه با ممالیك مصر بسته بودند تأسف و اندوه ببار آورد.

72-Geoffre de Langley

۷۳- طومار یااوراق سیروسیاحت آنها موجود است ونیزصورتی راجع بمخارج و مصارف آنها که ازجمله خرید ظروف نقره، خرقه خز وفروش قالی میباشد باتیمانده آنها از راه جنوابه طرابوزان وتبریز سفر کرده ودربرگشت به میهن خود یك پلنگ زنده، که در قفس بوده است باخودآورده وغیراراین چیزی راجع بسفارت‌وماموریت‌شان دردست نیست.ر.ك‌به تاریخ ایران سرپرسی سایکس ص۱۶۰

۷۴- مرج‌الصفرنزدیك شهردمشق پایتخت سوریه.

سرجان ملکم مینویسد : [۶۸]

«غالباً محرران فرنگستان را عقیدت این‌شد که غازان در دین اسلام استوار نبود وجنگهائی‌هم که علی‌الاتصال با سلاطین مصر داشت که در آن‌ایام ایشان حامی‌دین پیغمبر عرب بودند تأیید عقیده ایشان را نمود لکن‌محرران اسلام درصدق عقیدت ورسوخ ارادت غازان‌خان شک ندارند» .

پاپ‌بونیفاس‌هشتم(۱۳۰۳-۱۲۹۴میلادی) که آرزوداشت یکباردیگرارض اقدس یا کعبه مسیحیان بوسیله ایلخان مغول مستخلص گردد و بقوم نصاری واگذار شود سلاطین‌اروپا را باعزام سفرا وارسال نامه‌های‌محبت‌آمیز بدربار تبریز تشویق‌میکرد .[۶۹] لکن در آن‌ایام‌اروپائیان‌بعلت گذشت‌زمان وتجربیاتی که ازمحاربات صلیبی کسب کرده بودند هیچگونه عکس‌العمل مساعدی در مقابل پیشنهادات وخواسته‌های پاپ ازخود نشان نمیدادند واصولاسر گرمیها واشتغالات داخلی بآنان فرصت ومجال توجه باینگونه مسائل را نمیداد .

جیمز دوم پادشاه آراگون در رمضان سال ۷۰۰هجری قمری (مه۱۳۰۰ میلادی)نامهٔ‌سراسر تحسین وتهنیتی بوسیلهٔ سفیرخودموسوم به‌پیرسولیورو[۷۰] که‌ازبورژواهای‌بارسلون[۷۱] بودبایران فرستاد ودرآن‌نامه‌خاطرنشان‌ساخت اتباع او حاضرند پابه پای عساکر ظفر نمون ایران در راه‌آزادی فلسطین بجنگند وتا پای‌جان‌دراین‌راه استقامت کنند . ضمناً ازغازان‌خان درخواست کرد که اولا از زوارآراگنی که برای‌زیارت اماکن مقدسه بفلسطین‌می‌آیند مالیات‌وخراجی گرفته‌نشود ودرثانی یك‌پنجم ازاراضی مقدسه‌را که‌ازمسلمین گرفته است به مسیحیان واگذارنماید .

۶۸- رجوع به تاریخ ایران ص۱۴۱ ذکرسلاطین چنگیزخانیه

۶۹- درموزه واتیکان نامه‌ای ازغازان بزبان مغولی وبخط اویغوری موجود است که‌برای پاپ بونیفاس هشتم ارسال شده است. تاریخ نامه سال ۱۳۰۲ میلادی است.

70- Pierre Solivero

71- Barcelonne

برای نیل به‌پیروزی قطعی خیلی‌مایل بود که ازحمایت پاپ وسایر پادشاهان وامرای مقتدر اروپائی بهره‌مند گردد بنابراین در زمان سلطنت این پادشاه هم مبادلهٔ سفرا و نمایندگان سیاسی ومذهبی‌وارسال مراسلات کمافی‌السابق برقرار بود.

الجـایتو در سال ۷۱٤ هجری (۱۳۰۷ میلادی) سفیری بنام توماس ایلدوچی [۷۹] را بانامه‌هائی که درمحل اوجان بخط اویغوری نوشته شده‌بود مأمور فرنگستان کرد دراین نامه سوابق‌روابط‌ایرانیان با اروپائیان واتحاد واتفاق‌آنان برعلیه سلطان مصر بازگو شده بود . . .

الدوچی نخست بفرانسه رفت و بخدمت فیلیپ لوبل پادشاه این کشور رسید وپس ازدوسال اقامت در این مملکت باتفاق مردی موسوم به مملاخ [۸۰] عازم انگلستان گردید و درشهر نارتمپتون بنزد پادشاه انگلیس ادوارد دوم رفت ونامه‌ای را که بعنوان ادوارد اول نوشته شده بود بوی تسلیم‌نمود [۸۱]

ایلدوچی ومملاخ پس از دریافت جواب نامه در تاریخ ۱٦ اکتبر سال ۱۳۰۷ ازانگلستان روانه ایتالیا شدند

دوسون مؤلف تاریخ کبیر مغول دربارهٔ سیاست و روش محیلانه توماس ایلدوچی خاطرنشان‌میسازد که وی در تمام مدت توقف خود دراروپا مذهب پادشاه متبوع خود را پنهان داشت و همه جا وانمود میکرد سلطان محمد خدابنده مانندورانکود کی خود، مسیحی‌باقی مانده وباین کیش فوق‌العاده علاقمند است [۸۲]. این موضوع برای پاپ کلمان‌پنجم وسایرین که امید تسخیر مجدد اماکن مقدسه را در مخیله داشتند امیدوار کننده بود ، بیشتر از همه

۷۹- نام این‌سفیررا توماس یا توماس‌ایلدا کی نیزذکر کرده‌اند که معنای آن گیرنده شمشیر یا کسی که‌شمشیر دردست دارد میباشد.

80- Mamlakh

۸۱- ادوارد اول‌اندکی‌پیش ازورود سفرای ایران‌بدرود حیات گفته بود.

۸۲- شاید بدستور الجاتیو که مایل بجلب کمك اروپائیان درجنگ بر علیه امرای شام و مصربود بدینکارمبادرت ورزیده باشد

سرجان ملکم [۷٥] دراین باره اشاره میکند:

« مؤلفان غرب برفوت غازان افسوس میخورند ازاین سبب که عماد ملت وسناد مذهب عیسوی ویرا دانند لکن گویا این افسوس بجهت این باشد که او آخر سلطانی بود ازایران که علی‌الظاهردراسترداد فلسطین مایل‌بمعاونت پیروان صلیب بود.»

سلطان محمد خدابنده الجاتیو [۷٦] و پاپ کلمان پنجم [۷۷]

ایلخان جدید فرزند ارغون وبرادر کوچك غازان بود وچون مادرش از قبیله مسیحی کرائیت بود درسنین طفولیت مطابق آئین مسیح تعمید یافت ونیکولا نام گرفت.

الجاتیو پس از مرگ مادر بعلت‌ازدواج بازنی مسلمان ، باسلام متمایل شد و براثر تشویق روحانیون حنفی خراسان شعبه حنفی مذهب تسنن را پذیرفت، بعدها در نتیجه نفوذ و قدرتیکه علمای شیعه در دربار او بدست آورده‌بودند به‌اصرارآنها شیعی مذهب گردید و تا آخر عمر را دراین کیش بسرآورد.

الجاتیوشهرسلطانیه را ساخت وآنرامقرحکومت‌خود قرارداد. نوشته‌اند که بعلت گذشت و اغماضی که این پادشاه درحق اقلیتهای مسیحی از خود نشان داد در زمان او قریب ۲٥ کلیسا درسلطانیه برپاشد وبدستور پاپ ژان سیزدهم شهرسلطانیه مرکز اسقف‌نشین دومینیکن‌ها درآسیای‌غربی انتخاب گردید [۷۸] سلطان محمد خدابنده پس از فتح گیلان که مدت طولانی اوقات وی مصروف آن شد تصمیم گرفت به بلاد شام و فلسطین لشکر کشی کند، مسیحیان ارمنستان وجزیره قبرس نیز شاه را باین‌کار تشویق میکردند، وی

۷٥- ر.ك به تاریخ ایران ص۱٤۲

۷٦- الجاتیو کلمه‌ای مغولی‌است بمعنای آمرزیده- پادشاهی سلطان محمد خدابنده الجاتیو از۷۰۳ تا ۷۱٦ هجری قمری (۱۳۱٦-۱۳۰٤ میلادی)

۷۷- برتران دوگت، کلمان پنجم دوره‌پاپی از۱۳۰٥ تا۱۳۱٤ میلادی

۷۸- شهرپکن یا خانبالیغ مرکز اسقفان فرانسیسکن درآسیای شرقی‌بود

غذای مقوی برساند البته شما برای ما غذائی شیرین‌فرستاده‌اید و مارا با چنین همراهی ومساعدت پرافتخاری امیدوار ساخته‌اید.

در خصوص این‌مسأله بابرادران‌خود مذاکره ومشاوره کردیم وموضوع آزادی بیت‌المقدس را بانهایت دقت وموشکافی‌مورد مطالعه قراردادیم.

ما بین تمام آمال وآرزوهایمان ،آنچه همواره فکرو اندیشه ما را بخود معطوف کرده اینست که ببینیم باموهبت الهی زمینی که پاهای خداوند ما (عیسی)آنرا لمس نموده است بر گردد به‌پرستش و دیانت مسیح .[۸۵]

معهذا تصور میکنیم (عقیده ما چنین است) که باید با توجه ودقت‌هرچه تمامتری وسایلی را که بتواند این منظور خیرخواهانه و مقدس را به نتیجه مطلوب برساند در نظر گیریم .

ازاین‌جهت ما و برادران ،دقت خواهیم کرد که این موضوع موردمشاوره دقیق قرار گیرد .

و امیدواریم که ، بایاری باریتعالی تاآنجائی که درتوانائی داریم بآنچه که خدا بر ما الهام میکند جامه عمل بپوشانیم وقتیکه فصل مناسب برای گذشتن از دریا فرارسد ما کوشش خواهیم کرد که بوسیله نامه یاچاپاربشما اطلاع دهیم تا شما خود را برای چنین اقدام بزرگی که ذات والای شماوعدهٔ آنرا بما داده استآماده ومهیا سازید . .

اما شما باایمان واعتقادراسخ‌بسوی مسیحیت روبیاورید[۸۶] که درحقیقت

بقیه از صفحه مقابل

میلاد) اودسته‌ای ازجوانان اسرائیلی را ببابل تبعید کرد، وی مورد توجه و عنایت پادشاه بابل نبوکد نصروجانشینش Evilmerodach قرارداشت این امرحسادت مغان بابل را بر انگیخت آنهاشاه را وادار کردند که دانیل‌را بقفس‌شیران بیندازدولی‌فردای روزبعددانیل‌را صحیح وسالم یافتند (تورات) درادبیات معمولا موضوع دانیل وقفس‌شیران را برای کسانی که ازمهلکه بطورمعجزه‌آسائی جان بسلامت برده‌اند بعنوان‌مثال‌وشاهد میآورند. نقل‌از «Petit - Larousse Illustre».

۸۵– بیت‌المقدس بمسیحیان تعلق گیرد...

۸۶– این مطلب میرساندکه پاپ درمورد مسیحی‌بودن الجایتوبدیده شك وتردید مینکرد

پاپ علاقمندبود که باپادشاه بظاهر مسیحی مشرق زمین دوستی ومودت گذشته را تجدید نماید.

در تمام نامه‌هائیکه از پاپ کلمان پنجم (مورخ مارس ۱۳۰۸) وادوارد دوم پادشاه (مورخ ۳۰ نوامبر ۱۳۰۷) وفیلیپ لوبل موجوداست صریحاً خدابنده را باتحاد واتفاق برعلیه مسلمانان و نابودی آئین محمدی دعوت کرده‌اند.

ترجمهٔ متن نامه پاپ را که درتاریخ اول مارس ۱۳۰۸ ازپواتیه[۸۳] برای سلطان محمد خدابنده الجاتیو ارسال داشته است عیناً از کتاب تاریخ مغول دوسون نقل مینمائیم:

«ماباکمال خوشوقتی، سفیرشماتوماس ایلدوچی‌را که حامل نامه‌هایتان برای ما بوددردربار روحانی خودپذیرفتیم وبادقت بسیار محتویات ومطالب نامه‌هارا مورد بررسی قراردادیم، آنچه را که دراین نامه‌ها نوشته شده‌بود و آنچه را که نماینده شما برای ما بیان کرد باکمال خرسندی و رضامندی می‌پذیریم.

پیشنهاد کرده‌بودید که‌بشما درراه‌آزادی واستخلاص مجدد بیت‌المقدس کمك و مساعدت کنیم ونوشته بودید که حاضرید دویست هزار رأس اسب و دویست هزار بار گندم در ارمنستان آماده نگهدارید تا هنگامیکه قشون مسیحیان بآنجامیرسند ازآنهااستفاده کنند وضمناً خودتانهم ازایران بایکصد هزار سوار نظام برای کمك و مساعدت مسیحیان جهت بیرون راندن قوای دشمنان ازبیت‌المقدس آماده حرکت میباشید.

ماپیشنهادات شما را بانهایت خشنودی می‌پذیریم، درواقع خواسته‌ها و نظرات شما باعث قوت قلب ما شده است همچون غذائی روحی و معنوی ما تصورمیکنیم که‌سفیر شمامانند فرشته‌ای ازجانب فرشته دیگری مانند خود تعهد کرده‌است که مانندآباکوك به‌دانیل[۸٤] که درقفس شیران محبوس است

۸۳- پواتیه واقع درخاك فرانسه

۸٤- Daniel دانیل یادانیال یکی ازچهارپیامبربزرگ بنی‌اسرائیل بود (قرن هفتم قبل‌از

بقیه در صفحه روبرو

اتحاد فیمابین ایلخان ایران و اروپائیان ممکن نگردید و روابط دیپلماسی جز از حدود مبادلهٔ نامه و تعارفات جاریه تجاوز ننمود.

باید توجه‌داشت که سلاطین اروپا ازجنگهای صلیبی درس عبرتی گرفته بودند و کاملا این امر برآنها مشتبه شده بود که هرگز نخواهند توانست برسپاهیان جنگ‌آزمودهٔ مسلمان که از امکانات بیشتری برخوردارندبرای همیشه فایق آیند. از طرفی خصومت‌ها و رقابت‌های دائمی این سلاطین که بالاخره منجربجنگهای داخلی دراغلب ممالك اروپائی شد اصولا مجال‌توجه بمشرق‌زمین و ادامه مبارزات صلیبی را نمیداد، بدین سبب مساعی پاپ که خود او در اینزمان از قدرت و شوکت گذشته بهره‌ای نداشت نتوانست بار دیگر تعصبات‌آنها را به‌غلیان‌آورده وباعث ایجاداتحاد نظامی بامغول برعلیه مسلمین گردد.

در زمان سلطنت سلطان محمدخدابنده روابط بازرگانی ایران با اروپا توسعه‌فراوانی یافت، شهرهای تبریز و سلطانیه اهمیت بسزائی کسب کردند.

در اینزمان یکی از روحانیون معروف مسیحی که از فرقه فرانسیسکنها بود موسوم به ادوریك[۸۹] برای سرکشی و تفتیش کلیساهای ایران و سایر کشورهای‌آسیائی دربین سالهای ۷۱۶تا۷۱۸ هجری بایران‌آمد وپس‌ازانجام مأموریت خود در این کشور به‌هندوچین‌مسافرت نمود و از مراکز دینی‌این نواحی بازدید کرد و نتیجه‌مشاهدات و مطالعات خود را که ره‌آورد جالبی بود درسفرنامه‌ای انتشار داد، سفرنامه وی بسبب مطالب مفیدی که دربارهٔ اوضاع واحوال ایران این زمان در بردارد دارای ارزش بسیاری است.

ابوسعید بهادر و پاپ ژان۲۲

ابوسعید بهادرخان (۷۳۶–۷۱۶قمری، ۱۳۳۵–۱۳۱۶میلادی) در سنین جوانی پس‌از مرگ پدربپادشاهی رسید بااینکه مسلمان بود ولی فاقدتعصب

89- Odorich - Odorichus

راه زندگی و تقوی است ، از او وحکومت روحانی او پیروی کنید ،باکمال قوت و استحکام در تصمیم قابل تمجیدی که در مورد بیت‌المقدس گرفته‌اید پابرجا و استوارباشید .

بکوشید در این خصوص و مسائل دیگرمربوط بآن ، تاسرزمینی را که عیسی (نجات دهندهٔ)آنرا تحسین وتمجید کرده‌است بدست‌آورید تادرنتیجه از عیسی مسیح حصه بزرگی از سعادت و لذات‌آسمانی و افتخار و سربلندی دراین دین کسب نمائید. ما و مرکز روحانی ما ازکامیابی‌ها و افتخاراتی که نصیب شما خواهد شد شادمان و خرسند خواهیم گشت . .

☆☆☆

پاپ در نامه دیگری که برای اولجایتو نوشته است ابراز خرسندی مینماید که نیکولا[۸۷] به تعمیدی که یافته است وفادار بماند و فرایض دینی خود را مانند دیگرمسیحیان انجام دهد .

ضمناً باو اندرز میدهد که روش و شیوهٔ زندگی خود را تغییر ندهد و در این مورد از کسی ترس و واهمه نداشته باشد ، سپس اصول‌آئین مسیح را مفصلا برای وی تشریح نموده و درپایان نامه در مورد لباس و غذای دو برادر روحانی که مأمورند نامه‌های او را بایلخان برسانند توصیه و سفارش میکند .

لازمست که باین نکته اشاره شود که در تمام دورهٔ سلطنت ایلخانان برایران پاپ‌هاهمیشه واسطه ارتباط سلاطین اروپائی باایران بوده‌اند واصولا در آندوره سلاطین مشرق زمین شأن و مقام و منزلت پاپ را مافوق سلاطین دیگر اروپایی تصور کرده و ریاست و سیادت ایشان را برسایرین مسلم می‌دانستند .[۸۸]

باوجود علاقه و میل وافری که پاپ باتحادبااالجایتوبرعلیه مسلمین مصر و شام داشت ، بعلت تمرد و عدم اطاعت سلاطین اروپائی از وی عقد قرار داد

۸۷- نام کودکی الجاتیو

۸۸- این امر دربعضی ازدوره‌ها کاملا صادق بود .

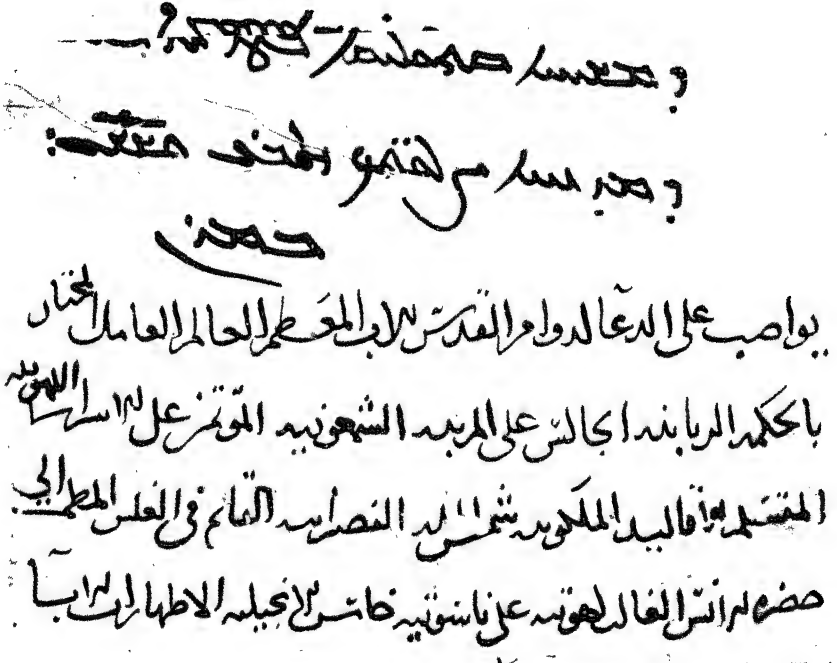

عکس نامهٔ اول یهبلاهای سوم که بدربار واتیکان فرستاده است

بود اقلیتهای مذهبی بآسودگی میزیستند ، در تمام مدت سلطنتش فقط یکبار تحت تأثیر بعضی ازروحانیون متعصب ومغرض دستور تعطیل چندین کلیسا را در مملکت داد.

درزمان سلطنت این پادشاه سلطان مصر که الملك الناصر نام داشت دستور حمله بارمنستان را صادر نمود . امرا و سرداران وی درسال ۷۲۰ هجری قمری شهر سیس پایتخت کیلیکیه راغارت کرده وتصمیم باشغال سرتاسر خاك ارمنستان گرفتند لئون پنجم پادشاه خردسال ارمنستان و اتابك او چون کار را برین منوال دیدند بلافاصله نامه‌ای به پاپ ژان بیست ودوم (۱۳۳٤-۱۳۱٦) نوشته و از او در قبال حملهٔ مهاجمان مصری کمك خواستند .

پاپ چون بی‌توجهی سلاطین اروپارا که مشغول جنگ وستیز بایکدیگر بودند مشاهده کرد بناچار برای دلگرمی لئون نامه‌ای باو نوشت واظهار داشت که خود بشخصه قوائی تهیه کرده وبیاری وی خواهد شتافت، این خبر وقتی بگوش سلطان مصر رسید برشدت حملات خود درارمنستان افزود .

ضمناً امیرتیمورتاش هم که ازطرف ابوسعید بهادر حکومت بلاد شامرا داشت بنواحی عیسوی‌نشین سرزمین خود تاخته وباتفاق امرای ترك نژاد این سامان بقوم نصاری آسیب فراوان رسید و گروه کثیری نیز بهلاکت رسیدند.

مصریان شهر آدانا (آدانه)[۹۰] را آتش زده وقریب ۲۰هزار نفر از ارامنه را باسارت خود درآوردند .

اخبار وحشت‌انگیز وجانگدازی که در خصوص کشتار مسیحیان و نابودی شهرها ومساکن آنها بدست لشکریان مصر وترکان خونخوار باروپا میرسید بقدری مسیحیان رامتأثرنمود که جلسگی حاضر بپرداخت کمك و اعاناتی بوسیله دربار واتیکان بارامنهٔ آسیب‌دیده شدند .

پاپ ژان بیست ودوم که نتوانسته بود بوعدهٔ خود وفا کرده و کمك و همراهی لازمی به ارامنه نماید ناچاردر تاریخ ۱۲ ژوئیه سال ۱۳۲۲ میلادی

۹۰- Adana واقع درترکیه

[illegible]

جميع الابا والرهبان وابنا البيعه الذين تحت ولايته ان يساعدونا

بالادعيه الصالحه والصلوات ويرغبوا الي ربنا في ان يتصدق على

بيعته المقدسه بالامن والصلاح ويرزق رعيتنا لناطقها السعاده

والفلاح فما التكلان بعد الله الا على صلاة الاب وعالي همته

ولا الملتجي الا الي غزير شفقته ورحمته فالله يفتح ابواب الرحمه لاهل

المعموديه بعز بركاته ويقدر لهم اسباب الخلاص بحول صلواته

واذا سال الاب ادام الله تمكينه عن امانتنا وفحص عن عقيدتنا فانا نومن

برب واحد ازلي حكيم حي جواد قادر جوهر واحد ثلثه اقانيم اب

وابن وروح قدس اله واحد الاب والد والابن مولود وروح القدس

[illegible] رب واحد معبود واحد خالق ما يرى وما لا يرى

له [illegible] ولا عديل لا تحيط به الافكار ولا تدركه العقول

بل لاجل ضعف معرفه البشر القاصره عن ادراك حقيقته قيل ان الاب مثل

النفس والابن مثل الكلمه والروح مثل الحياه ولذلك قال الله في صدر

التوراه هلموا نخلق انسانا على صورتنا ومثالنا ومثل ذلك من المحسوسات

قرص الشمس وضوءها وحرارتها الثلث شمس واحده

[illegible] الثلثه الاقانيم الثلثه الاول بنور الشمس وكل النفس

ونقر بامامه الاب فافا وتقدمه على جميع ايمه دين النصرانيه

ونعترف انه مقام بطروس خليفه سيدنا المسيح على ساير ابنا

البيعه السليحه من مشارق الارض الى مغاربها ونعتقد صدق

[illegible]ه ونعتقد صلاته ودعاه ونعتقد اسباب رعايته ونطلب

منه المعونه على نوايب الزمان ورعايب الحدثان وان لا يغفل

رعايتنا فانا اخوته بالمسيح واولاده بنسبة الايمان الصحيح

وان يشرفنا بمكاتباته وما يسنح من مهامه وخدماته

وقد حمل القديس الربان يعقوب مشافهة يعرضها على آرا

فيتصدق بالاصغا اليه والاعتماد في اداء الخدمه عنا عليه

[illegible]

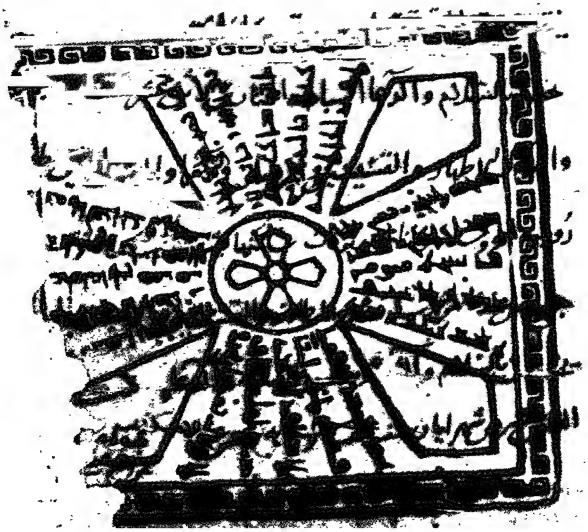

[illegible] Arm. VII Cap. IV, No. 9. (2)

Epistola Jahaballahae Patriarchae Orientis ad Benedictum P. XI
Ann. Franc. 1618 (1904) [illegible]
[illegible]

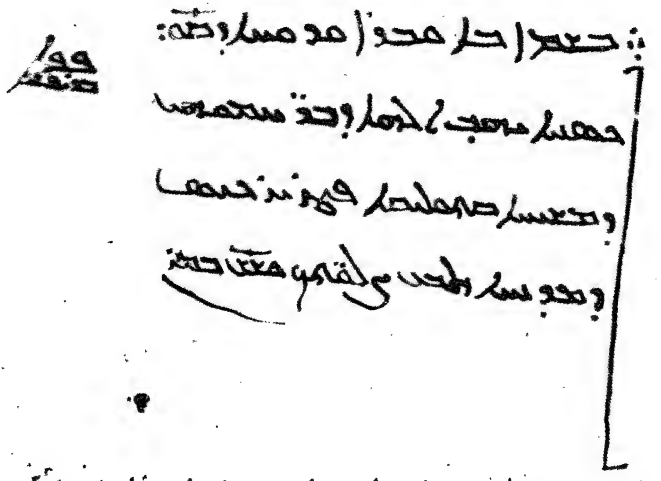

[illegible]

النصرانيه الجالس على كرسي سيدنا شمعون الصفا لذكره
الابا وحاكم الحكام * اشبع الله عليه جلابيب النعم وجرس كافه
المرسومين بصلاته من المصايب والنقم وبعد اخدامه باعذب سلام واصلح
احسن

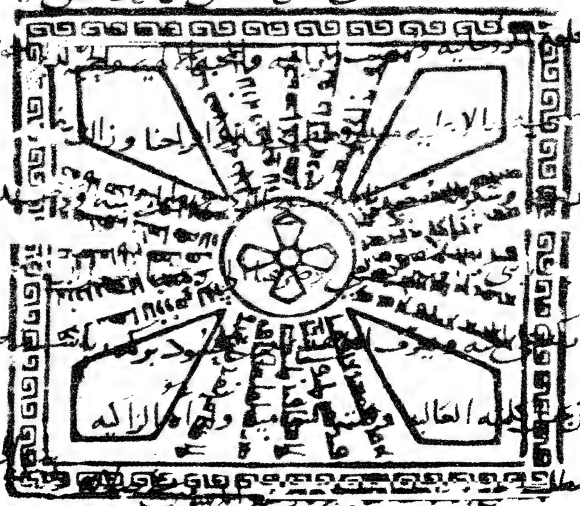

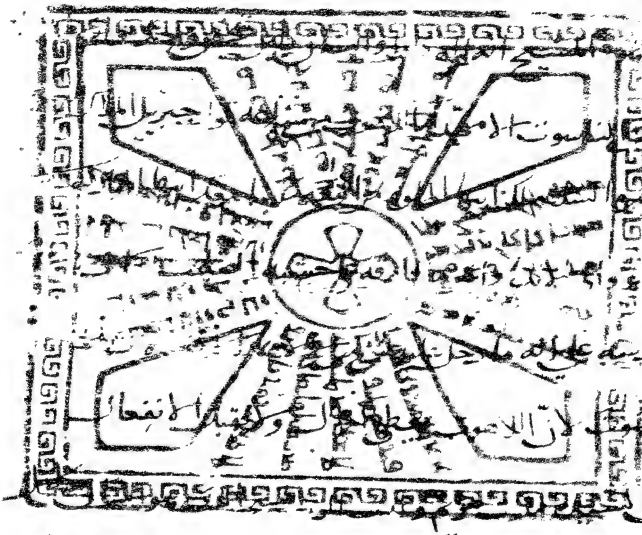

[illegible] الثلثة [illegible] بنور الشمس

[illegible]

وابن من السيده الطاهره انسانا كاملا لخلاص [illegible] الحق

المبين واتحد به اتحادا ابديا لا فراق بعده فلذلك صار اعتقادنا

ربنا [illegible] المسيح [illegible]

جزو [illegible] الناسوت [illegible] جبريل [illegible]

[illegible]

[illegible]

المقدسه [illegible]

الناسوت لان [illegible] الانفعال

وان [illegible]

متحدا بالاله الكامل كما شهد الانجيل المقدس اذ قال الملك للرعاه لقد ولد

لكم اليوم مخلص هو الرب المسيح في مدينه داوود

وانا نقبل امانه ساداتنا الابا الثلثمايه والثمنيه عشر صلاتهم معنا

ونقبل الاناجيل الاربعه وقوانين السليحين ورسايل فولس الرسول

ونبرا الي الله تعالي من كل من يخالفها

ونقر بامامه الاب فافا وتقدمه علي جميع ايمه دين النصرانيه

قسمت آخر نامهٔ دوم یهیلاهای سوم

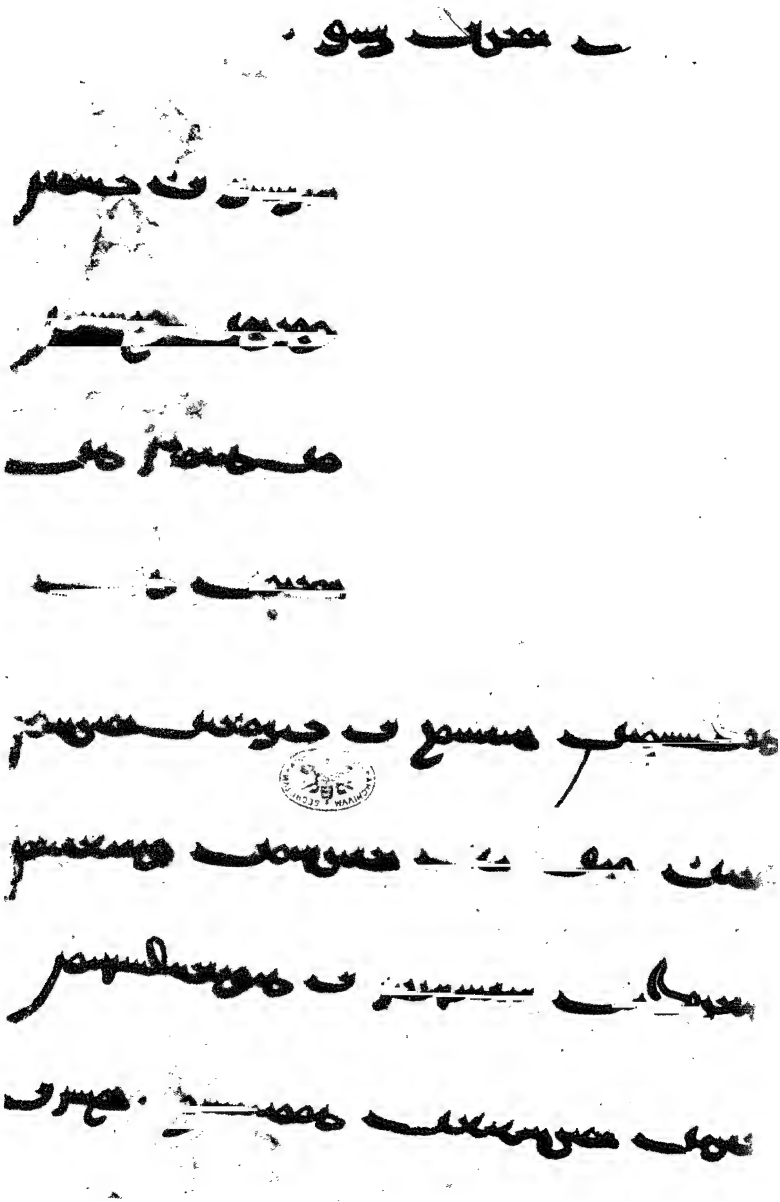

عکس نامهٔ ارغون که بدربار واتیکان ارسال داشته است

dsc

REGISTER

M.R.P. :

Sheets :

مطابق با۲۷ جمادی‌الثانی ۷۲۲ هجری ازشهرآوین‌یون [۹۱] درفرانسه که‌مقر جدیدپاپ‌ها شده بودنامه‌هائی‌برای ابوسعید بهادر پادشاه مغول ایران ارسال داشت.دراین‌نامه‌هاپس ازذکرروابط دوستی ومودتی که سابقاً میان‌دو کشور بود ویرا بکمك رساندن وهمراهی فوری بارمنستان دعوت‌نمود ومتن‌قسمتی ازنامهٔ پاپ بقراردذیل‌است. [۹۲]

« ما اغلب شنیده‌ایم که اجداد شما که بمزر گواری و بلند همتی مشهور بوده‌اند. سفرائی برای اظهار محبت واحترام عمیق خود بدستگاه روحانی شهررم ودرباروانیکان گسیل داشته‌اند. آنها با پادشاهان اروپاقراردادهـای دوستی ومودت منعقد ساخته‌اند. پادشاهان مسیحی وهمچنین اسلاف ما آنها را بشادی وشعف در دربارهای خود پذیرفته‌اند . اجداد شما واین سلاطین بمبادله پیشکشها وهدایا بیکدیگررا مفتخرنموده‌اند

شما درصورتیکه بامر روابط گذشته را تجدید کنید شایستگی‌تان را بالعلی درجه خواهیدرساند. ونیزاگرتوسط سفرائی‌ازاینگونه. بتجدیدمراتب دوستی‌خود با پسر بسیارعزیزما درنزد عیسی مسیح پادشاه تمام‌آورفرانکها اقدام نمائید موجبات شادی ما را فراهم خواهید کرد ازخدا میخواهیم کـه آنچه شمارا خشنود میسازدمقبول طبع‌پرورد گار افتد.»

ابوسعید پس ازدریافت نامه‌های پاپ درصدد برآمد که اقداماتی‌درجهت جلب رضای وی انجام دهد مخصوصاً بشاره پاپ دراین اوان نمایندگانی‌نیز ازجانب لئون پادشاه ارمنستان بحضوراوآمده وازوی طلب کمك و مساعدت درمبارزه بامصریان کردند

۹۱- شهر آوین‌یون Aviynon ازسال ۱۳۰۹ تا سال ۱۳۷۷ میلادی مرکزپاپ‌ها بود، پاپ کلمان‌پنجم که‌ازروحانیون فرانسوی بود درسال ۱۳۰۹ شهر آوین‌یون را مرکز روحانی خودقرارداد وپس ازوی ژان ۲۲ وبنوای دوازدهم وکلمان‌ششم واینوسان‌ششم درآوین‌یون اقامت گزیدند. سرانجام درسال۱۳۷۷ گرگوار یازدهم باصرارمردم ایتالیا بروم بازگشت. ـ واتیکان مقرپاپ‌ها اقامت کرد

۹۲- نقل ازتاریخ مغول ـ دوسون جلد چهارم ص ٦٦٢

پیشینه تاریخی شطرنج

(بقیه از شماره های پیش)

بقلم

مجید یکتائی

سلطان ابوسعید باینکه ازمدتها پیش باپادشاه مصر روابط حسنه‌ای برقرار کرده بود معهذا مایل نبود که بارامنه رنج وآزاری برسد لذا نامه‌ای بسلطان مصر نوشت واورا بانعقادقرارداد صلحی باپادشاه ارمنستان دعوت کرد.

ازطرفی برای اینکه خواهش پاپ ژان بیست ودوم را اجابت کرده باشد سپاهی بیست هزارنفری برای کمك بارامنه بخطه ارمنستان گسیل داشت خوشبختانه پس ازاین تاریخ دیگر هیچگونه نزاعی بین ارامنه ومصریان بوقوع نپیوست تا قوای ایلخانی درآن مداخله نماید

پیشوای مسیحیان ارمنستان چون از کمك ومساعدت پاپ نومید شدچاره رادرصلح وآشتی بامصریان دیدوخودبشخصه بالملك الناصر پادشاه مصر ملاقات کرده ومعاهده‌ای بمدت ۱۵ سال بین طرفین منعقد گشت (۷۲۹ هجری قمری)

برطبق این قرارداد لئون پنجم پادشاه ارمنستان حاضرشد که تحت قیمومت وتبعیت پادشاه مصرباشد وسرزمین خودرا تحت الحمایه آنکشور بداند.

بااین ترتیب ملاحظه میکنیم که جز مسأله ارمنستان مورد دیگری پیش نیامد تا بین دربار ایران و واتیکان مبادلهٔ سفرا ومراسلات برقرار گردد از روحانیون بزرگی که در زمان سلطان ابوسعید بایران مسافرت کرده‌اند میتوان از فرانسوا دو پروز [۹۳] نام برد. این کشیش از جانب پاپ ژان بیست و دوم برای ساختن کلیسائی در شهر سلطانیه عازم ایران شد وپس از ورود باین کشور رسماً ازجانب ایلخان بریاست روحانی مسیحیان ایران و ممالك مجاور منصوب گردید و از سال ۷۱۸ هجری تا ۷۲٤ در ایران مشغول انجام وظیفه بود تا بجای دیگری مامورشد.

پس ازدرگذشت ابوسعید بهادر (۷۳۶ هجری) بعلت نزاع وکشمکشهای طولانی بر سریر نشینی وی اوضاع آنچنان آشفته‌ای بوجود آمد که ده‌ها سال ادامه داشت وبالاخره منجر بتجزیه دولت ایلخانی گردید.

ازتجزیه دولت ایلخانی سلاله‌های کم اهمیتی درنقاط مختلف ایران پیداشد که یکی پس ازدیگری بوسیله یورشهای پیاپی تیمور ازصفحه روزگار محو گردید

93- Francois de Peruse

بخش سوم

دگرگونیهای آرایش شطرنج در هندوستان

هنگامی درهندمهره‌های شطرنج دوشتریادوشیر اضافه داشت که اکنون منسوخ شده و زمـانی شطرنج را در هند با تاس بازی میکردند چنانکه خواهیم گفت : در کتاب راحةالصدور [۱] آمده است که شطرنج سه آرایش داشته یکی حکمای هند نهاده‌اند و دیگری بوذرجمهر نهاد سوم حکمای روم نهادند که نطع و گسترش آنها فرق دارد از هند مربع و از بزرگمهر مستطیل و ازآن روم مدوراست.

رخ	فرس	فیل	شاه	فرزین	فیل	فرس	رخ
پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده

شکل شطرنج معروف به هندی بهمان وضع که راوندی داده است

۱ـ راحة الصدور وآیةالسرور تألیف ابی‌بکر محمدبن سلیمان بن محمدبن احمدبن الحسین بن‌همة الراوندی.

حصن										حصن
۱۳۲	رخ	فرس	فیل	شاہ	فرزین	فیل	فرس	رخ	۱۳۱	
پیادہ	پیادہ	پیادہ	پیادہ	پیادہ	پیادہ	پیادہ	پیادہ	پیادہ	پیادہ	
پیادہ	پیادہ	پیادہ	پیادہ	پیادہ	پیادہ	پیادہ	پیادہ	پیادہ	پیادہ	
اسد	رخ	فرس	فیل	فرزین	شاہ	فیل	فرس	رخ	اسد	
حصن										حصن

ومینویسد رقعه مستطیل بزرگمهر مستطیلی است‌چهار عرض و شانزده طول درهمان شصت وچهارخانه امابقیه آن ازدو طرف بشکلی دیگرست رخهادر زوایاست وشاه وفرزین درمیان و دو اسب‌پیشین شاه وفرزین‌و دو فیل‌درپیش اسبها ودر پیش پیلان بدوصف پیاده‌بنشانند:دوبرقاعدقدیم سیر وحرب‌میکنند.

مینویسد دراین شطرنج پیاده خانه شانزدهمین را بپیماید فرزین‌شود بااین شطرنج باتاس هم‌بازی میکرده‌اند.

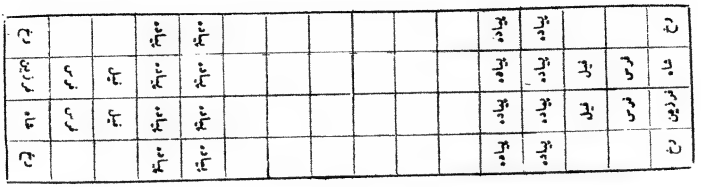

وپس‌ازآن‌مینویسد: این‌شطرنج حکمای‌هندنهادند وبنوشروان‌عادل‌فرستادند و بزرجمهر آن بگشاد و برآن یك‌باب بیفزود و نوشروان آن‌را بقیصر روم فرستاد وحکمای روم خاطربرگماشتند و ایشان نیز دوباب زیادت کردند[۲] سپس درباب دیگری‌زیرباب‌حکمای روم‌رقعه دیگری از شطرنج که گسترش گرددارد ودرمیان آن دایره کوچك حصن است و چهار دایره بربالای حصن کشیده‌اند و دارای‌شصت و چهار خانه باشد راوندی کشیده‌است و گویداین آرایشی است که حکمای روم نهادند. (شکل درصفحه بعد)

و سپس آرایش دیگری ازشطرنج میآورد که چهارحصن یا قلعه در چهار گوشه آنست (شکل درصفحه بعد)

اکنون‌آنچه درجهان معمول است همان شطرنج شصت‌و چهارخانه‌است یعنی‌هشت در هشت و این گسترش همانست که از ایران بغرب رفته است چنانکه راحة‌الصدورنیز درباب حکمای روم اشاره کرده«همان‌شصت‌وچهار خانه‌آمد.»

۲ - راحة‌الصدوروآیة السرور چاپ لندن ۱۹۲۱ صفحه ۴۰۸

۳ - ازلحاظ ترتیب مهره‌ها شاه سفیدرا بطرف دست راست و وزیرش را طرف دست چپ‌جای میدهند ولی‌شاه سیاه را طرف دست‌چپ و وزیر آن‌را طرف‌دست راست جای دهند یعنی باید شاه روبروی شاه و وزیر روبروی وزیر باشد.

٤ - اگر پیاده بخانه هشتم برسد میتوان آنرا بوزیر یا مهره دلخواه عوض کرد.

۵ - اترنج

بساط آن صد خانه دارد و نامهای مهره های اضافی عبارتند از بخشی و شاهزاده.

٦ - شطرنج چهارچهره (چومکهی)

۱ - چهار بازیکن لازم دارد.

۲ - بساط آن ۱٦۰ خانه‌دارد :

۳ - رنگ‌مهره‌ها سبز ، سرخ ، سیاه ، و سپیداست.

۷- شطرنج گرد

بوسیله بساطی که‌چهار گوشه و دارای ٦٤ خانه باشد نیست بساط آن گردو دارای چهل و هشت خانه میباشد و در میان نطع دایره کوچکی نهاده‌اند که هر گاه شاه درماند درآن‌دایره‌رفته مصون ماندازتعرض دراین شطرنج‌پیاده شاه نمیشود.

۸- شطرنج شاه دیوانه دریك سوی‌بساط تنهاشاه‌است‌واوکارهمه مهره‌ها را تنها میکند

۹- شطرنج پیادین (پیادگان)

هردو سوی بساط تنها شاه و هشت پیاده گذاشته میشود.

۱۰ - شطرنج شیرویز

شخصی هر دو شاه را می گیرد وآنها را درجای شاه و وزیر می‌نشاند

در کتاب نفایس الفنون و راحة الصدور و معلم الشطرنج ویژگیهای شطرنجهای مختلف را چنین بیان میکنند:

۱ ـ شطرنج رومی باویژه گیهای زیر:

۱ ـ در وهله اول پیاده جلو وزیر دوخانه پیش میرود و وزیر بخانه آن پیاده میرود.

۲ ـ وزیر ازخانه پیاده فقط بیك‌خانه بطور کج‌راه میرود.

۳ ـ فیل میتواند تنها تاسه خانه برود.

٤ ـ هر پیاده پس‌از رسیدن به‌خانه هشتم تنها بوزیر بدل میشود.

٥ ـ مانند شطرنج فرنگی شاه برابرشاه و وزیر برابر وزیر میباشد.

۲ ـ شطرنج هندی باویژگیهای زیر:

۱ ـ پیش از کشت (کش) شاه دو ونیم‌خانه‌میرود مانند اسب

۲ ـ پس از رسیدن بخانه هشتم پیاده به همان مهره عوض میشود که بآن‌خانه مربوط است بشرط آنکه مهره آن‌خانه کشته شده باشد. همچنین آنگونه شطرنج که باتاس بازی میکنند معروف بهندی است و نوشته اند بایك پیاده و سه اسب و چهار فیل و پنج وزیر و شش شاه بازی میکنند.

۳ ـ شطرنج ایرانی (پارسی) باویژگیهای زیر:

مهره‌های پیاده یك‌خانه یك‌خانه حرکت میکنند و بازی گذشته ازپات که هیچ به هیچ است و مات که باخته بشمار میآیدلات هم دارد یعنی هنگامیکه حریف همه مهره‌ها خود را از دست بدهدلات و باخته حساب میشود.

۴ ـ شطرنج فرنگی باویژگیهای زیر:

۱ ـ پیاده میتواند بار نخست دوخانه پیش رود

۲ ـ قلعه‌رفتن: اگردرضمن آرایش ودر میان شاه و رخ مهره‌ای نباشدو شاه حرکت نکرده باشدشاه را درخانه اسب ورخ را در خانه فیل می‌نشانند (این قلعه کوچك است)

۱۵ ـ شطرنج کبیر

در این شطرنج مهره‌هایی بنام زرافه و شیر وشتر افزوده شده است.

۱۶ـ شطرنج هفت کوکب

دراین‌شطرنج‌حرکت‌مهره‌هابرسیردوازده برج نهاده شده‌وبه‌دوازده‌خانه بخش شده که هریك بنام ستاره و کوکبی است مانند زحل (کیوان) که در خانه هفت رود ومشتری (برجیس) شش مریخ (بهرام) پنجم وآفتاب درخانه چهار زهره خانه سه و عطارد (تیر) خانه دویم و ماه درخانه یك باشد واین شطرنج را با تاس بازی کنند.

شطرنج اقسام دیگری دارد مانند شطرنج زورازوری و شطرنج شاه مست پادشاه که بیان همه‌آنها بدرازا کشد. دکتر فوریس مینویسد تا سدهٔ شانزدهم میلادی شطرنج بسبك چترنگ قدیم بازی میشد (با هشت مهره چهاررنگی چهار بازیکن بازی میکردند).[۳]

اکنون‌آنچه درجهان معمول است‌تخت شطرنج شصت‌وچهارخانه‌ای‌است که هشت‌درهشت باشد و این گسترش همانست که از ایران بغرب رفته است چنانکه صاحب‌راحة‌الصدور درباب حکمای روم اشاره کرده درهمان‌شصت‌و چهارخانه‌آمد غالباً نوشته‌اند شطرنج در زمان جنگهای صلیبی به‌اروپارفته و یکی دوجا نوشته‌اندشطرنج‌را هارون‌الرشید برای شارلمانی پادشاه‌فرانسه فرستاد و برخی نوشته‌اند که آنرا انوشیروان برای قیصر روم فرستاد که درستی‌آنهاآشکار نیست و گفته‌اند فرنگی‌هاآنرا شصت‌وچهارخانه و بشکل کنونی درآورده‌اند اینهم درست نیست.

شاهدی‌هست که‌بیش از هزارسال پیش‌درایران‌شطرنج‌دارای‌شصت‌وچهار خانه بوده[٤] گذشته ازگفته راوندی درراحة‌الصدور که گفته شداسدی‌طوسی نیز در لغت فرس زیر واژه شترنگ چنین مینویسد:

۳ـ معلم الشطرنج صفحه ۳۳۵

٤ـ راحة الصدور فی‌آیة‌السرور صفحه ٤۰۸ چاپ لندن ۱۹۲۱.

بازیکن دویم بقیه مهره‌ها یعنی سی مهره دیگر را درنصف بساط می گذارد خانه شاه ووزیر را خالی نگاه میدارد .

آندوشاه‌شیروبقیه مهره‌ها بزنامیده میشوند شیرها درمرحله‌اول دوونیم خانه جلومیروند و در مرحله‌های بعدی‌تنها یك خانه بهرسو که بخواهند .

۱۱ - شطرنج زنده

در این شطرنج اشخاص درپوشاك مهره‌های شطرنج درمیایند وباصطلاح مهره‌های شطرنج زنده درکارند بساط بزرگی ساخته میشود شاهان واشخاص بزرگ به‌این بازی علاقه داشته‌اند چنانکه **اکبر شاه** هندی بیشتر شطرنج زنده‌بازی میکرده است .

۱۲- شطرنج غایب

شخصی دربرابربساط شطرنج‌برای بازی می‌نشیند و شخص دیگرازدور باپیغام بازی میکند این بازی را اکنون باچشم بسته نیز انجام میدهند .

۱۳- شطرنج‌تیموری

شطرنج‌تیموری یك قسم شطرنج است که گویندشاهرخ پسرخود رابدین جهت نام شاهرخ نهاده که هنگام تولد فرزند تیمور شطرنج بازی میکرده و برای او یك‌شاه و یك رخ بجا مانده بود . از اینرو نام پسر راشاهرخ نهاد و این حال شطرنج راشاهرخ گویند .

۱۴ - شطرنج ذوات الحصون - درچهار گوشه شطرنج ذوات الحصون چهارقلعه‌باشد وشرط آنست که راه‌شاه‌چنان گرفته‌شود که حصن وقلعه‌نتواند رفت شطرنج ذوات‌الحصون ده درده است و چهار مهره بنام دبابه بیشتر دارد

حصن											حصن
رخ	اسب	فیل	دبابه	شاه	وزیر	دبابه	فیل	اسب	رخ		

گفته شد در بارهٔ شطرنج کتاب کوچکی از دوران ساسانیان بزبان پهلوی برجامانده که درین‌داستان نسبت‌داده‌اند که شطرنج‌درزمان‌انوشیروان بدربارایران راه یافت[۶] نام شاه وفرستاده او که ازهندآمده واختراع کننده شطرنج غالباً هندی‌نبوده وساختگی‌است‌واین‌هندوکان که درداستان‌ماتیکان شطرنج ازآن نام برده شده همان هندی است که در اوستا هفت هند نامیده شده که درماتیکان نیز بصیغه‌جمع‌بکاررفته ازینروچنانکه گفتم مقصودهند کنونی نبوده و گروهی‌را باشتباه انداخته است. بااینهمه احتمال آنکه شاید شطرنج از سرزمین کنونی‌هندآمده‌باشد مرابرآن داشت که درسرزمین هند دربارهٔ شطرنج وپیشینه آن‌ونام مهره‌ها واصطلاحات وداستانهای‌آن‌دیارخود تحقیق وبررسی‌نمایم. نتیجه این‌تحقیق نشان داد که اصطلاحات همه ازایران به هند وکشورهای شرق و فرنگستان رفته است واین درست بدان ماند که چون ایرانیان وسیله فرانسویان بااتومبیل ورادیو وتلفن وتلویزیون آشنا شدند نامهاراهم‌اززبان فرانسوی گرفتهاندواگرهرملتی‌اختراعی وعلمی‌داشته باشد بی شك باید نام اصطلاحات آنرا هم داشته باشد. اینست که گاهی‌در تاریخ‌شناسی وجود یك‌واژه ازدید زبان‌شناسی مارا بهترازیك خرابهٔ‌باستانی به پیشینه‌های تاریخی وباستانی رهبری میکند. اکنون دربارهٔ داستان

۶ــ این داستان ازمآخذ ایرانی بخارج نیز راه یافت چنانکه درسالهٔ غنچه نشاط ــ مرتبه منشی بلاغی‌داس‌مالك‌میورپریس دهلی نوشته است : درایران کسی بشطرنج آشنائی نداشت امادرزمان‌انوشیروان که‌شهرهٔ حکمت ودانش آنکشوربه‌اکناف عالم رسیدپادشاهی درهندکه معاصر انوشیروان بودبرای‌آزمایش هوش مصاحبان ودرباریان‌شاه ایران‌شطرنج را پیش وی‌فرستاد دانایان‌آنکشور ازدرك رموزآن ناتوان ماندند انوشیروان بزرگمهر خردمند راکه باچشمان میل‌کشیده شده درزندان بسرمیبرد ازقید وبند رهائی داده پیش خود خواند؛ فرستاده شاه هندنیز همراه شطرنج دردربار باریافت بساط شطرنج دربرابر خردمند مزبورکه رمقی ازنور درددیدگانش باقی مانده بودگسترده شدواوباهوش سرشار وذکاوت بسیار که‌داشت رازشطرنج راپیداکرد ودربازی دوم بطرف‌شاه ماتدادانوشیروان نبوغ ودانائی بزرگمهر را ستود سپس‌حکیم بخانه رفته وبازی جدیدی رابنام فرد اختراع کرد وآنرا بوسیله فرستادهٔ شاه هند متقابلاً به‌آنکشور فرستاد.

شطرنج بود نجار گوید :[۵]

تا جز از بیست و چهارش نبود خانهٔ نرد

همچودر سی‌ودو خانه است اساس شترنگ

زیراشانزده سواروشانزده پیاده اساس‌بازیگران شطرنج‌است که درسی‌و دوخانه مهره‌ها قرار میگیرد و سی و دوخانه دیگرعرصه‌بازی است .

آرایش مهره‌ها

وضع آرایش مهره‌هاروی تخت‌شطرنج بایدچنان باشد که سفره‌شطرنج‌از سوی راست بازیکن از خانه سپیدآغاز شود وآرایش مهره‌ها به‌ترتیب‌حرف آغازی‌آنها «را فوش» باید باشدیعنی به‌ترتیب:

رخ ، اسب ، فیل، وزیر، شاه باین شرط که شاه سپید درخانه سیاه وشاه سیاه درخانه سپید و دوشاه برابر یکدیگر و دو وزیر برابرهم قرار گیرند و هشت پیاده درخانه جلو آرایش یابند .

پیشینه تاریخی شطرنج در ایران

گذشته ازآنچه درباره هند گفته شد که پیش از سدهٔ چهارم هجری یا سدهٔ دهم میلادی‌هندبسرزمینی گفته‌میشد که درغرب ایران‌بوده‌واگر گفته‌اند درزمان انوشیروان ازهندآمد جز بخش جنوب غربی‌ایران سرزمین دیگری بنام هند نبوده وانگهی غالب داستانسرایان ایران‌عادت داشته‌اند برای‌آنکه اعجاب‌خوانندگان وشنوندگان رابرانگیزنددداستانهای ایرانی‌رانیز به هندو چین یاروم نسبت‌داده‌اندو گاهی‌اگرقهرمان داستانی زرتشتی‌نبوده اورااایرانی کامل ندانسته‌اند تورانی‌یاسریانی یاچینی یا هندی یابیگانه خوانده‌اند ...

۵- ابن نجار شاعر جزشاعری است بنام نجار ساغرجی که ازشاعران آغاز سدهٔ‌ششم و همزمان عمعق بخارایی بوده زیرا اسدی خود از شاعران و دانشمندان سدهٔ پنجم بوده که درآغاز نیمه دوم سده پنجم درگذشته ودرلغت فرس از شاعران پیش ازخودیاهمزمان خویش نقل‌سخن کرده ا-ت .

زمان انوشیروان دانست یاچنانکه‌متن‌پهلوی‌کارنامه اردشیرمینویسداردشیر درشترنگ ونردازهمه چیره‌تربود. همین داستان را هزارسال پیش فردوسی ازکارنامه اردشیر گرفته ودرشاهنامه آورده‌است معلوم میشود که‌این مطلب‌در خداینامه هم یادشده یـا شایدکارنامهٔ اردشیربخشی ازخداینامـه بوده باشد **هرتسفلد** آلمانی‌نیز که مدتی درتخت جمشید ودامغان‌کاوش میکرد نیزاظهار عقیده کرده است که پیش از انوشیروان دادگر شطرنج درایران بوده است.

باآنچه ازپیشینه پیدایش شطرنج وآرایش‌آن درآثار باستانی گفته شد شطرنج از سالهاپیش درایران بوده‌است وازایران بااصطلاحات بشرق وغرب رفته اماهنوز معلوم‌نیست مخترع‌آن مانند بسیار چیز های دیگرتاریخی چه کسی‌بوده است.

شکی‌نیست که دربارهٔ شطرنج کتابهائی‌درایران باستان بوده است که با آثار بسیاردیگر ازمیان‌رفته بااینهمه ازآنچه هست پیشینه تاریخی‌شطرنج‌در ایران از کشورهای دیگرشرق وغرب جلوتراست.

شطرنج درادبیات عرب

درزمان‌خلفای‌عباسی که‌درشعرعرب مضامین‌نوراه‌یافت‌اصطلاحات‌شطرنج ونرد برای شاعران عرب زبان موضوع جالبی‌بودودراین‌زمینه شعرهای‌بسیار سروده شد که درزیربه نمونه‌های کوچکی‌اشاره میکنیم:

عبدالله مأمون خلیفه عباسی‌دربارهٔ شطرنج گفته است :

ارض مربعة حمراء من آدم — مابین الفین موصوفین بالکرم[۱۰]
تذاکرالحرب فاحتالالها شبها — من غیران یسعیا فیهابسفك دم[۱۱]
هذایغیر علی هذا و ذاك علی — هذایغیر، و عین الحرب‌لم تنم[۱۲]
فانظرالی‌الخیل‌قدجائت‌بمعرکة — فی عسکرین بلاطبل و لاعلم[۱۳]

۱۰- میدان چهارگوش سرخی ازچرم درمیان دویار جوانمرد
۱۱- آنان‌جنگ رابیادآورده‌اندوبرایش‌بی‌آنکه‌خونی‌ریخته‌شود نظیری‌پیدا کرده‌اند.
۱۲- این براومی‌تازد وآن‌براین وچشم جنگجو درخواب نیست.
۱۳ - بنگرچگونه سواران بی‌طبل وعلم به‌آوردگاه در آمده‌اند.

ماتیکان[۷] شطرنج نیز نکاتی است که برای ما این عقیده پیش می آید که شطرنج پیش اززمان انوشیروان که درنیمه اول سدهٔ ششم زادروز مسیح است در ایران پیشینه داشته است. داستان دیگریست بزبان پهلوی بنام داستان ریتك[۸] وخسرو گبادان[۹] دراین داستان نام گلها و خوانندگان وزنها وهنرمندان و نوازندگان وافزارهای موسیقی آمده وازجمله نامی ازشطرنج ونرد نیز برده شده است.

درداستان دیگری که از اردشیر بابکان و اردوان پنجم اشکانی بنام کارنامه اردشیر بابکان برجا مانده با آنکه اردوان پنجم واردشیر بابکان در نیمه اول سدهٔ سوم میلادی میزیسته اند دراین داستان نیز نامی از شطرنج ونرد برده شده و گفته است اردشیر درچوگان وشطرنج ونردچیره دست بوده است اینك ترجمه آن بخش از کارنامه اردشیر :

«اردوان که ارشیررا دید شاد شده و گرامی داشت وفرمود که هر روز با فرزندان وشاهزادگان خویش به نخجیر وچوگان شود . اردشیر همانگونه کرد وبیاری یزدان بچوگان وسواری وچترنگ (شطرنج) ونرد (نیوارتخشیر) ودیگر ترهنگ ازایشان همگی چیره وچابك بود...»

این داستان میرساند که در کودکی اردشیر درزمان شاهی اردوان پنجم اشکانی، شطرنج ونرد بوده وهیچکدام ازاختراعات اردشیر یا کسانیکه پس ازو گفته اند نبوده.

کارنامه اردشیر بابکان چندین بار به پهلوی وفارسی درهندوستان وایران چاپ وبزبانهای دیگر نیز ترجمه شده است.

محمدتقی بهاردرسرآغازی که برمادیکان شترنگ نوشته است نیز تردید میکند که آیا شطرنج ونرد را چنانکه بعضی گفته ونوشته اند بایداز اختراعات

۷- ماتیکان یامادیکان یا ماذیکان یاماتیان ازهمان ریشه است ماتنا بپارسی میانه

۸- ریتك یاریدك نام کودکی بوده است ابن خردادبه خسرو قبادان راخسرو پرویز دانسته واین داستان راثعالبی درغرراخبارملوك الفرس ترجمه کرده .

۹- خسرو کواتان اوریتك

دلبستگی داشته‌اند . و در دوران اسلامی هارون‌الرشید خلیفه عباسی ، تیمور، آقامحمدخان قاجار واز پادشاهان فرنگ ناپلئون، ومارشال تیتو[۱۵] رئیس جمهوری یوگسلاوی دلبستگی بسیار بدان بازی داشته اند .

درایران پس‌از تشرف بدین‌اسلام شطرنج از اعتبار و رونق خود افتاد و سالها بدان رغبتی نمیشد برخی احکام و احادیث در دوفرقه شیعه وسنی در حرمت آن نقل کردند وآنرا لعب‌دانستند و کتابها درحرمت‌آن نوشتند [۱۶]

صاحب کتاب شاهدصادق مینویسد :

«شافعی شطرنج باختن را مباح دانسته»

و همو گوید :

« ابن سیرین را گفتند شطرنج باختن چگونه‌است ؟

گفت ذهن راصافی کند وفکر را قوی گرداند وعقلرا بیفزاید . »

و نوشته‌اند :

«اول‌خلیفه که‌شطرنج‌باخت‌وشطرنجیان رامرسوم‌مقررنمودهارون‌الرشید بود[۱۷] وآشکارست که شطرنج وسیله برمکیان وعناصر ایرانی در دستگاه خلافت‌عباسی راه‌یافته‌است .

گسترش شطرنج در جهان

ن . بلان [۱۸] درکتابی که پیش‌ازاین گفته‌شد مینویسد:

بازی شطرنج نخست درایران پیدا شد وراهی بهندوستان یافت و سپس ازهند بزادگاه خود ایران آوردند[۱۹] شکی نیست که نویسنده دقت وکاوش

۱۵- مارشال تیتوخودبعنوان یك قهرمان درگروه ملی بازیکنان‌بارها شرکت‌کرده وازکشور خود باتیم ملی بمصر ودیگرکشورها برای انجام مسابقه‌های جهانی رفته است

۱۶- کتاب حرمة الشطرنج نوشته ملك‌المورخین هدایت‌اله پسر نویسنده ناسخ‌التواریخ ازدستنویس‌های کتابخانه مجلس شورایملی دیده شود .

۱۷- شاهد صادق

۱۸- N.B Bland درکتاب Persian Chess, London 1913

۱۹- نقل از فرهنگنامه‌بریتانیکا چاپ نوین صفحه ٤٦٠

دیگری دربارهٔ اصطلاح (شاه مات) گفته است.

لعبت بالرخ حتی وقعت فی‌الشاه مات [۱٤]

شطرنج بازی‌است یا هنر یا دانش ؟

شطرنج یك بازی دلکش و نغزاست که آنـرا در شمار دانش‌و هنرنیز میتوان آورد .

فردوسی در شاهنامه که بمنزله فرهنگنامه‌ای برای زبان فارسی است شطرنج را دانش و بازی ، نغزی دانسته :

کسی کو بدانش‌برد رنج بیش بفرمـای تا تخت شطرنج پیش

نهند و ز هر گونه رأی آورند که این نغز بازی بجای آورند

امروز به شطرنج تنها بصورت یك سر گرمی برای وقت گذرانی‌یابازی‌و قمار نمی‌نگرند بلکه‌آنرا هنرودانشی میدانند که در جهان شیفتگان بسیار دارد و روز بروز بدلباختگان آن درسراسرجهان می‌افزاید .

نه تنها در خانه‌ها و باشگاهها‌باین نغزبازی و ورزش فکری‌می‌پردازند بلکه در دبیرستانها ، دانشکده‌ها ، آموزشگاهها به آموزش وورزش درآن پرداخته میشود و گاهی در شمار درسها آمده کتابهای بسیار برای‌آموزش‌و ورزش آن مانند خودآموز وطرح‌مسئله‌های دشوار شطرنج چون‌مسئله‌های ریاضی پرداخته‌اند .

شطرنج یك بازی شاهانه

در گذشته شطرنج یك‌بازی شاهانه بوده است که غالباً شاهان باوزیران وشاهزادگان بازی کرده‌اند گاهی شاهان با مهره‌های زنده وایرانیان مانند سوارکاری وتیراندازی وچوگان که از خصایص ایرانیان بوده شطرنج را می‌نگریسته‌اند درکارنامه‌ها و نامه ها نوشته اند که اردوان پنجم اشکانی ، اردشیر بابکان، بهرام گور، انوشیروان دادگر، خسرو پرویزبزرگمهر بدان

۱٤- بارخ چندان بازی کردی که درشاه مات گیرافتادی .

بایران آمده باشد و در آغاز اسلام آنرا عرب گرفته وبه‌هنگام جنگهای صلیبی اروپائیان اقتباس کرده باشند. قراین تاریخی نیز هست که پیش‌ازین در ایران و در اروپا شطرنج بوده و اصطلاحات را هم نه‌آنکه ایران از هند گرفته باشد بلکه بعکس بوده اروپائیان هم غالباً نام واصطلاحات شطرنج را از ایرانیان گرفته‌اند نه ازمسلمانان عرب تنها برخی از کشورها مانند اسپانیا ازمسلمانان فرا گرفته‌اند.

بهنگامیکه در ایران و کشور های اسلامی بشطرنج رغبتی نمیشد اروپائیان با این بازی‌آشنا شدند وازآن استقبال شایان کردند.

در کتابخانه واتیکان‌سندی‌هست که نشان‌میدهدشطرنج پیش‌ازجنگهای صلیبی دراروپا رفته این سند نامه‌ایست ازکاردینال‌پتروداميان[۲۱] که درسال ۱۰۶۱ زاد روز مسیح به الکساندر دوم نوشته و درآن ازیکی ازاسقف‌های اوستیا[۲۲] انتقاد کرده است که او با دین و دانش مخالف است و اوقات خود را صرف بازی شطرنج میکند و وقتی را که باید در خدمت خداوند و خلق بگذراند تباه می‌سازد.

نخستین کسیکه شطرنج را بزبان لاتین بر گرداند یعقوب‌دوسوسولی[۲۳] بوده.این بازی درآغاز سده نهم میلاد مسیح بفرانسه راه یافت ودر همان زمان از سوی کنشت یهود دربارهٔ حرمت‌آن دستورهایی صادرشد.

یك اسقف فرانسوی درزمان فلیپ اوگوست[۲۴] دربارهٔ حرمت شطرنج نیز فرمانی صادر کرد و هر کس به‌شطرنج می‌پرداخت تکفیر شده ومحکوم به‌پرداخت جریمه نقدی میشد.

شطرنج بوسیله سلجوقیان که کشوری پهناور داشتند باروپا رفت. و وسیله مسلمانان به‌اسپانیا راه یافت و وسیله‌ترکان عثمانی دراروپای‌مرکزی

21- Peter Damian.

22- Ostia. درایتالیا

23- Jacobus de Cessoli.

24- Philippe II ou Philppe Auguste پسرلوئی هفتم متولد ۱۱۶۵

بسیارنموده ولی نمیدانسته که هند پیش ازسده‌چهارم هجری سرزمین کنونی نبوده و جزاین سرزمین جای دیگری بنام هند نامیده میشده که در جنوب غربی سرزمین ایران بوده است چنانکه گفته‌شد از زمان اردوان پنجم اشکانی سند کتبی هست که‌این شطرنج درایران بوده‌است واین قدیمترین‌روایتی‌است دربارهٔ وجودشطرنج .

شطرنج را تازیان درزمان عباسیان از ایرانیان آموختند وشایدازهمین زمان به‌روم شرقی (بیزانس) واروپا راه یافته باشد.

گفته‌اند هارون الرشید شطرنج را با هدایای دیگر برای شارلمانی پادشاه فرانسه فرستاده ولی درستی آن معلوم نیست . برخی دیگرنوشته‌اند که در آغاز جنگهای صلیبی فرنگیها شطرنج را از مسلمانان آموختند و وبرخی دیگر گفته‌اند که نخستین مردم اروپا که با بازی شطرنج آشنا شدند و آنرا دراروپا متداول ساختند. اسپانیائیها و پرتقالیها بودند که در ترویج آن کتابهائی نوشتند این عقیده نیز از شناسائی اصطلاحات شطرنج در اسپانیا درست نیست وآنرا زبان شناسی نمی‌پذیرد. برخی دیگر گفته‌اند که از راه مغرب و آندلس شطرنج به‌اروپا راه یافت.

در کتاب سرزمین‌هند[۲۰] آمده است « بعد ازآنکه‌سلطنت‌ساسانیان‌زوال یافت و دولت اسلام برقرار گردید این بازی نیز در سرتاسر ممالك اسلامی منتشر شد و برای آن اسامی و اصطلاحات فارسی و عربی وضع کردند .. ظاهراً در طول قرون وسطی تغییرات بسیاردر ممالك شرق نزدیك‌بآن بازی واردشدتاآنکه در ایام جنگهای‌صلیبی‌ازممالك‌اسلام‌باروپاسرایت کرده‌است‌در آنجا نیز تغییراتی یافته ... و بالاخره این بازی فکری در سراسر جهان منتشر گشته است .»

این عقیده نیز درشمار داستانهایی است که گفته شد زیرا این تغییرات که نویسنده نوشتهٔ است بیشتر درنام مهره های شطرنج رخ داده و چنین عقیده‌ای را پژوهشهای ما تأیید نمیکند که شطرنج‌از سر زمین کنونی هند

۲۰ــ کتاب‌سرزمین هند نوشته آقای‌علی‌اصغرحکمت پاورقی صفحه۳۲ چاپ اول‌تهران

دربازی شطرنج کتاب تألیف کرده‌اند میآورد: بشرح‌زیر:

عدلی ... واین کتابها ازوست کتاب‌الشطرنج واین کتاب اولین‌تألیف در شطرنج است. کتاب‌النردواسبابها واللعب‌بها.

رازی .. ومانند عدلی بودوهردو درپیش متوکل‌بازی میکردند ورازی راکتاب نازکی درشطرنج است.

صولی ابوبکر محمدبن‌یحیی که درپیش گفته‌شد ودارای کتاب‌الشطرنج نسخه دویم است.

لجلاج[۳۱] محمدبن عبیدالله من اورا دیده‌ام بشیراز نزد عضدالدوله رفت همانجا درسال سیصدوشصت واندی وفات‌یافت وبسیار ماهربود وازکتابهای اوست کتاب منصوبات‌الشطرنج.

ابن‌اقلیدس ابوالحسن‌بن‌محمدبن صالح که‌درکار شطرنج بسیار زیرک‌و ماهربود، کتاب مجموع فی‌منصوبات‌الشطرنج ازوست.[۳۲]

این کتابها وبسیاری از کتابهای دیگر که **ابن‌ندیم** نام‌میبرد درهزار سال اخیر از میان رفته ودسترس بآنها نیست.

ابوالعباس طیب بغدادی نیز درسال ۸۹۹ میلادی کتابی‌مختصر دربارهٔ شطرنج نوشته است.[۳۳]

کرتیراکوشیما کتابی بسنسکریت شامل بیاناتی پیرامون شطرنج و وچوسرو گنجفه وبازیهای دیگرنگاشته است.[۳۴]

شطرنجیه

درکتابخانه‌آستانه قدس مشهد کتابی دیدم‌بنام شطرنجیه[۳۵] ازشیخ **علاء الدوله سمنانی** که نویسندهٔ کتاب از زبان مهره‌های شطرنج درس پندوسلوك داده است.

---

۳۱ ــ برخی اختراع شطرنج را بلجلاج نسبت داده‌اند گویا این لجلاج دیگری باشد که دربازی شطرنج مهارت داشته و زبانزد بوده است.

۳۲ ــ الفهرست ترجمه رضا نجدد چاپ تهران صفحه ۲۵۶.

۳۳ ــ معلم الشطرنج صفحه ۳۳۵.

۳۴ ــ معلم الشطرنج صفحه ۳۴۰.

۳۵ ــ شماره ۲۰۶ زیر نام کتابهای اخلاقی و خطی ثبت شده است.

راه پیدا کرده و در اسپانیا و فـرانسه نخستین بار استادان بزرك شطرنج پیدا شد و روشهای گوناگون از خودابتکار کردند .

درسال ۱۵۶۱ نخستین کتاب را در اروپا یك اسپانیائی بنام [۲۵] درباره روش و قواعد شطرنج نگاشت پس ازآن کتابهای بسیارنوشته شد و در سال ۱۸۵۰ کتاب مهمی بلان نوشت[۲۶] وسال ۱۸۷۴ کتاب مهم دیگری یك آلمانی[۲۷] دربارهٔ تاریخ شطرنج وقواعدآن نگاشت

سپس کتابهای بسیار ازجمله درسال ۱۹۱۳ کتابی[۲۸] ودرسال ۱۹۳۷ [۲۹] و در سال ۱۹۴۹ [۳۰] و پس ازآن کتابهای بسیار در کشورهای فرانسه و انگلیس ، آلمان ، ایتالیا واسپانیا وغیره نوشته شد .

درانگلستان شطرنج از سده نوزدهم به‌بعد راه یافت واز سدهٔ نوزدهم شطرنج در کشورهای دیگراروپا رونق وتوسعه‌فراوان‌یافت‌وطرح‌مسابقه‌های جهانی میان کشورهاداده شد .

کتابهای دیگر دربارهٔ شطرنج

کتابی دربارهٔ شطرنج درموزهٔ بریتانیا بشماره ۷۵۱۵ موجوداست که‌به حسن‌بصری نسبت داده‌شدهمان کتاب بسال ۱۲۵۷ هجری‌بفارسی ترجمه‌شده استو کتاب دیگری بفارسی درموضوع شطرنج زیر شماره ۱۶۸۵۶ درهمین موزه نگهداری میشود ابن‌ندیم‌درالفهرست‌نام‌برخی ازشطرنج‌بازانی‌را که به تألیف اثری دربارهٔ شطرنج پرداخته‌اند درباب ویژه‌ای بنام شطرنجیانی که

25 - Roy Lopez de Seguri.

26- N.Bland , Persian Chess London 1850

27- Van Der Linde, Ges chi chte und Litterutur de, - Schahspiel 1874

28- A Histouy of Chess By : H.J.R.Murray Axford 1918

29— The Most Comprehensive introduction To Chess - or C.H.O.D. Alexander 1937

30— A Short History of chess By : H.A Davidson 1949

گزارشی
دربارهٔ ارتش ایران
در زمان محمدشاه قاجار

بقلم کلنل استودارت

ترجمه

احسان‌الله
اشراقی
(دکتر در تاریخ)

مقدمه :

مقاله حاضر ترجمه گزارشی است که سرهنگ چارلز استودارت انگلیسی که در زمان محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ — ۱۲۹۴ ق) مدتها معلم و مربی ارتش ایران بوده است، نوشته و بمناسبت اهمیتی که مطالب و مندرجات آن برای تاریخ ارتش ایران دارد ترجمهٔ آنرا از نظر خوانندگان محترم مجله بررسیهای تاریخی میگذرانیم امامقدمتاً برای اینکه روشن شود سرهنگ استودارت که بوده و گزارش حاضر درچه موقعیت زمانی تهیه شده‌است ناگزیریم از تاریخچه روابط نظامی ایران

گفتار جاحظ دربارهٔ شطرنج شاهان

جاحظ در کتاب التاج که بیشتر مواد آنرا از کتابهای تاج نامه و آیین نامه برداشته است دربخش ندیمان شاهنشاه گوید :

«ندیمان و پیرامونیان درویژگیهایی ناگزیر با پادشاه برابراند. و این برابری نه کمی در شهریاری است و نه کاهشی در فرمانروایی. از آن ویژگیها چوگان بازی است و شکار کردن و مسابقه در تیراندازی. بازی شطرنج و مانند اینها.

«شاه نباید حریف خودرا دراین چیزها که بر شمردیم از چیره شدن باز دارد: همبازی شاه در این کارها کـه شمردیم حق دارد با او درآویزد و با او گفتگو کند وازبرابری تمام برخوردار باشد»

«تنها نبایداین کارهاهمراه سخنان زننده وزشتگویی باشد که ضد شکوه شهریاری است و نیز نباید برشاه بانگ زند یاباد در گلو اندازد ورویهمرفته نبایدکاری کند که ازمیانه روی بدور باشد.»

«گفته‌اند شاپور روزی بایکی از همسالان خـود شطرنج بازی میکرد دلبخواه یارهمسالش اورا دربازی برد. شاپور ازاوپرسید چه فرمان میدهی، گفت از تو کولی بگیرم تادم دروازه بارعام، شاپور گفت، ترا پرروئی بجای بدی برآورده‌است. چیز دیگری بخواه. گفت برزبانم گذشته شاپور از قمار دلخواه اندوهناك شدوفرمان داد روبندی آوردند وبرروی خود کشید و باو گفت به‌پشتم سوارشو. اما اوازسوار شدن برپشت شاهنشاه بحکم رعایت شکوه شهریاری بازایستاد. پس از آن شاپورفرمان داد جار کشیدند دیگر هیچکس قمار دلبخواه بازی نکند. هر کس کرد خونش هدراست.»[۳۶]

۳۶ـ صفحه ۱۳۸ و ۱۳۹ (چاپ قاهره . ۱۹۵۵ میلادی ابوعمان عمرو پور بحر بصری (۱۲۹ـ۲۵۵ـ هـ ـق) این گفته جاحظ که از روی کتابهای کهن استفاده شده نیز میرساند که شطرنج در زمان شاپور ساسانی یعنی زورگاری پیش ازانوشیروان نیز رایج بوده است .

درمیان نخستین دسته اعزامی دولت فرانسه ۱٤ افسر و درجه‌دار وجود داشت . این‌هیئت مدت‌یکسال و دو ماه ونه روز در ایران ماند و در اینمدت سه مرکز تعلیمات نظامی در تهران ، تبریز و اصفهان تشکیل‌داده هزاران سرباز ایرانی را با فنون نظام جدید اروپائی آشنا ساختند . در آنموقع ارتش ایران لباس متحدالشکلی نداشت فرانسویان برای دستجات پیاده و سوار و توپخانهٔ ایران لباسهائی بفرم ارتش فرانسه ترتیب دادند وصنفهارا براساس سازمان سپاهی ناپلئونی منظم ساختند دوکارخانه توپ ریزی در تهران واصفهان دایر نموده و بجای زنبورکهایی که در سپاه ایران معمول بود توپخانهٔ کوهستانی ایجاد کردند . لکن درست در هنگامی که ایران نیازمند کمکهای نظامی‌فرانسه‌بود بعلت تغییر وضع سیاسی اروپا وتوافق ناپلئون باتزار روسیه ادامه فعالیت هیئت ژنرال گاردان با بن‌بست مواجه گردیده ودر ذی‌الحجه سال ۱۲۲۳ قمری هیئت مزبور خاك ایران را ترك گفت . دولت انگلستان که از ورود مستشاران نظامی فرانسه بایران بیمناك بود و در طول اقامت آنان نیز از هیچگونه کارشکنی خودداری نمی کرد موقع را مغتنم شمرده با وعدهٔ ارسال اسلحه بیشتر واقدام برای پس گرفتن‌مناطقی که ایران در جنگهای خود با روسیه از دست داده بود مواضع فرانسویان را در ایران اشغال نموده ابتدا یك عهدنامه موقت در ۲۵ محرم ۱۲۲٤ قمری برابر با ۱۹ مارس۱۸۰۹ میلادی وسپس یك عهدنامه دائمی در۲۹صفر

با دولتهای خارجی درآغاز دورهٔ قاجاریه اند کی ذکر کنیم.[۱]

نظام ایران دراواخر سلطنت فتحعلی شاه

درگیر ودار جنگهای اول ایران و روس که بین سالهای ۱۲۱۸ تـا ۱۲۲۸ قمری رخ داد زمینه اتحاد نظامی ایران و فرانسه بموجب قرارداد فین کنشتاین فراهم گردید.

فتحعلی شاه که سپاهیان ایران رادر برابر ارتش منظم و ورزیـده روسیه ناتوان یافت مصمم گردید باایجاد مناسبات دوستانه بافرانسه هم ازپشتیبانی این دولت برای پس گرفتن ایالت گرجستان از روسیه برخوردار شود و هم بکمك افسران فرانسوی ارتش ایران رابسبك نظام اروپائی تغییرشکل داده و مجهز نماید. ازطرف دیگر ناپلئون امپراطور فرانسه نیز که خیال تسخیر هندوستان وشکست انگلستان رادر سر می‌پرورانید از اتحاد باایران حسن استقبال نمود زیـرا بـا همکاری ایران و استفاده از راههای آن میتوانست بـه آسانی هندوستان را تسخیر نمایـد. اظهار علاقه ایران وفرانسه به برقراری دوستی سرانجام منجر بامضای قرارداد معروف فین کنشتاین گردیده و متعاقب آن یك هیئت نظامی فرانسه بریاست ژنرال گاردان درتاریخ ۱۲ رمضان سال ۱۲۲۲ قمری برابر با ٤ دسامبر ۱۸۰۷ میلادی بتهران وارد شده مشغول کار گردید.

---

۱ - برای آگاهی بیشتر دراین باره به تاریخ دیپلماسی ایران تألیف دکتر علی‌اکبر بینا (۲ جلد) وتحولات سیاسی نظام ایران تألیف دکتر جهانگیر قائم‌مقامی ومأموریت ژنرال گاردان و یادداشتهای ژنرال ترزل ترجمه‌های عباس اقبال رجوع فرمائید

فتحعلی‌شاه عباس میرزا نایب‌السلطنه را به‌تنبیه یاغیان و تسخیر هرات اعزام داشت درچنین شرایطی دولت انگلیس که حمله ایران را بهرات تهدیدی برای مرزهای هندوستان تلقی میکرد متوحش گردیده بار دیگر بنای دوستی با ایران را گذاشت و چند تن از افسران خود را بایران فرستاد.[۲] ورود این افسران عباس میرزا ولیعهد را از حمله بهرات باز نداشت تا اینکه وی در دهم جمادی الاخرسال ۱۲۴۹ قمری در حالیکه فرزندش محمد میرزا هرات را در محاصره داشت فوت کرد ومرگش سبب انصراف موقت محمدمیرزا از محاصرهٔ هرات گشت .ازاین دوره تا محاصره مجدد هرات بوسیله محمدشاه بسال ۱۲۵۳ قمری افسران انگلیسی در ایران بودند و در این تاریخ بعلت قطع مناسبات سیاسی دو دولت مجبور به ترك ایران شدند .

در گزارش زیر که بوسیله استودارت یکی از افسران انگلیسی مأمور درایران برای مستر الیس[۳] وزیرمختار بریتانیای کبیردرتهران نوشته شده‌است[۴] وضع نظام ایران

۲- لرد کرزن در کتاب «ایران و مسأله ایران» اسامی این افسران را به ترتیب زیر ذکر کرده است:

کلنل سرجستن شیل	Col. Sir Jastin sheil
کلنل سر راولنسن	Col. Sir H. Rawlinson
کلنل فرانت	Col. Ferront
کلنل پاسمر	Col . Pasmor
کلنل استودارت	Col . Stadart
کلنل دارسی تود	Col . Darcytodd

(ایران و مسأله ایران نسخه خطی کتابخانه مجلس شورایملی ص ۵۳۵)

3 - Ellis

۴- گزارش مورخه ۲۶ آوریل ۱۸۳۶

۱۲۲۷ قمری مطابق ۱٤ مارس ۱۸۱۲ میلادی با ایران امضاء کرد . فصل سوم این قرار داد مقرر میداشت که هر گاه بین ایران ویکی از دول جنگی واقع‌شود دولت انگلستان بقدر مقدور خود معلم نظامی جهت تعلیم سپاهیان ایران بفرستد ولی قبل‌از امضای این قرار داد دولت انگلستان عده‌ای افسر و مهندس و چند گروهبان که عده آنها به سی نفر میرسید با مقداری اسلحه و مهمات بایران‌فرستاد ورود افسران‌انگلیسی نیزتحولاتی در امور سپاهی ایران پدید نیاورد زیرا که‌انگلستان‌نیز خواهان اقدامات مثبتی بنفع‌ایران نبودبلکه هدف‌اصلی این دولت‌جلو گیری‌از اعمال‌نفوذ قدرتهای بزرگ‌جهان در ایران و حفظ مرزهای هند از طریق دخالت درامور داخلی ایران بود،دلیل‌این امرآنکه درسال۱۲۲۷هجری قمری در بحبوحه جنگهای ایران وروس بعلت انعقاد پیمان همکاری میان دولتین روس وانگلیس به افسران انگلیسی که در خدمت ارتش ایران بودند دستور داده شد پستهای خود را ترك گفته درعملیات نظامی علیه روسیه شرکت نکنند وهمین امر شکست سپاهیان‌ایران را در جبهه قفقاز تسریع کرد . پس از خاتمه جنگ و انعقاد معاهده گلستان افسران انگلیسی ایران را ترك گفتند ولی وجود عهد نامه فیمابین دو دولت ، دست انگلستان را در اعزام هیئتهای نظامی باز گذاشته بود چنانچه در حادثه هرات بسال ۱۲٤۷ قمری دسته‌ای از افسران انگلیسی وارد ایران شدند . دراینسال افغانهای شهر هرات ، بتحریك انگلستان سر بشورش برداشتند

نیروهای منظم(ثابت) ۳۹ گردان هر گردان هر کب از ۱۰۰۰۰ نفر ۳۲۷۰۰۰ لیره
دواسواران هر اسواران مرکب از ۱۰۰ نفر ۱۰-۶۱۷۱ لیره
توپخانه با ۶۰ اراده توپ که بوسیله اسب کشیده میشود ۱۵۵۰ نفر ۲۲۵۰۰ لیره

جمع ۱۰-۳۵۵۶۷۱ لیره

نیروهای نامنظم(غیر ثابت) هزینه این نیروها $\frac{1}{5}$ هزینه سربازان منظم میباشد
۲۰۰۰۰ تفنگچی ۳۳۶۰۰ لیره
۴۰۰۰۰ سوار ۲۴۶۸۶۰ لیره

جمع ۲۸۰۴۶۰ لیره

جمع کل ۱۰-۶۳۶۱۳۱ لیره

موضوع کردن ۵۰ هزار جیره بگیر در روز از قرار ماهیانه ۶ شلینگ ۱۵۰۰۰۰ لیره

۱۰-۴۵۶/۱۳۱ لیره

۳- درحال حاضر عمده واحدهای ارتش از تهران و استانهای آذربایجان عراق - فارس - خراسان و کرمانشاهان تأمین می‌شوند : چهارهنگ مستقر در تهران که میتوان آنرا پشتیبان قدرت سلطنت دانست اخیراً مواجب و لباس مرتبی دریافت میدارند . سلاحهای آنان وضع رضایت بخشی ندارد ولی میتوان توسط کارگران قورخانه سلاح مزبور را قابل استفاده نمود . سه هنگ از آذربایجان و هنگ چهارم از سربازان فراری روس تشکیل شده است .توجه خاص به‌سان سربازان مزبور توسط افرادی صورت میگیرد که از مشق نظام نه‌اطلاع درستی دارند ونه‌ازانضباط بوئی‌برده‌اند .

پادشاه نیز ازسربازان مزبور سان می‌بینند و نسبت بآنها علاقه زیادی ابراز میدارد. بواسطه فقدان کاردانی افسران، سربازان ازانضباط بی‌خبرند و بهمین علت دراثرتحریك یك سرگرد جناح یکی ازهنگها ازاطاعت فرمانده خود سرباز زده اصرار داشتند ازکار برکنار شود. این سربازان نیزازوظایف

در آن دوره مشخص گردیده که ذیلا از نظر خوانندگان محترم می گذرد .

در اینجا لازم میدانم از استادمحترم جناب آقای دکتر علی‌اکبر بینا استاددانشگاه تهران که فتو کپی‌این گزارش را که خود از آرشیو دولتی انگلستان تهیه کرده‌اند ودر اختیار اینجانب نهاده‌اند سپاسگزاری نمایم .

عالیجناب :

افتخاردارم گزارش‌زیررادربارهٔوضع حقیقی‌ارتش‌ایران وهزینه‌نگاهداری آنرا توسط پادشاه بعرض مبارك برسانم :

۱ – تعداد سربازان ایرانی طبق صورت فرماندهی کل جمعاً ۱۰۰۷۵۰ نفربشرح زیر:

نیروهای منظم و ثابت

۳۹۰۰۰	نفرپیاده نظام
۲۰۰	نفرسواره نظام
۱۵۵۰	نفر توپخانه
جمع ۴۰۷۵۰	نفر

نیروهای نامنظم(غیر ثابت)

۲۰۰۰۰	تفنگچی
۴۰۰۰۰	سوار
جمع ۶۰۰۰۰	نفر

۲– هزینه‌غیرخالص‌نقدی برای نگاهداری‌ارتش بالغ بر۶۳۶۱۳۱لیره و ۱۰ شلینگ . جزئیات‌آن طبق‌هزینه‌های‌اخیر بابت لباس - مواجب -اسلحه تجهیزات – اسب‌برای سواره نظام و توپخانه و سیورسات بشرح زیرمحاسبه شده است .

یك هنگ مشق نظام داده شده ولی فاقد اسلحه ، لباس وتجهیزات می باشند انضباط سربازان هنگ مزبور خیلی کم و محدود است . از اسواران فسا در فصل پائیز بازدید کردم افراد آن دارای کفایت وشایستگی هستند و اکنون درخانه‌های خود بسرمیبرند . تفنگچیان نامنظم وسواران ، سلاح موردنیاز خود راشخصاً تهیه میکنند وچون باسرباران منظم مقایسه شوند زیان آنها برای ارتش بیش ازفایده آنها است .

بنظرمیرسدتاحال برای بهبود وضع نیروهای پادشاه کوشش بعمل نیامده است ذخائر پادشاه برای تجهیز سربازان کافی نیست باروت مورد نیازآنهااز کارخانه تبریز ویك کارخانه جدید تهران که ساختمان آن درشرف پایان است تأمین میگردد درنزدیکی تبریز معادن سرب فراوانی وجوددارد درآنجایك کارخانه توپ ریزی و عراده سازی مخصوص حمل توپ وجوددارد .

٤ ــ وضع افسران انگلیسی بانظامیان ایرانی بقرار زیراست :

عراق کلنل پاسمربادو هنگ پیاده

آذربایجان :کاپیتان «آیبك[5]» بادو هنگ توپخانه سوار که اکنون با نیروهای تحت فرمان خود ازشیراز در حرکت است

کرمانشاه ـ ستوان «رو[6]» بایك سرگروهبان پیاده با سربازان هنگ شاهزاده از کرمانشاه بطرف شوشتردرحرکت است .

تهران ـ ستوان «تانانت[7]» ودوسرگروهبان سوار بااسواران مربوطه ، ستوان «پاد[8]» ودوسرگروهبان توپچی‌سوار بسربازان توپچی‌مشق نظام‌میدهند

ستوان دوم لنگتون[9] ازهنگ بنگال طبق دستور مسئول رساندن آب بناحیه قزوین‌است .

5 - Ibec
6- Raw
7- Tanant
8— Pada
9- Longton

معمولی ازقبیل نگهبانی دروازه‌های شهر اطلاعی ندارند و به‌محموله‌قاطرهائی که‌بداخل شهرمی‌آیند یاازآن‌خارج‌می‌شوند دستبردمی‌زنند. درآذربایجان سربازان قبلا توسط یك رئیس انگلیسی تعلیم می‌دیدند و هنوزهم باقیمانده آنچه را که فرا گرفته‌اند بکار می‌برند مهم اینست که آنها معمولا برای انگلیسی‌ها احترام قائل هستند احترامی که سالها قبل در اثر تجربه پایه گذاری شده واحتمال نمی‌رودبدست فراموشی سپرده شود.

افسران ایرانی توجهی بمسئولیت و وظایف خود ندارند تا اندازه‌ای بنفرات هنگها اسلحه‌لباس وتجهیزات داده می‌شود ولی آنها اطمینانی‌بدریافت مواجب وجیره روزانه خود ندارند. نفرات توپچی بیشترآذربایجانی هستند قابلیت این نیرو مانند سایرجاها کاهش پیدا میکند زیرا به‌سربازان مزبور مرخصی‌های طولانی داده میشود تانزد خانواده‌های خود بروند و زمینهای زراعتی خانواده ها را که مدتها متروك مانده‌کشت نمایند افرادی که فاقد آب و زمین باشند در ارتش استخدام نمیشوندوازطرف سرهنگ فرماندهی تضمین نمی‌شوند در عراق در ابتدا مشق نظام در سال ۱۸۳۵ توسط کلنل پاسیان معمول گردید. اینجانب ازسه هنگ بازدید کردم افراد این هنگها ازلحاظ مشق نظام ازهنگهای آذربایجان برتر بودند اسلحه کافی برای دو هنگ‌موجوداست ولی‌ازلحاظ لباس‌وتجهیزات بطورتساوی کمبود مشهوداست.

بنا بتوصیه‌کلنل پاسیان باصدور فرمانی از طرف پادشاه وضع افسران بهتر شده ودستور پرداخت حقوق‌آنها صادر شده است. در فارس سربازان دارای اسلحه هستند ولی ازلحاظ لباس وتجهیزات کمبود دارند دراین استان تاکنون کسی برای خدمت سربازی نام‌نویسی نکرده وهنگی تشکیل نشده است. نفرات هنگهای مستقر دراین استان تماماً آذربایجانی هستند. هنگ سمنان افرادآن ازمردم خراسان که هر گز مجهزنبوده و همواره فاقد اسلحه لباس وتجهیزات‌بوده‌اند، هنگ مازندران همین وضع رادارد. این هنگ‌در زنجان وهنگ عراق دردماوند وفیروزکوه بوجودآمده است. درکرمانشاه

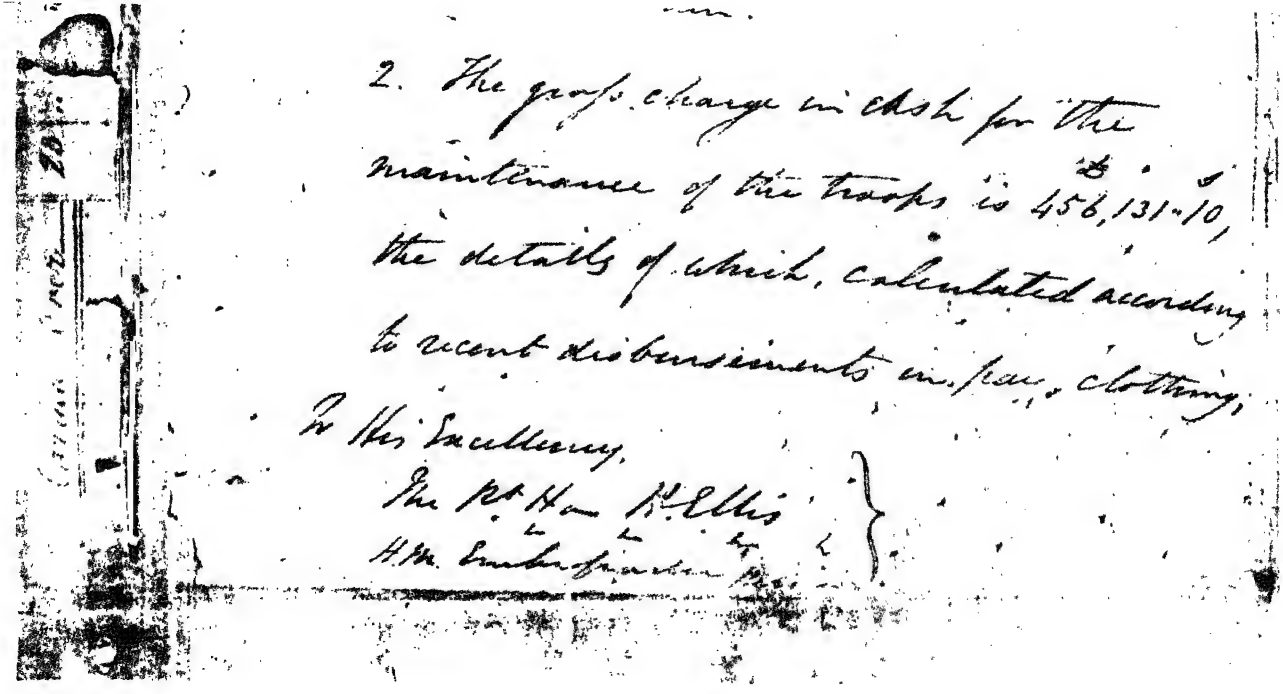

2. The gross charge in cash for the maintenance of the troops is £456,131-10s, the details of which, calculated according to recent disbursements in pay, clothing,

To His Excellency,
The Rt. Hon. H. Ellis
H.M. Embassador

صفحه اول گزارش کلنل استودارت

۵- طبق دستور آن جناب یك سیستم خبررسانی منظم ومرتب توسط کلنل پاسمر برقرار شده تانمایندهٔ دولت بریتانیا رادرتهران ازوضع حقیقی سربازان وافسران مستحضر سازد . خلاصه آخرین گزارش آنها به پیوست است.

عالیجناب

همواره مطیع اوامر هستم

خدمتگزار کاپیتان چارلز- استودارت☆

۲۶ آوریل ۱۸۳۶

☆- در مورد اینکه چارلز استودارت درپایان این گزارس خود را کاپیتان (سروان) معرفی کرده است و درمقدمه این مقاله همه جا کلنل استودارت نوشته شده . این توضیح لازم است که کلیه افسران خارجی که در دورهٔ قاجاریه برای آموزش ارتش ایران استخدام میشده‌اند درایران با درجاتی بالاتر و البته موقتی بخدمت ارتش ایران درآمده‌اند و این افسران درگزارشهائی که دربارهٔ مطالب و مسائل مختلف به کشور مبوع خود میفرستاده‌اند طبیعتا درجه اصلی خود را می‌نوشته‌اند .

PUBLIC RECORD OFFICE
Reference: F060/40
COPYRIGHT PHOTOGRAPH—NOT TO BE REPRODUCED PHOTOGRAPHICALLY WITHOUT PERMISSION OF THE PUBLIC RECORD OFFICE, LONDON

Sir,

I have the honor to submit for your Excellency's information the following report on the actual state of the Persian army, and on the expense of its maintenance by the Shah.

1. The Persian troops, as borne upon the accompanying roll of the Master Master General, are 100,750 men, namely:

Regulars.	39,000	Infantry
	200	Cavalry
	1550	Artillery
40,750 Men		
Irregulars.	20,000	Tofungchees
	40,000	Horse
60,000 Men.		

2. The gross charge in cash for the maintenance of the troops is 456,131-10, the details of which, calculated according to recent disbursements in pay, clothing,

To His Excellency,
The Rt. Hon. H. Ellis
H.M. Embassador [illegible]

صفحه اول گزارش کلنل استودارت

arms, accoutrements, horses for the cavalry and artillery, and provisions, are as follows:

Regulars, 39 Battalions, each 1000 men	...	£ 327,000
2 Squadrons each 100	.....	6,171.10
1550 Artillery 60 guns hired		22,500
		£ 355,671.10

Irregulars; cost rated at one fifth that of the regulars

20,000 Tofeng chees	.....	33,600
40,000 Horse	.....	246,860
		£ 280,460
Total		£ 636,131.10

Deduct 50,000 rations of men at their homes, saved daily, at 6 shillings per man per month .. .. £ 180,000

Gross charge £ 456,131.10.

3. The general distribution of the troops at present, is at Tehraun, and in the provinces of Azerbaijan, Eerduk, Fiirs, Khorasaun, and Kermanshah.

The four regiments at Teheraun, who may be considered as more particularly

be kept constantly informed as to the act
state of the troops the officers may be with
An abstract of their late reports is here
with forwarded.

I have the honor to be,

Sir

Your Excellency's

Most obedient,

Humble Servant

Charles Stoddart

Captain Royal Staff Corp

[illegible]

& H B M [illegible]

Teheran
26 April 1826

صفحه آخر گزارش کلنل استودارت

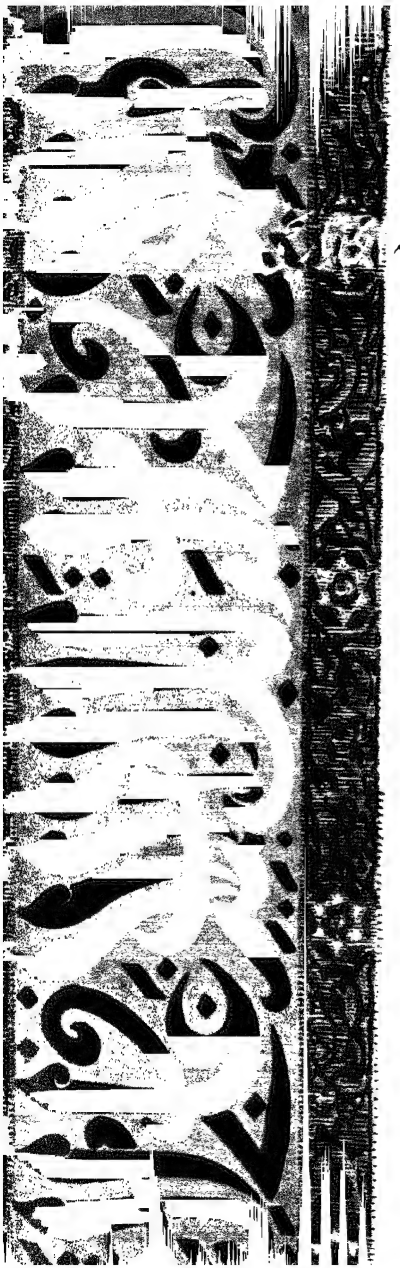

اسناد و نامه

مجله بررسیهای تاریخی در هر شماره، چند سند و نامه از اسناد و نامه های تاریخی که پیش از این در جائی چاپ نشده باشد بچاپ میرساند. تا رفته رفته مدارک و اسناد پراکنده تاریخ ایران جمع آوری و برای استفاده پژوهندگان آماده گردد.

درسال ۱۳۳٤ اسنادی چند که در اختیار آقای سید علی کبیر از قضات عالی رتبه دادگستری بود توسط جناب آقای الهیار صالح برای فیلم برداری در اختیار کتابخانه دانشکدهٔ حقوق قرار گرفت و من موفق شدم سه نامه مهم آن را در همان ایام در مجله یغما تحت عنوان «سه سند از اعتمادالدوله نوری» به چاپ برسانم[۱]

اینک که مجلهٔ بررسیهای تاریخی در نشر اسناد تاریخی اهتمامی مخصوص دارد مناسب دیدم که کلیهٔ آن اسناد را طبقه بندی کنم و بوسیلهٔ صفحات این مجله در دسترس محققان تاریخ آن دوره قرار دهم.

این اسناد بعضی خطاب به حسام‌السلطنه حاکم هرات و بعضی خطاب به عضدالملك نایب‌التولیهٔ آستان قدس (سرکار فیض آثار) و والی خراسان است.

---

۱ ــ یغما سال ۱۳ شمارهٔ ۲

ایرج افشار

شصت و چهار سند دربارهٔ وقایع هرات و خراسان

بخش اول: فرمان ناصرالدین شاه

[فرمان ناصرالدین شاه به عضدالملك دربارهٔ تعمیر فرش حرم]
بامهر شاه در بالای فرمان

جناب عضدالملك ، از قراریکه بعرض ما رسید سنگهای فرش زمین حرم محترم [چند کلمه پاره شده] علیه و علی آبائه الف سلام و تحیه پست و بلند زیاد دارد و ضرر آن به فرش حرم می‌رسد و در وقتی که آب برای تطهیر حرم محترم بسته میشود آب بزمین فرو میرود و بطاق و دیوار سمت پائین پـای مبارك شکست رسانیده است. آنجناب مأذون و مرخص است که از قرار این دستخط [دو کلمه پاره شده] درصدد رفع پست و بلندی سنگهای فرش زمین حرم محترم و تعمیر آنجا برآمده آنچه اخراجات آن میشود ازمال موقوفات حضرت خرج کند کـه رفع [دو کلمه پاره شده] و ضرر بفرش و طاق نرسد [دو کلمه پاره شده] کمال اهتمام نماید که انشاءالله تعالی آنجا بطور خوب تعمیر شود و در عهده شناسد، فی شهر محرم الحرام سنهٔ ۱۲۷٤.

طبقه بندی که در چاپ آنها رعایت شده بدین صورت است :

۱ ــ فرمان ناصرالدین‌شاه .

۲ ــ دستور های ناصرالدین شاه .

۳ ــ مکتوبهای اعتمادالدوله‌میرزاآقاخان‌نوری صدراعظم .

٤ ــ اسناد متفرقه.

و در هر قسمت اسناد به ترتیب تقدم و تأخر صدور آنهاست.

متأسفانه ظهرهمهٔ اسناد نام مخاطب ضبط نیست و به احتمال درآن‌مواردنام‌مخاطب رامعلوم کرده‌ایم. ازهمکار عزیزم‌آقای دریاگشت بسیار متشکرم که‌در استنساخ‌این اسناد مرایاری کرده‌اند .

ایرج افشار

=۶=

[دستورشاه به عضدالملك راجع به‌اعزام معمار برای محمد ولی‌خان]

ازقراریکه‌نوشته‌بودیدمعمارو بعضی‌اسباب‌لازمه که‌مقرب‌الخاقان‌محمدولی خان‌سردار خواسته بود از برای اوفرستاده‌اید بسیارخوب کرده‌اید. البته‌بعد ازاین هم هروقت برای اواسبابی لازم میشودوبشما می‌نویسد در فرستادن‌آن کمال اهتمام بعمل‌آمده اورامعطل نگذارید. شهرمحرم‌الحرام سنهٔ ۱۲۷۷.

صحیح است (صحهٔ‌شاه) ومهر دبیرالملك درپشت دستور.

=۷=

[دستورشاه‌به‌عضدالملك‌دربارهٔ‌مهمانداری‌ازسردارسلطان‌احمدخان‌حاکم‌هرات]

نمرهٔ ۱۷

هو. درباب مهمانداری وتوقیر واحترام سردارسلطان احمدخان حاکم هرات تفصیلی‌نگاشته بودید درخاکپای همایون مستحسن ومقبول افتاد. هر قدر دررعایت‌شرایط احترام وتوقیراوزیادترمبالغه واهتمام شودباعث‌خشنودی اولیای دولت علیه خواهد بود. بعد از اینهم باید درمیان شما رابطهٔ مودت و یگانگی‌مستحکم باشد. درباب‌موقوفات سرکارفیض‌آثار[1] البته مراقبت کرده بالتمام به‌تصرف درآورید ومحصولات آنها را ضبط و تصاحب نمائید. حرره فی‌شهر محرم‌الحرام سنهٔ ۱۲۷۷.

باصحهٔ شاه «صحیح‌است». وپشت دستور را دبیرالملك‌مهرکرده‌است.

۱ ـ مراد موقوفات آستان قدس رضوی در هرات است

بخش دوم - دستور های شاه

[دستور شاه به عضدالملك در بارهٔ معدن طلا]

هو ، درباب معدن طلا اظهاری کرده بودید حقیقة باید درین باب لازمهٔ اهتمام به عمل آورده ان‌شاءالله تعالی درست‌معلوم و مشخص نمائید که‌معدن بامعنی است ، حقیقت دارد یا نه ، از خاکش باز بدهید آدم باوقوفی بشوید وعمله بگمارید کار کرده رگ تازه پیدا کنند. خلاصه‌درین‌باب اهمال واغفال نکرده کمال سعی‌را به عمل آورید. شاید ان‌شاءالله تعالی معدنی‌باشدبامعنی و به‌کار دولت‌آید حرره فی‌شهر محرم‌الحرام‌سنهٔ ۱۲۷۷

(صحهٔ ناصرالدین‌شاه). صحیح‌است

پشت‌مکتوب مهردبیرالملك دیده‌می‌شود

- ۳ -

[دستورشاه به عضدالملك‌دربرگردانیدن فراریان ایل تیموری]

هو، درباب برگردانیدن فراریان ایل‌تیموری شرحی‌نگاشته‌اظهارداشته بودید که میرزا محمد حسین مستوفی ومهر علیخان سرکردهٔ سواره‌باجلان خدمات نمایان کرده همراه‌صارم‌الملك رفته آنها را برگردانیده‌اند خدمات آنها در خاکپای مبارك درجهٔ قبول و استحسان یافت البته آنها را به‌شمول مراحم علیهٔ شاهانه امیدوار نمائید. لکن‌آن چهارصدخانواده‌فراری‌رابایست کوچانیده و بسرخس روانه دارید باز... آنها همین‌است که همان خانوادرا حتما کوچانیده بسرخس بفرستید و تتمهٔ خانوار تیموری و عمارلو را هم موافق قاعده در میان طوایف سویت کرده بطوری که صارم‌الملك تعهد کرده کوچانیده روانه نمائید که‌برای زراعت سنبله درآنجا حاضر شوند. فی‌شهر محرم سنهٔ ۱۲۷۷ .

باصحهٔ شاه .«صحیح است» و مهردبیرالملك درپشت دستور .

=۸=

[دستور شاه به عضدالملك در قرض دادن به افاغنه]

نمرهٔ ۲۹

هو ، حضرات افاغنه که بدربار گردون مدارهمایون‌می‌آیند غیر ازضرر گزاف از وجود آنها حاصلی نخواهد بود. برحسب امر همایون باید بعد از این از آنها احدی را نگذارید بدارالخلافه الباهره بیایند . اگر آمدند از همانجا برگردانید وباهالی خراسان هم قدغن واخبار نمائید کـه بـاطمینان دیوان اعلی‌دیناری بآنها قرض ندهند واگرچیزی‌بآنها بعنوان قرض بدهند از کیسهٔ آنها خواهد رفت. البته‌قدغن‌اکیدنمایند. حرره فی‌شهرمحرم الحرام سنهٔ ۱۲۷۷

با صحهٔ‌شاه: «صحیح‌است» ومهردبیرالملك درپشت دستور.

ناصرالدین شاه به خط خود درحاشیه نوشته‌است :

به‌همه‌اعلام کنند که قرض‌ندهندونگذارید دیگراین[یك کلمه‌سیاه شده] به طهران بیایند .

=۹=

[دستور شاه به عضدالملك در بارهٔ سیدابوالحسن‌خان]

نمرهٔ ۳۴

هو ، درباب حاجی‌سیدابوالحسن‌خان شرحی نگاشته اظهارداشته بودید که بمنصب امامت سرکارفیض‌آثار منصوب وبرقرار داشته‌اید درخاکپای‌فلك فرسای همایون هم موقع قبول واستحسان‌یافته فرمان همایون بـرای مزید مفاخرت و امیدواری او شرفصدور یافت باو بدهید زیارت کرده بامیدواری سرگرم خدمت‌گذاری سرکار فیض آثارباشد . حرره فـی شهر صفر المظفر سنهٔ ۱۲۷۷.

با صحهٔ شاه : «صحیح است» ومهردبیرالملك درپشت دستور .

=٦=

[دستورشاه به‌عضدالملك دربارهٔ قروض سردارسلطانعلی‌خان]

نمرهٔ ۲۲

درباب قروض سردارسلطانعلی‌خان که‌نوشته بودید خودشما قبول کرده به‌طلبکاران‌او تمسك‌سپرده‌اید بسیارخوب کرده‌اید انشاءالله‌تعالی بهمانطور که تمسك سپرده‌اید‌تنخواه‌آن باچاپاردیگر انفاد وارسال‌میشود که به‌طلبکاران او داده تمسکات‌خودرا بگیرید. شهرمحرم‌الحرام سنهٔ۱۲۷۷.

با صحهٔ‌شاه : «صحیح است» . پشت‌دستوررا دبیرالملك مهر کرده‌است .

=۷=

[دستورشاه به عضدالملك در بارهٔ فروش غلهٔ‌سرکارفیض آثار]

نمرهٔ ۲۷

هو، واضح‌است که‌باآنهمه‌قشون که مأمورخراسان‌است‌غلهٔ‌دیوانی کفایت نخواهد کرد . لامحاله‌باید‌بقدر پنجهزارخروارجنس‌ازانبار حضرت(ع)بدیوان اعلی‌بفروشید. ازحالا که‌سرخرمن‌است برحسب امرقدر قدرت همایون بشما اظهار میشود که باید بقدر پنجهزار خروار ازجنس حضرت نگاهداری کرده بمصرف برسانند تاانشاءالله تعالی درمقام ضرورت . . . . نمایند . دراین باب باید [چندکلمه پاره‌شده] داشته باشند. حرره‌فی‌شهرمحرم‌الحرام سنهٔ۱۲۷۷.

باصحهٔ شاه: «صحیح‌است»ومهردبیرالملك‌درپشت.

ناصرالدین‌شاه درحاشیه بخط خود نوشته‌است :

البته ازجنس حضرت درانبار مشهد مقدس بقدر پنج هزار خروار حاضر بکنید. اگربرای قشون مروخواستند به‌قشون بفروشید یعنی به‌دیوان، والا باز مال حضرت است. درمشهد فروخته می‌شود . البته حاضر کنند .

= ۲ ۱ =

[دستورشاه به‌عضدالملك دربارهٔ فروش‌غله سرکار فیض‌آثار]

نمرهٔ ۷۸

هو ، درباب پنجهزارخروار غله که از املاك حضرت (ص) امرومقررشده بود در انبار نگاه‌دارید شایدبرای سیورسات قشون مأمور مرو لازم شوداز قراری که مقرب‌الخاقان قوام‌الدوله نوشته بود درسمت میمند وباروچاق غله بقیمت ارزان بهم خواهد رسید در ینصورت غلهٔ حضرت را معطل کردن لازم نیست.فروخته‌بمصارف تذهیب‌صحن مطهر برسانید. احتیاطاً برای مروغله بار کرده بلوکات ارض اقدس‌وموجودی انبار شهرومحمودآباد جام کفایت‌خواهد کرد بمقرب‌الخاقان‌شهاب‌الملك‌حکم شده است آورده در شهر نگاهدارد غلهٔ حضرت را بفروش برسانید . فی‌شهر صفر۱۲۷۷ .

باصحهٔ شاه: صحیح است ومهر دبیرالملك درپشت دستور .

= ۱ ۳ =

[دستورشاه دربارهٔ موقوفات‌هرات]

هو،درباب املاك‌موقوفهٔ‌حضرت (ع) واقعه‌درهرات حاجی‌سیدابوالحسن شرحی‌نوشته بود درخاکپای همایون ملحوظ‌افتاده در طی‌احکام علیه‌موکداً بسردارسلطان احمدخان‌امرومقررشده‌است که‌لازمهٔ تقویت و مراقبت رابعمل آورده نگذارد امر موقوفات بی‌نظم شود. البته شما هم باو بنویسید و اگر میدانید از میرزاجبارکاری ساخته نمی‌شود او را تغییرداده‌آدم دیگرمشخص کرده بفرستید و ملتفت این‌فقره هم‌باشید که‌آن‌آدمی که میفرستیدآدم‌زیرك وهوشیار باشد و در جزواز جمیع اوضاع و احوالات‌آنجا مطلع شده همیشه روزنامهٔ‌آنجا رانوشته بشما برساند که باینجا بفرستید و اولیای دولت رااز وقایع و گزارشات آنجا بی‌خبر نگذارد. البته‌درین فقره زیاد اهتمام داشته باشید . فی‌شهرصفرالمظفرسنهٔ ۱۲۷۷ .

صحیح است : (صحهٔ شاه). با مهردبیرالملك درپشت دستور .

= ۱۰ =

[دستورشاه به عضدالملك دربارهٔ حرکات سردار سلطانعلی خان]

نمرهٔ ۳٦

هو، در باب حرکات خلاف وهرزگی وحق‌ناشناسی سلطانعلی‌خان‌وسایر افاغنهٔ قندهاری که اشعاری کرده بودید اگرچه بهر گونه عقوبت و سخط و سیاستی مستحق‌بودند ولی‌بهمان‌سیاست‌دونفرافغان اکتفاشده مصحوب‌محمد خان‌چاپار چند روزپیشترحکم همایون‌شرفصدور یافت که‌سلطانعلی‌خان‌را مقرب‌الخاقان شهاب‌الملك روانهٔ هرات کند.

البته‌شما هم از مدلول حکم همایون مستحضرشده تا به‌حال او را روانه داشته‌اید. حاجت‌بترقیم مجدد نیست. حرره فی‌شهر صفرالمظفرسنهٔ ۱۲۷۷. صحیح است (صحهٔ‌شاه). بامهر دبیرالملك‌درپشت دستور.

= ۱۱ =

[دستورشاه دربارهٔ علمای نیشابور و حرکت آخوند ملاهاشم]

فیمابین علمای‌نیشابور گفتگو و مشاجره‌اتفاق افتاده‌و منجربه‌خشونت‌و پرده‌دری‌شده‌جناب‌آخوندملاهاشم باکوچوبنه بمشهد مقدس‌آمده‌است حکم همایون به‌مقرب‌الخاقان‌شهاب‌الملك‌شرفصدوریافته شماهم‌مستحضرخواهیدشد بنواب پرویزمیرزا حاکم‌نیشابورهم ازجانب‌سنی‌الجوانب همایون امرومقرر شده‌است که‌آدم‌فرستاده جناب‌مشارالیه را هرطور است دلجوئی کرده باز به نیشابور معاودت دهد می‌بایدشماهم ازقراری که‌به‌مقرب‌الخاقان‌شهاب‌الملك نوشته شده است معمول‌دارید ومراقبت‌نمائید که آخوندملاهاشم باز معاودت کرده روانهٔ‌نیشابور گردد. درباب‌وظایف هم بهمان‌قرار که‌حکم همایون است قرارداده‌آدم‌بفرستید. فی‌شهرصفرالمظفر۱۲۷۷.

صحیح است (صحهٔ شاه) بامهردبیرالملك درپشت‌دستور

=۱۶=

[دستورشاه دربارهٔ انتظام امور سرخس]

نمرهٔ ۷۸

نوشتجات محمد ولیخان سردار وسرکردگان را که فرستاده بودید در خاکپای همایون ملحوظ افتاد. باید درانتظام امور سرخس لازمهٔ مراقبت و مواظبت را مرعی ومنظوردارید. اینکه نوشته بودید لازم است صارم‌الملك وکردوخان بسرخس بروند بودن آنها در سرخس برای سرپرستی خانوار و تدارك آذوقه و مدار آنها بسیارخوبست. البته هرطور است آنها را روانه دارید و به‌نهجی که مفصلا به شهاب‌الملك مرقوم شده شما هم خواهید دید خانوار عمارلو وتیموری که بایست بروند آذوقهٔ آنها را تا رفع محصول تدارك نموده باخودشان حمل‌ونقل کرده ببرندودر آنجاهم مراقبت‌نمایند که‌امرزراعتشان‌منظم ومضبوط باشد. درباب‌بذروعوامل‌هم‌حسب‌الامر شهاب‌الملك جابجا کرده‌خواهد رسانید. خلاصه در انتظام امور وحفظ سرحد سرخس و امنیت راه باید لازمهٔ اهتمام‌را‌بعمل‌آورده کمال‌تقویت‌را‌ازمحمدولیخان‌سردار [چند کلمه پاره‌شده] فی‌شهر ربیع الآخرسنهٔ ۱۲۷۷.

(حاشیه) احکام‌همایون‌بنحوی‌است که‌علی‌التفصیل بمقرب‌الخاقان شهاب‌الملك مرقوم شده‌وخواهیدید. البته تا ورود امیرالا مراء العظام ظهیرالدوله درحفظ امنیت ولایت کمال‌مراقبت بعمل‌آورید. حرره‌فی‌شهر ربیع‌الثانی۱۲۷۷. صحیح است(صحهٔ شاه). بامهردبیرالملك درپشت‌دستور.

=۱۷=

[دستور شاه دربارهٔ رفتن امیرحسین‌خان به قوچان]

نمرهٔ ۷۹

هو ، ازقراریکه‌بعرض‌رسید امیرحسین‌خان‌ازراه جهالت‌ونادانی‌خودسر، عزیمت قوچان‌نموده رفته باآن حالت وتوهم وتوحشی که‌شجاع‌الدوله از او داشت. حقیقةً‌بسیارغلط‌وخلاف کرده‌محض‌مرحمت‌ملوکانه‌ازجانب‌سنی‌الجوانب

= ٤ =

[دستورشاه در بارهٔ شجاع‌الدوله قوچانی]

هو . درباب عمل قوچان و بهبودی احوال شجاع‌الدوله اشعاری کرده بودیدباید مراقبت‌نمائیدفیمابین شجاع‌الدوله و برادرش‌امیرحسین‌خان‌اصلاح شود و اوضاع خانوادهٔ آنها مختل نگردد. بحاجی‌میرزا محمودحکیم‌باشی‌هم ملفوفهٔ فرمان‌مبارك شرفصدور یافت که‌بهرنحو که میتوانید فیمابین آنهاالتیام دهد و در معالجه و مداوای شجاع الدوله همزیاد مبالغه و اهتمام کند که انشاءالله بزودی رفع ناخوشی او گردد درباب بذرقلعهٔ مبارکه ناصری وامر خانوار آنجاهم اظهاراتی کرده بودید جواب مبسوط و مفصل بشهاب الملك نگارش یافته شما مستحضرخواهید شد. حاجت بنگاشتن مجدد نیست. باید شما هم‌لازمهٔ مراقبت‌را درانتظام‌امر آنجابعمل‌آورید. فی‌شهرربیع‌الاول۱۲۷۷.

صحیح است (صحهٔ شاه) بامهردبیرالملك درپشت دستور

= ٥ =

[دستورشاه به‌عضدالملك دربارهٔ فروش غلهٔ سرکارفیض‌آثار]

از نوشتجات نواب والاحشمت‌الدوله و سایر سرکردگان اردو که البته شما هم دیده‌اید چنان مفهوم میشد که برای‌آذوقه و سیورسات قشون نصرت نمون‌احتیاج‌بغلهٔ خراسان بهم‌خواهد رسید. اگرچه سعدالملك‌بجهت‌خریدن ده‌هزارخروار جنس مأمورهرات گردیده لکن باید شما هم احتیاطاً مقدار پنجهزارخروار جنس از بابت انبار حضرت (ع) نگاه داشته بفروش فرسانید که در انبار مهیا وموجود باشد. همینکه مقام احتیاج شد بارگیری کرده حمل‌ونقل نمایند و وجه قیمت‌آنهم ازدیوان اعلی مرحمت خواهدشد. می‌باید دراین باب بهیچوجه من‌الوجوه مضایقه و کوتاهی‌نکرده هرطوراست پنجهزار خروار جنس‌پاك نگاهدارید. فی‌شهرربیع‌الاول۱۲۷۷. صحیح‌است (صحهٔ‌شاه). بامهر دبیرالملك درپشت دستور

درانتهای‌نامه شاه‌به‌خط خودنوشته. البته پنج‌هزارخروارراانگاه‌بدارید.

ولایت تحصیل کرده گرفته وسه هزار و یکصد و چهل تومان تنخواه دیوانی را هم که ازبابت قیمت غله باو داده بودند دیناری برعیت نداده وجنس را خفا ازرعیت گرفته است جای شبهه نیست. ولی چون شما توسطی ازاو کرده بمقام شفاعت برآمده بودید دیوانیان عظام مطالبه ماخوذی وسایر تعدیات اورا نخواهند کرد. لکن باید وجه نقدی که گرفته وبرعیت نداده حتماً رد کند. یکهزار تومان هم که سابقاً شهاب الملك ازاو گرفته عالیجاه میرزا اسدالله تحویل داده ازتنخواه مزبور محسوب است. دوهزار و یکصد و چهل تومان را هم البته گرفته به میرزا اسدالله تحویل داده وقبض گرفته بفرستید که ازبابت فاضل آخر کتابچهٔ طلب قوام الدوله محسوب خواهد شد. میباید دروصول آن تنخواه ازبهادرخان لازمهٔ مراقبت را بعمل آورید. او هم باکمال شکرگزاری بپردازد، فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۷۷.

صحیح است (صحهٔ شاه). بامهر دبیر الملك درپشت دستور.

[دستور شاه دربارهٔ رساندن آذوقه به سرخس]

نمره ۸۳

درباب مقدمهٔ سرخس نوشته بودید ساخلو وخانواری آنجا بعد ازرسیدگی خبر شکست اردوی مرو واهمه کرده قلعه را خالی گذاشته بیرون آمده اند و بعد ازشنیدن این کیفیت جمعیت وسوارهٔ قورخانه وآذوقه فرستاده اید که آنها را برگردانند اگرچه انشاءالله تعالی تابحال یقیناً مراجعت کرده به سرخس رفته اند ولی باید شما ومقرب الخاقان شهاب الملك کمال مراقبت را داشته باشید که آنها برگردند وبسرخس رفته وبهرطوراست مال کرایه پیدا کرده آذوقه به آنها برسانید که معطل نباشند. شهر ربیع الثانی ۱۲۷۷.

باصحهٔ شاه: «صحیح است». پشت این دستور به مهر «دبیر الملك» مهر شده است.

همایون بامیرالامرا العظام ظهیر الدوله بالمشافهته . امرومقررشده بود که اورا در مشهد مقدس نگاهدارند که مصدر خدمتی شود. ظهور این حرکت از او بسیار خلاف بود. اما ازقراریکه نوشته بودند قراولان قوچانی اوراراه ندادند مانع شده اند . اوهم برگشته بدرجزرفته است حقیقة خیلی خوب کرده اند . باید حسب الامر آدم فرستاده بزودی اورا آورده در آنجا نگاهدارید وقدغن نمائید خیال رفتن قوچان را ازخاطر خود بیرون کند . . .رأی جهان آرای همایون است ولازمهٔ مراقبت را درانتظام امور قوچان بعمل آورید .[چند کلمه پاره شده است] . فی شهر ربیع الاخر سنهٔ ۱۲۷۷

صحیح است (صحهٔ شده) بمهر دبیر الملك درپشت دستور .

-۸-

[دستورشاه دربارهٔ بهادرخان ومطالبات مردم]

نمرهٔ ۸۳

تفصیلی دربابب بهادرخان نگاشته اظهارداشته بودید که صارم الملك ضمانت نموده اورا ازمنزل شهاب الملك بیرون آورده که قرارتنخواه دیوانی ومطالبات مردم را بدهد رفته بست نشسته است اولا باید صارم الملك که ضمانت کرده است حتما اورا ازبست بیرون آورده قرارتنخواه دیوان را بدهد ثانیاً پاره ای ادعاها که نوشته بودید بهادرخان از آدمهای خود و کسانی را که درایام حکومتش درولایت مباشر کرده بود دارد ازجمله میگوید هزاروسیصدتومان نقد به آن دونفرداده که فرستاده درمشهد غله خریداری کنند حالا انکاردارندو آنهاهم که مباشری داشته اندمیگویندتنخواه نقدازولایت وصول کرده بخودبهادرخان داده ایم واومنکراست می باید همهٔ آنهارا خواه درآنجا حاضرباشند خواه درولایت یکجا حاضر نموده رجوع به مرافعه نمایند و خودتان هم با کمال دقت غوررسی و رسیدگی کنید موافق قانون شرع وعرف بگردن هر کدام ثابت شود محصل گماشته حتما تادینار آخر مطالبه ودریافت کنید. دراینکه او مبالغ کلی از

سوارافغان یکصدنفرسواردیگرهم‌خود او ازخراسانی داوطلب باطلاع‌ظهیر-الدوله گرفته و سان بدهد این‌دویست نفر سوار همیشه ابـوابجمع خود او میشود ومواجب وجیرهٔ آنها ازدیوان اعلی مرحمت‌می‌شود که درآن صفحات مشغول‌خدمتگذاری باشند. امابابد شماباغلام حیدرخان گفتگو نموده قرار مواجب و جیرهٔ خود اورا مشخص‌نمایند که معلوم شود خیال اوچیست و چه قدر مواجب وجیره منظور دارد ازدیوان اعلی بگیرد. اگربحالت نوکری و بقدراندازه جیره ومواجب‌خواهدخواست دیوان‌اعلی‌نیز مضایقه نخواهدکرد وخواهد داد واگرتوقع مواجب وجیره گزاف دارد این‌فقره اشکال‌دارد. مثلا وقتی که مشارالیه بدارالخلافه‌آمده بود می گفت شش‌هفتهزارتومان مقروض شده‌ام ؛ اگربااین خیالها وباین طورها حرکت خواهدکرد از برای دیوان اعلی مشکل است. خلاصه باید دراین‌مورد باخود او گفتگو نمائید و کیفیت را بنویسیدتا تکلیف معلوم شود شهر ربیع‌الثانی ۱۲۷۷ .

صحیح‌است : (صحهٔ شاه) با مهر دبیرالملك درپشت دستور

درصدرنامه به‌خط شاه دارد: درآن فقره‌به‌ظهیرالدوله‌حکمی‌نوشته شده‌است بخواند .

= ؟ ؟ =

[دستور شاه دربارهٔ خرید اسراء از ترکمانان]

نمرهٔ ۸۶

درباب اسرائی که دراین مقدمه دردست ترکمان گرفتارشده‌اند هرچند درحق آنها ازهیچگونه مرحمت دریغ نخواهد شدولی اگر علانیه‌ازجانب دولت بخریداری‌آنها اقدام شود دوعیب‌خواهد داشت : یکی اینکه کسرشأن دولت است ودیگر اینکه‌آنها همینکه دانستند دولت درمقام خریداری‌اسراء است‌برقیمت‌آنها خواهند افزود. حکم‌همایونی اینست که شما وشهاب الملك درجزء تجار جدید خراسانی‌را که همیشه تجارت وراه باآنها دارندبفرستید همه اسراء را یکجا قیمت کرده تمام نموده باسم اینکه‌کسان و منسوبان

= ۲۰ =

[دستور شاه به عضدالملك دربارهٔ فروش غله سرکار فیض آثار]

نمرهٔ ۸٤

درباب غلهٔ انبار سرکار فیض آثار حکم همیونی این است که ازبرای دولت درآن حدود غله ضرورخواهد شد وباید موافق حکمی که سابقاً مرقوم شده است غلهٔ انبار حضرت را نفروشید و ازبرای دولت نگهدارید. بلکه در سال آینده هم ضرور خواهد شد وغلهٔ انبارحضرت رادولت خود میخرد. اینکه نوشته بودید برای مخارج تذهیب ایوان چهارپنجهزار تومان تنخواه مرحمت شود که اگر غله خریده شد از بابت قیمت آن محسوب شود فرمایش همیونی این است. بعداز آنکه نواب حسام السلطنه آمدند قرار تنخواه آن داده خواهد شد که نواب معزی الیه بهمراه خود آورده درآنجا تسلیم نمایند وانشاءالله تعالی نواب معزی الیه زود خواهند آمد. شهرربیع الثانی ۱۲۷۷.

باصحهٔ شاه : «صحیح است» و مهر دبیرالملك درپشت دستور .

شاه به خط خود درحاشیه نوشته است : «غله را نگاه دارد»

= ۲۱ =

[دستور شاه در بارهٔ غلام حیدرخان افغان]

نمرهٔ ۸۵

درباب غلام حیدرخان افغان که نوشته بودید خیال رفتن قندهار راندارد و استدعا کرده است که صد نفرسوارهٔ افغان گرفته همیشه باسواره اش در خراسان مشغول خدمت گذاری باشد شهاب الملك هم این فقره رانوشته بود مراتب بعرض خاکپای همایونی رسید واستدعای غلام حیدرخان پسندیده افتاد، باینطور که رأی جهان آرای همایون براین تعلق یافته است که دوهزار سوار جدید درخراسان گرفته شود .

غلام حیدرخان هم این صد نفرسوار افغان را پادار کرده سان بدهد. در جزو همان دوهزارسوار برقرار خواهد شد. بلکه اگر علاوه برآن یکصدنفر

هم ایل‌جمشیدی راخود ایشان کوچانیده بمشهد آورده‌اندوهم مصلحت‌وقت را بهتر میدانند. بعد از آنکه نواب معزی‌الیه وارد شدند باایشان دراین فقره گفتگو کنید. اگرصلاح دانستند تفصیل را خودشان بنویسند ممضی‌ومقبول خواهد شد شهر شعبان ۱۲۷۷.

صحیح است (صحهٔ شاه) با مهر دبیرالملک درپشت دستور.

= ۲۵ -

[دستور شاه در باره تحریکات خدام نسبت به عضدالملک]

صفحه ۲

تفصیلی که درباب حرکات خدام نسبت به‌خودتان‌نوشته‌بودید بنظرانور اقدس‌همایونی‌رسید. اینکه نوشته بودید نمیدانم آن التفات ومرحمت سابقهٔ ملوکانه در بارهٔ من شامل است و میتوانم در نظم خدام بطریق استقلال و استیلاء حرکت کنم یا اینکه مرحمت ملوکانه سلب شده. این‌حرکات خدام‌از بابت زوال مرحمت ملوکانه واشارهٔ اولیای دولت علیه‌است فرمایش همیونی این است که مرحمت خاطر خطیر مبارك بنحو سابق بلکه اتم و اکمل در حق شما شامل‌است وبهیچوجه قصوری درمراحم خدیوانه نسبت بشما حاصل نشده است واحدی از اولیای دولت علیه هم با عنایت خدیوانه چنین‌اشارتی نمی‌توانند بکنند و در اینخصوص بنواب حسام‌السلطنه در ضمن احکام موکداً مرقوم شد که‌به‌خدام ضرب معقول‌برند وقدغن نمایند که‌احدی ازامر وصوابدید شما تخلف‌نکنند، والا مورد عتاب‌خواهند شد وبافتخارخود شما هم ملفوفهٔ فرمان مبارك به مضمونی شرف‌صدور یافته‌است که‌بتوانید بخدام نشان‌بدهید. البته مرحمت ملوکانه را دربارهٔ‌خودکامل وشامل‌دانسته‌با کمال استقلال‌مشغول‌نظم‌امور متعلقه بسرکارفیض‌آثار باشید. شهرذی‌الحجهٔ۱۲۷۷.

صحیح‌است (صحهٔ‌شاه) ومهردبیرالملک‌درپشت دستور.

ناصرالدین‌شاه خود در حاشیه نوشته‌است:

البته‌پدرخدام‌را آتش‌زده‌در کمال‌استقلال مشغول‌نظم امورحضرت‌باشید.

خودشان پول میدهند تنخواه برده گرفته. حتی ظهیرالدوله هم اگر مشتری شود آنها درك مطلب ومدعا خواهند کرد. البته در این باب کوتاهی نکرده از تجار جدیدالاسلام آنجا چند نفری را روانه‌دارید وتنخواه هم موافق صورت علیحده که برای ظهیرالدوله ارسال شده‌است. درخراسان تنخواه دیوانی هست بعد ازآنکه قراردادن تنخواه‌شد ازهمان بابت‌کارسازی کرده انشاءالله تعالی آنها را مستخلص نمایند. شهر ربیع الثانی ۱۲۷۷ .

صحیح است (صحهٔ‌شاه) با مهردبیرالملك درپشت دستور.

= ۲۳ =

[دستور شاه در موافقت با ظهیرالدوله]

نمرهٔ ۸۷

در بارهٔ‌مأموریت‌امیرالامراء العظام ظهیرالدوله که نوشته بودید خیلی مایهٔ‌امیدواری‌خودم‌شده‌است اگرچه‌مقرب‌الخاقان‌مشارالیه‌سفیر کبیرهم‌مأمور خراسان شده است و مردم آنجارا خوب‌میشناسند ولی‌چون هروقت‌اقتضائی دارد ومقرب‌الخاقان مشارالیه تازه وارد شده‌هنوز بلدیت‌ندارد لهذا بایدشما کمال موافقت وهمراهی را با مقرب‌الخاقان مشارالیه نموده هرچه را مقرون بصلاح دانیدباوحالی کنید تا بلدیت تام بهم برساند و انشاءالله تعالی نواب حسام‌السلطنه هم‌بمقر حکومت خود بیایند. حررفی شهر ربیع‌الثانی۱۲۷۷.

صحیح است. (صحهٔ شاه) با مهردبیرالملك درپشت دستور.

= ۲۴ =

[دستور شاه در بارهٔ ایل جمشیدی و ولی محمد خان جمشیدی]

در باب عالیجاه ولی محمد خان‌جمشیدی که نوشته بودید چون‌مهمان ورسیدهٔ دولت بود باواظهارمهربانی کرده‌اید عیبی ندارد. ولی درباب‌بقیهٔ‌ایل جمشیدی که درسرحدات‌قوچان هستندونوشته‌بودیدبه‌عالیجاه‌ولی‌محمدخان واگذارشوداین عمل موقوف بصوابدیدخود نواب والا حسام‌السلطنه است که

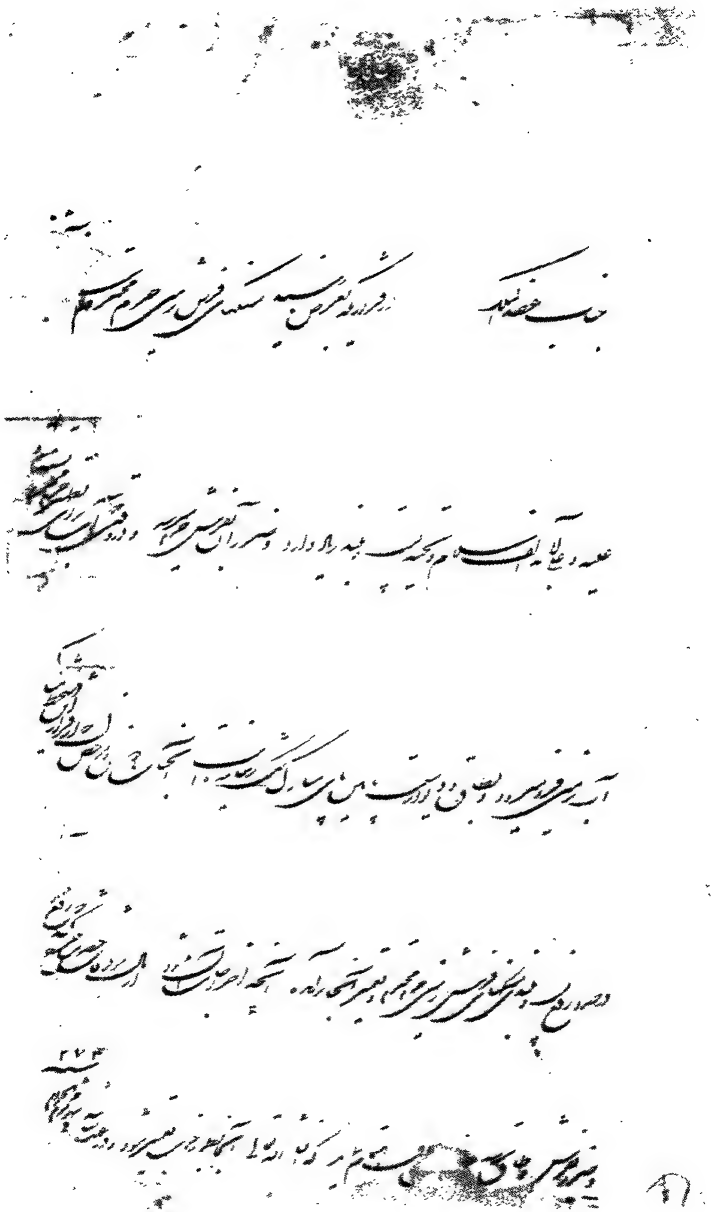

سند شماره ۱

= ۲۶ =

[دستور شاه به حسام‌السلطنه درباب عضدالملك وخدام سركار فيض آثار]

نمرهٔ ۱۰۳

مقرب‌الخاقان عضدالملك اين‌دفعه در ضمن نوشتجات خودش اشعاری‌از اين‌فقره نموده‌بود اوقاتی كه او بستری وناخوش بوده است بعضی از خدام حضرت به‌پاره‌ای خيالات فاسده‌افتاده‌می‌خواسته‌اند اسباب اختلال واغتشاش درامر آستانهٔ مبارك كه فراهم بياورندونسبت به اوبعضی طورهاحركت‌نمايند وبدين سبب مقرب‌الخاقان‌مشارالیه دلتنگی بهم رسانيده است . لهذابرحسب امرقدرقدرهميونی به‌نواب والا مرقوم ميشود كه اين فقره را به‌خدام آستانهٔ مبارك كه عموماً حالی ومعلوم نمايندكه اگر به‌قدر سرموئی از آنهانسبت به عضدالملك بی احترامی واقع شود يا احدی ازصوابديد و امرو نهی او تخلف كند يقيناً مورد عتاب‌خواهد شد . عضدالملك نوكر بزرگ اين دولت است و اختياراامور آستانهٔمبارك سركار فيض آثار كلية برعهدهٔاو واگذار شده است واز جانب سنی‌الجوانب همايون اذن واجازه باو داده شده‌است كه هريك از خدام به‌خلاف قاعده حركتی كند يا ازحرف او بيرون برود تنبيه كند . بايد نواب والانيز هميشه مراقب نظم‌كار اوباشد وكمال تقويت رابه عمل بياورند وبه‌خدام قدغن‌كامل كنندكه درست حركت كنند و ازامرونهی او تجاوز وتخلف نكنند. شهر ذيحجهٔ ۱۲۷۷

(صحهٔ شاه) بامهر دبيرالملك درپشت دستور.

شاه به‌خط خود درحاشيه نوشته است :

صحيح است .

شما بدانيدكه عضدالملك نوكر بزرگ دولت است و به خدمت‌بزرگ مأمورست و مارا درحق اواعتمادست. اين تصورات بی‌معنی خدام يعنی‌چه . البته آنها را تنبيه بكنيد .

سند شمارهٔ ٤

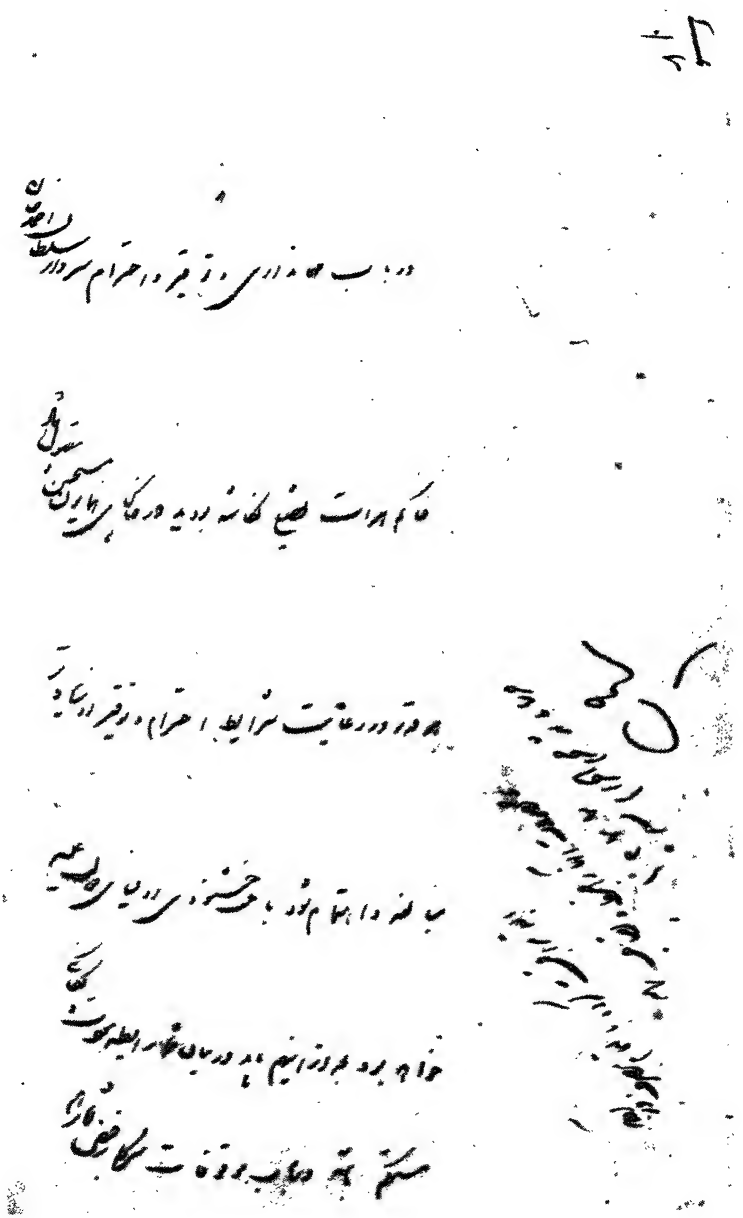

سند شماره ۵

محرم ۱۲۷۷

در باب قروض سردار سلطانعلی خان که نوشته بودید خود شما قبول کرده

بطلبکاران او تمسک سپرده‌اید لیکن خوب کرده‌اید انشاءالله تعالی بهمان طور

که تمسک سپرده‌اید خواه آن با چاپار دیگر انفاذ دارد سال منقضی

که بطلبکاران او داده تمسکات خود را بگیرند

شهر محرم الحرام ۱۲۷۷

سند شمارهٔ ٦

سند شماره ۷

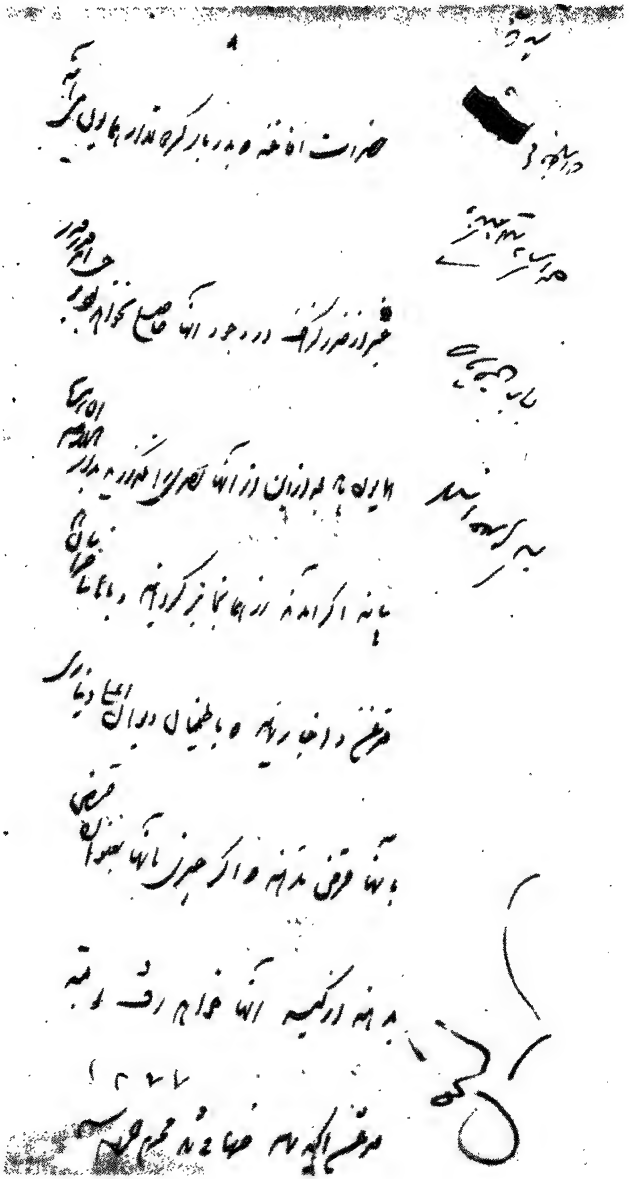

سند شمارهٔ ۸

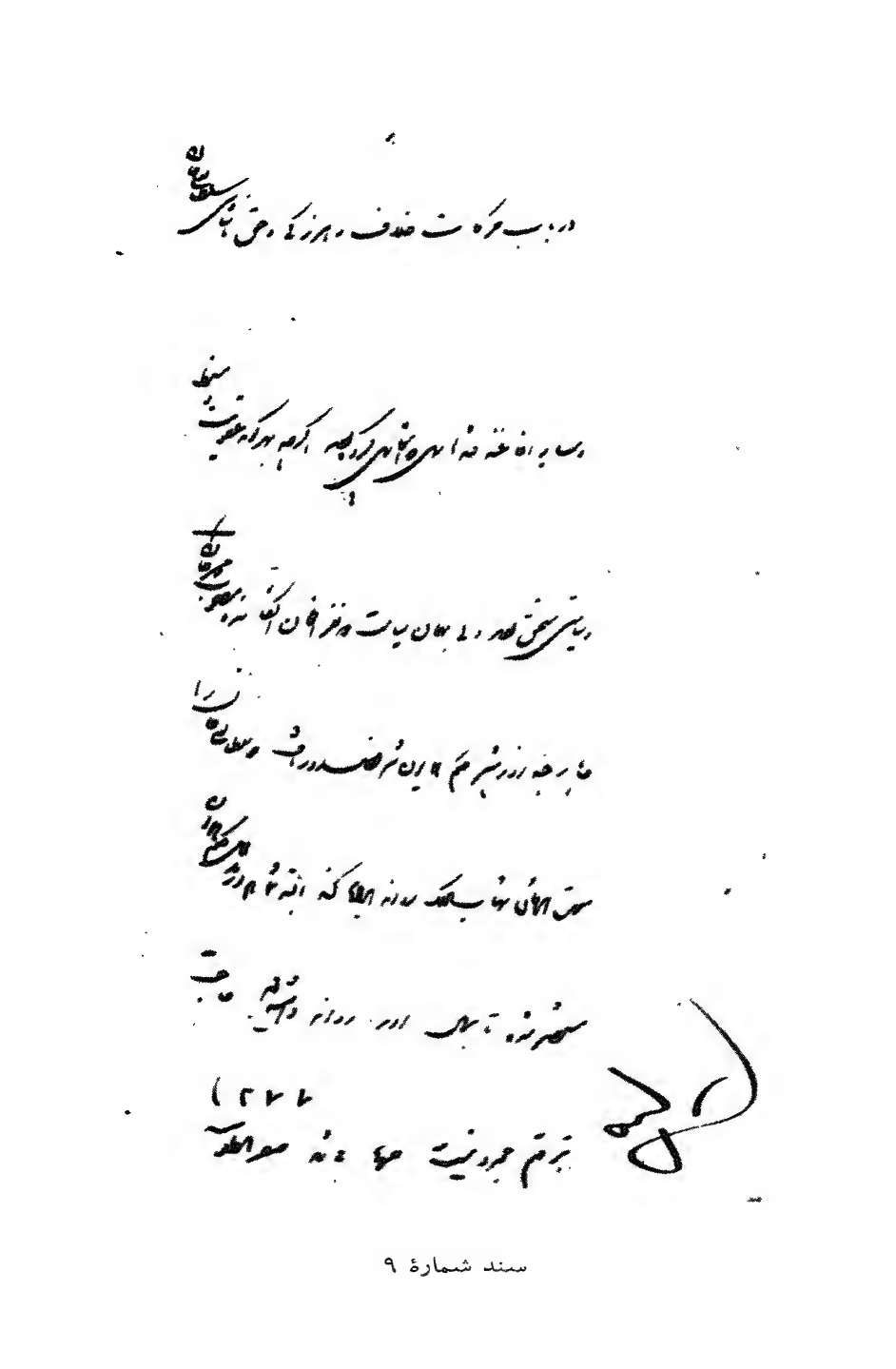

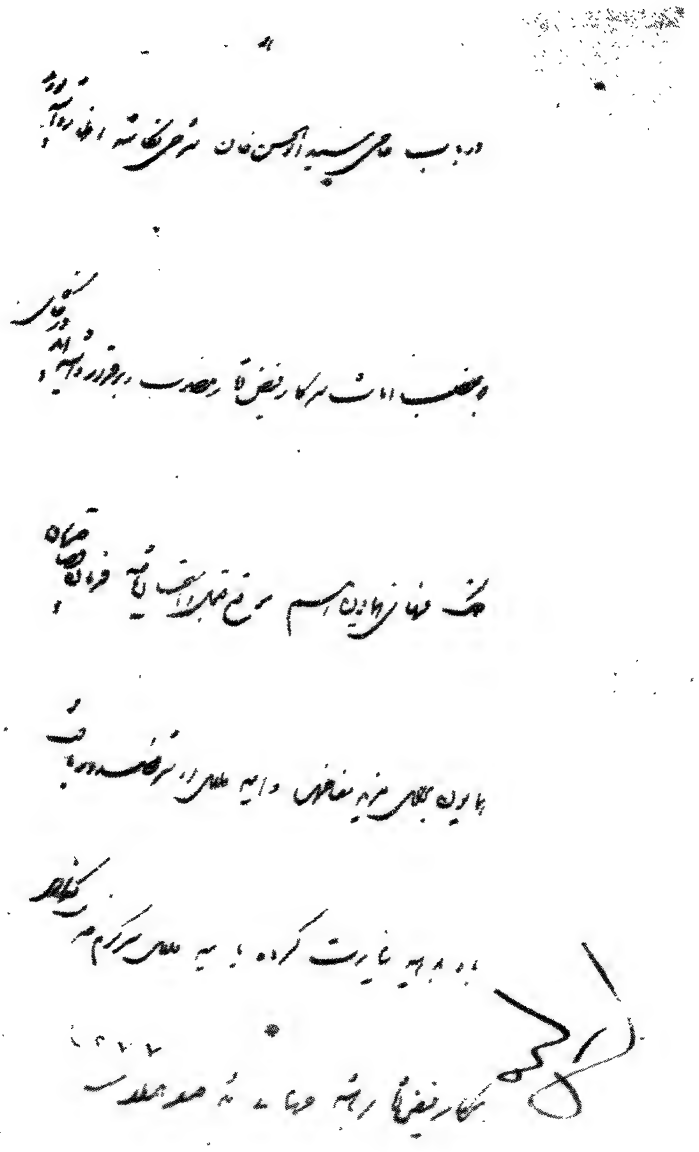

سند شمارهٔ ۱۰

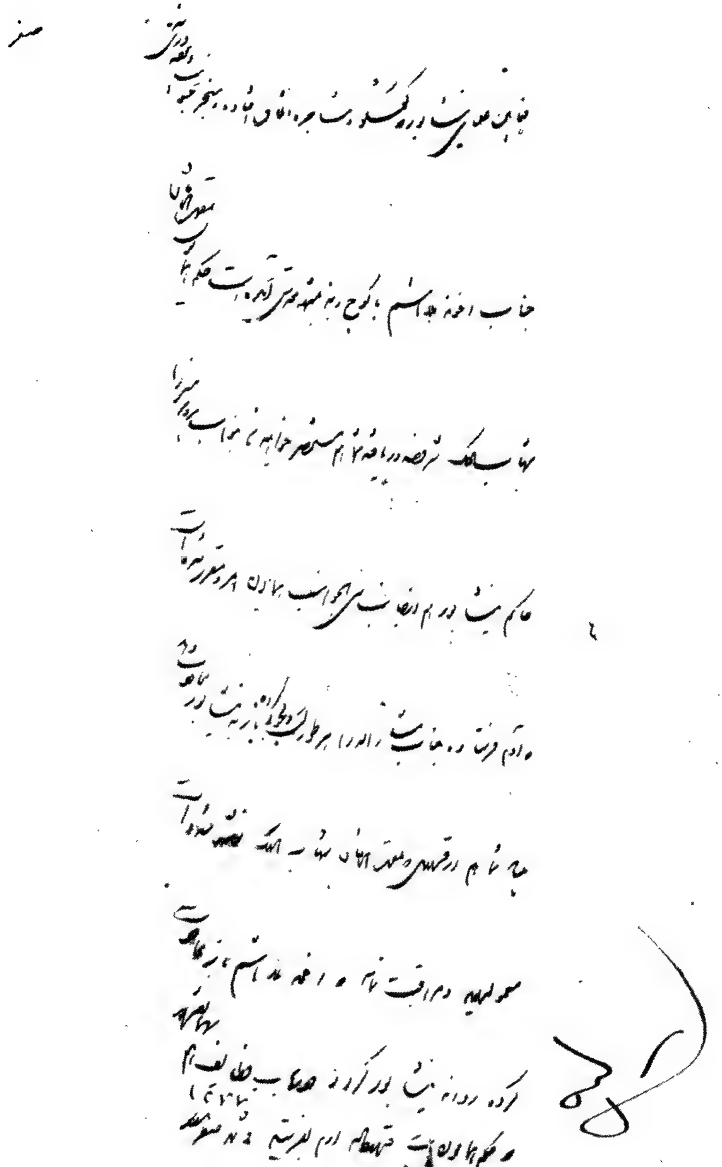

سند شمارهٔ ۱۱

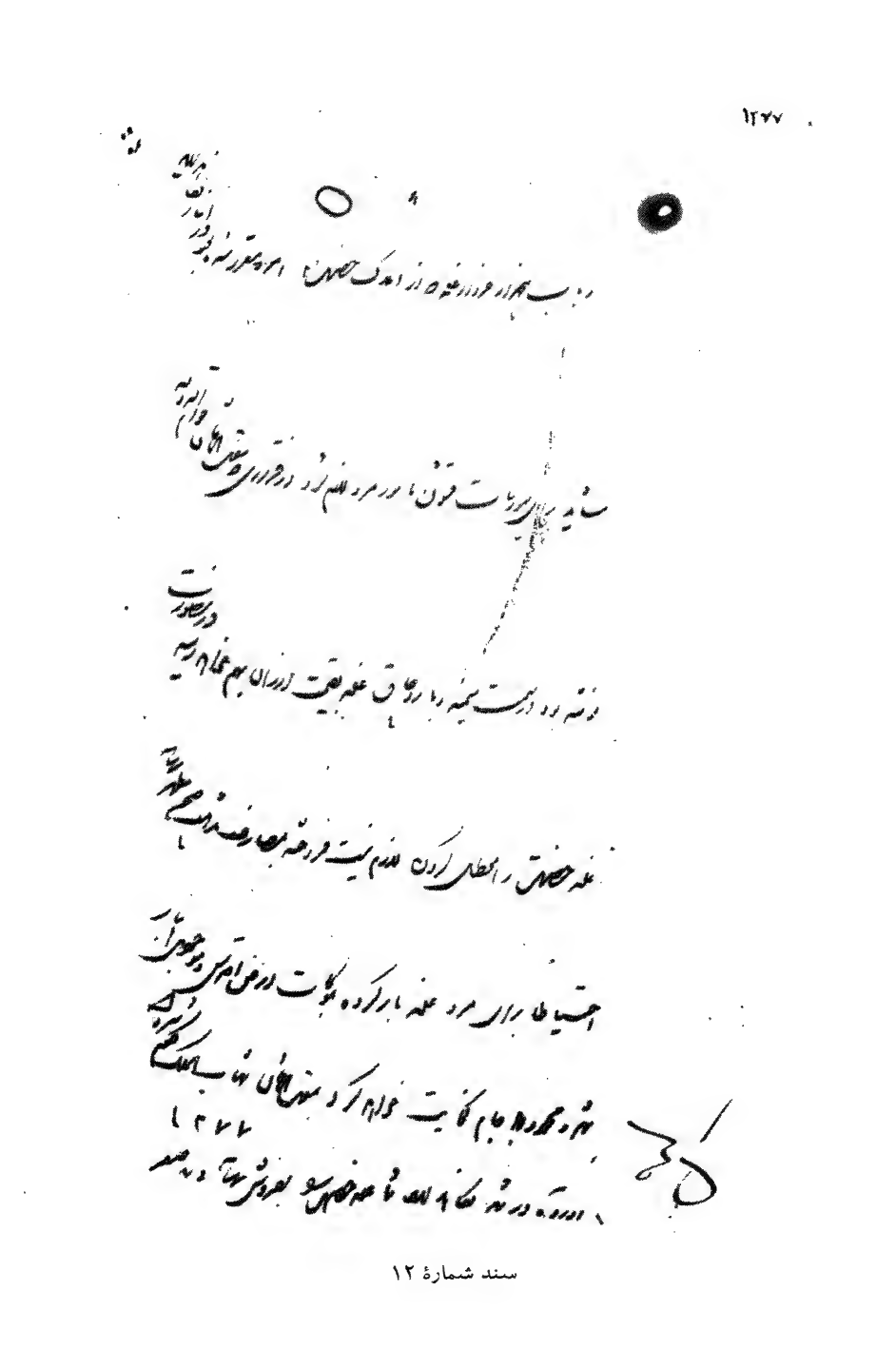

سند شمارهٔ ۱۲

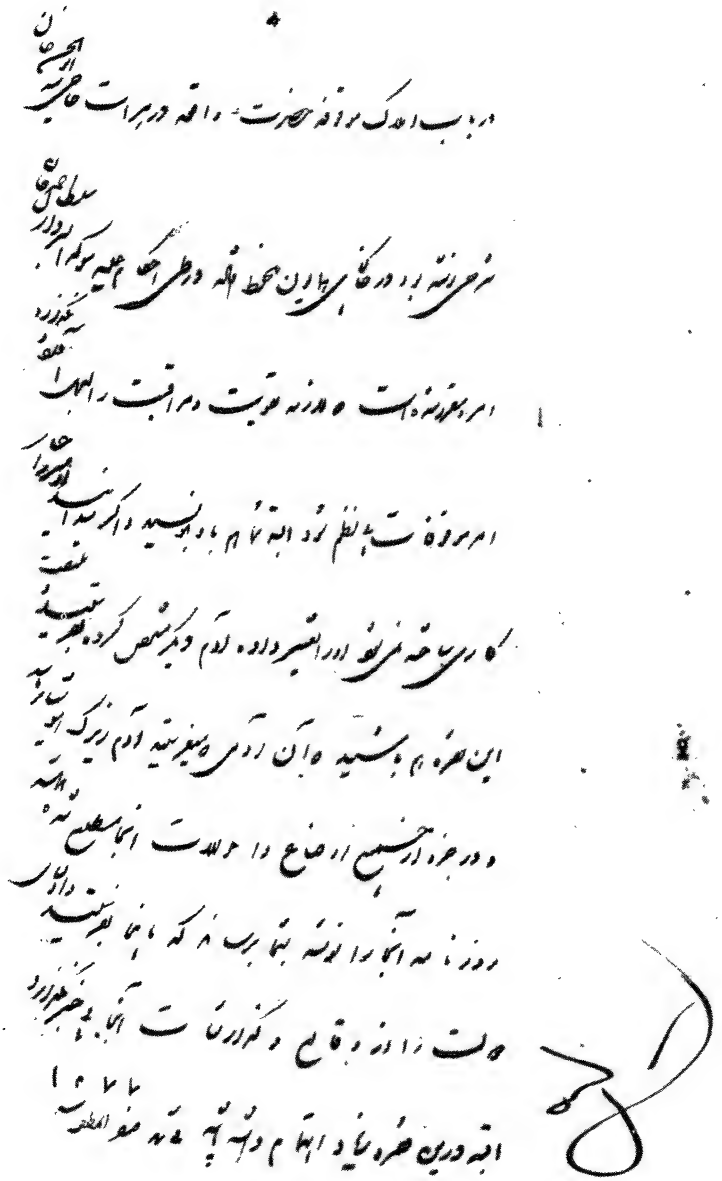

سند شمارهٔ ۱۳

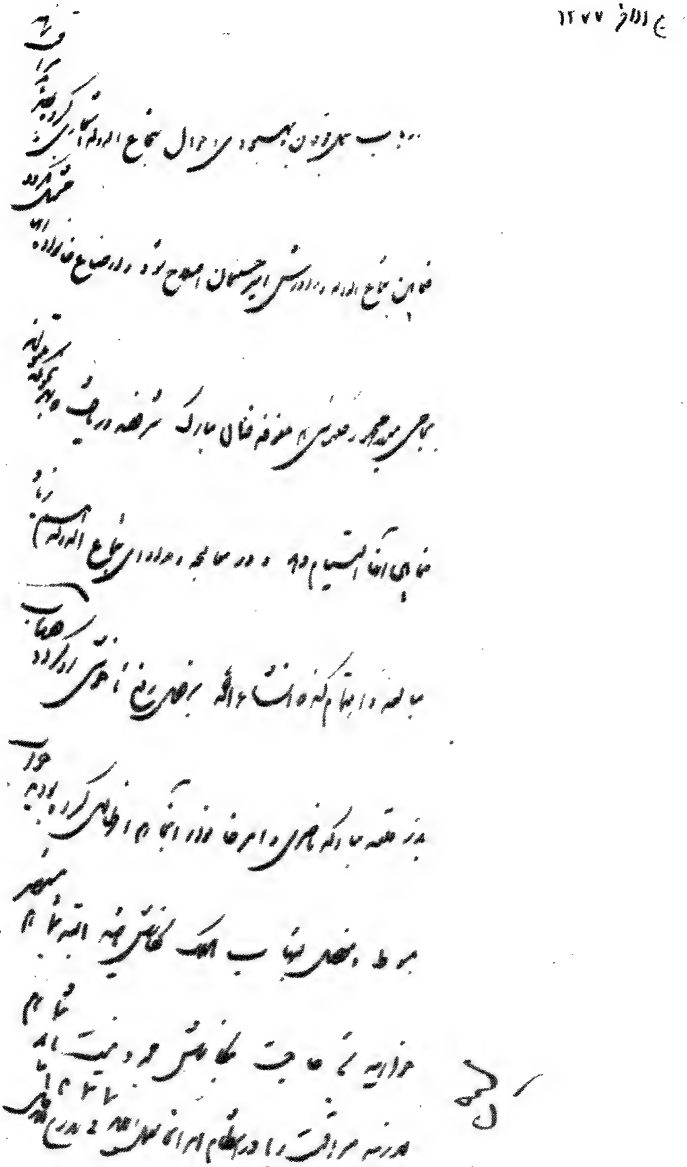

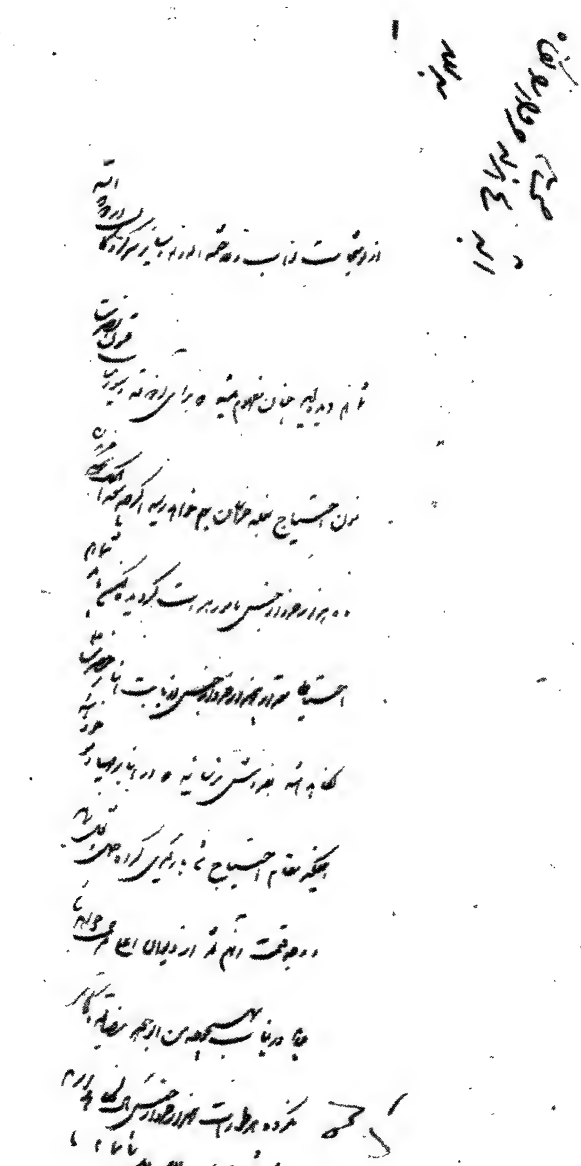

سند شمارهٔ ۱۵

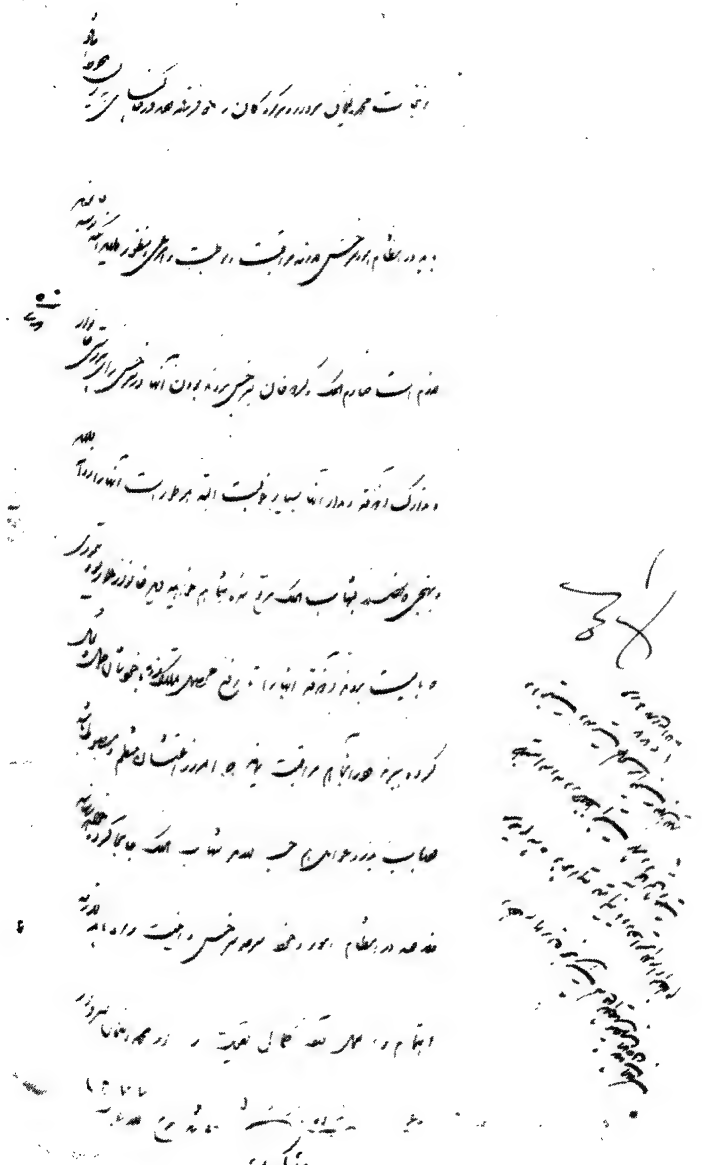

سند شمارهٔ ۱۶

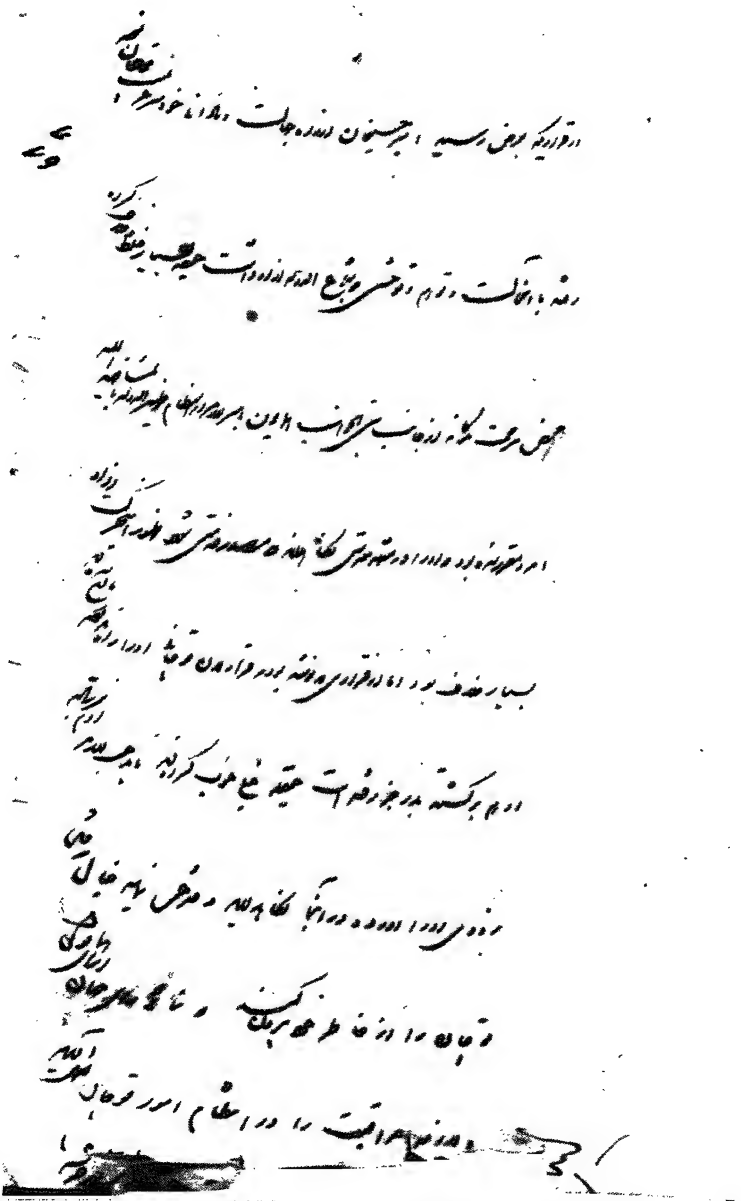

سند شمارهٔ ۱۷

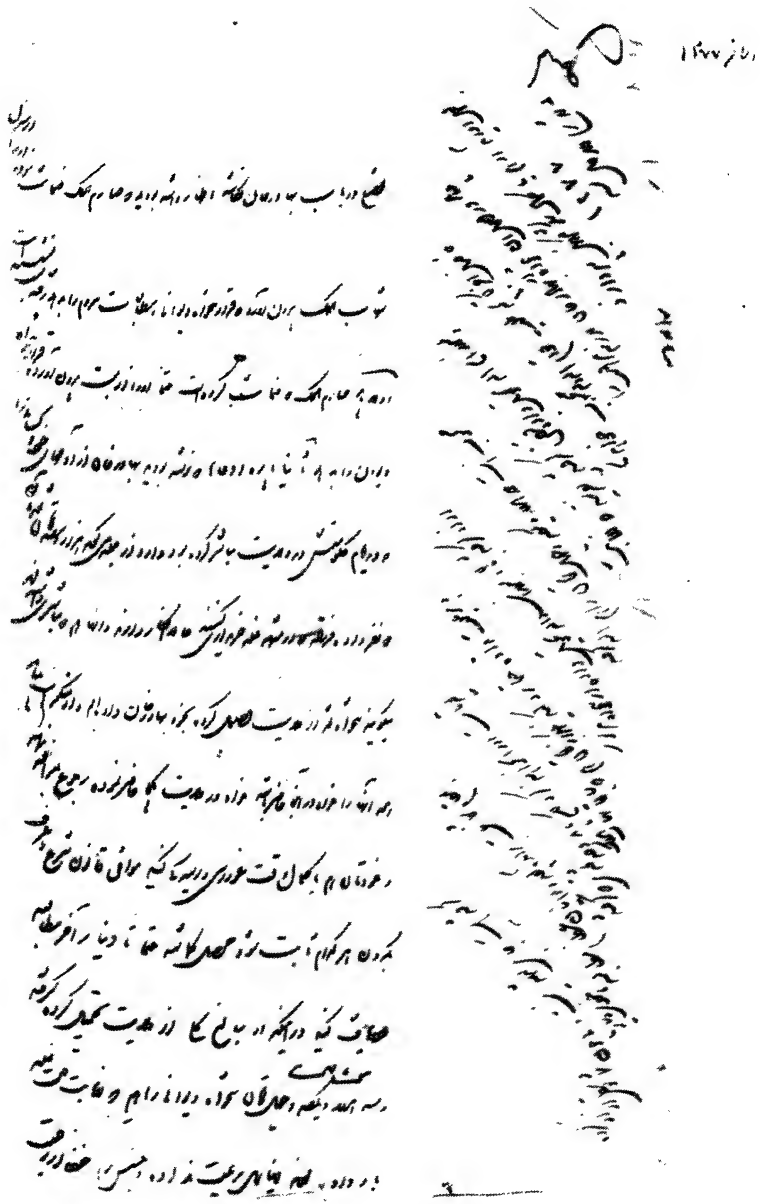

سند شمارهٔ ۱۸

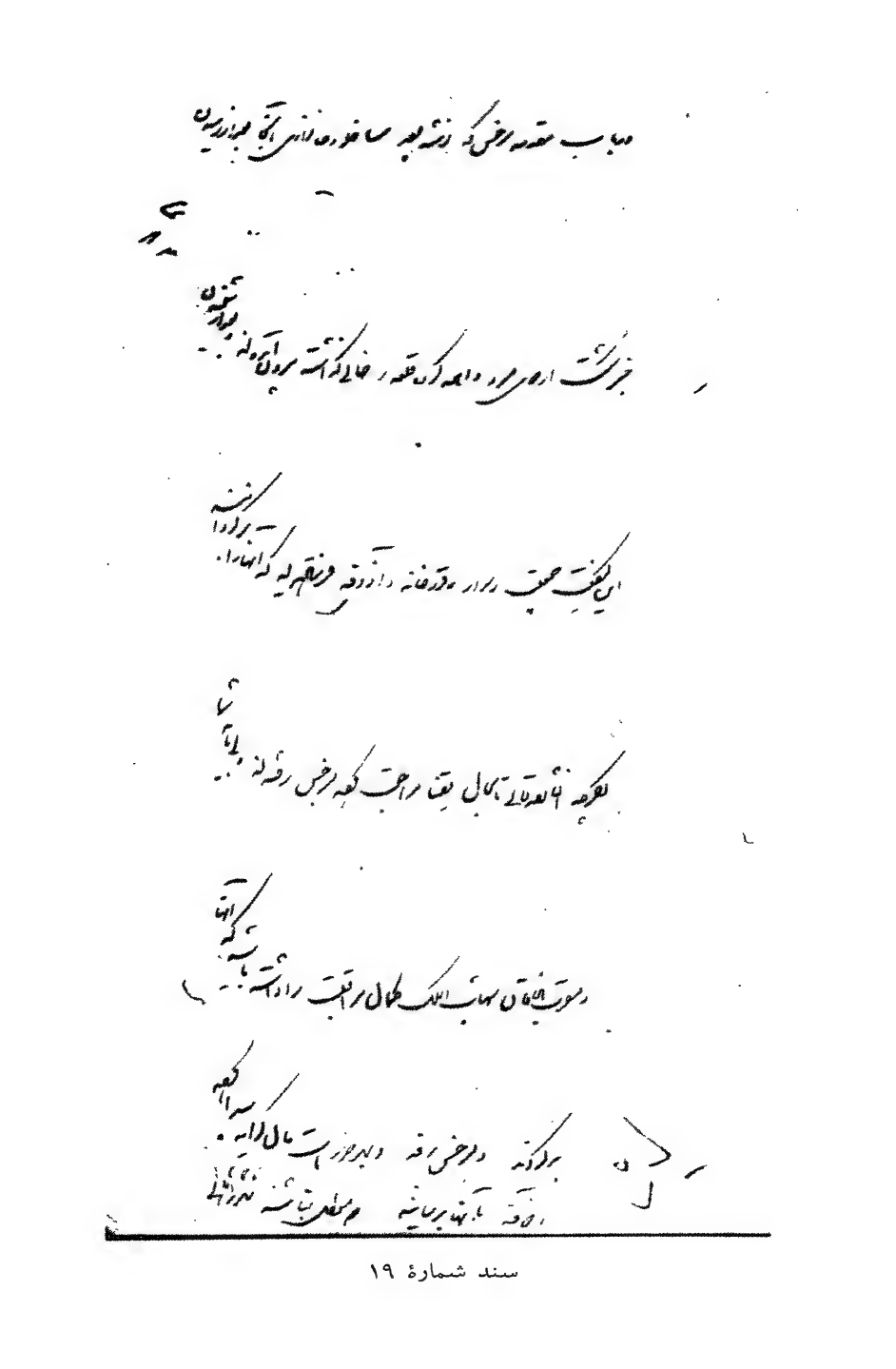

سند شمارهٔ ۱۹

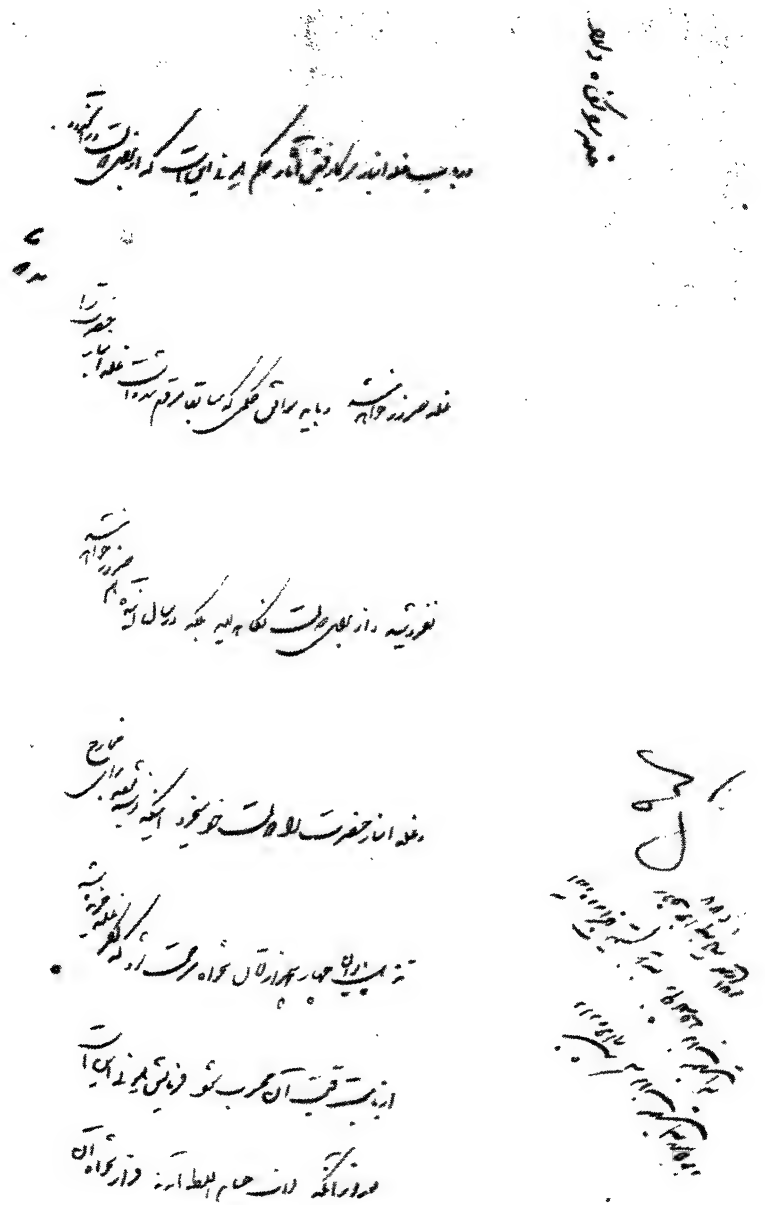

سند شمارهٔ ۲۰

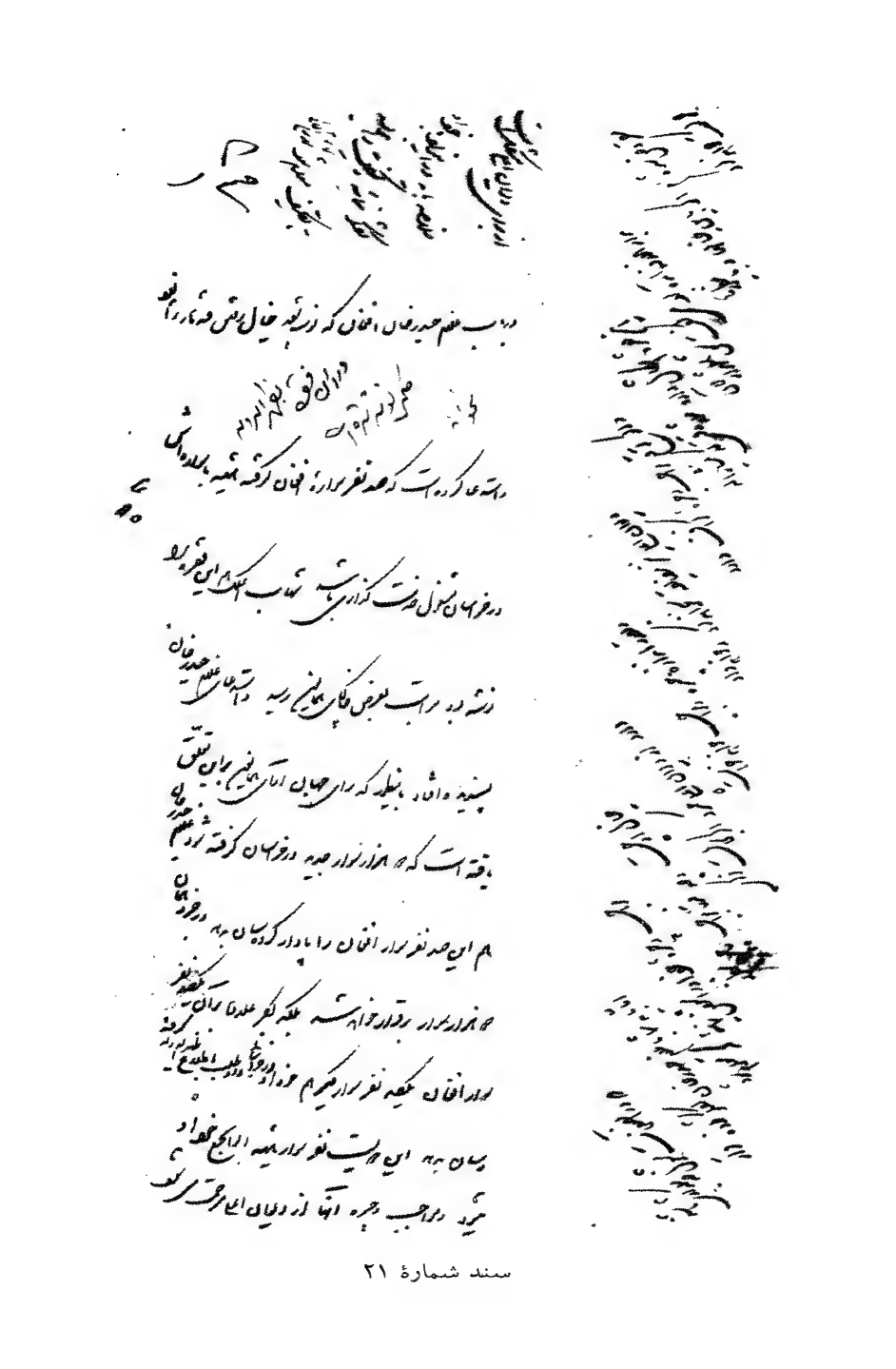

سند شمارهٔ ۲۱

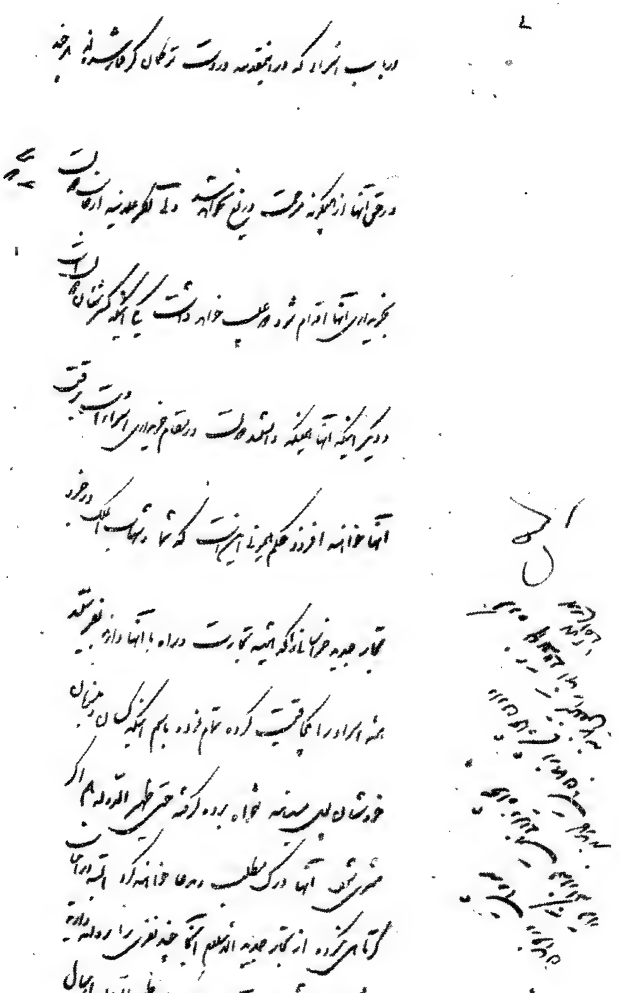

سند شمارهٔ ۲۳

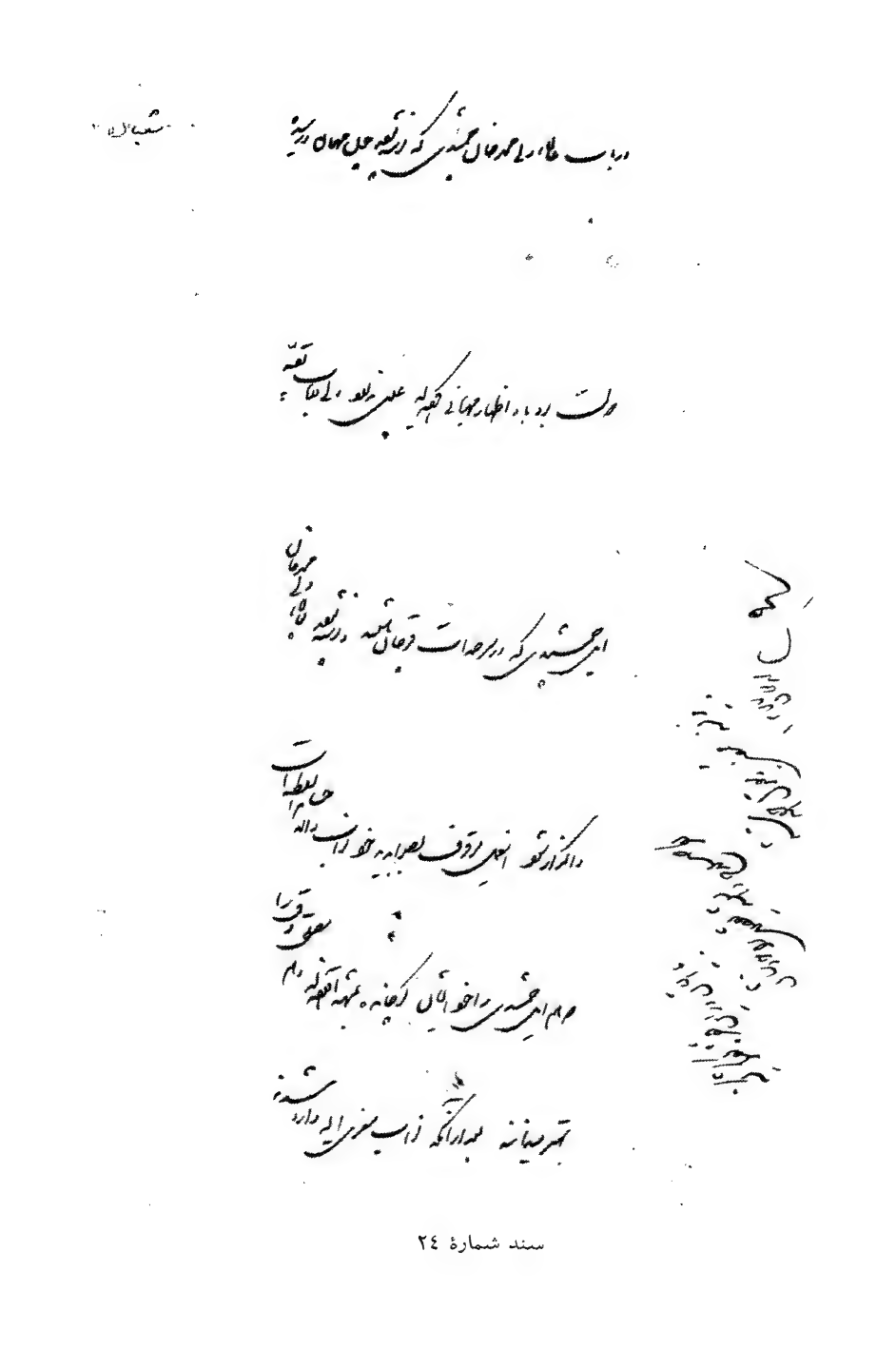

سند شمارهٔ ۲۴

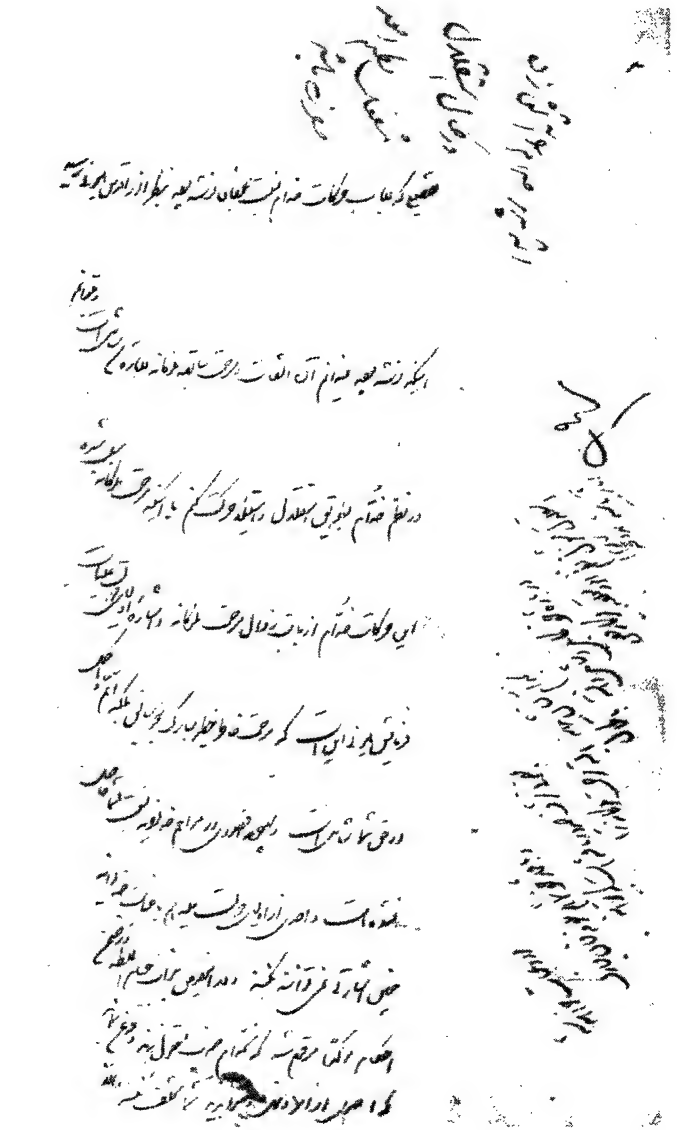

سند شمارهٔ ۲۵

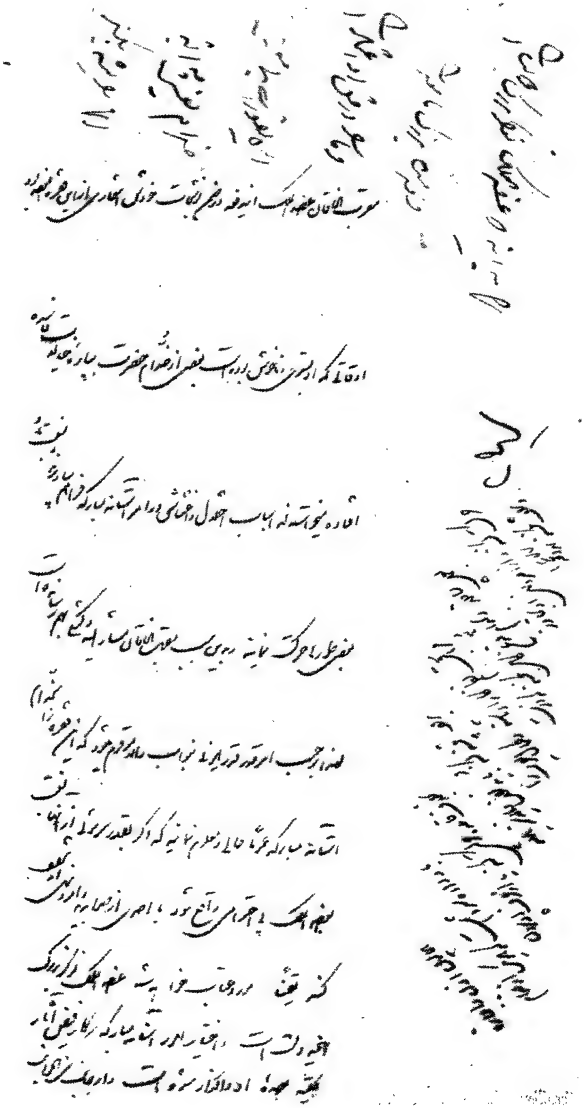

سند شمارهٔ ۲۶

مهر دبیرالملك که در پشت سند های ۱ تا ۲۶ دیده می شود

تحقیقی

دربارهٔ شغل و وظیفهٔ منشی الممالکی

بقلم

سرهنگ جهانگیر قائم مقامی
(دکتر در تاریخ)

تحقیقی
درباره شغل و وظیفهٔ منشی الممالکی

بقلم

سرهنگ جهانگیر قائم مقامی
(دکتر در تاریخ)

«منشی الممالک» از لقبهای شغلی دوره‌های پیش‌است که چون شغل و وظیفهٔ آن بکسی واگذار میشد، آن لقب را نیز باو میدادند وبطوریکه ازعنوان‌منشی ـ الممالك برمی‌آید شخصی که باین لقب و منصب گمارده میشده است رئیس دیوان رسالت و دارالانشاء بوده و لامحاله عده‌ای منشی وکاتب و دبیر زیر دست خود داشته است بنابراین برای تشخیص شغل ووظیفه منشی‌الممالك، شناختن‌دیوان رسائل‌وانشاء درطول‌تاریخ ایران‌لازم‌بنظر میرسد.

آگاهی ماازدیوان‌انشاء

بعد ازساسانیان دراوائل ظهور اسلام ، چون رسم براین بود که هر کس از مسلمانان حاجتی میداشت می‌توانست خود بحضور خلیفه برسد و امور خلافت و کشورداری فی‌المجلس درحضور خلیفه حل‌وفصل‌میشد بناچار نیازی بوزیر ودبیر نمی‌بود[٤] .

دراین سالها ، خلیفه شخصا دفترامواال بیت‌المال رانگاهداری میکردو نامه‌هائی که ازطرف اونوشته‌میشد خود مهرمیزد و گاهی خوداونیزنامه‌هارا مینوشت[٥] اما طولی نکشید که دررتق وفتق اموربامشکلاتی روبرو شدند و خود رااز داشتن‌دیوان ناگزیر دیدند. نخستین کسی که‌دردولت‌اسلام‌بتأسیس دیوان اقدام کرد عمرخلیفهٔ‌دوم بود که درسال هشتم هجری برای‌منظم کردن حساب خراجهائی که میرسید باین‌کار پرداخت[٦] .

در زمان عمر «فقط یك کاتب نامه های رسمی را مینوشت و در عین حال حسابداری‌هم بعهده اوبودودرآمد هزینه رادردفتر محاسبات قید میکرد[٧]»و دردورهٔ امویان که دستگاه خلافت بسط و گسترش بیشتری یافت برای دفتر احکام ومکاتبات ،دبیر(کاتب) مخصوص تعیین گردید که‌براسرارقلمروخلافت احاطه داشته باشد ونگذارد اسرار دستگاه منتشر شود ویا بمسامحه‌بگذرد وامور محاسبات وخراج نیززیرنظراو میگذشت ولی این دبیر بمنزله وزیر نبود زیرادراین دوره تنهانیازبخط و انشاء می‌بود[٨]وخلیفه‌خودبا استبدادرأی بامورقلمروخلافت‌رسیدگی‌میکردوبدین‌ترتیب‌مکاتبات‌ومحاسبات کشور کلاً در یك دیوان میگذشت ولی چون عباسیان روی کارآمدند دستگاه خلافت بدربار سلطنتی تبدیل گردید ونیاز بوجود وزیر وحاجب و دبیرهای متعدد

٤- ابن خلدون : مقدمه، ص ٤٦٨ ج١

٥- جرجی‌زیدان : تاریخ تمدن اسلامی ج١ ص١١٠

٦- ابن خلدون : ص٤٨١ - ٤٨٢ ج١ وجرجی زیدان : ص١٠٩ ج ١

٧- جرجی زیدان : ص ١١١ ج١

٨- ابن خلدون : ص ٤٧٠ ج١

ورسائل دوره‌های پیش ازاسلام محدود است بزمان ساسانیان ودربارهٔاین‌دوره میدانیم که زبردست ترین منشیان و بهترین خوشنویسان برای دیوان انشاء استخدام میشدند ومنشیان وخطاطان‌درجه دوم را بحکام ولایات میسپردند[۱] و دبیران در این دوره همه قسم اسناد را ترتیب میداده‌اند و مکاتبات دولتی بدست‌آنها بوده است ، فرمانهای سلطنتی‌راانشاء وثبت میکردند وجزءجمع مزینه‌ها رامرتب ومحاسبات دولت رااداره مینمودند .

دردورهٔساسانیان‌شغل‌دبیری درخاندانها موروثی‌بودوپادشاهان، دبیران خودرا ومخصوصاً دبیران بزرگ را از میان کسانی برمیگزیدند که پدر بر پدر دبیر میبودند . طبری‌درشرح مملکتداری انوشیروان دراین‌باره بدین‌گونه‌اشاره میکند :

«پس مردی را بخواند از دبیران بزرگ ، از آن کسها که دبیری اندر خانگاه ایشان بود ازسالهای بسیار[۲]»

وبنابرراویت خوارزمی، دردستگاه ساسانیان هفت‌دبیربوده است بدین‌شرح :

۱- دبیرداد گستری	داددبیر
۲- دبیر عواید دولت شاهنشاهی	شهرآماردبیر
۳- دبیر عایدات دربارسلطنتی	کذگ‌آماردبیر
٤- دبیرخزانه	گنج‌آمار دبیر
٥- دبیراصطبل شاهی	آخورآماردبیر
٦- دبیرعایدات آتشکده‌ها	آتش‌آمار دبیر
۷- دبیر امور خیریه	روایگان دبیر

ورئیس طبقه دبیران راکه این‌چنین‌مقام واهمیتی‌دردستگاه دولتی‌داشته‌اند، «ایران دبیربذ» یا «دبیران مهشت» میگفتند واحیاناً مأموریت‌های سیاسی هم باووا گذار میشده است[۳]

۱- کریستن سن : ایران درزمان ساسانیان ص ۱٥٤ — ۱٥٥ ترجمهٔ فارسی
۲- تصحیح ملك‌الشعراء بهار ص ۱۰٤۷
۳- کریستن سن : ص۱٥٥

ازسازمان وتشکیلات اداری دیوان رسائل در این دوره ، آگاهی کافی نداریم ، تنها میدانیم کاتبان دیوان مراتب مختلفی داشته اند مانند کاتبانی که در حضور پادشاه و صاحب دیوان می ایستادند و آنهائی که اجازه داشته اند بنشینند[۱۵]

چون سلجوقیان روی کار آمدند از کتاب و منشیان و عمال دیوانی ایرانی که عمر خود را در دستگاه پادشاهان سامانی و غزنوی و دیلمیان گذرانده بودند استفاده کردند و این عده «تقریباً عین تشکیلات و انتظامات اداری را که در عهد سامانیان و غزنویان در ماوراء النهر و خراسان وجود داشت باقی گذاشتند و دیوان سلاجقه بغیر از پاره ای تغییرات بمقتضی زمان و بعضی تبدیلات اصطلاحی عین همان دیوان غزنویان و سامانیان بود»[۱۶] ولی دیوان رسالت در این زمان ضمیمهٔ دیوانی دیگر بنام دیوان طغرا شد که رئیس آن ، نیابت وزارت را نیز بعهده داشت و امور مربوط به تهیهٔ فرمانها و مکاتبات باین دیوان ارجاع میشد و رئیس آن را صاحب یا وزیر دیوان طغرا و رسائل میگفتند و او در حقیقت رئیس دارالانشاء و باصطلاح امروز وزیر امور خارجه بود و در زیر دست خود عده ای منشی و نویسنده و طغرا کش داشت . ازسواد فرمانی که دربارهٔ اعطای منصب دیوان طغرا و انشاء در زمان سلطان سنجر در دست است میتوان بوظائف دیوان طغرا که دیوان انشاء هم جزو آن بوده است آگاه شد .

این است قسمتی از فرمان وزارت دیوان طغرا :

«دیوان طغرا و نیابت دیوان وزارت بوی تفویض فرموده شد و زمام امر و نهی و حل و عقد مهمات ملك و مصالح دین و دولت بدست کفایت و فضل و فطنت او داده آمد تا چنانکه ازوی معهود است و متعارف ، روی بدان روی آورده برأی صائب ترتیب کلیات مصالح ممالك حرسها الله بواجبی پیش گیرد و خاطر ما از آن فارغ دارد ، و جوه ارزاق و مواجب حشم و خدم معین و مرتب گرداند و اسباب تخفیف

۱۵ــ قابوسنامه چاپ نفیسی ص ۱۵٤

۱۶ــ عباس اقبال : وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی ص ۱۸ و ۱۹

احساس شد[۹] و این توسعه در تشکیلات، از همان آغاز روی کار آمدن عباسیان صورت عمل بخود گرفت. سفاح خلیفهٔ اول عباسی (۱۳۲-۱۳٦ق) ابوسلمه خلال را بوزارت خود برگماشت وچون او کشته شد، وزارت بخالد بن برمك مفوض گردید[۱۰] خالد که اصلاً ایرانی بود و پیش از آنکه آئین اسلام را بپذیرد و بدستگاه خلفا راه یابد پیرو مذهب زرتشتی بود. با آشنائی و وقوف کامل به آداب و رسوم تاریخ ایران و اطلاع از دستگاه اداری ساسانیان بنیاد ادارهٔ دولت عباسیان و دیوانهای آنرا بر شالودهٔ اداری ساسانیان گذارد. در این دوره، نخست «دیوان مراسلات و محاسبات» که یکی بود بدو دیوان محاسبات و دیوان رسائل و انشاء تقسیم شد و اداره این هردو را در کلیات، خالد خود زیر نظر گرفت[۱۱] و رفته رفته در زمان خلفای بعد از سفاح، و در زمان وزارت اولاد خالد دیوانهای دیگری نیز تشکیل یافت که یکی از آنها «دیوان رسالت یا انشاء» بود[۱۲] و رئیس آنرا بطوریکه هلال بن صابی، نوشته است «صاحب دیوان انشاء» میخواندند.[۱۳]

در دوره سامانیان و غزنویان دیوان انشاء را «دیوان رسالت» و رئیس آنرا «صاحب دیوان رسالت» میگفتند[۱۴] و آن یکی از دو اوین تابع وزارت بود که جماعتی بنام کاتب و منشی رسائل در آن کار می کردند.

۹- ابن خلدون: ص ٤٦٨ - ٤٧٠ ج۱ و به تجارب السلف نیز رجوع کنید که در شرح دولت عباسی مینویسد «در دولت سابق وزارت بر کسی مقرر نبودی و هر کسی را از خلفا که کاری پیش آمدی از تدبیر آن مستبد بودی یا باخویشان و اصحاب مشاورت کردی، بسبب این، ذکر وزارت نکردیم اما در دولت عباسیان کارها بر قاعده میرفت و ایشان وزارت را مرتب کردند» ص ۹٦ تصحیح عباس اقبال

۱۰- بقول مؤلف تجارب السلف، خالد بن برمك سومین وزیر عباسیان بود (ص ۱۰۰ به بعد) و لوسین بووا Lucien Bauvat در کتاب «برمکیان» او را دومین وزیر میداند (ر.ك به ص ۵۰ -۵۱ ترجمه عبدالحسین میکده).

۱۱- لوسین بووا: برمکیان ص ۵۱ و ۵۳ — به ابن خلدون ج۱ ص ٤۷۰ و جرجی زیدان ج ۱ ص ۱۱۰ نیز مراجعه کنید.

۱۲- جرجی زیدان ج۱ ص ۱۱۱ و ص ۱۱۲ و لوسین بووا ص ۵۳

۱۳- رسوم دار الخلافه ص ۱۲٦ ترجمه فارسی — به کریستن سن ص ٤۱٦ نیز نگاه کنید.

۱٤- بیهقی: تاریخ، ص ۱ و ۲ و ۵ و ۵ و ٦ و ٦٦ و بسیاری جاهای دیگر

عوفی که همزمان باپایان دورهٔ خوارزمشاهیان و اوائل استیلای مغول میزیسته درجوامع‌الحکایات از انواع کاتبان آن دوره که هریك شغل ووظیفه خاصی داشته‌اند نام‌برده‌است مانندکاتب خراج، کاتب‌معونت، کاتب‌احکام، کاتب رسائل وانواع دیگر[۱۹] واین‌نکته حاکی‌ازتوسعه و گسترش دستگاه اداری زمان خوارزمشاهیان میباشد.

مقارن این‌احوال، حملهٔ‌مغول بایران روی‌داد وتغییرات کلی‌درهمهٔ‌شئون اداری واجتماعی‌حاصل‌شد. دردورهٔ ایلخانان، دستگاه اداری به‌روش‌مغول‌ها اداره‌میشد[۲۰] ودیوانها اسامی‌مغولی داشته‌اند. مینورسکی‌درحواشی‌تذکرة‌الملوك باستناد مندرجات جامع‌التواریخ می‌نویسد عنوان‌ولقب رئیس‌دیوان انشاء دراین‌دوره‌منشی‌الممالك بوده ودراین‌باره‌نوشته‌است «نسبت‌لقب‌منشی‌الممالك بزمان سلطنت‌ایلخانان مغول میرسد وبهترین ترجمهٔ آن‌هماناوزیر امورخارجه‌است[۲۱]» ولی ما در جامع‌التواریخ از این اصطلاح نشانی‌نیافتیم.

اما از اینکه‌وسعت‌وظایف منشی‌الممالك تاچه‌حدودی بوده است‌آگاهی نداریم، بخصوص که میدانیم غازان‌خان درزمان سلطنت‌خود تهیهٔ‌سوادفرمان هارابعهدهٔ امراء محول نموده بود[۲۲] وبدین‌ترتیب جزئی‌ازاختیارات‌ووظائف منشی‌الممالك سلب‌وبچهار تن دیگر از امرامحول گردیده‌بود بنابراین، در دورهٔ ایلخانان منصب‌وشغل منشی‌الممالکی نضج وقوام چندانی نداشته است

۱۹- باب هفدهم

۲۰- ر.ك به رشیدی: جامع‌التواریخ ص۶۴۲ - ۶۴۴ چاپ دکتر کریمی

۲۱- سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه فارسی ص۱۱۷

۲۲- رشیدی‌دراین‌باره نوشته‌است: «درباب‌یرلیغ فرمود ... سواد یرلیغ امرا کنند که مصالح ملك وصرفه هرکاری دانند واگر ناموجه و دور از کار باشد، بالتماس هرکس ننویسند ونیز بسی مهمات‌باشدکه بادفاتر دیوانی وذکرموضوع ومبلغ، رجوع باید کردو باید احتیاط‌کرده سوادکنند، آنگاه به‌اتفاق بیتکچیان مغول لفظ بلفظ برخوانده بمحل عرض‌رسانند تااگر اصلاحی‌باید، بقلم‌مبارك فرماید یا بلفظ‌مبارك. بعدازانکه بیاض‌کنند، دیگر باره عرضه دارند وبعد ازآن بآل‌رسانند وبگویندکه فلان یرلیغ است‌که‌جهت فلان درفلان روز عرضه‌افتاد وفلان روزخوانده آمدتااجازت تمغا زدن بدان پیوندد.» ص۱۰۶۱

وترفیه خلایق جهان که ودایع آفریدگار عزوعلااندمهیا کند وبررسم محدث وقاعدهٔ ناپسندیده که مسلمانان را ازآن رنجی باشد وشائبه ظلمی وحیفی دارد براندازد و کارهای معاملات ملك عالم را بتازگی ، بقلم طراوتی دهد وترتیبی کند که ازآن ذکرجمیل وثواب جزیل منتشر و مدخر گردد وآن قرار آثار آن مؤبد ومخلد ماند وهمچنین ترتیب دیوان انشاء که نازکتر شغلی در دیوان آنست بواجب گیرد و درهرچه طبقات کتاب که امناء اسرار و ثقات خفایاء احوال ملك اند تحریر کنند تأنق وتأمل کند وبردقایق الفاظ ومعانی ایشان مطلع باشد وحال عقل و فضل هریك ازمکتوب و نتایج و نسایح قریحت و قلم او بداند که : کتاب الاجل عنوان عقله وفضله . تا هرمثال و کتاب وخطاب که نافذ وصادر گردد وبادانی واقاصی برسد متضمن فواید و مصالح جهان وجهانیان باشد ومصون از خلل وسهو موجب ابطال و محموعلی تعاقب الایام وترادف الشهور والاعوام مذکور و مسطور همی ماند و آن دفتر مدخر همی گردد .....» [۱۷].

پس ازسلجوقیان . دردورهٔ خوارزمشاهیان ، شغل ومقام دیوان انشاء بالاتر از دیوان طغرا قرار گرفت . مؤلف کتاب سیرت جلال الدین مینکبرنی درشرح حال دولتیار طغرائی اشاره‌ای باین نکته کرده است . اومیگوید: « او منصب طغرای سلطان (یعنی جلال الدین خوارزمشاه) داشت وآن منصب درآن دولت ازمناصب بزرگ و فروترمرتبهٔ انشاء بود وپیش سلجوقیان طغرا شریفتر از انشاء بود » [۱۸] .

۱۷ - عتبة الکتبه از ص ٤٨ تا ٥٠

۱۸ - صفحه ۲۵ و ۲۶

تفویض منصب انشاء ممالك بجانب او شد تابروجهی
که مقتضای رأی نقاد دوطبع وقادوفیضان [–] ولمعان
اشعهٔ فضیلت اوست **بتقلید دیوان انشاء اشتغال نماید
ومناسب هرفرد از افراد انسانی چون سلاطین وامراء
ووزراء وارکان دولت واعوان حضرت واشراف واعیان
واواسط الناس توکیل لایق و ترتیبی رایق فایق در
سلك تعبیر آورد والقاب وادعیه هریك نیزوضعی که
معهود ومعتاد است در سلك تقریر و تحریر کند**
ومطالب رابروضعی بیان کند که غریب الفهم باشد واز
تکلف عبارات وتعسف استعارات احتراز واجتناب ورزد
وحدوسطمرعی داشته مطول ممل وموجز مخل ننویسدو
تمهید قاعدهٔ سهل و ممتنع را [–] مجموع طالبان
اسالیب ولغت داند و **همچنین درکتابت احکام دیوانی و
فرامین سلطانی دادسخن دانی بدهد وناموس حضرت
سلطنت و دیوان امارت ووزارت درکتابت رعایت کند**
وتابیان مطالب برطریق ایجاز ممکن گردد ازاطناب
و[–] محترز ومجتنب باشد وتکرار الفاظ ومعانی را
بهمه وجهی قطع داند و استعمال الفاظ غریب وحشی
که مستعمل ومصطلح نباشد مستنکر ومستکره شمرد
و.... تا درنتیجه ابواب قول وقلم اوازمزالق اعتراض
ومدارك استدراك مصون ومأمون ماند وازحضرت ما
بتولیت و تربیت اختصاص یابد ، انشاءالله تعالی .
بدان سبب این حکم نفاذ یافت تااز این تاریخ امراء
الوس وتومان و . . . . بدانند که از ابتداء این سال
مولانا صاحب اعظم سعدالعلما والدین **شیخی را
منشی دیوان بزرگ در جمیع ممالك وکاتب السر حضرت**

ولی بعداز ایلخانان، دردورهٔ جلایریان این شغل ولقب، رسمیت کامل یافت ودر کتاب دستورالکاتب تألیف محمد بن هند و شاه نخجوانی باین اصطلاح مکرر برمیخوریم وحتی ازوجود سواد وفرمان منشی‌الممالکی که بنام مولانا سعدالدین شیخی صادرشده ودرآن کتاب است میتوان دریافت تثبیت ورسمیت این شغل ومنصب بقسمی بوده که تفویض آن ایجاب می کرده است فرمان صادر شود. اینك سوادقسمتی ازفرمان مزبوررا که ازمحتوای آن، نکاتی چند در بارهٔ وظیفه منشی‌الممالکی معلوم می گردد دراینجا می آوریم:

«استعلابرشوا هق جبال جمال وجلال واستیلا بر کواهل منازل کمال واکمال وصعود برمصاعد جهانبانی وعروج قهرمانی جزبه تعیین حذاق کتاب و[–] اساتید [–] انشاء دیوان ممالك صورت نبندد واحتیاج ملوك انام وسلاطین اسلام بشخصی که مستودع اسرار سلطنت ومستخزن احوال مملکت وینبوع حقایق معانی ودستور دقایق مبانی ومنبع غرایب تراکیب ومعدن بدایع الفاظ و[–] باشد، درغایت شدت است چه نظام مملکت بی‌مساعدت سواعد اقلام اومیسر نشود وقوام اوضاع ملك وملت بی‌ارقام ارقام واحکام احکام اودست ندهد.

مصالحت میان سلاطین ا-لام بی تسحیر کلمات سحر کردار او حاصل نگردد وموافقت میان ملوك ایام بی تـخیر عبارات گوهربار او اتفاق نیفتد.

سلاطین را **کاتب السر** والا [–] وملوك را امین – الممالك من قط الدمایه باید که استنباط بدایع مبدعات، وظیفهٔ طبع [زخار] او و استخراج لآلی مصنوعات، نتیجهٔ نثار فرخار او وهرآینه متصدی چنان امری خطیر [–] چنین شخصی جلیل القدر شریف باید .....

«شغل مشارالیه سوای تحریر ارقام که تعلق بعالی جاه واقعه نویس[۲۳] دارد و دیگر جمیع احکامی که منشیان دارالانشاء بعضی‌را به‌مسودهٔ دفتری[و] بعضی رابه‌مسودهٔ منشی‌الممالك می‌نوشتند و ازدفترخانهٔ همیون میگذشت عموماً از تیولنامجات امراء و بیگلربیگیان و سلاطین ممالك محروسه وهمه‌سالجات وتنخواه‌براتی‌وسیورغالات و وظایف و اجارات و اقطاعات و معافیات و مسلمیات و احکام منصب وزراء و مستوفیان و کلانتران ومحتسبان و محصصان[۲۴] ولایات واحکام بیاضی که از دیوان‌عدالت بنیان صادر می‌شد و احکام التزاماتی که هر کس برطبق دعوای خود به دیوان اعلی می‌داد و بهرطرف کـه لازم می‌آمد ابوا بجمع محصلان دیوانی می‌شد و حکمی که درعنوان تصدیقات دفتری رسوم مهرداران نوشته‌میشدو دیگر آنچه بدفتر خانه رجوع نداشت از قبیل شجرات خلیفگان ممالك محروسه و فرمانها و نشانها وغیرهم که به‌مسودهٔ‌منشی‌الممالك‌منشیان قلمی‌می‌نمودند، بامشارالیه است وبقلم سرخی وآب طلا مشارالیه به‌طغراهای مختلف که مخصوص هرحکمی و نشانی و فرمانی بود مزین و محلی می‌ساخت»[۲۵]

در شرح وظایف منشی‌الممالك تااینجا نوشته‌های‌دورسالهٔ دستورالملوك و تذکرةالملوك مشابهت بسیار با یکدیگر دارند[۲۶] ولی اختلاف کلی در

۲۳ـ برای شناسائی ازوظایف واقعه نویس‌که اورا مجلس نویس هم میگفته‌اند به دستورالملوك فصل۱۲ ازباب دوم ص ۹۲ تصحیح آقای سید محمد تقی دانش پژوه درمجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات تهران و تذکرةالملوك ص ۱۵ـ۱۶ رجوع کنید .

۲۴ـ آقای دانش‌پژوه این‌کلمه رامحققان خوانده‌اند ومحصصان بمعنی پرداخت‌کنندگان بروات صحیح است (ر.ك به فرهنگ معین مادهٔ محصص).

۲۵ـ فصل هشتم ازمقاله سوم ازباب سوم

۲۶ـ تذکرةالملوك ص ۲۴ـ۲۵ نگاه کنید .

مادانند ودیگری رادراین مهم امم و مصلحت اقدم با
اوشریك و منازع و عدیل و مخاصم نشناسند و .....
در کتابت مکاتبات سلطانی واحکام دیوانی رجوع کلی
باو کنند..... وهیچ آفریده بی اذن واجازت او در انشاء
دیوان بزرگ مدخل نسازد ... »

دستورالکاتب نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار از ص ۳۷۶ تا ص ۳۷۷

از فرمان مزبور چنین برمی آید منشی الممالك که منصب انشاء ممالك را داشته دراین دوره « منشی دیوان بزرگ [۲۲] در جمیع ممالك و کاتب السر» پادشاه بوده ونوشتن «مکاتبات سلطانی واحکام دیوانی» از وظایف خاص او بوده و باو اختصاص داشته است و هیچکس را بی اجازه او حق مداخله» درانشاء دیوان بزرگ نبوده است و بنابراین منشی الممالك که کاتب السر پادشاه بوده ومکاتبات سلطانی زیر نظر مستقیم او بپادشاهان دیگر نوشته میشده درحقیقت بمنزلهٔ وزیر امور خارجه در دوره‌های بعد بوده است .

بعداز جلایریان تا پیدایش صفویه، سلسله‌های کوچکی روی کار آمدند که دستگاه دیوانی آنها بهمان سبك اداری ایلخانان و جلایریان اداره میشد ولی شناسائی کافی بجزئیات آنها نداریم تا اینکه صفویان دولت بزرگ خود راتشکیل دادند .

از رسوم دیوانی دورهٔ صفویه آگاهی بیشتری داریم و وظایف و شغل منشی الممالك در دو رسالهٔ دستورالملوك تألیف میرزا رفیعا و تذکرة الملوك اثر میرزا سمیعا بصورت بالنسبه کاملتری تشریح و توصیف شده است وماشرحی را که میرزا رفیعا در این باره نوشته است و جامع تر از شرح تذکرة الملوك میباشد در اینجا میآوریم:

۲۲ــ درتشکیلات اداری وحکومتی پادشاهان جلایری دوادارهٔ اصلی بنام دیوان سلطنت اعلی و دیوان بزرگ میشناسیم که اولی عبارت ازمجموعه بیوتات ومتعلقات دربار پادشاهی ودومی برای ادارهٔ امور کشوروشامل دواوین کوچکترین ازقبیل دیوان استیفاء ، دیوان قضا ، دیوان انشاء دیوان اشراف دیوان الخ ببینکچی ودیوان نظر بوده است . برای تفسیر بیشتر بتاریخ آل جلایر تالیف خانم دکتر شیرین بیانی رجوع کنید (از ص ۱۷۷ ببعد)

که‌خود درزمان شاه‌عباس اول‌تالیف شده است و اشاره صریح به «قانون قدیم و دستورالعمل زمان شاه جنت مکان» دارد نیز می‌توان استناد نمود [۳۱] و چنانچه مأخذ گفتهٔ آقای محیط طباطبائی را هم شرحی بدانیم که مؤلف‌عالم آراء عباسی در ضمن‌ترجمهٔ احوال آقا میرزاعلی‌دولت‌آبادی‌مستوفی‌الممالك آورده‌است، بازدرست درنمی‌آید زیرا اسکندربیگ‌درآن مورد نوشته‌است :

«نسخهٔ تشخیص جمع وخرج ممالك محروسه که حاتم بیگ طرح کرده بود و امروز قدوه و قانون دفترخانهٔ همایون است . در زمان استیفاء او [یعنی‌آقا میرزا علی دولت آبادی] اتمام یافت [۳۲] . وبطوریکه ازاین عبارات برمی‌آید دستورالعملی که حاتم بیگ اعتمادالدوله (متوفی درسال ۱۰۱۹ق) درفاصلهٔ سالهای ۹۹۹ و ۱۰۱۱ق طرح و تنظیم کرده» [۳۳]، دربارهٔجمع وخرج مالی کشور بوده است نه در مورد مناصب و وظایف و مشاغل و امور رسائل و انشاء . واما اینکه نوشتن نامه‌ها و جوابهابه‌پادشاهان‌جزو وظایف منشی‌الممالك یاواقعه‌نویس، کدامیك بوده که از اوبدیگری انتقال یافته‌است شاید منطقی‌تر است تصورشود که در دوران سلطنت ترکمانان این‌کاروظیفهٔ واقعه نویس بوده واز دورهٔ صفویه به منشی‌الممالك تخصیص یافته‌است زیرا همین روش در ادوار بعد بخصوص در سلسلهٔ قاجاریه که روش دیوانی و حکومتی خود را براساس‌روش صفویان نهاده‌بودند [۳۴] معمول‌بوده‌و نامه‌هائی

۳۱ـ جلد یکم ص ۵۸۷ چاپ مؤسسه امیرکبیر ـ مراد ازقانون قدیم‌که اسکندربیگ نوشته است مقررات موضوعه اوزن حسن است‌که بنابگفته مؤلف لب‌التواریخ نازمان شاه طهماسب رایج بوده است (ر.ك به مقاله مینورسکی تحت عنوان «مطالعه‌ای دراموز نظامی وغیرنظامی فارس» A civil and military Riview ص ۱۴۲ وترجمهٔ فارسی‌آن درمجلهٔ بررسیهای تاریخی شماره ۶ سال سوم ص ۱۸۸ ترجمه دکتر حسن جوادی

۳۲ـ عالم آراء عباسی ص ۱۰۹۲ چاپ امیرکبیر .

۳۳ـ حاتم‌بیگ در۹۹۹ بمقام استیفا (ص۴۳۷ عالم آراء) ودرسال ۱۰۰۰ بوزارت اعظم (ص ۴۳۹) منصوب‌شد وچون اتمام طرح اورا اسکندربیگ به‌کرسس آقامیرزاعلی مستوفی‌الممالك‌که ازسال ۱۰۰۶ تا۱۰۱۱ (ص ۱۰۹۲ عالم آرا) مقام استیفا داشته است، نسبت داده نسخهٔ مزبورلامحاله بین سالهای ۹۹۹و۱۰۱۱ طرح واتمام یافته است .

۳۴ـ ر.ك به مقدمهٔ تذکرةالملوك نسخه خطی در کتابخانه ملی ملك بشمارهٔ ۶۲۷۵ وهمچنین به کتاب تاریخ اجتماعی و اداری دورهٔ قاجاریه تألیف عبداله مستوفی ج ۱ ص ۲۷

دو رسالهٔ مزبور دراین‌است که مؤلف دستورالملوك‌نوشتن‌نامه‌ها وجوابهائی راکه بهر یك از امراء و ملوك و پادشاهان دیگر نوشته‌میشده وظیفهٔ‌منشی‌ـ الممالك دانسته[۲۸] و درتذکرةالملوك این‌کار از وظایف خاص واقعه نویس که نام‌دیگر آن‌مجلس نویس بوده معرفی شده‌است[۲۸] و اگر نوشتهٔ آقای محیط طباطبائی را مبنی‌براینکه دوشغل واقعه نویس و منشی‌الممالکی تازمان شاه عباس‌اول (۹۹٦–۱۰۳۸) یکی بوده و از آن تاریخ این دو شغل از یکدیگر تفکیك شده‌اند[۲۹] درست‌بدانیم،خلط وظایف این‌دوشغل و اختلاف‌نوشته‌های دو رسالهٔ تذکرة‌الملوك و دستورالملوك را ظاهراً باید ناشی از این دانست که‌دو رسالهٔ مزبور از روی دو دستورالعمل متفاوت تنظیم و تدوین شده‌اند واما بموجب مجموعهٔ منشأتی خطی که در زمان‌شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۸-۱۱۰٥ق) دربارهٔ اقسام نوشته‌های دیوانی‌ومقررات وآداب نگارش آنهاتألیف شده[۳۰] قدر مسلم این است که روش و ترتیب نگارش نوشته های دیوانی و سلطانی تازمان شاه‌طهماسب اول (۹۳۰-۹۸٤) براساس تداول‌دیوانی‌دوره‌های پیش بوده و از زمان این‌پادشاه، « دستورالعملی » نوین برای نگارش اقسام فرمانها و نوشته‌های دیوانی‌تنظیم و مقرراتی جدیدوضع گردیده‌است ومؤلف این مجموعه در شرح مقررات متداول زمان تألیف خود ، یعنی زمان سلطنت شاه‌سلیمان، بتصریح می‌نویسد: « دستورالعمل‌دیوان درآن‌باب دستورالعملی است که نواب شاه جنت مکان علیین آشیان شاه طهماسب‌طاب‌ثراه قرار داده و اکثر آن در دفاتر ثبت است » بنابراین تخصیص قسمتی از وظایف منشی الممالك به واقعه نویس و بالعکس را به‌زمان شاه طهماسب اول باید منسوب داشت نه بزمان شاه عباس اول و در تأئید این نظریه به‌ضبط‌عالم‌آراء عباسی

۲۷ـ فصل هشتم مقاله سوم باب سوم

۲۸ـ ص ۱٥ـ۱٦

۲۹ـ مقالهٔ نخستین وزیر امورخارجهٔ ایران درنشریهٔ وزارت امورخارجه شمارهٔ ۱۲ دورهٔ دوم ـ اسفند ۱۳۳۹ ص ۲٥ . تردید ما درگفتهٔ آقای محیط طباطبائی ازاین بابت است‌که ایشان مأخذ ومدرك خودرا بدست نداده‌اند.

۳۰ـ کتابخانهٔ ملی ملك بشمارهٔ ٦۲۹۳ . مؤلف این مجموعه شناخته نیست .

آرامش و سکونی در کشور برقرار شده‌بود ، دوباره تشکیلات اداری کشور توسعه یافت و مشاغل اداری زیاد شدو مستخدمین درباری و دولتی فزونی یافتند و درنتیجه پرداخت حقوقو مستمری آنهادیگر از «خزانهٔ زیر کلید» ممکن نبود وناگزیر برای صاحبان مواجب و مستمری بگیران فرمانهاصادر میشد واز این رو فرمان نویسی باز رفته رفته رواج یافت و بعلاوه توجه دولتهای اروپائی‌بایران‌و برقراری روابط روز افزون آنها با ایران‌نیزایجاب میکرد دارالانشائی باشد و دبیر و منشی و نویسنده بیشتری بکار گمارده شوندوازاین رو بازبوجودمنشی‌الممالك نیازپیدا شدوبدین‌جهات، درماه‌صفر ۱۲۲۰ ق این‌شغل و لقب برای نخستین بار در دورهٔ قاجاریه به میرزارضاقلی نوائی متخلص به سلطانی که از آغاز روی کار آمدن آقا محمد خان ، در دستگاه او بود واگذار گردید[۳۸] و اونخستین‌منشی‌الممالك در دورهٔقاجاریه بوده است .

در فرمان منشی‌الممالکی میرزا رضا قلی که خوشبختانه عکس آنرا در اختیار داریم[۳۹] وظایفی که‌به منشی‌الممالك ارجاع شده‌ویا میشده‌بخوبی روشن گردیده است وما پیش‌ازآنکه بذکر این‌وظایف بپردازیم سوادفرمان مزبور را در این‌جا نقل‌می کنیم :

اثر مهر فتحعلی‌شاه :

العزة لله

قرار در کف شاه زمانه فتحعلی
گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی ۱۲۱۷

الملك‌لله تعالی شأنه حکم والاشد آنکه ازروزی که‌رقم [یك کلمه‌ناخوانا] وزیردیوان‌ابداع، وانشاءدبیردفترخانهٔ

۳۸ـ ر.ك بفرمان منشی‌الممالکی اودر همین مقاله وهمچنین به منتظم ناصری جلد سوم ص ۸۶

۳۹ـ اصل‌فرمان دربصرف شادروان دکترحسین قدیمی نوائی ازنوادگان میرزارضاقلی بوده است وعکس آنرا آقای محمد قدیمی نوائی برادرآن مرحوم دراختیار ماگذاشتند وماازاین بابت صمیمانه ازایشان سپاسگزاریم .

را که بسلاطین و پادشاهان دیگر و یـا جوابهائی کـه بـآنها نوشته میشد ، منشی‌الممالك می‌نوشته است

بدین ترتیب ، مکاتبات پادشان و نامه‌ها و جوابهائی را که می‌نوشتند ، منشی‌الممالك مسوده می کرد و درحضور شاه خوانده میشد . اگر موردقبول و پسند واقع می گردید به نامه نویس میدادند تا بخط خوش بنویسد[۳٥] و در دورهٔ صفویه ، چنانکه مؤلف دستورالملوك نوشته است« معمول چنین بود که کاغذ هر نامه را از کتابخانه می دادند و مذهبان هر یك را فراخور حال ورتبه‌وعظمت شان آن پادشاه موافق قاعده و ضابطه که منشی‌الممالکان سر رشته آن را داشتند و خاطرنشان می کردند ، جدول کشیده و تذهیب‌و تزئین و متن نامه را افشان طلا می نمودند ، آنگاه [نامه] نویس شروع به نوشتن آن می کرد[۳٦]»

در بارهٔ روش تنظیم و صدور سلطانیات ودیوانیات در دوره‌های افشاریه وزندیه اطلاعی در دست نیست ولی ظاهراً بعلت اینکه پادشاهان این دو سلسله همیشه در اردو کشی و جنگ و حرکت بوده اند و تشکیلات ثابتی نداشته اند احتمالاً امور انشاء و رسائل آنها با چند تن منشی ونویسنده بر گزار میشده است و چند فرمانی هم که از این پادشاهان موجودمیباشد و در پشت هریك از آنها اثر ونقش یکی دو مهر و طغرا بیشتر دیده نمیشود ، سادگی تشکیلات اداری آنها را نشان میدهد .

دوران پادشاهی آقا محمدخان قاجار نیز از حیث دستگاه و تشکیلات اداری مشابه زمان پادشاهان افشار و زند بوده است . در زمان او فرمان و حکم و رقم کتبی‌بسیار کم صادر میشدزیرا امور روزمره را اوخود، حضوری رتق و فتق می کرده است[۳۷] .

پس از آقا محمدخان ، در زمان جانشینی فتحعلیشاه ، چون بالنسبه

۳٥ـ دستورالملوك فصل هشتم از مقالهٔ سوم ارباب سوم وهمچنین درفصل نهم ازمقالهٔ اول ازباب‌ششم

۳٦ـ همان کتاب و همان صفحات

۳۷ـ عبدالله مستوفی: تاریخ اجتماعی واداری دوره قاجاریه ص ۲۷ جلد یکم

الدینامکین امین[۴۴] موتمن دولت فلك تمکین وبحکم جزاء من ربك عطا حسابا[۴۵] ازشمول مکارم بیحساب ناظم مهمات کلیه وخدمات علیه دیوان قضا آئین فرمائیم وآئینه مصفای این مقال صورت نمای احوال مخالصت منوال عالیجاه رفیع جایگاه ، دولت واقبال پناه، عزت واجلال همراه، مناعت ونبالت اکتناه عظمت وحشمت دستگاه اخلاص وارادت آگاه مقرب الخاقانی معتمد السلطانی میرزا رضاقلی قدیمی[۴۶] که عندلیب بیانش در گلستان ارادت وادراك بسودای آمنت وعرف مولاسواك نوا پرداز وبنان وبلاغت بیانش در شیوه فصاحت شعاری ومعنی نگاری، اعجاز طراز صفیر خامه اش درتحریر نامه، ان هذا الاسحر یؤثر[۴۷] وسرانگشت فکرتش را درافتتاح عقد مشیدومهمات ملکی دستی دیگر است، ولهذا دردوران دولت معدلت مسالك او را منشی الممالك دیوان جاوید مبانی وناظم امورات درخانهٔ سلطانی واختیار مهر مهر آثار ومقالید انتظام مهام خزانهٔ عامره وقیجاجیخانهٔ مبارکه[۴۸] وسایر خدمات کلیه وخزینه سرکار خلافت مدار

۴۴ــ قسمتی از آیهٔ ۵۴ سورهٔ یوسف (سورهٔ ۱۲)

۴۵ــ آیهٔ ۳۶ سورهٔ النباء (سورهٔ ۷۸)

۴۶ــ مراد ازلفظ قدیمی دراینجا ، اشاره به‌قدمت‌سابقه خدمت میرزا رضاقلی دردستگاه قاجاراست زیرا

۴۷ــ آیهٔ ۲۴ سورهٔ ۷۵

بطوریکه میدانیم میرزا رضاقلی اززمان آقامحمدخان درخاندان قاجار بشغل منشی‌گری اشتغال داشته وملامحمد ساروی در تاریخ محمدی‌که درشرح احوالات آقا محمدخان قاجاراست ازاوبعنوان «میرزا رضاقلی منشی» نام برده است (نسخه عکسی نگارنده) ودرناسخ‌التواریخ ج۱ قاجاریه ص۳۳ و۴۸ وروضة‌الصفای ناصری ص ۹۷و۹۸و۱۲۵و۳۴۹ ومنتظم ناصری جلدسوم ص ۵۱و۵۲و۶۳ نیز ذکراو آمده است وبخصوص هدایت دربارهٔ اومینویسد : «حضرت خاقان شهید وخاقان مغفور بملاحظه قدمت خدمت محرمینی خاص داشت» (روضة‌الصفا ص ۳۴۹) واما استعمال این لفظ[۶] دراین فرمان ازدورهٔ قاجاریه که بعدهاهم بازماندگان اوآنرا بجای نام خانوادگی خود بکاربرده‌اند (قدیمی نوائی) نقلبدی ازرسم دوره صفوی است که بقدیمترین بستگان وخدمتگزاران وپیروان صمیمی پادشاهان صفوی اطلاق میشده است وآنرا درمقابل «ملازمان جدید» بکار میبردند (ر.ك به احیاء الملوك‌ص۲۱۳) تاامتیازی خاص برای آنها باشد چنانکه دراحیاء الملوك مکررا باین لفظ واصطلاح برمیخوریم‌ازجمله دراین عبارت: «وملك‌الملوك. امیرحسن جان راکه قدیمی‌اوبود مستوفی کرده بود....» (ص۲۰۷) وهمچنین: «به پاداری سیدی کدخدای شهرکه اونیز ازقدیمیان امیر مذکور بود سپردند» (ص ۱۶۳) ونیز «ملك. اشاره به میرشکار حاجی‌که قدیمی ملك بود نمود...» (ص ۲۵۰) ودر مواضع متعدد دیگر .

۴۸ــ قیجاجیخانه ازاصطلاحات‌دورهٔ‌صفوی است‌وبه‌خیاطخانه‌وجامه‌خانه‌مخصوص پادشاهی گفته‌میشده‌است.

«تؤتی الملك من تشاء [۴۰] مثال لازم لامتثال کشور ستانی و جهان آزمائی موشح بنام نامی همایون و نگین مهر آئین سلطانی که از گوهرش خواص خاتم سلیمانی ظاهر و نظر «بمفاد لایمسه الا المطهرون [۴۱]» دست اهریمنان دولت ابد مقرون از آن قاصر است مزین عنوان فرامین قدر نمون ذات ملکوتی صفات در ممالك ملکاً کبیر [و] ملك مراد شرف بخشای تشریف خلافت کبری گشته تارك مبارك از افسر «رب وهب» لی ملکا لاینبغی لاحد من بعدی [۴۲]» اکلیل سا و جبهه سلاطین ذیجاه، سعادت اندوز آنخجسته درگاه سپهر آسا [؟] خزاین آسمان سان بانجم [؟] برای راحت [؟] آموده و آماده و ابواب مخازن بانعام و احسان عام قاآنی بر چهره آمال و امانی عموم جهانیان گشاده گردید، ما نیز در ازای این آلای والا و بشکر گزاری این موهبت علیا بر ذمت همت حق شناس که بنیان عدالت را مؤسس و بر صفایح ضمیر مرحمت اساس که از نوازش مهر منیر مقتبس است لازم و مرتسم فرموده ایم که هریك از دولتخواهان قدیم که قدمت ارادتش در جادهٔ صداقت مبری از شوایب انحراف و انزلاق و قلم و ار سر بر خط بندگی نهاده چون چهرهٔ صفحه رو سفید از ظهور حسن خدمت آستان فلك انطباق باشد بمصداق «الذین یعملون الصالحات ان لهم اجراً کبیرا [۴۳]» او را بخطاب مستطاب انك «الیوم

۴۰ـ جزئی از آیهٔ ۲۵ سورهٔ آل عمران (سورهٔ سوم)
۴۱ـ آیهٔ سورهٔ ۷۸ سورهٔ الواقعه (سورهٔ ۵۶)
۴۲ـ آیهٔ ۳۴ سورهٔ سی وهشتم (سورهٔ ص)
۴۳ـ آیه دهم از سورهٔ بنی اسرائیل (سورهٔ هفده)

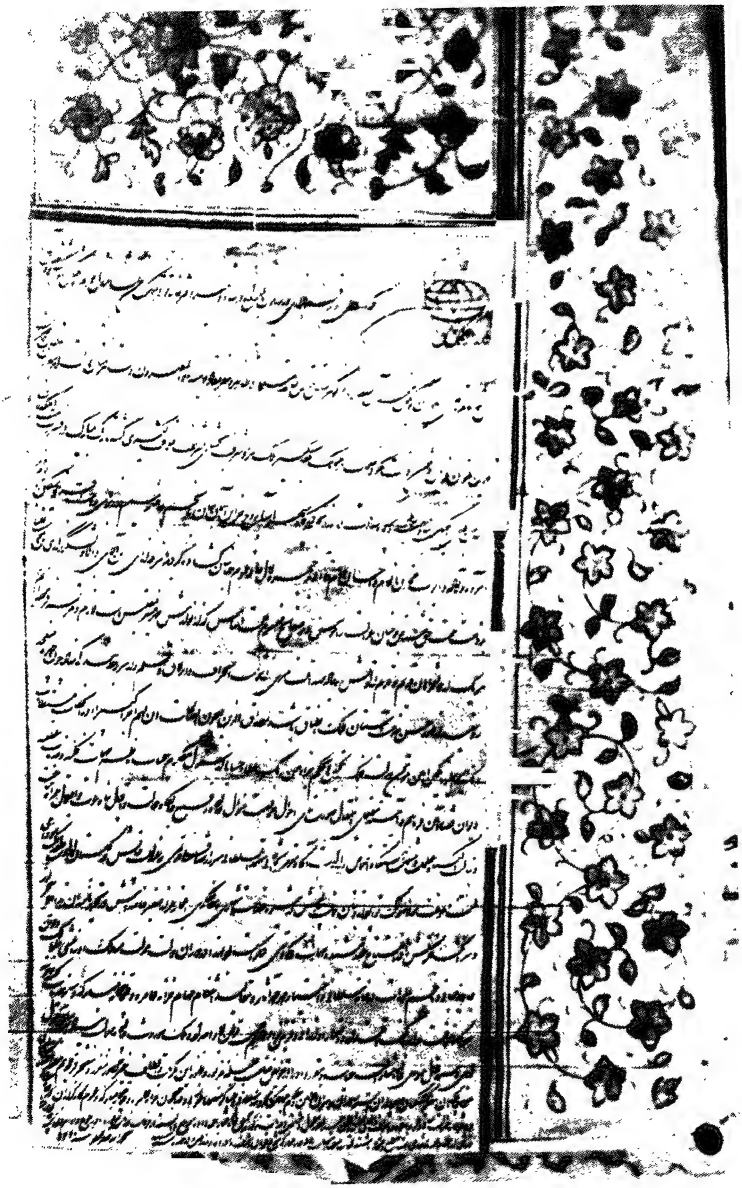

فرمان منشی‌الممالکی میرزا رضاقلی نوائی

را بکف اقتدار واعتباراوارزانی وقریتین نوا ولاجیم که محل‌توطن‌آبا واجداد وملك موروث‌عالیجاه‌جلالت بنیاد است‌سابقا بتیول ابدی وسیورغال‌سرمدی‌عالیجاه‌مشارالیه عنایت ومقرر واوراازتفویض‌مناصب جلیله مزبور وظهور این مکرمات والطاف غیرمحصورمنفرد ومفتخرفرمودیم. مقررآنکه عالیجاهان معلی جایگاهان بیگلر بیگیان‌و سرداران وسپه سالاران و سران وخوانین وحکام ممالك محروسهٔ‌سلطانی‌وعساکرمنصورهٔ ظفرمبانی‌وصاحبجمعان خزانهٔ عامره و قیجاجیخانهٔ مبارکه و عموم کارگزاران درخانهٔ سلطانی‌ودفترخـانهٔ عدالت مبانی وعموم اعزه و اشراف واعیان مملکت ایران‌حسب‌المقرر،معمول‌ومشاغل وخدمات مذکوره را مختص به عالیجاه مشارالیه واورا مرجع‌دانسته در فردات خدمات‌مزبوره باورجوع واوامر و نواهی‌عالیجاه مشارالیه‌را که‌ناشی‌ازاحکام علیهٔ‌پادشاهی است مطیع ومنقاد باشند. کتاب مقرب انتساب دفترخانهٔ مبارکه شرح‌فرمان اشرف‌را دردفاترلازمه ثبت ودرعهده شناسد. تحریرآشهر صفرالمظفر سنهٔ ۱۲۲۰»

بطوریکه ازاین‌فرمان برمی‌آید، درصدر دورهٔ قاجاریه، علاوه بروظیفهٔ حفظ روابط مکاتباتی وسیاسی بین پادشاه باپادشاهان دیگر که همان شغل وزارت امورخارجه باشد، وظایف «انتظام مهام خزانهٔ عامره» (استیفاء کشور) ونظامت «اموردرب سرای سلطنتی» و«اختیارمهرمهرآثار»نیز به‌منشی‌الممالك محول‌بوده است ومی‌توان‌تصور کرد که وظیفهٔ اصلی منشی‌الممالك همان‌ادارهٔ دیوان‌انشاء ورسالت‌ومهرداری‌بوده‌ووظایف‌دیگررا فتحعلیشاه بسبب‌اعتماد و اطمینانی که به میرزا رضاقلی «قدیمی» داشته است باووا گذار کرده است.

بنابراین منشی‌الممالك یاوزیردیوان انشاء، دراین دوره‌مشاغل مستوفی-

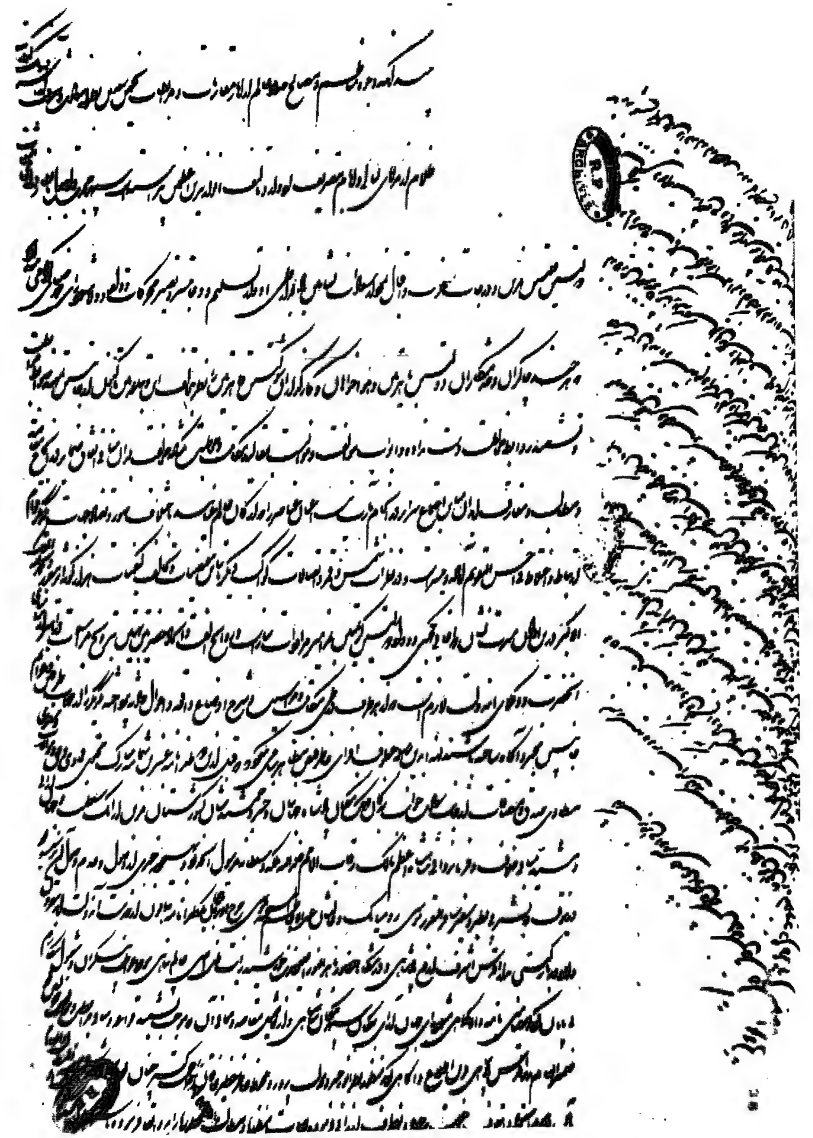

نامهٔ میرزا رضاقلی منشی‌الممالک به وزیر امورخارجه فرانسه
در پشت این نامه مهرچهارگوش میرزا رضاقلی باسجع «لاالله‌الاالله
ملک‌الحق المبین عبده رضا قلی» دیده می‌شود

الممالك[۴۹] وایشیك آغاسی باشی (حاجب دربار) ومهردار سلطنتی رانیز سرجمع وظیفه اصلی خود بعهده داشته است.

یکسال بعد (۱۲۲۱) ازاعطای منصب منشی الممالکی به میرزا رضاقلی، فتحعلیشاه زمام امور دولتی کشور را بیرون از دستگاه حرمخانه[۵۰]، بدست چهارنفر سپرد:

۱- صدراعظم که بر تمام امور نظارت می‌داشت.

۲- امین الدوله که وزارت استیفای کل کشور (وزیردارائی) رابعهده داشت.

۳- منشی الممالك ووزیررسائل که وظایف دفتر مخصوص پادشاه وامور مربوط به روابط باخارجیان را انجام میداد.

٤- وزیرلشکر که مسؤل امورلشکری بود[۵۱]

چنانکه دیده می‌شود دوشغل انشاء واستیفاء که تااین سال به منشی الممالك واگذار بود، دراین سال ازیکدیگر تفکیك گردید[۵۲] ودرترتیب جدید، میرزا رضاقلی همچنان برمنصب وشغل منشی الممالکی باقی‌ماند[۵۳] و تاسال ۱۲۲٤ قمری نیز براین شغل ومقام باقی بود[۵٤]

دوران منشی الممالکی میرزارضاقلی مصادف باگرمی بازار روابط ایران وفرانسه بوده است وبهمین سبب چند نامه ازاو که دربارهٔ روابط بین دو کشور نوشته شده است درآرشیو وزارت خارجه فرانسه موجود میباشد[۵۵] و از

۴۹- هدایت در روضة الصفا می‌نویسد: «... وزارت استیفای مالك ودارالانشاء با میرزا رضاقلی نوائی متخلص بسلطانی بود و درهردوکار مداخلت مینمود و نوشته‌جات هردوگونه را درحضور مبارك پادشاهی بمهر مبارك مشرف میکرد» ص ۱۷۳

۵۰- برای آگاهی از تشکیلات حرمخانه به ص ۲۷ ج۱ کتاب مستوفی رجوع کنید.

۵۱ -منتظم ناصری ج۳ ص ٤٦ و ناسخ‌التواریخ ج۱ قاجاریه ص ۸۵ و روضة‌الصفای ناصری ص۱۷۳

۵۲- مولف روضة‌الصفا می‌نویسد: «... پادشاه نکته‌دان را درست ننمود که امر معامله ومحاسبه وصدور احکام وارقام ومهربروات وفرامین هردورایك کس دخیل باشد... لهذا دارالانشاء رامیرزا رضاقلی منشی الممالك داشته وجناب حاجی محمد حسین‌خان اصفهانی بیگلربیگی اصفهان راازدارالسلطنه اصفهان احضار وبمنصب استیفای ممالك محروسه مفتخر ولقب اورا بواسطه امانت امین الدوله نهاد....» ص ۱۷۳

۵۳- منتظم ناصری ج۳ ص٤٦ وناسخ‌التواریخ ج۱ قاجاریه ص۸۵ و روضة‌الصفا ج نهم ص۱۷۳

۵٤- منتظم ناصری ص ۹٤-۹۵ و روضة‌الصفا ص ۱۹۳

۵۵ -مکاتبات سیاسی جلد نهم برگهای ۱۰۰ و ۱۰۱ (دونامه بتاریخ شوال ۱۲۲۱) و جلد هفتم برك ۳۸

لوازم مهام خارجی وداخلی را میکردند» و وظیفهٔ «انتظام مهمات خارجه»نیز که طی فرمانی درسال ۱۲۳۶ به‌نشاط واگذارشده‌بود وآقای محیط هم بهمان سبب ، نشاط را وزیر امور خارجه دانسته‌اند [۶۱] درحقیقت عنوانی ظاهری پیش نبوده که در متن فرمان آمده است چه همانگونه که آقای محیط هم خود نوشته‌اند وظیفهٔ وزارت امورخارجه تااین تاریخ سرجمع سایـروظایف منشی‌الممالکی بوده [۶۲] و واضح است که تفکیك آن از وظایف و لقب منشی‌الممالکی در زمان نشاط [۶۳]، باز وجود وظیفهٔ مربوط به‌امورخارجه را از جمع وظایف منشی‌الممالکی زمان میرزا رضا قلی نوائی نفی نمی کند [۶۴]

اما مسأله تفکیك این دو وظیفه از یکدیگـر،مسلم نیست نهایت آنکه میدانیم معتمدالدوله‌ازاین‌پس‌بیشتر بامور وزارت وصدارت دخالت‌میکرد [۶۵] و بکار منشی‌الممالکی چندان نمی‌رسیده است چنانکه قائم‌مقام در نامه‌ای که بسال ۱۲۳۹ ازطهران به‌تبریز به‌برادر خود میرزا موسی خان و دربـارهٔ وضع دربار فتحعلیشاه نوشته است می‌نویسد :

« شاه فرمودند ما در آرزوی این هستیم که یکنفر باشد فرمایش ما را موافق خواهش ما بنویسد ، بتنگ‌آمده‌ایم. میرزا خانلر، مستوفی است [۶۶] ، ازاوتوقع نداریم. معتمد سربراین‌کار فرونمی‌آرد ، امین‌الدوله [۶۷] خراست نمیفهمد.

۶۱ـ مقاله آقای محیط ص ۳۴

۶۲ـ همان مقاله و همان صفحه .

۶۳ـ آقای محیط نوشته است : ضمنا استنباط میشودکه منشاعل دیوانی احتمالی دیگرکه با عنوان یا لقب منشی‌الممالك همراه بوده. ازوظیفه خطیرمهم وزارت خارجه جداشده ،انشاط بنواند بهتر بلوازم اینکاربرسد. سپس اضافه می‌کنند: پس میتوان‌گفت درسال۱۲۳۶ تعهدمهام امورخارجه از وظیفه ولقب منشی‌الممالك تفکیك شده واستقلال بهم رسانده است.

۶۴ـ مؤلف روضة‌الصفا در شرح وقایع سال ۱۲۲۱ که از دفسیم امور بچهاروزارت صحبت میکند راجع به وزارت انشاء ومنشی‌الممالکی مینویسد «سوم وزیر دیوان انشاء که آنرا منشی‌الممالك‌خوانند ومخصوص اوست و حکم تحریرنامه‌جات دول خارجه وفرامین قضاآئین مطاعه وملفوفه‌جات اسرار مکتونه ومرموزه» ص ۱۷۳

۶۵ـ ر.ك به روضة‌الصفا ج ۹ ص ۲۹۲

۶۶ـ مراد . میرزا فریدون مشهور بمیرزا خانلربند پی مازندرانیست .

۶۷ـ مقصود حاجی محمد حسین‌خان بیگلربیگی اصفهانست که درسال ۱۲۲۱ وزارت استیفا یافت .

جمله آنها نامه‌ایست بخط و مهر او که بتاریخ شعبان ۱۲۲۰ قمری (نوامبر ۱٦۰۵) بوزیر امورخارجه فرانسه نوشته شده[٥٦] (گراورشمارهٔ۲)

میرزا رضاقلی چنانکه گفتیم تاسال ۱۲۲٤ درشغل منشی‌الممالکی باقی بود تا اینکه در این سال بوزارت خراسان معین گردید و شغل و منصب منشی‌الممالکی بمیرزا عبدالوهاب نشاط اختصاص یافت[٥۷]

آقای محیط طباطبائی درمقالهٔ فاضلانهٔ خود زیر عنوان «نخستین وزیر امور خارجهٔ ایران[٥۸]» می‌نویسد : میرزا عبدالوهاب نشاط ملقب به منشی‌الممالك‌نخستین‌وزیرامورخارجه ایران‌بوده وآقای حسین سعادت‌نوری هم در مقاله‌ای که در شرح حال میرزا ابوالحسن خان ایلچی نوشته است به‌تبعیت از آقای محیط ، نشاط را نخستین وزیر امور خارجه و بالنتیجه میرزا ابوالحسن خان را دومین‌آن دانسته است[٥۹] و حال آنکه بحق باید میرزا رضاقلی نوائی را نخستین وزیر امور خارجه دورهٔ قاجاریه ونشاط را دومین آن محسوب داشت زیرا وظیفه و شغل این هر دو یکسان بوده است ، هر دو شغل ومنصب ولقب منشی‌الممالکی داشته‌اند[٦۰] وهردو « جمیع میان

٥٦ــ مکاتبات سیاسی جلد هفتم برگ ۳۸

٥۷ــ منتظم ناصری ص ۹٥ وروضة‌الصفا ص ۱۹۳

میرزا رضاقلی مدتها درخراسان وزارت ساهزاده محمد ولیمیرزا راداشت وبطوریکه مبدانیم تاحدود ۱۲۲۸هم بطورقطع دراین شغل بوده‌است زیرا مؤلف روضة‌الصفا در شرح وقایع این سال اراو نام‌برده است (ص۲۰۸) ومحتملا تاسال ۱۲۳۲ نیزکه ساهزاده حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه والی خراسان شد (ص۲۲۰ روضة‌الصفا) میرزافتلی درخدمت ساهزاده محمد ولی میرزا بوده است (؟!) رضاقلی خان هدایت درشرح احوالات 'ومینویسد «دراواخر ایام باامرای قاجار حاجی جانمحمدخان ودیگران بمکه معظمه رفته ورجوع بطهران ازساحل عمان‌کرده ودر شیراز بوزارت جواب ساهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرما امتیاز یافته توقف‌گزیده وسالی چند بمانده» ص ۳٤۹ــ میرزا رضاقلی شعر نیز میگفت ودر شعر سلطانی تخلص میکرد وهدایت نمونه‌هائی ازاشعار اورا درمجمع‌الفصحا آورده است. پس ازاو چندی هم پسرش میرزامحمدتقی منصب منشی‌الممالکی یافت ومیرزااسدالله خان مشارالسلطنه که تعداز مشروطیت بارها مقام وزارت ازجمله وزارت امور خارجه را داشت نوهٔاوست .

٥۸ــ نشریهٔ وزارت امورخارجه شماره ۱۲ دورهٔ دوم ــ اسفند ۱۳۳۹

٥۹ــ نشریهٔ وزارت امورخارجه دورهٔ سوم شماره ۳ سال ۱۳٤٥

٦۰ــ نشاط پس ازبرکناری میرزا رضاقلی درسال ۱۲۲٤ منشی‌الممالك‌شد (روضة‌الصفا ص ۱۹۳ ومنتظم ناصری ص ۹٤ــ۹٥)

ملك‌الکتاب[۷۵] اداره‌می کردندتاآنکه‌معتمدالدوله درذیحجهٔ ۱۲٤٤ در گذشت دراینموقع فتحعلیشاه که باحترام معتمدوله تاآن روز منشی‌الممالك‌دیگری انتخاب نکرده بود، منصب منشی‌الممالکی را به‌میرزا خانلر سپرد اما دیری نپائید یعنی سه ماه بعد میرزا خانلرهم به‌وبای عام در گذشت (صفره ۱۲٤) و میرزامحمدتقی‌علی‌آبادی (متوفی بسال ۱۲۵٦) منشی‌الممالك شد[۷٦]

علی‌آبادی از این سال تا ۱۲٤۹ منشی‌الممالك بود وچون در این سال معزول شد[۷۷] میرزا محمد تقی نوائی پسر میـرزا رضاقلی ، منشی الممالك شد[۷۸] واو تا سال ۱۲۵٤ زمان سلطنت محمد شاه براین شغل بود و در این سال میرزا ابوالقاسم بجای او منشی‌الممالك گردید.

صنیع‌الدوله در بارهٔ این‌میرزاابوالقاسم‌نوشته است که اوپسرمیرزامحمد تقی بود[۷۹] ولی ما نمیدانیم که او پسر میرزا محمد تقی نوائی و یا میرزا محمدتقی دیگری‌بوده است.

از این پس تا پایان سلطنت محمد شاه هم شغل منشی الممالکی در دستگاه اداری وقت وجود داشته ولی رفته رفته ازاهمیت‌آن کاسته میشدتـا آنکه درسال ۱۲٦٤ که ناصرالدین شاه به‌سلطنت‌رسید این عنوان و لقب را

۷۵ـ ر. ك به مقالهٔ ملك‌الکتاب عشرت فراهانی بقلم نگارنده این مقاله درمجله یادگار شمارهٔ ۸ سال ٤

۷٦ـ روضه‌الصفا ص ۲۹۲ ومنتظم ناصری ص ۱٤٦

۷۷ـ روصة‌الصفا در علت عزل او مینویسد :

« جناب میرزا محمد تقی صاحب دیوان علی‌آبادی بواسطهٔ غرور عزت و وفور محرمیت و قدمت خدمت آبا واجداد در ین دولت حدا داد ودرعالم منصب انشاء دیوان ممالك سهواً بسبب فرمانی‌که بنظرمبارك قبله عالم خاقان‌کبیر نرسانیده بود بعداز سه سال منشی‌الممالکی وکمال اعتبار از این منصب معزول [شد] ص ۳۲۸

۷۸ـ منتظم ناصری ج۳ ص۱۵۵

۷۹ـ همان کتاب ص ۱۷۲

نمیدانم در میان میرزاها کسی هست که این خدمت بکند یا نه ؛ معتمد عرض کرد که میرزا هدایت [٦٨] و میرزا فضل‌اله شیرازی [٦٩] و میرزا تقی نوائی ولد میرزا رضاقلی و میرزا بابای آشتیانی هست. شاه جواب‌نفرمود و برخاست و باز فردا میرزا خانلر را خواست و خدمت تحریررا باو رجوع فرمود ...»[٧٠]

بنابراین‌معلوم‌میشودبعد ازتعیین‌معتمدالدوله‌نشاط به وزارت‌امورخارجه چون اودرست باین کار نمیرسید امر دیوان انشاء در اوائل به‌میرزا خانلر رجوع میشده است و رفته رفته که مأموریتهای دیگر هم به‌نشاط محول می‌گردید[٧١] ظاهراً امور وزارت خارجه نیزمعطل مانده بوده واحتمالابهمین سبب فتحعلیشاه در سال ۱۲٤۰ میرزا ابوالحسن خان شیرازی معروف بایلچی را بی‌آنکه در کار انشاء دخالت داشته باشد بوزارت امور خارجه انتخاب نمود[٧٢] واز این زمان است که منشی‌الممالکی از وزارت امورخارجه‌تفکیک گردیده است.

ازاین‌پس‌معتمدالدوله با داشتن‌لقب‌ومنصب‌منشی‌الممالکی، مرجع امور مهم کشور و غالباً در سفر وحضر ملتزم رکاب شاه بوده است[٧٣] و امورديوان انشاء را دیگران‌ازجمله میرزا محمدرحیم شیرازی[٧٤] و میرزا محمد مهدی

٦٨ـ میرزا هدایت پسر میرزا اسدالله لشکر نویس وپسر اومیرزا آقا خان نوریست واین شخص اخیر بعدها درسلطنت ناصرالدین‌شاه از ۱۲٦۸ تا ۱۲۷٥ صدراعظم بود.

٦٩ـ میرزا فضل‌اله شیرازی متخلص به‌خاوری ومؤلف تاریخ ذوالقرنین میباشد که نسخه‌های خطی از آن درکتابخانه ملی ملك موجود است .

۷۰ـ منشآت . چاپ نگارندهٔ این مقاله ص ۸۸

۷۱ـ ازجمله در سال ۱۳۳۸ که سجاع‌السلطنه از حکمرانی خراسان معزول وشاهزاده علی نقی میرزا بجای اومأمور شد معتمدالله باسمت پیشکاری اوبخراسان رفت (ص ۲٥٦ روضة‌الصفا)

۷۲ـ منتظم ناصری ج ۳ ص ۱۳۱

۷۳ـ ر . ك به ص ۲۷۸ روضة‌الصفا

۷٤ـ روضة‌الصفا ص ۲٦٥

نامه هائی از میرزا آقاخان کرمانی

(بقیه از شماره های پیش)

از

سروان محمد کشمیری

(فوق لیسانسیه در تاریخ)

بکلی منسوخ نمود و میرزا محمدسعید انصاری را «کاتب اسرار مکتومه و منشی رسائل خاصه»[۸۰] کرد و منشی الممالکی جای خود را به منشی رسائل خاصه داد.

پایان

۸۰ ـ منتظم ناصری ج۳ ص ۱۶۹

=۲۰=

حضورموسسین‌قانون‌آدمیت خاصه‌مرشد کل،اظهارعبودیت‌خالصانه‌دارم.

نوای قانون وصدای آدمیت شماهانند نفخهٔ اسرافیلی درقیامت‌گاه‌عشق است وبنفخات روح بخش‌عیسوی در قلوب و قوالب حیات جدید وزندگانی جاویدمیدهید. روز قبل بزیارت‌یکطغرا خط آنحضرت کسب نشاط وتجدید لباس حیات‌نمودم. جواب آن مطالب‌را هروقت موقع دیدید بنویسیدعجالتا شتاب وتعجیلی ندارم چندروز قبل ازاین ذریعهٔ‌عرض کردم البته‌رسیده‌است.

اکنون هم‌چون اخبارجدید خواسته‌بودید بعرض این صحیفه[یك کلمه ناخوانا] خود مبادرت جستم.تعطیل اختررا البته خبردارید. چند روز قبل تلگرافی‌آمدجناب جلالتمآب معین الملك را هم از سفارت اسلامبول‌معزول ومنفصل داشته‌بودند هنوز سفیر جدید معلوم نیست که باشد،چند نفر را از ار هرجا خواسته‌اند مابین این چند نفر مردد ست تا یار که را خواهد و میلش به که‌باشد.

هر کدام بی‌عرضه‌تر وبی‌قابلیت‌تر باشند و پیشکش بیشتر بدهند البته همان خواهد بود بشارت دیگر اینکه درروزنامه رسمی ایران نوشته‌بودند رفع رتبه‌وسلب همهٔ‌اعتبارات وحیثیات جناب مستطاب اشرف عالی‌رانموده‌اند وهرلقب ومنصبی که دولت داده است بازپس گرفت.

ظاهراً جناب معین‌الملك‌هم عریضهٔ‌حضوراعلیحضرت‌اقدس‌همایونی ازراه خیرخواهی نوشته بودند که‌چرا بی‌مشورت چهارنفر نمك شناس حقوق‌دولت را هراج می‌کنند فردا خدا نخواسته پشیمانی برخواهد آورد همین معنی

ازهر نمره نزد همان رفیق محترم انگلیسی بفرستید که باسم حقیر بفرستد پستخانهٔ انگلیس Poste Restante وبرای اشخاصی هم که سابقاً عرض کرده‌ام البته جریده بفرستید .

کتاب اصول آدمیت وهرنسخهٔ که‌ازآثارفکر مقدس خود دارید چرابرای بنده نمی‌فرستید که ازهمه کس طالب‌تر وخریدارترم ودرترویج آن‌بهرقسم ایستاده وحاضر میباشم. هیچ نمی خواهم باین حیات جزئی شخصی نکبت زنده باشم. خداوندیك‌حیات مقدس نوعی عنایت‌فرماید این‌حیات فاسدنکبت آمیزرا خراطین ومگسها هم دارند .

بنده هرچه عریضه عرض کنم به‌آدرسی که‌در سرکاغذ جناب مستطاب اشرف بود مستقیماً هم گاهی میفرستم ولی جناب مستطاب اشرف جزازهمین رفیق محترم انگلیسی نزد کسی دیگر نفرستید .

آقامحمدطاهر مدیراخترهم این‌روزها شامت ونکبت آن حیوان‌مکروه وجانورمنفور دروی اثر کرده ازآدمیت‌افتاده چون این‌خبرهم تازه گی‌داشت اطلاعاً عرض‌شد بنده رب‌النوع‌آدمیت امضاء

در پیشرفت این مقاصد مقدس‌شما پارهٔ تشبثات واقدامات بخاطر میرسد انشاءاله درموقع بعرض خواهم رسانید .

شیخ‌الرئیس را که چندی قبل بکلات خلفی فرستاده بودند عفو کردند وباز بارض اقدس عودت نمود اماسیدجمال‌الدین را ازحضرت عبدالعظیم با کمال‌افتضاح‌ورسوائی ووحشیگری [یك کلمه‌ناخواناست]عثمانی نفی‌نمودند.

= ۲۱ =

قربانت شوم مدتی است ازجانب سنی‌الجوانب هیچگونه اطلاعی ندارم باین واسطه نگران میباشم در اسلامبول شهرت‌تام دارد که‌جناب مستطابعالی برحسب احضار اعلیحضرت اقدس همایونی بایران ساحت‌آرا شده‌اید

موجب تغیر وزارت عظمی و عزل و انفصال سفارت کبری گشته هیچکس نمی‌داند ابن مشت اراذل سفلهٔ ناچیز بی‌تمیز که دشمن دین و دولت و ملت هستند چگونه تصرف درمزاج این پادشاه ساده‌لوح فرشته خصال نموده‌اند وچه جادوئی بکار برده‌اند که شاه باآنهمه مروت ذاتی وصفات بزرگواری و آنهمه فهم و فـراست فطری تسخیر این دشمنان دوست‌نما شده و به‌تملق و چاپلوسیهای این مداهنان‌منفور حقوق‌خدمات چندین‌سالهٔ جان‌نثاران‌خودرا برباد فنا میدهد وچشم از آنهمه خدمات چاکـران قدیم می‌پـوشد خیلی تأسف است !!!

خدامیداند ماهارا دراین بلاد خارجه استماع این‌حالات ناگوار ازجان وزندگی بیزار می‌نماید وبمرگ خود راضی میشویم چگونـه بمرگ خود راضی نشویم که شاهنشاه ایران وارث تاج وتخت کیان را مصورین اروپـ صورت اورا پشت‌سر خدیو مصر وپرنس بلغار و قرالیچهٔ یونان می کشند تفو برتوای چرخ گردون تفو وماها نمی‌توانیم ماست‌بگوئیم جزاینکه به‌بیعاری تن دردهیم چاره‌نیست. باری ازانفصال جناب‌وزیر آقایان و تجار اسلامبول نهایت متأثرشده بالاجماع تلگراف نمودند وابقای‌جناب وزیررا ازخاکپای همایونی استدعا کردند ولی مشکل سودی به‌بخشد.

ولی‌اگربهمین‌عزم‌مردانه که‌افتاده‌ایدثابت وراسخ‌باشیدواستقامت‌بورزید عنقریب است که‌جنود غیبی در تحصی بشما مدد نموده روح آدمیت بنفخات جان‌بخش شما درقالبهای افسرده دمیده شود ومجسمهٔ آن‌رب‌النوع آدمیت‌را بردر مدینهٔ انسانیت بیاویزند بشرط استقامت هیچ‌مشکلی لاینحلی نیست که آسان نشود.

نمیدانم الواح قانون را چرا نفرستادید البته اینجالازم است چندنسخه

طور دستورالعمل بدهید عمل میکند، آن آدم یا حاجی سیاح باشد یاطاهر افندی را از اسلامبول ببهانه استخلاص اختر مأمور نمائید، ولی بقسمی باشد که بداند حقیر هم مطلع نیستم البته جناب آقای معین‌الملك را ملاقات میفرمائید بایشان از جانب بعضی آدمیان ایران عرض کنید شما در زمان مأموریت وسفارت خودتان غیر از تعدی و بی‌ناموسی وظلم کاری نکردید ومصدر هیچ خدمت بعالم انسانیت نشدید همه‌وقت بجهة منافع جزئی هزار قسم تقویت از برای اجرای ظلم وتاراج مردم نمودید حال میتوانید در زمان معزولیت آن گناهان کبیره را بترویج آدمیت کفاره وترمیم نمائید واگر احیاناً این کار را نکنید وبروید ایران بهوای لاشه‌خوری شأمت ظلمهای شما مطلق دامن گیر شما خواهد شد وببدترین نکبت خواهید افتاد وانگهی عمر شما گذشته اگر تا آخر عمر بخواهید درهر نقطهٔ فرنگستان باکمال خوشی وراحت درمعیشت فاضله بسر برید برای شما ممکن است هر گاه دراین صورت آن حیات کثیف وحشی متزلزل راترجیح بدهید البته یاسفیه هستید یا بخت ازشما برگشته از شما داناتر بزرگتر با علمتر مجرب تر درایران کسی نداریم اگر فکری بحال وطن بدبخت خود نکنید خاك وطن باشما بمخاصمه برخواهد خواست اگر شما و امثال شما بی‌غیرتی وبی‌ناموسی را شعار خودسازند وای بحال ایران زیاده جسارت است . والله اگر ده نفر آدم باهم متفق شوند همهٔ امور صورت می گیرد ولی بشرط استقامت و ثبات . سابقاً بنده فوتگراف جنابعالی راخواستم وعده فرمودید و هنوز نفرستادید باکمال اشتیاق منتظرم از نوامر قانون چندد سته قبل ازاین استدعا کرده‌ام [چند کلمه سیاه شده] خواهید فرمود زیاده براین جسارت [یك کلمه سیاه شده] فرمایشات وخدمات [یك کلمه سیاه شده] مترصدم .

امره العالی مطاع

بهرصورت درهرجا خداوند معین وناصر وهمراه‌باشد.

از قراریکه همهٔ تجارایرانی می گویند عمل انحصارتنباکوموقوف شده ودیگرنمیدانم تحت چه سبب این عمل لغو گشته. اوراق سید جمال‌الدین در ایران وعتبات عالیات ولولهٔ عظیم انداخته سه روز قبل از این تلگرافهای مؤکد ازایران بسفارت اسلامبول رسید که البته در اختر شرحی‌دایربرمذمت سید مزبور بنویسد وسفیرهم اصرار غریبی داشت که زود بنویسند تاتلگرافاً بطهران خبربدهم اختر هم ظاهراً چیزی نوشت اما چون باید مطبوعات اذن بدهد هنوزطبع نشده این هفته دورنیست طبع ونشربشود.آن جانورمکروه تاریك خیال هم داوطلب‌است که اگرشاه مرا بفرستد لندن‌آووکات میگذارم وموافق نظامات و اصول مملکت سید جمال‌الدین و مؤسسین قانون را حبس میکنم اگرچه حرفهای این جانورقابل مذاکره نیستولی اطلاعاً عرض شد.

عرض دیگراینکه شخصی ازآشنایان پاکت جوف را داده که بجناب میرزا سید جمال‌الدین برسد محل ایشانرا چون نمیدانستم لفاً خدمت‌جناب مستطاب عالی فرستادم مرحمت فرموده مقررداریدبایشان‌برسانند این شخص که این پاکت را داد از حضرات بابیه است ولی آدم معقول مربوطی است جوابش را تمنا نموده.

هو،حاجی‌سیاح‌ازقراریکه‌نوشته‌اند درتبریزست ومیرزا سیدجمال‌الدین درکرمانشاهان بعضی میگویند از آنجا به‌بصره وبغداد گذشته ولی ظاهراً صحت ندارد. چرا از ملیژك و امیر تومانی او اشارتی در صفحات قانون نمی‌فرمائید جان کلام و روح مسأله اینجاست. حضرت ظل‌السلطان از برای پیشرفت خیالات شما خیلی مستعدست باید آدمیان ایران امینی از خود نزد مشارالیه فرستاده اورا تأمین نمایند و عهد وپیمان استوار کنند آنوقت هر

باری اقلا یکسال‌دیگرا گر قانون دوام بکند وهرجا نسخهای آن‌منتشر شود آنوقت دورنیست خود همین امنای دولت که حالا منکر قانون هستند مشتری و شریك بشوند مردم طبیعت بردارند یکی از آب همینکه جست دیگران هم می‌جهند و استقامت هم مطلب بزرگی است هرطور امر محالی باوجود استقامت از پیش میرود. سخت بایستید که البته در قضا تغییر واصل میشود زیرا که قضا و قدر تابع اراده انسانی است بخود پسند اینها به که مه گردوشکاف چونکه تو پا بفشری اندرمصاف. اول‌هرکارخیرمصیبت و سختی دارد همینکه جاده کوبنده شد مشکلات برطرف میشود و سهولت در امور پدید می‌آید و نتایج سعادت ظاهر میگردد دیگر اینکه بعلاوه قانون باید فکریك کتاب‌تاریخ صحیحی نمود موسوم بتاریخ‌قاجاریه [چندکلمه‌ناخوانا] سلطنت این دودمان جمیع و قایع ونکات‌تاریخی وظلمهای جانگدازجانسوز این سلسله جلیله را ثبت نمود و جزقلم معجزشیم جنابعالی کسی دیگر این کار را نمی‌تواند بکند در این امر خیریك مردانگی میباشد و البته اعتقاد علمای جدید و فلاسفه این عصر را مطالعه فرموده‌اید که این حکیمان تازهٔ این عصرچنانکه قدماروح انسانی را عبارت از کلمه میدانستند و این‌حکما جسم حقیقی انسانی را نیز عبارت از کتاب میدانند که از جسم عرضی‌حیوانی یعنی جسم گوشت وپوستی منتقل‌بعالم مطبوعات‌والواح محفوظ گشته واینکه سابقاً جسم حیوانی‌و انسانی یکی بود بواسطه نبودن خط کتاب الواح‌عرضاً جسم حیوانی با جسم انسانی اتحاد داشت ولی درین عصر انفصال یافته‌جسم هرآدمی کتاب و الواح وآثار اوست و هرقدراین شئونات مبسوط‌تر است‌آن شخص جسیم‌تر خواهد بود در اینصورت خیلی دریغ و تأسف می‌باشد که جنابعالی درعرض و طول جسم شریف انسانی خود نکوشید و بوارقی که در کمون جسم حیوانی بالعرض مکمون است در الواح محفوظ منتقل نسازید

=۴۲=

قربانت شوم‌چند روزقبل تعلیقهٔ از جنابعالی بتوسط پست‌انگلیس‌زیارت شد از مراتب مندرجهٔ‌آن خبرت‌ومسرت حاصل نمودم . خیلی از عزم‌وهمت آنجناب مشعوف‌میشوم. چنین کنندبزرگان چوکرد بایدکار . البته مشهود رأی‌انورعالی‌است که المرءمرء بهمته‌لابرتبته همةالرجال‌تقلع‌الجبال این‌ریشه سست را بچه‌همتی هم میتواند از پا در آورد

چیزیکه هنوزدرخاطرحقیرغلجان دارد که نباید مردم ایران باین‌زودی خلاص شوند آن حالت جهالت و نادانی وغفلت آن مردم است که ایشان را مستوجب ومستحق این حالت ساخته،ولی انشاالله رفته رفته‌آنهم‌تمام خواهد شد و ازین صعق‌افاقه حاصل می کنند .

مردم ایران مثل‌آن کاکاسیا خوابشان سنگین است خیلی طول دارد از خواب بیدار شوند اگرچه بعداز بیدار شدن هم دیگر بخواب نخواهندرفت و شجاعت اظهارخواهند نمود. اما کو تا بیدار شوند چند نفر از تجار وغیره تازه این روزها آدرس لندن را از بنده و دیگران میخواهند که خدمت جنابعالی عریضه بنویسند وآبونه برای قانون بشوند و خواهش می کنند که درین روزنامه از پولی‌تیك سایر دولتها وعلم ثروت ملل وتجارت واختراعات عجیبه واخبارمهمه جدیده نوشته بشود تاده‌هزارنفرآبونه درقفقازواسلامبول و ایران و هندوستان و سایر نقاط پیدا شود .

و میگویند ماهی یك نسخه کم است اقلا ماهی دو نسخه‌آنوقت یك لیرهٔ انگلیسی را بطوع و رغبت همه میدهیم بشرط اینکه سیاسات سایر دول و اخبار و علم ثروت ملل و اختراعات عجیبه همه را مشتمل باشد .

فارسی وترکی و ادبیات‌طالب شوند از برای‌آنها یکنوع استفاده وممنونیتی است و از برای منهم شغل و راه معاشی خواهد بود حتی اگر بعضی کتب‌هم از کتبخانه ها استنساخ بخواهند ما دوسه نفر هستیم ومع‌المنونیته ما بدون قیمت استنساخ می کنیم و هر گاه درس فارسی و ترکی و عربی هم بخواهند ما بدون وجه والسهل طریق میدهیم درین‌باب انشاءالله مضایقه نمی‌فرمائید اگرازجنابعالی آنها ممنون‌نشوندمتشکی‌هم نخواهند شدخدا میداندمقصودم تشکیل حوزه‌آدمیت وجمعیت انسانیت‌است‌اقدام جنابعالی خیلی لازم‌میباشد زیاده جسارت است .

=۲۳=

عید فطر

از علیه

قربانحضورت‌شوم . مرقومهٔ‌مبارکه‌را باچند نمره ازالواح مقدس قانون چند روز قبل ازین ازپسته فرانسه گرفتم .

عدم عرض عریضه جوابیه بجهت‌پیدا کردن‌آن نمره اختر بود که برضد شرکا و کمپانی نوشته ، آخر دراسلامبول و اطراف آن تا مصر هم نتوانستم بدست‌آورم . درین نسخه‌های پایتخت سانسور، اذن طبع ونشراینجورچیزها که برضد کسی‌بخصوص‌اروپائی‌ها باشد نمی‌دهند . پارهٔ خفیه‌کاریهای دزدی آقامحمد طاهر گاهی‌درمطبوعات میکنند اگرچاپ کرده تنها بایران فرستاده باید نوشت و از ایران خواست .

سابقاً احتمال داشت از حقیر مخفی نکند امـااز بس من خلاف وجدان کاریهای اورا دیدم وآخر اورا ترك کردم واو هم‌مبالغی مال مراخورد. وبعد

البته درین کار خیر همت و اقدام بفرمائید و دیگر در الواح قانون فصلی هم از تحقیق عمردول و اسباب ترقی وتنزل هرملت و ذکر اینکه هردولت وملت چه کردند و بچه وسیله از حضیض بدبختی وذلت ومسکنت خودشان را باوج سعادت رسانیدند و هردولت بچه‌قوه ظهور کرد و بچه‌قوت زنده‌بود و شوکت‌آن بکجا منتهی شد و اسباب اضمحلال و پامال شدن فلان ملت‌چه بود و نتیجهٔ غفلت و نفاق فلان مملکت بکجا انجامید بنویسید و شرح‌دهید خیلی خوب‌است و هم دلایل اقوال‌سابقه خود راآورده زیرا که بعضی ازمردم فضول حالا می گویند قانون از روی دلایل و سیاست وپولتیك حرف نمی‌زند تنها فحش میدهد خلاصه امور تدریجی است . سعدی بروزگاران مهری

نشسته بردل بیرون نمی‌توان کردالا بروزگاران

اخباروورودسفیرجدیداست‌باسلامبول‌وخبرفوت یاشهادت‌میرزایوسف‌خان مستشارالدوله است در عرض راه‌ها طهران که او را مغلولا بطهران میبردند وآوردن میرزا حسینخان دکترپسراوست از اصفهان بطهران مغلولا وازقرار تقریر میرزاعلینقی زرگرباشی که از طهران‌آمده بوده پاریس دوازده نفرکه میرزامحمدعلیخان‌هم‌یکی‌ازایشان باشد در قزوین حبس می‌باشند.ولی‌چاپار انگلیس دیروز می گفت آنها را خلاص و رها کرده‌اند صدق و کذب معلوم نیست . مجملا علاجی‌جزاینکه تیشه را بردارند و بریشه بزنند نیست‌منتظر عکس‌جنابعالی هستیم که زیارت شود اگر چه اصل درقلوب ثابت است ولی حق هررتبه درجای خود باید ادا شود .

هرگاه دراسلامبول از انگلیس و فرنگی و ارمنی آشنا و رفیقی داشته باشید ماها را باآنها توصیه فرمائید خیلی ممنونیت حاصل است‌مقصودی‌جز آشنائی فقط نیست همینقدر بشناسند شاید از معلومات شرقی یازبان عربی و

بکند که اقلا مثل پاپ ایطالیا ازتمام دول نزد اوسفرا بیایند وموجود باشند وامروز آنقدرمجهول‌الحال باشد که متصرف‌سامره‌اورا اهمیت ندهدونشناسد. وحال اینکه این‌کار بسهولت بسیار ممکن است اگر بهانه و عذر بیاورند که ماتارك دنیا هستیم گیرم که تارك دنیا هستند تارك اسلام وتارك قوت‌وشوکت دین که نباید بشوند این زهدها حقوق دیانت را پامال میکند و استخفاف بشریعت واردمیآید که ظلمه پدرمسلمانان را بسوزندونایب امام باوجودنفوذ تامه ساکت‌وصامت بنشیند وهیچکس اورانشناسد. دیگراینکه چند نفردرین خیال افتاده‌اند که در خصوص مسألهٔ دیگر استفتائی از جناب میرزا بنمایند و بعد ازآن،آن‌مهررا بکاغذدیگرنقل‌داده فوتلگراف کنند. مضمون‌آن‌اینکه مالیات دادن باین ظلمه جبابره بعد ازین حرام و گناه کبیره و اعانت براثم عظیم‌است.بنده قبول نکرده‌ام که‌کارباید حقیقتاً مطابق واقع‌باشدولی‌آنان‌هم سخن‌مرا قبول نمیکنند میگویند اصل عمل موجب خیرعامه ومطابق‌وجدان حقیقی است صورت‌آن حیلهٔ شرعی باشد چه ضرر دارد .

ومکروا ومکرالله واللهخیرالماکرین.[۲] عجالتاً در مشاجره هستیم تاکه قبول افتد وکه معتقد آید. حاجی محمدحسین جواهری اصفهانی که در اسلامبول تبعه روس بوده ومرحوم شده دونفرپسران‌معقول بسیارچیزفهم‌دارد و ازجملهٔ هواخواهان و دوستداران قانون و ازبذل هیچگونه فداکاری درراه ترقی‌انسانیت کوتاهی نمیکنند. آقا سید مصطفی اصفهانی کارگزار آنهاست شاید بتوسط او عریضه بجنابعالی عرض نمایند از برای خدمت بملت ایران هرقسم صلاح آنها را میدانید ایشان را ارائه خیربفرمائید بدون خوف‌وترس ومضایقه اجرامی کنند. قانون هم اگربخواهید مستقیماً برایشان بفرستیددر بشکطاش خیرالدین اسکله سنده جواهری‌زاده عبدالکریم افندی.

۲ ــ آیهٔ ٤٧ سورهٔ۲۳ (آل‌عمران)

ازآن عداوت وغرض سفارت بمیدان آمد دیگرحالا رابطهٔ ظاهری وباطنی درمیانه مقطوع است .

فقرهٔ تابعیت از مرحمت جناب مستطاب عالی بعد ازماه مبارك انشاءالله محکم میشودعجالتاً رذالت ودنائت بلکه سفاهت سفیرمعلوم جهانیان گشته و چند دفعه بمابین رفته واورا قبول نکرده‌اند . نسخهٔ بیست وششم خیلی‌عالی ومشعشع بود.آنچه‌باید بهرطرف‌فرستاده شود تاکنون فرستاده شده فقطاین روزها حجاج درکارآمدن ورفتن‌اند هرچه بتوانید اگر صلاح باشد از نسخ قوانین مرحمت فرمائید تا بمواد مستعد داده شود .

مسافرمحترم ما درکمال سلامت بسرمیبرد وابلاغ عرض عبودیت‌مینماید این روزها محض ملاحظهٔ شخص او که مورد اذیت جانوران نشودبنده منزل ایشان نمیروم مگر هرچه ایشان تشریف بیاورند . اشخاص مستعد امانت را که در ایران خواسته‌اید درتفلیس میرزا رضاخان ، درتبریزحاجی مهرابخان قاجارکرمانی، دربمبأی‌جنرال قونسول،درمصر میرزارفیع، درکرمان میرزا حسینخان‌رئیس‌پستخانه. وخودنصرةالدوله حاکم دراصفهان وطهران‌بسیارند البته میشناسید . درخراسان جناب شیخ‌الرئیس که حالا هنوز در بمبای‌اند و ازآنجا به عتبات وازعتبات بمشهد خواهند رفت .

حضرت‌سید[1] میگویند یك نمره قانون مخصوصاً بجهت ارائه مطالب آدمیت ومنافع‌اتفاق اسلامیت بجهت ملاهای کربلا و نجف چاپ کنید ودرآن ضمن بعبارات خوب بسیار واضح‌بفهمانید یابطریق اعتراض ازشخصی‌یابطریق ارائه و اظهار که چرا مثل جناب حاج میرزامحمد حسن شخص بزرگی که امروز پنجاه میلیون شیعه در اطراف عالم اورا نایب امام میدانند نباید کاری

۱ - منظور سیدجمال‌الدین اسدآبادی است .

واظهار خوش‌سلوکی نمودن شاه وصدر باعموم مردم و آوردن حاجی امین‌ـ دارالضرب را دوباره برسرکار و تسلیم امور ضرابخانه بدوبا اختیار تامه .

برهم‌خوردن خراسان وشورش مردم وبی‌احترامی بمؤیدالدوله و زن او دختر شاه دراستانهٔ رضویه وتشکیل کنگره مشورت در طهران برای تعیین نمودن‌حاکمی بجهت‌خراسان و افتادن قرعهٔ‌این‌فال بنام مشیرالدوله وقبول ناکردن او وپیری‌راعذروبهانه‌آوردن‌وازعمل‌وزارت دیوانخانه استعفانمودن ونپذیرفتن شاه وصدراعظم استعفای اورا ومجهول‌بودن عواقب امور.

همچنین اغتشاش‌فارس و کرمان‌باوجود تجدید حکومت وعدم‌امنیت آن حدودبدرجهٔ قصوی وپیشرفت‌امورظل السلطان. خلاصه اموراپران زیاده از ازحد مغشوش ودرهم و برهم است هرکس میآید از آنجا یاکاغذ می نویسد اظهار هرج‌ومرج بسیار می کنند گمان ندارم که این شب‌را سحر کنند مردم هنوز ازصعقات‌این احوال بهوش‌نیامده‌اندهرکسی ازراهی منتظر چیزی است همینکه بادی بزخمشان بخورد رستخیز عظیم برپا خواهد شد .

جناب شیخ‌الرئیس در بمبای منزل احفاد آقاخان محلاتی مهمان است کاغذی نوشته‌بود که منتهای آسایش و راحت‌را دارم ، ولی‌یارب این‌آتش که برجان‌من‌است‌سردنشود که‌سردی‌نشان بی‌دردی‌است‌وبی‌دردی‌علامت‌نامردی.

ونوشته‌بودهرگونه پاکتی وکاغذی برای من بفرستند مستقیماً وآزاد بمن‌خواهدرسید وجواب خواهم نوشت عیالش را به بغداد و کربلا فرستاده تا خودش هم چه‌وقت آنجا برود عجالتاً چندماهی دربمبای‌خواهدبود.

حضرت شیخ اجل‌بعدازآن همه هایهوی وضرب‌وحرب که نشان داد باز ایشان را بملایمت و مدارا آرام کردند و وعدهٔ انجاح‌امور را بوقت دیگر گذاردند زیرا که این‌روزها خدیومصر و قرال صربستان‌را مهمان دارند .

عرض دیگر هرگاه از کتاب گلستان خط جدید و رساله‌های دیگر بخصوص آن رسالهٔ فارسی نسخهٔ خدمت جناب اجل باشد مرحمت فرمائید خیلی اسباب امتنان است. جناب مجدالملك ازطهران کاغذی نوشته وبطوراشاره رسانیده‌اند که خدمت جناب اجل عشقی برسانم ومخصوصاً رسالهٔ که درباب تعدیل واصلاح انشاء وطریق مکاتبات ایران سابقاً تألیف فرموده‌اید با هرچه از رسائل دیگردایر باصلاح ادبیات ایران باشد مرحمت فرمائید برای ایشان بفرستم واگر نسخهٔ متعدد ندارید پس از استکتاب واستنساخ نسخه جنابعالی را رد مینمایم. زیاده براین چه جسارت عرض دهم. اخبار ایران این روزها در یك سکوت عمیقی که مشابه حال اموات باشد دوچار است تا بعدچه پیش آید.

امره الاجل العالی مطاع

آدرس حضرت شیخ اجل نسانطاش جمیل بیك توناغنده. احوالاتشان خیلی خوب است وسید ابوالمهدی که ضد ومخالفشان بود این روزهاخیلی پس نشسته و خود جناب شیخ هم خیلی عاقلتر و آزموده‌تر شده‌اند و مردم بی معنی و اراذل را از دور خود رانده‌اند. زیاده عرضی نیست.

=۲۷=

۲۷ شهرذی حجه

قربان حضورعالی شوم. چند روزاست بعد ازوصول کتاب آدمیت منتظر زیارت مرقومهٔ شریفه که وعده‌فرموده بودید بعداز اطلاع برحال شماخواهم نوشت بودم اثری بظهور نرسید لابد باز درمقام عریضه نگاری برآمد.

اخبار این صفحات تلطیف شاه است بمجتهد تبریز واورا روانه تبریز نمودن

ثانی انتظار نتایج پارهٔتخمها که کشته‌ایم تابلکه خبر خیلی خوبی‌داده باشم بهرصورت‌تأخیر درتقدیم عرایض چون ازحد گذشت زیاده براین‌تقصیر را جایز نشمردم .

ازآن زمان که‌عریضه عرض کرده‌ام تاکنون آنی فراغت نبوده وسخت درخدمات حقیقی ابناء وطن میکوشیدیم و طرحی نریخته نمانده و تشبثی نکرده باقی نگذاشته‌ایم امیداست که همین‌روزها تغییرات کلی درقضا پدید آیدودرخت آدمیت ثمرروح‌پرور به‌بخشد. باطن‌آدمیت‌کار خودرا کرده اسباب ازچهارجانب‌بلکه ازشش‌جهت فراهم‌آمده،اوضاع‌داخله وخارجه‌بسیارمستعد ومساعد گشته‌ماهاهم تاجان داریم میزنیم تاچه‌بازی‌رخ نماید بیدقی خواهیم راند عرصهٔ مارا .....

عنقریب مفصل خبرهای نورانی عرض میکنم که‌ازکسالت بیرون‌بیائید وبدانید آنچه مقصود مقدس ومنظور نیت پاك خاصان حق و اولیای معرفت بود آخرجاری میشود یریدالله لیظهرنوره ولوکره‌المشرکون خبر اجمالی اینست که درنهایت سرور وامید باشید که خدا باماست .

درسرحد آذربایجان کرد هائی که تازه عسکر کرده‌اند بینهایت بنای اغتشاش گذارده‌اند بطوریکه دولت ایران برای مدافعهٔ ایشان ملتجی بدولت روس گشته .

میانهٔ سفیر اینجا و صدارات ایران هم سخت بهم خورده پول بسیار ازو توقع دارند وتهدید عزل میکنند عجالتاً خیال استعفا دارد و ایشان خیال برهنه کردن اودرمیان ایرانیان‌اینجا جنبش خوبی بهم رسیده عجالتاً چندی قانون رامسکوت منه بگذارید تاثمرسخنان سابق بمیدان‌آید در خانه اگر کس است یك حرف بس است و در کار میدان آمدن است.تمام کتابچه های

کتاب آدمیت زیاده‌ازحد تصور خوب ومفیدست دراسلامبول چند نسخه باسم این اشخاص مستقیماً بفرستید و چند نسخه نزد حقیر تا بایشان بدهم برای جواهری زادها وآقا سیدمصطفی که دریکجا هستندمستقیماً ، همچنین برای کربلائی احمد آقای حریر فروش که از تجار معتبرخان والده است و آقاعلی اکبرقره‌داغی ومیرزا ابراهیم دراوطاق حاجی محمدتقی آقای تاهباز و حاجی‌رضا قلی خراسانی درخان والده.وآنچه نزد حقیر باید بفرستید بجهت حسین بیك صادق بیك آقا میرزا عبدالعلی، عبدالحمیدخان غفاری حاجی‌میرزا حسنخان ، بعد برای کسانی‌هم که باید بایران فرستاد ، اسامی آنها را عرض می کنم ومی‌خواهم راها عتبات را هم بجویم که‌یك دو سه نفرشخص امین در آنجا بدست‌آید .

آن نسخهٔ خود را جزبحضرت سید بدیگری نشان نداده‌ام ایشان‌خیلی تمجید فرمودند ولی گفتند قوت وشعشعهٔ عبارات بیشتر از این لازم بود این عبارات خیلی اعتدال آمیزست میبایست یعنی مناسب بحال اهالی ایران این است که مندرجات آن شور انگیز تر باشد درجزو ثانی انشاءالله چنین بفرمایند . قونسول بمبای فوت کرده‌است احتمال دارد میرزامحمد علیخان پسرش رابجای اوابقا کنند اگرابقا شود برای اوهم فرستادن لازم است .

العبد ـ امضاء

=۞=

۱۵ شهر جمادی‌الاولی

فدایحضورت شوم . مدتی است که بعرض ذریعهٔ مزاحم خاطر مبارك نگشته‌ام سبب عدم عرض عریضه دوچیز بود. نخست پریشانی خاطر ازجهت مریض حضرت عالی بخصوص که‌پارهٔ خوابهای پریشان نیزمیدیدم .

دیگر چیزی که تازه قابل عرض باشد نیست . آن شخص محترم که سابقاً عرض کردم از کرمان به بمبئی آمده بودند چند روزست از راه مصر وارد اسلامبول شده درخدمت ایشان هستیم اینك لفاً ذریعهٔ تقدیم داشته‌اند استعداد اهالی ایران بخصوص مردم کرمان راازبرای آدم شدن خیلی تعریف میکنند ومیگویند بکلی وضع دماغهای مردم تغییر نموده ومستعد از برای قانون و انسانیت وحق‌شناسی شده‌اند یکی از کتابهائیکه تمام کرده بودم خواستم تقدیم دارم چون جواب عریضه نخستین را که استخراج کرده بودم مرقوم نفرموده بودم عجالتاً نفرستادم تا که فیمابعد دستوری رسد رازهای گفتنی گفته شود . لاشه خوران فی‌الجمله بنای کج‌تابی دارند فقرهٔ ترك تابعیت را تایکدرجه اسبابش رافراهم‌آوردم وهرجوره علاقهٔ که بااین جانوران کثیف مکروه بوده‌قطع نموده تاببینم سرانجام چه خواهد بودن .

اوقات بهاررا براین مصمم هستم که سفری تااروپا شده زیارتی‌ازحضرت‌عالی وسایر اخوان صفا بنمایم وبعدازآن اگراقتضا کند سفری‌درمیان‌ایلات وعشایرایران نموده باشم چون شنیده‌ام ومیدانم اشخاص مستعد درآنجاها بسیار بهم میرسد .

عریضهٔ کمپانی چند نسخه واصل شد در حقیقت این حضرات فضاحت و رسوائی رابدرجه [یك کلمه ناخوانا] رسانیده هیچ عار ودرد نمیکنند جناب مستطاب حاجی‌شیخ‌الرئیس وعدهٔ‌بسیارنمودندودرواقع تصمیم عزم‌هم داشتند که مدتی درعتبات عالیات مانده عیوب‌کارها رابعلماحالی‌نمایند وخاطرنشان سازند اگر دراین زمینه که مناسب احوال علما باشد فقراتی چند در اوراق طبع شود بایشان میفرستم وهم اگرباسم علما از همانجاهم فرستاده شود بد

توفیق بدست اشخاص امین وبا پوستهٔ انگلیس بصاحبانش رسید،ایران چنان قدغن کرده‌اند که حتی به‌پستهٔ بوشهر و بندرعباس هم مینویسند که هر کاغذ بوی‌قانون میدهد مستقیماً بمرکز پست طهران بفرستید . شش کتاب‌درزراعت وپرورش‌حیوانات که مرحمت فرموده بودید ازپست گرفتم عنایت زیادوسایهٔ احسان کم مباد . مختصر کتاب‌تاریخ ایران هم تا زمان یزدجرد تمام کردم میفرستم خدمت حضرتعالی ملاحظه و تصحیح خواهید فرمود سابقاً تا زمان اسکندر نوشته بودم ووعدهٔ ارسال‌آنرا دادم خدمت حضرت شیخ اجل‌ماند و کارهای مختلف در پیش‌آمد باین واسطه تأخیر افتاد ولی این دفعه بصورت قطعی نسخهٔ‌آن تقدیم میشود باعتقاد فدوی برای برانداختن بنیان‌این‌درخت خبیث چنین تاریخی لازم‌است وهم برای احیای قوهٔ ملیت در طبایع اهالی ایران دیگر تا رأی بلند حضرتعالی‌چه‌تصویب وتنسیب کند ازسلامتی‌حالات آنجامسرورم فرمائید .

امره‌العالی‌مطاع

=۲۶=

قربانت‌شوم. دوسه‌ماه تقریباً میشود عریضهٔ‌انفاذداشتم بجواب‌آن‌سرافراز نشدم مقصود جواب نیست فقط اطلاع بر سلامت حالات خیریت علامات جنابمستطاب عالی اعظم اشرف است احوال بندهٔ خود راجویاباشید بحمداله سلامت وبدعای دوام عمرخیرخواهان آدمیت مشغولی میرود . اخبار تازهٔ این صفحان هرج و مرج واغتشاش کار ایرانیان بیچاره فوق القوه و العاده ، مخبط شدن حضرت ولیعهد ، رفتن جناب حاجی‌شیخ‌الرئیس بعتبات عالیات ، انتقال حضرت شیخ اجل ازمسافرخانه بخانهٔ مخصوص که بایشان عنایت‌شده

مزاج مبارك بشود . همچنین جناب مستطاب حضرت شیخ سیدنا زیرا که امروز حیات ده دوازده ملیون مخلوق نیم مرده را به بقای وجود امثال شما بزرگواران می بینم. درحقیقت عجب تأثیری از نفخات روحانیه شما در ایران پیدا شد و هنوز انشاءالله پیدا خواهد شد. گفت اسرافیل وقت اند اولیا مرده را زیشان حیات است ونما مرده های خفته اندر گورتن برجهد زاه ازایشان دره کفن. خلاصه ملاهای پنیاس که مرده هفتاد ساله بودند آنها هم زنده شدند. روزنامهای قانون درین چهل پنجاه روز دونوبت هر نوبتی هشت نمره از ۱۷ و ۱۸ زیاده بحقیر نرسیده ولی آنچه میدانم در میان ایرانیها نسخهای آن خیلی پراکنده میباشد وهر کسی اگرهم برای ارمغان وسوغات هم بوده چند نسخه بایران فرستاده. درعتبات عالیات هم یقیناً نسخهای آن واصل گشته ، باری حالا موقع آن است که چند نسخهٔ تازه بیرون بیاید و اگر بیرون نمی آید اقلا بازاز همان نسخهای گذشته مبالغی کثیر ارسال دارید بخصوص هرچه کاغذ نازك باشد بهتر است تا بهرجا ارسال شود وقت و فرصت را نباید فوت کـرد چون صوفیان بحالت رقصند درسماع، ما نیز هم بشعبده دستی برآوریم. ایرانیهای اسلامبول عجب معنی اتفاق را پی برده اند چنان اجتماع واتفاقی در خصوص مسأله رژی نمودند و چنان باسفیر جدید تندزبان شدند که سفیر را توهم گرفته بمابین مراجعت نموده واز آنجا یکفوج ژاندرمه وظبطیه معاونت خواسته ازترس اینکه مبادا بسفارت هجوم بیاورند و اورا اخراج و از عاج نمایند. چند روزست طابوری عسکر در نزدیك بابعالی بطور احتیاط نشسته و دایما تبدیل و پولیس در اطراف سفارت میگردد.

در هرصورت این سفیرخود رانزدایرانی و عثمانی مفتضح وصورت یکپول کرد جای تأسف است ظاهر نجس بنای تبصبص وتملق لاشه خوری را گذارده بااینکه سانسورت عثمانی باو مساعده نداد بازورقهٔ جداگانه مخفیاً برعلیه آدمیت و ضد انسانیت بطبع رسانید ولی حسن اتفاق در تبریز و بلاد ایران بواسطه اینکه اورا حامی رژی تنباکو دانسته اند علما خواندن اختر راحرام

نیست وهر گاه مکتوبی هم بجناب ریاست پناهی بنویسید خواهم رساند لعل الله یحدث بعد ذلك امراً.[۳]

این سفر عراق ملیچك رولوری ازدم گوش اعلیحضرت اقدس همایونی خالی نموده این معنی را بفال بعد گرفته قدغن فرموده بودند دیگر بحضور نیاید پس از آن بتوسط امین اقدس رفع این قدغن شده .

۷ شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۱۱

آن شخص فاضل که سه ماه قبل اینجا بود وراپرتی تقدیم نمود اورا هم یکماه است به عتبات عالیات واز آنجا به دهات ایران اعزام نمودیم با الواح بسیار اطلاعاً عرض شد . مأمورین لاشه خواربوئی برده درصدد هستند ولی بهمت اولیا سگ کسی نخواهند بود ونحن الغالبون

- ۲۷ -

قربانت شوم هزار سال بود از بیخبری خود نگرانی داشتم و روز وشب بتشویش میگذرانیدم در واقع رسیدن موقومه مبارکه یکعالم روح و حیاتم بخشود. جان فزایش که رساند خبری خوشتر ازین . عجب کیفیتی واقع شد پنجاه روز متجاوزست یکی از آشنایان حقیر هم بقسمی ناخوش بستری بود که آرام و راحت ازهمهٔ اهل خانه سلب کرد برای بنده هزار بار سختر از ناخوش شدن خودم این معنی واقع شد زیرا که شب و روز در صدد اصلاح مزاج او بودیم چه قدرها بطبیب واجزاچی مراجعت شد تااین روزها بحمدالله کسب صحت نموده. چه عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضو ها را نماند قرار. خیلی ازسلامت ذات مستطابعالی ممنون شدم امیدوارم بکلی رفع نقاهت از

۳ - آیه ۱ سورهٔ ٦٦ (الطلاق)

میبرد بابنده یکنوع خصوصیتی‌دارد زیرا که مرا مخل آسایش خودنمی‌یابد و باین واسطه امنیت دارد هرچه میخواهد میگوید منهم اغلب با او مجادله میکنم و میگویم سخنان شمااغلب موهومات است‌میخندد‌ومیگوید‌موهومات که بمراتب‌اشرف‌واقوی ازمحسوسات میباشند ، مؤثری‌درعالم جسم‌غیرازوهم نیست و از حس عالی است و سلطان قوی‌است، گاهی‌مباحثه ماطول می کشد میگوید من بازبان رد و بدل‌را خوش ندارم‌باقلم بهتراست‌تابرصفحه‌روزگار ثابت بماند .

ازجناب‌مستطابعالی نهایت تمجیدواحترام رادارد بطوریکه اسم‌سرکاررا با کمال تعظیم‌میبرد.میگوید از مبادی عالیه نص‌صریح‌رسیده براینکه‌شخص اورجعت عیسوی‌است و نصرت بزرگ مینماید قائم‌آل محمد را،حتی چندی قبل در خصوص آن الفبای‌سرکار می گفت این‌نشانهٔ‌یوم تفصل‌الکتب‌است که جمیع کتب بایـد بعالم تفصیل بیایند و صورت تفصیل فصل حروف است از یکدیگر .

درباب سیدنا جناب مستطاب شیخ‌جمال‌الدین هم‌خیلی تمجید می‌نماید و میگوید اهل علم و خبرست و ما منکر حق‌هیچ ذی حقی نیستیم فقط چرا در بعضی مواضع بخلاف علم و وجدان خود بناحق وافترا سخن می گوید و بی‌انصافی و تهمت بمردم زدن‌از مثل شخص ایشان‌شایسته نیست مگرچقدر اغراض‌دنیوی چشم ایشان‌را پوشیده.از پی‌رد و قبول عامه خود را خرمکن زانکه نبودکارعامه‌یاخری یاخرخری. هر گاه‌مایل بدیدن‌تحریرات اوباشید سری پر سخن دارد و قلمی چون سیف ذوالزن.عجالتاً اصرار دارد براینکه جناب‌مستطاب سیدچون‌درچندموضع نوك‌خامه‌تعرض رابجانب حضرات‌میان دراز فرموده‌اند حال‌باید بجهة‌اغاثهٔ طهوفین وارشاد مضلین رسالهٔ مفصل‌بطور منطق وبرهان رداین طایفه را بنویسند وبراه‌لی‌الالباب عرضه‌دارند بحمدالله مقتضی موجود وموانع مفقود ایشان صاحب‌قلم‌وخداوند بیان‌وهیچگونه منع‌و تعرضی نسبت بایشان از طرف کسی متصور نیست .

(۷۱)

کرده‌اند چون خدا خواهد که پردهٔ کس درد میل او بر طعنهٔ پاکان برد.
امروز یك نسخهٔ آن‌را باپست فرستادم. میرزامصطفی‌بهبانی روزنامهٔ در هند میخواهد بیرون بیاورد و مقصودش خدمت بانسانیت است اما خود اوآدم کم قوهٔ از جهت تحریرات‌میباشدنسخهٔ اول روزنامه‌اش رافرستاده استعانت قلمی مینماید هرگاه چند آرتیکل و مقاله نوشته داشته باشید برای او بفرستید خوب‌است بنده هم هرقدر بتوانم باو کمك می کنم همین‌قدراسم کسی تصریح در آنها نشود دیگر هر چه مرقوم دارید طبع می کند و در ایران هم کسی متعرض نخواهد بود وهمچنین جناب مستطاب‌حضرت‌شیخ هرچه مقدر داشته باشند البته باو اعانت میفرمایند از نسخه‌های نوزدهم قانون و نسخهٔ سواد کاغذ عربی خیلی‌لازم‌است استدعا آن است که مرحمت فرمائید و همچنین از نمرهای اول تا هفدهم چند دسته خیلی لزوم دارد.

تازه رفته‌اند مردم چیزی حس و ادراك بکنند و انشاءالله خیلی چیز ها خواهند فهمید سابقاً عرض کردم آثار نجومی و قران حوتی درین آخر سال اغتشاشی بزرگ نشان میدهد و رفاهیت تام از برای رعیت خواهد بود.اگر نمرهٔ جدیدی از قانون بیرون آورید خوب است.ازحاجی‌میرزا محمد حسن شیرازی حجةالسلام و همت سایر علما تمجیدات بشود والحق شایستهٔ تمجید شده‌اند بشرط آنکه‌تا [یك کلمه ناخوانا] آخرکار را اصلاح کنند که بعداز این بهوای خاطر جهال‌ارادل بیت‌المال مسلمین صرف نشود و حکومت میان مردم از روی بخار معدهٔ حکم نکند و علما را این‌طور ذلیل و خوار نداشته باشند. آن‌آشنای‌حقیر را که‌صاحب‌کاغذبود اگرجناب‌سیدنا شیخ‌می‌خواهند بشناسند باید جواب رقعهٔ او را مفصل بنگارند اسمش را در آخرکاغذ رقم نموده ظاهراً پسریکی از اوصیای باب باشددرست از عمق‌کار او بنده اطلاع ندارم ظاهراًجوانی خوشصورت و معقول وظریف صاحب منطق شیرین وقلم‌و اخلاق پاکیزه ، فهمی زایدالوصف و فراستی فوق‌العاده دارد زبان انگلیسی راخیلی خوب میداند از ترس مسلمانان به تبدیل لباس در میان ارامنه‌بسر

دیگرغیرازین‌فقره. اسباب‌ناگواری‌بحمدالله ظهورنکرده وامورکماکان برحال خویش است چند شب قبل ازین بتوسط یکی‌از آشنایان مشیر ضبطیهٔ اسلامبول پیغام فرستاده بود که بفلانی بگوئید آسوده باشد ونجنی‌من‌القوم الظالمین.[٤]

اختررا بواسطهٔ جواب ردی که بر ورقهٔ صاحبان کمپانی لاتری نوشته بود ازطهران صدراعظم پانصدتومان انعام‌داد، معلوم‌است کـه بحضرات خیلی تأثیرنموده که برای‌اطفای‌نایرهٔ غل‌خود، باین چیزها متمسك می‌شوند وباج بشغال‌میدهند.

آن ورقه را ازایران خواسته‌ام باید همین روزها برسد.

حضرت‌شیخ‌الرئیس دربمبأی‌خانهٔ‌سلطانمحمد شاه نبیرهٔ مرحوم آقاخان محلاتی‌مهمان‌است ازآنجاخیال‌رفتن بعتبات داشته است. سفیراینجامدتهاست ازنظر اعلیحضرت همایون شاهنشاه خلافت پناه افتاده و محل اعتنانیست ولی تنهاصدراعظم ازورعایت‌وحمایت می کندآنهم بهمان ملاحظاتی که سابقاً عرض شد جناب مشیرالدوله درتهران خیلی بحالت مفلوك میگذرانند.

حضرت شیخ درخانهٔ خود باستقلال نشسته وچندنفرنوکر گرفته‌ازصبح تاشام به پذیرائی مردم مختلف ازهندی‌وتازی وافغان ومصری وایرانی‌وترك وسودانی مشغولند.غیرازین هیچ‌کاری دیگرندارند.

با میرزا حسنخان کاغذهای بسیار بطهران واطراف نوشته‌ایم، فرستـاده اگر کسی درعرض راه‌آنها را بازنکند وبمحل خود برسند دور نیست پـارهٔ نتایج نیز برآنها مترتب شود، چون مردم محل اطمینان نیستند قبل‌از وقوع نمیتوانم عرض کنم. جمعیتی هم از ایرانیها این روزها تشکیل یـافته‌اند که پارهٔ اقدامات بکنند ولی‌تابه‌بینم نتیجه‌چه‌میشود وچه طوربه‌آخرمیرسانند. اهالی ایران عموماً خونشان رقیق‌شده این است که‌سهل‌القبول‌وسهل‌الترك‌اند. مانند برگ خشکیده زودآتش میگیرند وزود هم فرومی‌نشینند.

٤ــ آیه ۱۱سورهٔ٦٦(التحریم)

حتی ما که خوداین طایفه‌هستیم کمال ممنونیت داریم که حقیقت‌وحمیة مارا بمیدان بگذارند ومردم را از گمراهی نجات بدهند درینصورت جنـاب ایشان هیچ حقی ندارند که آنی توقف وتساهل جایز بشمارند کدام مقصود ازین مقدس تر که درعرض پنجاه سال امری بر مردم مستضعف مشتبه شده و علما از عهدهٔ جواب این طایفه بر نیـامده ، مثل‌جناب آقاسید کشف حقیقت بفرمایند وخلقی را ازتردید بیرون بیاورند.

خلاصه سخنان این جوان خیلی‌است قصةالعش‌لاانفصام لها.بنده‌قوهٔ ضبط آنها را خوب ندارم زیاده براین چه جسارت کنم اخبار ایران را خودتان بواسطه روزنامهای اروپا بهترمطلع می‌شوید.دراسلامبول اینجور اخبار بـه بعضی ملاحظات کمترشیوع پیدا میکند.

امره العالی‌مطاع

=۲۸=

۴ شهر ذی حجه ۱۳۱۱

ازعلیه اسلامبول

قربان حضورت شوم.دستخط مبارك حضرتعالی را دیروز ازپسته گرفتم. عذرتأخیر درعریضه‌نگاری را چند روزقبل عرض نموده‌ام که بواسطهٔابتلای بانفلوآنزه بود که هنوزهم بالمره رفع نشده.

چون مها امکن نمی‌خواهم جزخودم کسی‌این گونه مکاتیب را به پست بدهد یاازپست بگیرد باین واسطه درعرض تأخیرافتاد.

وصول کتابهای خط جدید و گلستان را چنان گمان میکردم که نوشته‌ام اگرغفلت وفراموش شده علت‌آن نیزهمان ناخوشی‌است که خیلی بـآسایشم خلل رسانید.

میرزا حسنخان پارهٔ هدایا ازایران برای ذات شاهانه و اجزاء در خانه آورده، بعضی باخودش آمده وبعضی ازعقب با برادرش خواهدآمد، خیالش این است بعد ازتقدیم تبعه بشود یعنی مسلمان یك وامتیازروزنامهٔ فارس بخواهد وسابقاً بعنایات شاهانه مسبوق است که بمشارالیه خانهٔ بایکی ازجواری سرای داده بودند. جمعی دیگرهم که بکلی از اوضاع ایران مأیوس مانده اند خیال دارند بااوهمراهی کنند تاچه شود.

راستی این فقره را فراموش کردم عرض نمایم حضرت شیخ چند روزست بواسطه فقرهٔ که در روزنامهای انگلیس نوشته بودند ودولت گمان کرده بود که بتحریك وتلقین ایشان نوشته اند وباین واسطه محمدبك نامی را که غالباً درمنزل ایشان مراوده دارد باستنطاق برده بودند بامخبر روزنامه تیمس، بعد خلاف آن معلوم و کشف شده بود.

یعنی معلوم شد که حضرت شیخ حامی دولت بوده اند و آنچه تلقین نموده اند خیر دولت بوده وبعد آنچه مخبر روزنامه به مرجع خود نوشته از تحریك سفیر خودشان بوده واین معنی بمیدان تحقیق رسید وحضرات خجل وشرمنده شدند.

حضرت سید نیز میدان وسیعی بدستش آمده سخت ایستاده میگوید دو سال است مرا باینجا جلب نموده اید اگر برای مهمانی است بس است اگر برای کاری است که کارمن معین نشده واگر برای حبس است آنهم زنجیر وزندان لازم است این کارها هیچ لزومی ندارد. تابعدچه ظهور کند زیاده عرضی نیست.

امره العالی مطاع

پایان

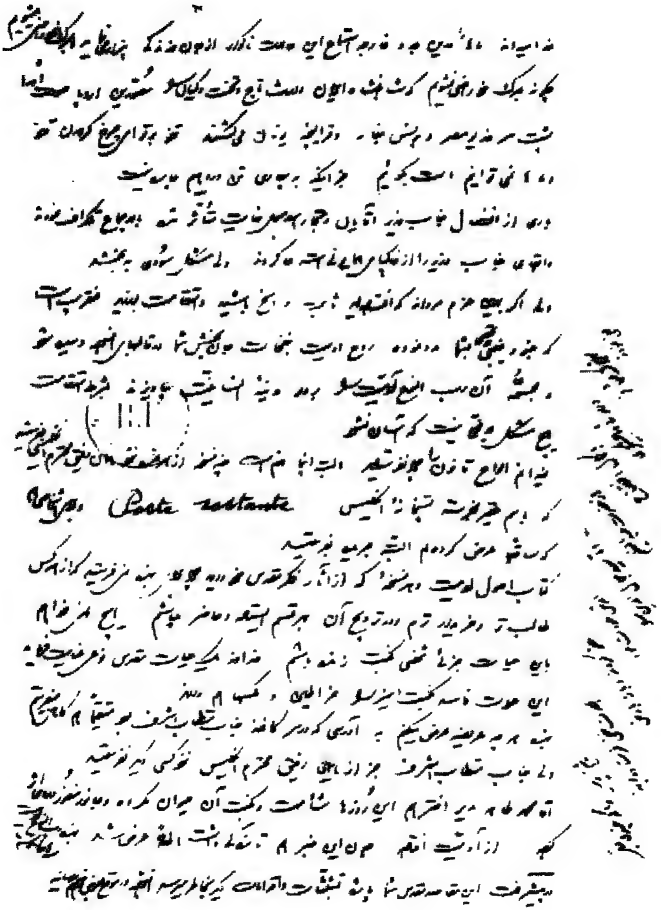

بقیه سند شمارهٔ ــ ۲۰

R.I.

بقیه سند شمارهٔ ۱.

قربانت شوم چند روز قبل تعلیقه از جنابعالی بنوبت پست انگلیس عزیمت شد
از مراتب مندرجه آن خبرت و مسرت حاصل نمودم
خیلی از عزم و همت آنجناب مشعوف میشوم چنین کنند بزرگان چه کرده باید کار
بسته شهود رای انور عالی است که المرء مرد همته لا برتبته همة الرجال تقطع الجبال
این ریشه سست را بچه همتی هم میتواند از پا درآورد
چیزیکه هنوز در خاطر حقیر خلجان دارد که نباید مردم ایران باین زودی خلاص
شوند آن حالت جهالت و نادانی و غفلت آن مردم است که ایشان را
مستوجب و مستحق این حالت ساخته ولی نشاید رفته رفته آنهم تمام
خواهد شد و از این حق افاقه حاصل میکنند
مردم ایران مثل آن کاکاسیا خوابشان سنگین است خیلی طول دارد از خواب
بیدار شوند اگر چه بعد از بیدار شدن هم دیگر بخواب نخواهند رفت و شجاعت
اظهار خواهند نمود اما کو تا بیدار شوند چند نفر از تجار و غیره
تازه این روزها آدرس لندن را از بنگاه [illegible] میخواهند که خدمت
جنابعالی عریضه بنویسند و آبونه بجای قانون بشوند و خواهش میکنند
که در این روزنامه از پولیتیک سایر دولتها و علم ثروت ملل و تجارت
و اختراعات عجیبه و اخبار مهمه جدیده نوشته شود تا ده هزار نفر آبونه
در قفقاز و اسمعیل و ایران و هندوستان و سایر نقاط پیدا شود
و میگویند ماهی یک نسخه [illegible] آنوقت یک لیره
انگلیسی را بطوع و رغبت همه میدهیم بشرط اینکه سیاسات سایر دول
و اخبار و علم ثروت ملل و اختراعات عجیبه همه را مشتمل باشد

سند شمارهٔ ــ ۲۲

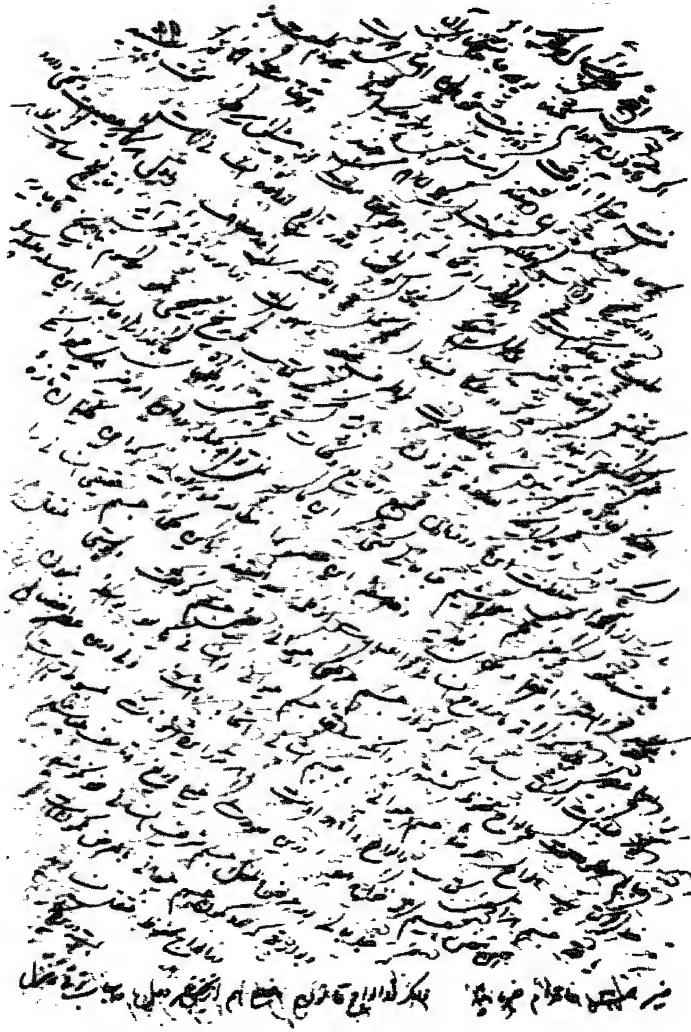

بقیه سند شمارهٔ ـ ۲۲

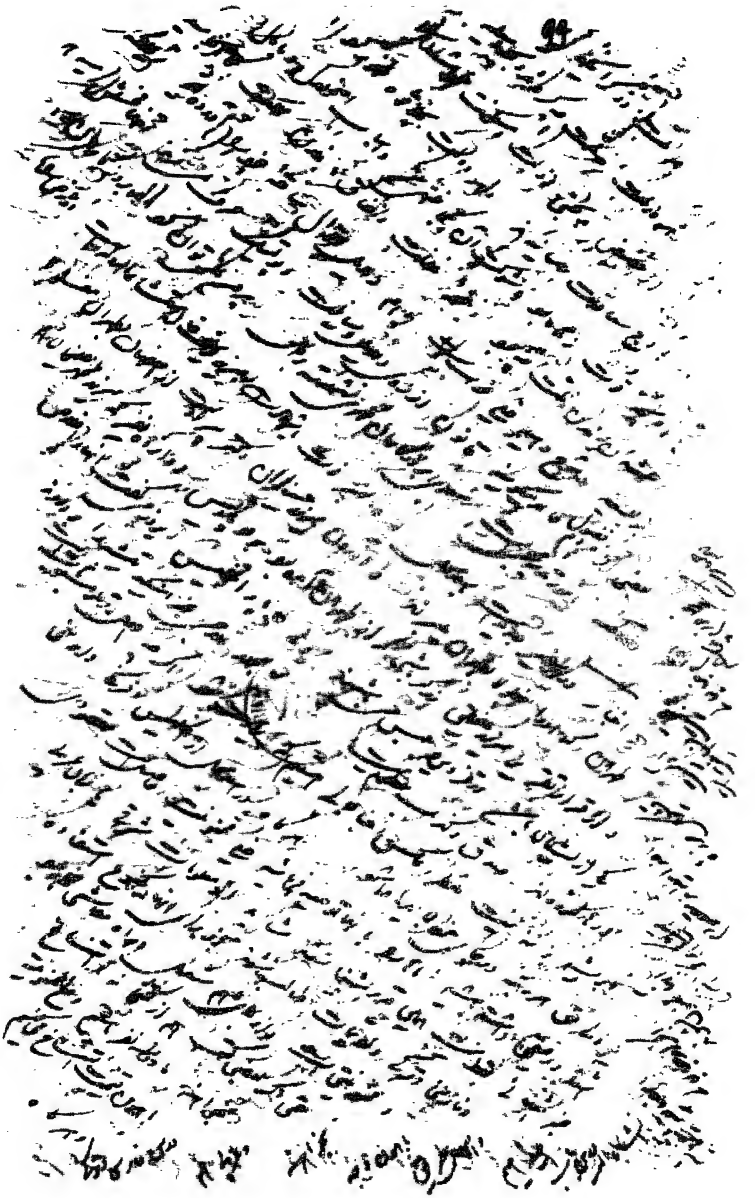

بقیه سند شمارهٔ ـ ۲۲

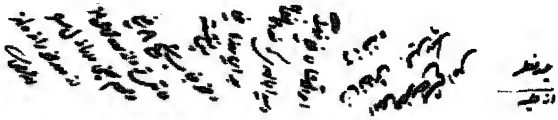

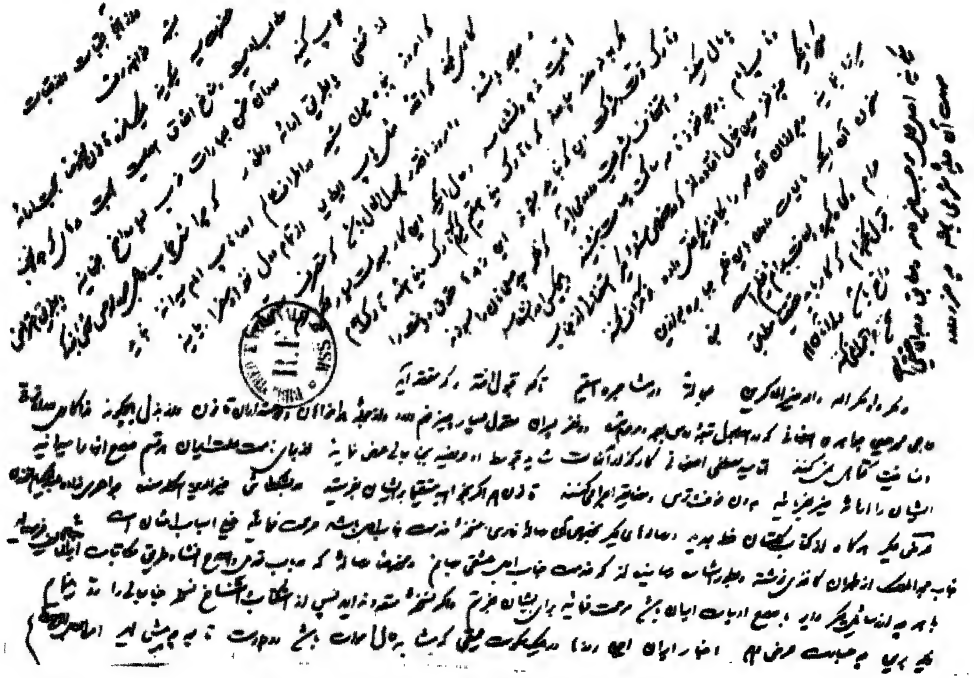

بقیه سند شماره ۲۳

R.F.

سند شمارهٔ ـ ۲۴

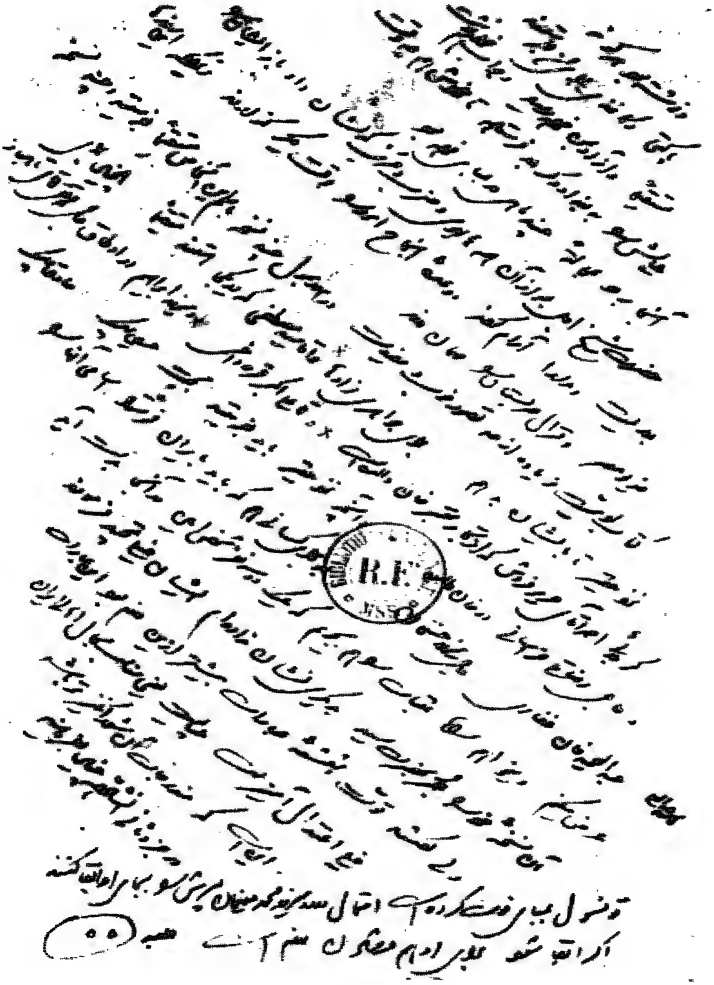

بقیه سند شمارهٔ ـ ۲۴

۱۵ [illegible]

97

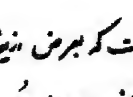

خدا بحضورت شوم مدتی است که بعرض ذریعه مزاحم خاطر مبارک
نگشته ام سبب عدم عرض عریضه دو چیز بود
نخست پریشانی خاطر از جهت مریض حضرت عالی بخصوص که پاره
خوابهای پریشان نیز میدیدم
ثانی انتظار نتایج پاره تخمها که کشته ام تا بلکه خبر غیبی خوبی داده باشم
بهر صورت تاخیر در تقدیم عرایض چون از حد گذشت زیاده بر این
تقصیر را جایز نشمردم
از آن زمان که عریضه عرض کرده ام تاکنون آنی فراغت نبوده و سخت در خدمات
حقیقی ابنای وطن میکوشیدیم و طرحی نریخته نمانده و تشبثی نکرده باقی نگذاشته ام
امیدست که همین روزها تغییرات کلی در قضا پدید آید و درخت امیدت
ثمر روح پرور ببخشد باطن امیدت کار خود را کرده اسباب از چهار جانب
بلکه از شش جهت فراهم آمده اوضاع داخله و خارجه بسیار مستعد و مساعد گشته
ما هم تا جان داریم میزنیم تا چه بازی رخ نماید بیرقی خواهیم راند
عرصه ما را ..... عنقریب مفصل خبرهای نورانی عرض میکنم که از کسالت
بیرون بیائید و بدانید آنچه مقصود مقدس و منظور نیت پاک خاصان حق
و اولیای معرفت بوده آخر جاری میشود یرید الله لیظهر نوره ولو کره المشرکون
خبر اجمالی این است که در نهایت سرور و امید باشید که خدا با ماست

MSS

سند شمارهٔ ــ ۲۵

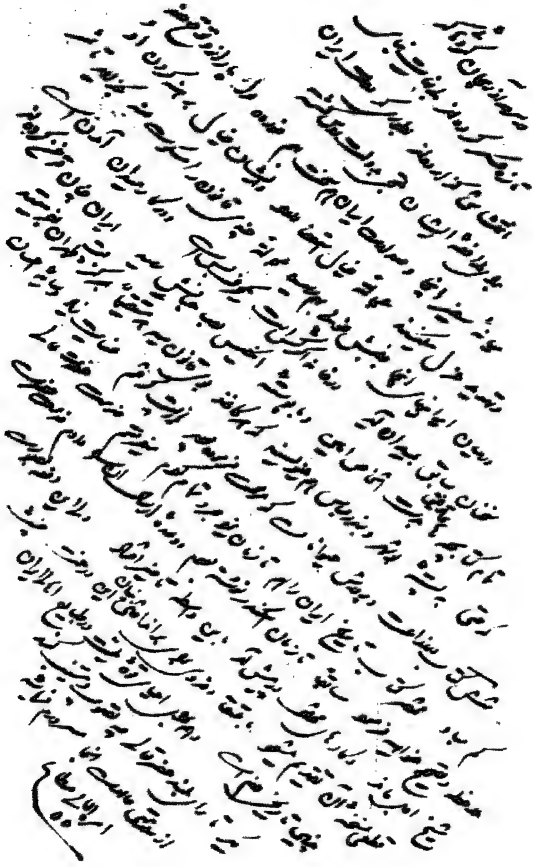

بقیه سند شمارهٔ ــ ۲۵

سند شمارهٔ ـ ۲۶

بقیه سند شمارهٔ ـ ۲۷

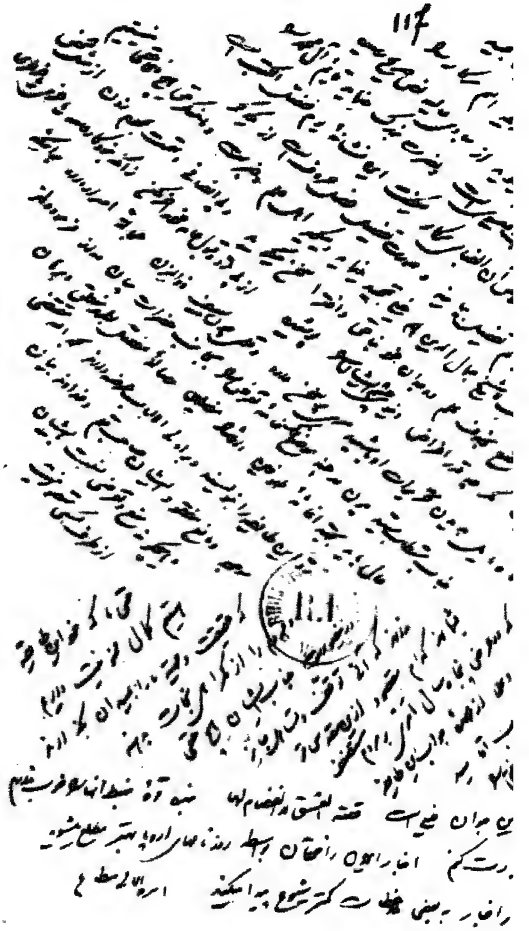

بقیه سند شمارهٔ ـ ۲۷

۲۵ ذی حجه
75
ارجمند اسلامبول

قربان حضرت شم دستخط مبارک حضرت عالی را دیروز از پسته گرفتم

عذر تأخیر در عریضه نگاری را چند روز قبل عرض نموده‌ام که بواسطه ابتدای بانفلوانزه بود

که هنوز هم بالمره رفع نشده

چون مهما امکن نمیخواهم جز خودم کسی این گونه مکاتیب را به پست بدهد یا از پست بگیرد

باین واسطه در عرض تأخیر افتاد

وصول کتابهای خط جدید و گلستان را چنین [illegible] که نوشته‌ام اگر غفلت و خاموشی شده

علت آن نیز همان ناخوشی است که خیلی بآسایشم فعل رسانید

دیگر غیر ازین نعره اسباب ناگواری بحمدالله ظهور نکرده و امور کماکان بر حال خویش است

چند شب قبل ازین بتوسط یکی از آشنایان مشیر نبطیه اسلامبول پیغام فرستاده بود که بعد از بگوئید

آسوده باشد نجوت من القوم الظالمین

اختر را بواسطه جواب رد که بر ورقه صاحبان کمپانی لاتری نوشته بود از طهران

صدراعظم پانصد تومان انعام داد معلوم است که بحضرات خیلی تأثیر نموده که برای اطفای

نایره غل خود باین چیزها متمسک میشوند و دواج بشغال میدهند

آن ورقه را از ایران خواسته‌ام باید همین روزها برسد

حضرت شیخ الرئیس در بمبئی خانه سلطان محمد شاه بغیره مرحوم آقا خان محمدتی مهمان است

از آنجا خیال رفتن بعتبات داشته است

سفیر اینجا مدتهاست از نظر اعلیحضرت همایون شاهنشاه خلافت پناه افتاده و محل اقتضا نیست

ولی تنها صدراعظم ازو رعایت و حمایت میکند آنهم بهمان ملاحظاتی که سابقاً عرض شد

جناب مشیرالدوله در طهران خیلی بحالت خلوک میگذرانند

حضرت شیخ در خانه خود باستقلال نشسته و چند نفر نوکر گرفته از صبح تا شام

به پذیرائی مردم مختلف از هندی و تازی و افغان و مصری و ایرانی و ترک و سودانی

مشغول [illegible]

اعلان‌ها و اعلامیه‌های دورهٔ قاجار

از

محمدرحیم رضوانی

(دکتر در تاریخ ـ دانشیار دانشگاه تهران)

یادداشت مجله

ازمسائلی که‌درتاریخ اجتماعی یك کشورمی‌تواند موردتحقیق وبررسی‌مخصوص‌قرار گیرد، موضوع انتشار آگهی‌ها و نحوهٔ ارائه آنهاست که خود نکاتی از مسائل اجتماعی‌یك جامعه راروشن میسازد وبهمین سبب‌میتوان آنها راجزو اسناد تاریخی محسوب داشت .

همانگونه که‌ازاسنادتاریخی‌اگربطرزی‌اصولی‌و علمی‌جمع آوری‌وبررسی شوند،مسائل‌ونکاتی‌بسیارمانند طرزمکاتبات وترتیب‌ثبت‌وضبط‌نامه‌ها واحکام‌ودستورات اصطلاحات اداری ، دیوانی ، سیاسی ، اجتماعی‌ومالی و تحول‌آنها در دوره‌های مختلف ، وضع طبقات اجتماع و اصناف واماکن عمومی ، نکات جغرافیائی تطور وتکامل خط و فن نویسندگی و انشاء و بالاخره اقسام مهرها و طغراها ودستخط ها و کیفیت تهیه آنها معلوم و مشخص میگردد ، ازمطالعهٔ آگهی‌های هردوره‌هم بوضع اجتماعی وبمسائلی که مورد توجه خاص عامه بوده‌است وبسیاست اداری وحکومتی دولت ، بوسعت و کیفیت تلاشهای‌مردم

نکته دوم آنکه کلیشه‌ها و گراورهائی که در اینجا از نظر خوانندگان میگذرد برای آنکه اصالت آنها بیشتر محفوظ بماند بهمان اندازه و قطع اصلی آنها بچاپ رسیده است.

سوم آنکه همانگونه که آقای دکتر رضوانی در پایان شرحی که بعنوان مقدمه براعلان‌ها نوشته و خواستار شده‌اند، مانیز از خوانندگان این مجله و محققان و کسانی که مجموعه و یا نمونه‌هائی از «اعلان‌ها و اعلامیه‌های چاپ شده مربوط بدورهٔ قاجاریه دارند بشرط آنکه در اینجا به چاپ نرسیده باشد، تقاضا میکنیم برای کمك بروشن شدن مسائل فراموش شده و نکات تاریك تاریخ ایران فتو کپی خوانا و یا عکس آنها را بدفتر مجله ارسال فرمایند و یا اصل آنها را برای عکسبرداری در اختیار مجله بگذارند تا بنام خود ایشان بچاپ برسد و مجله بررسیهای تاریخی از این بابت نهایت سپاسگزار خواهد بود.

سرهنگ جهانگیر قائم مقامی

وطبقات مختلف جامعه که برای بدست آوردن هدفهای خودبکاربرده‌اند، بوضع صنعت‌چاپ‌وفن گراورو کلیشه‌سازی، بالاخره‌به‌ذوق وسلیقه مردم درنحوهٔ‌ارائه‌آگهیها وبرخی نکات دیگر میتوان‌آشنا و واقف شد. از این رو مجلهٔ بررسیهای تاریخی بااطلاع ازوجود مجموعهٔ‌نفیسی از «اعلانها واعلامیه های» دورهٔ قاجار وبخصوص زمان مشروطیت که دوست وهمکار گرامی ماآقای دکترمحمد اسماعیل رضوانی دانشیار دانشگاه تهران باصرف وقت و تلاش وهزینه بسیاربرای خود فراهم نموده‌اند، درصدد برآمد به‌نشراین‌اسناد اقدام کند و در نتیجه از ایشان خواهش شد بخشی از مجموعهٔ خود را برای درج در مجلهٔ بررسی‌های تاریخی اختصاص دهند و اینك با حق شناسی از معظم‌له، بدرج قسمتی از آن مجموعهٔ گرانبهامی‌پردازیم ودرپایان آن نیزچند فقره‌ازاعلانهای دیگرتاریخی که درمجموعهٔ‌آقای دکتر رضوانی موجود نیست و آنهاراجناب آقای‌حسنعلی غفاری‌معاون‌الدوله‌با محبت تمام‌از مجموعهٔ‌اسناد خانوادگی خود در اختیار مجله بررسی های تاریخی قرار داده‌اند، برای تکمیل مبحث آقای دکتر رضوانی‌اضافه‌مینمائیم. و ازاین بابت، اداره مجله از آقایان دکتر رضوانی و جناب آقای معاون‌الدوله غفاری صمیمانه سپاسگزارست. و اما، در اینجا یادآوری‌سه نکته نیزلازم بنظرمی‌آید:

یکی آنکه چون اصل این‌آگهی‌ها که‌عکس‌آنها دراین‌شماره‌ازمجله بچاپ میرسد، جز یکی دوتا، کلا با حروف‌سربی معمولی‌چاپ‌شده‌است دیگردرنقل‌ورونویس کردن وچاپ مجدد متن‌آنها لزومی دیده نشد.

اعلان‌ها و اعلامیه‌های دورهٔ قاجار

از

محمد اسماعیل رضوانی

(دکتر در تاریخ ـ دانشیار دانشگاه تهران)

از روزی که چاپخانه در ایران تأسیس شد، دولت و حکام، نیت‌ها و فرمانهای خود و مطالبی را که نشر آن لازم می‌نمود به وسیلهٔ «اعـلان» یا در اصطلاح امروز «آگهی» به اطلاع مردم می‌رسانیدند.

از این ببعد سنت «منادی کردن» و «جارزدن» از میان رفت و «منادی گر» و «جارچی» جای خود را به حروفچینان مطبعه و پخش کنندگان اعلان‌ها داد.

در آغاز کار و بخصوص در سالهای اول پـادشاهی ناصرـ الدین‌شاه (۱۲٦٤-۱۳۱۳ هـ ق) به‌اعلان، «اشتهارنامه» میگفتند و من نمیدانم چرا عنوان اشتهار نامه را بر گزیده بودند و چرا

۱۳۱۳ هجری قمری یعنی چند روزی پیش از کشته شدن ناصرالدین شاه (۱۷ذی قعده)است و آن‌متن‌فرمانیست که ناصرالدین‌شاه‌به‌مناسبت پنجاهمین سال سلطنت خوددرمورد معافیت مالیاتهائی که درآن روز گارازنان‌و گوشت می گرفتند صادرنموده بود.

این اعلان ، اگرچه باید در مبحث فرمانهای دورهٔ قاجار مورد بررسی قرار گیرد ولی چون بصورت اعلان چاپ و منتشر شده است آنرا و همچنین فرمان دیگری را از مظفرالدین‌شاه که آن‌نیز درهمین زمینه و بهمین شکل انتشار یافته است در این مبحث می‌آوریم .

این فرمان و یااعلان ، قطع نظر موضوع آن که خود گوشه‌ای از وضع اجتماعی ایران دراوائل قرن‌چهاردهم قمری را روشن می کند ، از نظر سبك نگارش ، هنر خطاطی و نحوهٔ چاپ و همچنین فن گراوور و کلیشه سازی در آن روزها اهمیت بسیار دارد (شماره۱)

چندروز پس‌ازانتشاراین اعلان چنانکه گفته شد ناصرالدین شاه‌درحرم حضرت عبدالعظیم به‌قتل رسید و پس‌ازآن مظفرالدین‌شاه برجای‌پدرنشست. شاه جدید نیزدستور پدررا محترم شمرد وباهمان‌سبك وباهمان روش‌اعلانی انتشار داد که از نظرصورت ظاهر فقط سجع مهر آن تغییر کرده‌است به این معنی که سجع مهر آگهی نخستین این‌است:

«الملك‌لله‌تعالی:تا که‌دست‌ناصرالدین‌خاتم‌شاهی گرفت صیت‌دادومعدلت ازماه تاماهی گرفت» وسجع‌مهرمظفرالدین‌شاه چنین‌است:

«الملك‌لله ، گرفت خاتم‌شاهی مظفرالدین شاه دمید کوکب فتح و ظفر بعون‌الله» (شماره۲)

بدیهی‌است که‌ازنظرهنرخطاطی این‌دوآگهی باهم‌قابل‌قیاس نیست‌وخط آگهی ناصرالدین شاه به مراتب زیباتر و عالی‌ترازخط آن‌دیگرآگهی‌است و امااز اعلان دیگری که موجوداست (شماره ۳) چنین بنظر می‌رسد قبل از آنکه مظفرالدین شاه از تبریز به تهران بیاید میرزا علی اصغرخان اتابك

بعدها این عنوان تبدیل به‌اعلان گردید ولی بهرحال من درطی‌سالهاجستجو، مجموعهٔ نسبتاً جالبی از اعلانهای دولتی وملی در عهد قاجاریه و در انقلاب مشروطیت فراهم کرده‌ام که برای بررسی‌تاریخ دورهٔ قاجاریه، خودازبسیاری جهات مفید فایده میتواندبود. ردراین‌جا نظرم این‌است که ازمیـان مجموعهٔ مزبور قسمتی ازاعلانهائی را که برای تاریخ معاصر ایران مفید میباشد، در مجلهٔ گرانبهای بررسیهای تاریخی که براستی درجاودان ساختن‌اسناد تاریخ ایران ازبذل هیچگونه جهدی دریغ نمی‌ورزد پایدارسازم.

آنهائی که درکار جمع‌آوری اینگونه اوراق واسناد هستند میدانند که اولا تاچه‌اندازه این اوراق کمیاب وتعدادی ازآنها نیز نایاب شده وتاچه‌حد در معرض تندباد حادثه قرار دارد و در نتیجه انتشار آنها چقدر ضروری و مفید است.

در سلسله مقالاتیکه درتاریخ روزنامه‌نگاری ازنگارنده درهمین‌مجله انتشاریافته متن دواشتهارنامه کلیشه شده وبنابراین دراین نوشته‌راجع بـه اشتهارنامه تجدید مطلع نمی کنم ودنبالهٔ‌کارامی گیرم[1]

اما آنچه که ازمطالعه اعلانهای موجود استنباط میشود این است که در پادشاهی ناصرالدین‌شاه ودرسالهای‌اول سلطنت‌مظفرالدین‌شاه اعلانهای‌دولتی باچاپ سنگی وباخطزیبا چه نستعلیق وچه‌نسخ وچه شکسته چاپ می‌شده واز اواسط پادشاهی مظفرالـدین‌شاه وبخصوص درسالهای انقلاب که مردم و مدارس وانجمن‌ها وشرکتهای تجارتی به انتشارآگهی پرداختند تقریباً تمام اعلانها باچاپ سربی انتشار می‌یافته‌است و در انتشار این مجموعه که بنظر خوانندگان گرامی میرسد سعی‌شده چنان نظمی‌برقرار گردد که خواننده‌در عین حال که برمندرجات آن واقف می‌شود، سیر تحول انتشاراعلان‌هارانیز دریابد.

قدیمترین اعلانی که بالفعل در دست‌است مربوط به‌اول‌ماه ذی‌قعدهٔ‌سال

۱ــ ر.ك به‌شمارهٔ ۱ سال دوم اردیبهشت ۱۳٤٦ صفحه ۲۲۷

کس میتوانست نیات قلبی وعقاید خاص خود را وسیلهٔ اعلامیه،اعلان ورساله در چاپخانه‌ها چاپ ومنتشر سازد. چنانکه مدارس، انجمن‌ها، روزنامه‌ها، جمعیتها و هر کس حالی وروزگاری وذوقی واستعدادی داشت به‌چاپ اعلامیه،اعلان ونوشته‌های یك یا چند صفحه‌ای بدون‌عنوان ونام مبادرت می‌جست . این نوشته های گوناگون اگر چه حکایت از یك هرج و مرج و نابسامانی و بی‌نظمی می کند اما درعین حال هیجان واضطراب و کوشش وجنبش مردم‌را درراه وصول به‌آزادی نشان می‌دهد.

اعلامیه‌ها و اعلانهائی که دراین زمان انتشار یافته‌است و دراین‌مجموعه بنظرخوانندگان میرسد به‌چهار دسته تقسیم می‌شود.

الف ــ اعلامیه ها واعلان‌هائیکه مربوط بسال ۱۳۲٤ هجری قمری ، سالی که انقلاب به‌اوج خود رسیده بود می‌باشد و در رأس آن اعلانی است که نطق مظفرالدین شاه درگشایش مجلس اول و درآن چاپ شده و اهمیت آن بر کسی پوشیده‌نیست (شماره ۷).

پس ازآن پنج اعلامیه واعلان درمسائل مختلف مربوط به‌انقلاب آورده میشود که خواننده پس از مطالعه آنها بموضوع ومطلب‌آن پی خواهد برد (شماره‌های ۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲) .

ب ــ دسته دوم اعلامیه‌ها و اعلانهائی است که در سال ۱۳۲۵ هجری قمری انتشار یافته که از میان آنها هفت نمونه انتخاب کرده و در معرض مطالعه‌خوانندگان گرامی‌قرارمی‌دهدوهمگی‌حاکی‌ازمخالفت اولیاء دولت با مشروطیت است وتلاش علما و مردم برای مقابله با این مخالفت‌ها می‌باشد (شماره‌های ۱۳ــ۱٤ــ۱۵-۱٦-۱۷-۱۸-۱۹).

ج ـ دسته سوم اعلانهائی که پس ازانحلال‌مجلس وبه‌توپ بستن‌آن صادر شده‌است.

محمد علیشاه در این اعلانهاعلل انحلال مجلس را توجیه کرده و سپس بوسیله‌صدوراعلانهای پیاپی‌درصددجلب دلهای مردم وانقلابیون برآمده‌است

صدراعظم جریان معافی مالیات نان و گوشت را تلگرافی به شاه جدید اطلاع داده و تقاضا کرده بود که مظفرالدین شاه نیز پیش از حرکت خود بسوی تهران برای تحبیب مردم ، بالغو این مالیات موافقت نماید و اعلان شماره۳ و همین اعلان است که تاریخ انتشار آن پیش از اعلان شمارهٔ ۲ میباشد و بدینترتیب چون مظفرالدین شاه به پایتخت رسیده است مانند پدر فرمانی رسمی مبنی برمعافیت مالیات نان و گوشت صادر نمود . (اعلان شمارهٔ ۲) .

اعلان شمارهٔ ٤ مربوط به جلوگیری از احتکار غله و گندم که یکی از بلاهای گرانی و نایابی نان در آن روزگار بوده میباشد و این اعلان بتاریخ ۱۳۱۷ قمری منتشر شده است و پیداست بدنبال واقعه کمیابی و گرانی نان در سال ۱۳۱٦ بوده است که شرح مبسوط آنرا درمقاله «چندسند دربارهٔ گرانی سال ۱۳۱٦ قمری در تهران» بقلم سرهنگ دکتر جهانگیر قائم‌مقامی باید خواند[۲] و چون چهار اعلان مزبور درفوق مربوط به مسأله نان و گوشت است بدرج یك اعلان دیگر که از طرف «اداره بلدیه تهران» یعنی شهرداری پایتخت در سال ۱۳۲۳ هجری قمری که سال آغاز انقلاب مشروطیت است منتشر شده است نیز مبادرات می‌ورزد (شماره ٥)

در میان اعلانهای این زمان اعلانی است مربوط به مسافرینی که در راه تهران به گیلان رفت و آمد می کرده‌اند و بایستی حق‌العبور یا حق راهداری می‌پرداختند. مضمون این اعلان بخوبی نشان میدهد که مردم درعبور از این راه باچه مشکلاتی روبرو بوده‌اند (شماره ٦)

نکته بارزی که ازاین اعلانها برمی‌آید مقدمتاً این است که انتشار آگهی در سالهای پیش از مشروطیت از اختیارات دولت بوده است. و اما اعلان در عهد انقلاب :

درانقلاب مشروطیت انتشار اعلان و آگهی انحصار بدولت نداشت و هر

۲- ر.ك به مجلهٔ یغما شمارهٔ ۲ سال هفدهم ، اردی بهشت ۱۳٤۳ وهمچنین به کتاب «یکصد وپنجاه سند تاریخی از جلایریان تاپهلوی » تألیف سرهنگ دکتر جهانگیر قائم‌مقامی از ص۳٥٥ تا ص ۳٦۷ رجوع نمائید.

که‌در آن میان اعلامیه‌ای است دایر بر حرمت مشروطیت و جالب‌تـر از آن اعلانی است که به «عموم زوار ومسافـرین عتبات عالیات» را اجازه داده‌است که‌به‌آستان‌عرض‌نشان‌ائمه انام»تشرف‌حاصل کنند(شماره‌های۲۰-۲۱-۲۲-۲۳ ۲٤-۲٥).

د - دستهٔ چهارم اعلانهائی است مربوط به‌زمانی که محمـد علی شاه در برابر مجاهدین مشروطیت خود را شکست خورده می‌دیـد ولذا پی در پی اعلانهائی مبنی بر وعده بر افتتاح مجدد مجلس و استقرار رژیم دمکراسی انتشار میداد که متأسفانه بیش ازسه اعلان ازاین دسته در دست ندارم که‌دو تای آنرا محمد علی‌شاه و یکی را سعدالدوله صادر کرده است (شماره‌های ۲٦-۲۷- ۲۸)

درپایان ازیك توضیح واضح ناچار هستم وآن اینکه اعلانهای دولتی و ملی ، در این روزگار منحصر به‌اینهائی که در اینجا آورده شده نیست بلکه صدها اعلامیه و اعلان دیگر وجود دارد که من وبسیاری ازخـوانندگان از آنها بی‌خبرمانده‌ایم وبعلاوه‌درمجموعه خود نگارنده ، اعلانهای دیگری‌نیز هست که انتشار آنها را در اینجا لازم نمی‌داند و همچنین تعداد بسیاری نیز قطعاً بدست نابود کنندهٔ روزگارازمیان رفته است که ازآنها اطلاعی‌نداریم‌و بهمین مناسبت ازخوانندگان‌ارجمند تمنی داردا گرازاین‌اعلانهاوآگهی‌هادر دست‌دارند برای روشن شدن‌تاریخ ایران‌آنرا در همین مجله جاودان سازند یا جهت نگارنده به‌آدرس همین‌مجله ارسال‌فرمایند تابنام‌آنان تنظیم‌شود و بچاپ برسد .

اینك اعلانهاواعلامیه‌ها که‌بصورت‌اصلی‌ازنظرخوانندگان‌محترم‌میگذرد

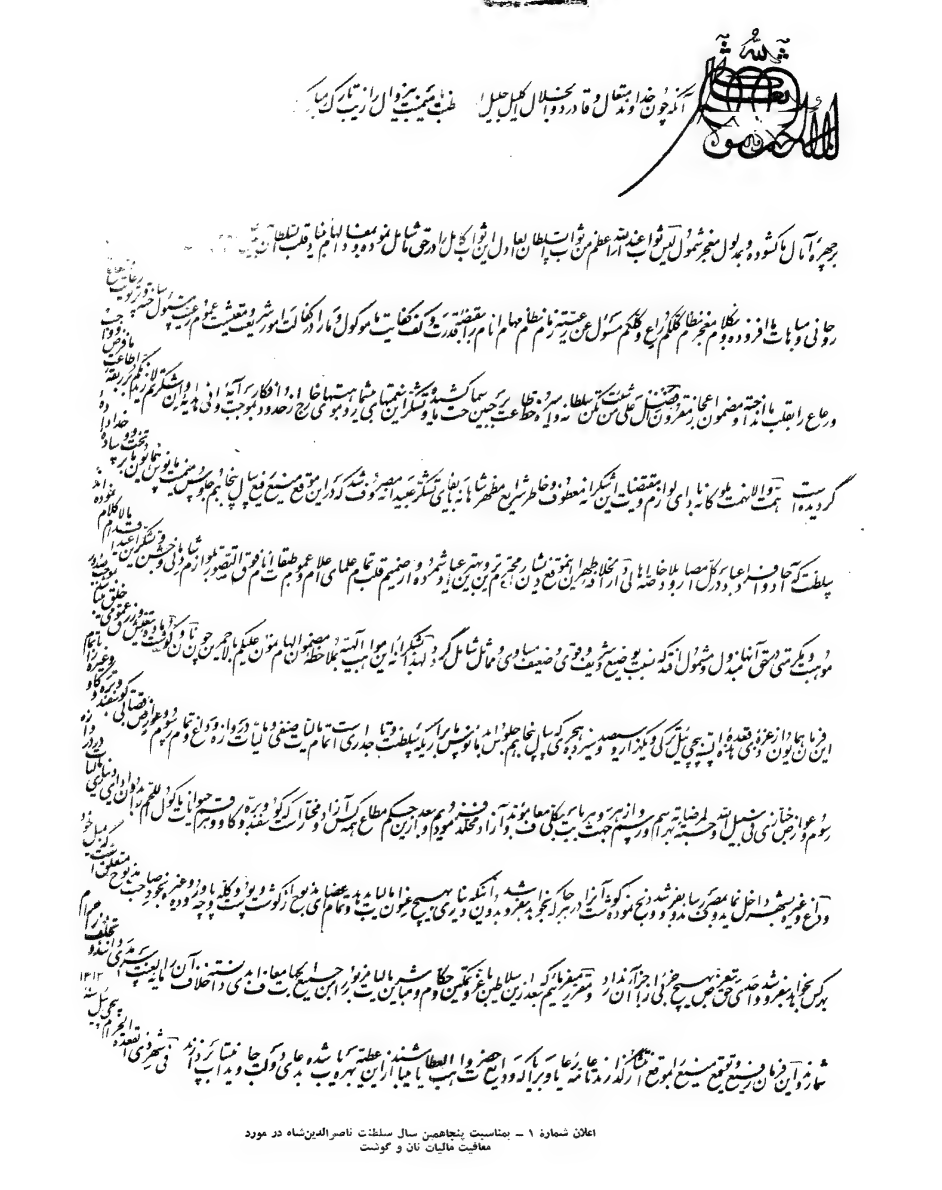

اعلان شماره ۱ ــ بمناسبت پنجاهمین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه در مورد معافیت مالیات نان و گوشت

که در آن میان اعلامیه‌ای است دایر بر حرمت مشروطیت و جالب
اعلانی است که به «عموم زوار و مسافرین عتبات عالیات» را اجاز
که به آستان عرض نشان ائمه ایام، تشرف حاصل کنند (شماره‌های ۲۰-۱
۲۴-۲۵)

د - دستهٔ چهارم اعلانهائی است مربوط به زمانی که محمد ع
برابر مجاهدین مشروطیت خود را شکست خورده می‌دید و لذ
اعلانهائی مبنی بر وعده بر افتتاح مجدد مجلس و استقرار رژیم
انتشار میداد که متأسفانه بیش از سه اعلان از این دسته در دست
پای آنرا محمد علی‌شاه و یکی را سعدالدوله صادر کرده است
۲٦-۲۷-۲۸)

در پایان از یک توضیح واضح ناچار هستم و آن اینکه اعلانها
ملی، در این روزگار منحصر به اینهائی که در اینجا آورده شده
صدها اعلامیه و اعلان دیگر وجود دارد که من و بسیاری از خو
آنها بی‌خبر مانده‌ایم و بعلاوه در مجموعه خود نگذرانده. اعلانهای
هست که انتشار آنها را در اینجا لازم نمی‌داند و همچنین تعداد
قطعه بدست نبود کشیدهٔ روزگار از میان رفته است که از آنها اما
همین مناسبت از خوانندگان ارجمند نمی‌دارد اگر از این اعلانها
دست دارند برای روشن شدن تاریخ ایران آنرا در همین مجله چ
با جهت نگذرانده به آدرس همین مجله ارسال فرمایند تا بنام آنان
بچاپ برسد

اینک اعلانها و اعلامیه‌ها که بصورت اصلی از نظر خوانندگان ع

نظر بقول کلام نظام خلقه عظیم [illegible] ... علیه که فرمانفرمای سلطان ... [illegible]

[illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

اعلان دولتی

در باب معافی مالیات نان و گوشت جناب مستطاب اشرف امجد اکرم صدر اعظم عریضه تلگرافی بخاکپای مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا و روح العالمین فداه بر آذر بایجان معروض داشته بودند دستخط تلگرافی مبارک که در جواب شرف صدور یافته است محض اطلاع عموم اهالی دار الخلافه در ذیل این اعلان عین ثبت و نگارش میشود و فرامین شاه شهید انار الله برهانه هم در روز جمعه تقسیم و منتشر خواهد شد

(سواد دستخط تلگرافی همایون)

جناب اشرف صدر اعظم تلگراف جناب شما را در باب معافی مالیات قصابخانه و خبازخانه ملاحظه فرمودیم و مقرر میفرمائیم همانطور که شاه شهید نور الله مضجعه در باب معافی مالیات قصابخانه و خبازخانه طهران امر و مقرر فرموده بودند و فرمان مبارک صادر و چند قطعه دستک متضمن مدلول فرمان ساخته شد فرار بدهید دستکها را در خود طهران بنقاط معینه نصب و فرامین را بمحلهای لازم ابلاغ نمایند

اعلان دولتی

بر حسب امر قدر قدر جهانمطاع همایون شاهنشاهی روحنا فداه بتمام اهالی دار الخلافه باهره
طهران بدون استثنا اعلام و اعلان میشود از تاریخ انتشار این اعلان که پنجم شهر رجب المرجب است
لغایت پنجم ماه شعبان المعظم هر کس از عالی و دانی و اعیان و اشراف و طبقات اصناف از دلال
و انباردار و علاف و غیرهم آنچه غله و گندم در انبارها و زاویه‌ها احتکار کرده باشند
باید بمیان میدان یا هر محلی دیگر که دسترس بفروش دارند آورده بریزند و بنرخ معمول و قیمت عادله
روز بفروشند و هرگاه پس از انقضای مدت یکماه معلوم شود که احدی غله انبار خود را بمیدان
و معرض فروش نیاورده و از حکم دولت تمرد و تجافی کرده است بموجب صورت صحیحی که بدست
آمده و بر امنای دولت و کارگذاران حکومت جلیله معلوم شده است که در کجاها غله ذخیره
و حبس و احتکار گردیده با کمال سختی و بدون هیچ ملاحظه و مراعات احدی انبارها و
زاویه‌ها را شکافته و هر قدر غله یافت شود بیرون ریخته بهر قیمتی که صلاح دانند
خواهند فروخت اشخاصی که وابسته و جمعیت نانخور دارند که در خانه خود نان
میپزند یا خمیر کرده ببازار برده میپزند اذن و اجازه دارند که فقط تا مقدار
ده خروار آرد برای مصرف خانه خودشان نگاهدارند و زاید از آن هر چه داشته
باشند از آرد و گندم باید تماما را بیرون آورده بفروشند تا مورد مؤاخذه
و مجازات و خسران نگردند

پنجم شهر رجب المرجب ۱۳۱۷

اعلان شماره ٤ ـ اخطار به احتکارکنندگان غلات

اعلان

بعموم اهالی دار الخلافهٔ طهران
اظهار میدارد
از غرّه شهر صفر المظفّر ۱۳۲۳
بر حسب امر مبارک گوشت را در
ظرف سال در چهار فصل بچهار
قیمت بدون کم و کسر ابتیاع نمایند

سه ماه بهار یکهزار و چهار صد دینار	سه ماه تابستان یکهزار دینار
سه ماه پائیز یکهزار و دویست دینار	سه ماه زمستان یکهزار و ششصد دینار

اگر احدی از قصاب از این
قیمت تجاوز نماید فورا به اداره
بلدیه اطلاع بدهند

اعتماد السلطنه

دار الطباعهٔ «فاروس» طهران

اعلان شمارهٔ ۵ ــ در مورد نرخ گوشت

اعلان

چون بعضی از مکاریها در موقع ذهاب و ایاب از راه شوسهٔ
گیلان وجه نقدی ندارند از بابت راهداری اسباب خود را در
راهدارخانه گرو گذاشته دیگر بسراغ اسباب خود نرفته مبلغی
خسارت متوجه ادارهٔ راه شوسه شده است لهذا برای رفع این
گفتگو و اصلاح این مسئله مقرر است که هر یک از مکاریها برای حق العبور
اسبابی در راهدارخانه رهن بگذارند تکلیف مباشرین این است
که یک ده نیم اسبابها را کمتر قیمت نموده اگر صاحبان اسباب قبل از
بیست روز بسراغ اسباب خود بروند حق المرور را داده عین اسباب
خود را دریافت دارند اگر تا چهار ماه طول کشید یک ده
نیم اضافه بر حق المرور داده اسبابها را بگیرند و
الا مباشرین حق دارند بعد از چهار ماه اسبابها را
از بابت حق راهداری
خود بردارند

اعلان شمارهٔ ٦ — دربارهٔ پرداخت حق عبور در راه گیلان

نطق مقدس بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنا فداه

در موقع افتتاح مجلس ملی در یکشنبه ۱۸ شعبان ۱۳۲۴

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت خدایرا که آنچه سالها درنظر داشتیم امروز بعون الله تعالی از قوه بفعل آمد وبانجام آن مقصود مهم بعنایات الهیه موفق شدیم زهی روز مبارك ومیمونی که روز افتتاح مجلس شورای ملی است مجلسی که رشته های امور دولتی ومملکتی را بهم مربوط ومتصل میدارد وعلایق مابین دولت وملت رامتین ومحکم میسازد مجلسی که مظهر افکار عامه واحتیاجات اهالی مملکت است مجلسی که نگهبان عدل وداد شخص همایون ماست درحفظ ودایعی که ذات واجب الوجود بکف کفایت ماسپرده امروز روزی است که برو داد واتحاد مابین دولت وملت افزوده میشود واساس امور دولت وملت برشالوده محکم گذارده میشود امروز روزی است که یقین داریم رؤسای محترم ملت ووزرای دولتخواه دولت وامنا واعیان وتجار وعموم رعایای صدیق مملکت در اجرای قوانین شرع انور وترتیب وتنظیم دوائر دولتی واجرای اصلاحات لازمه وتهیه اسباب ولوازم امنیت ورفاهیت قاطبه اهالی وطن مابکوشند وهیچ منظوری نداشته باشند جز مصالح دولت وملت ومنافع اهالی ومملکت والبته میدانید که نیت اساس مقدسی که بملاحظات شخصی مشوب ومختل نشود وباغراض نفسانی فاسد نگردد حالا بر انتخاب شدگان است که تکالیف خودرا چنانچه منظور نظر دولت وملت است انجام بدهند بدیهی است هیچکدام از شماها منتخبین انتخاب نشدید مگر بواسطهٔ تفوق ورجحانی که ازحیث اخلاق ومعلومات بر اغلب از مردم داشته اید وخود این نکته باعث اطمینان خاطر وقوت قلب ماست ورجاء واثق داریم که با کمال دانش وبینش وبیغرضی دراین جاده مقدس قدم خواهید زد وتکالیف خودرا باکمال صداقت ودرستی انجام خواهید داد ولی باوجود این چون قاطبه اهالی را مثل فرزندان خود دوست داریم ونیك وبد آنهارا نیك وبد خودمان میدانیم ودر خوشنودی ومسرت وغم والم آنها سهیم وشریکیم باز لازم است خاطر شماهارا باین نکته معطوف داریم که امروز نتیجه اعمال هرکدام از شماها فقط عاید به خودتان بوده وبس ولی ازامروز شامل حال هزاران نفوس است که شماهارا انتخاب کرده اند ومنتظرند که شماها با خلوص نیت وپاکی عقیدت بدولت وملت خود خدمت نمائید واز اموریکه باعث فساد است احتراز نمائید پس باید کاری بکنید که در پیش خدا مسئول ودر نزد ما شرمنده وخجل نباشید این بند ونصیحت ما را هیچوقت فراموش نکنید وآنی از مسئولیت بزرگی که برعهدهٔ گرفته اید غافل نباشید وبدانید که خداوند متعال ناظر حقیقی اعمال ماهااست وحافظ حق وحقانیت دست خدا همراه شما بروید مسئولیتی را که برعهده گرفته اید باصداقت ودرستی انجام بدهید وبفضل قادر متعال وتوجه ما مستظهر وامیدوار باشید

(در مطبعهٔ شرقی بطبع رسید)

اعلان شمارهٔ ۷ ـ متن نطق مظفرالدین‌شاه بمناسبت افتتاح مجلس شورای ملی

﴿ سواد دستخط مبارك همایونی ﴾

بتوسط ولیعهد باهالی مملکت آذربایجان تشکیل مجلس شورای ملی و نظامنامهٔ آن را بشما اجازه ومرحمت فرمودیم وکلای شهر تبریز و سایر ولایات بطهران بیایند وبه‌ترتیبات کارمشغول شوند وسبب بعموم متحصنین قونسولگری انگلیس عفو عمومی شامل خواهد شد

﴿ سواد دستخط مبارك حضرت اقدس والا ﴾

اولا ازطرف قرین الشرف بندگان اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه و از طرف خودم باین اشخاص که در قونسولخانه و مسجد متحصن هستند اطمینان میدهم که دربارهٔ آنها عفو عمومی خواهد شد ومطلقا دراذای این اقدامات آنهامزاحمتی از طرف حکومت و غیره نخواهدشد

دویم مجلس شورای ملی‌را بطوریکه بندگان اعلی حضرت اقدس همایونی بملت اعطاو مرحمت کرده من هم تصدیق دارم و اجراخواهم نمود وبولایت خروهم اعلام‌خواهد شد

سیم برای اعطاء مجلس شورای ملی که اساس آبادانی ثروت و ترقی دولت وملت‌است عموم رعیت چه در شهر تبریز چه در ولایات مملکت آذربایجان چراغان نکنند

چهارم در بعض انتخاب وکلا هم بزودی قراری بدهند که وکلای تبریز و سایر ولایات معین شده راوانهٔ طهران شوند

دستخط حضرت ولیعهد

این چهار فصل که نوشته شده است صحیح است

پنجشنبه ۸ شعبان ۱۳۲٤

﴿ ازمصلحت گذار دولت انگلیس بقونسولگری تبریز ﴾

صدراعظم باینجانب اطلاع داد نسخه‌های چاپی دستخط اعلاحضرت همایونی دراعطاء مشروطیت و ترتیبات مجلس بامنای آذربایجان و حکام ولایات فرستاده شد وانتخاب وکلاء درموقع اجراست شما هم باید پناهندگان و بستی‌هارا اطلاع بدهید وتوضیح نمائید اجرای وعدهای اعلیحضرت شهریاری فقط مربوط بدولت ایران است ضمانت سایر دول درآن باب‌جایز نیست بگوئید مسلم و آشکار است ترتیب مجلس ملی ممکن نیست مگر بمرور

امضا

قراندوف

﴿ دستخط مبارك حضرت اقدس بجنرال قونسول انگلیس ﴾

مسیو راتسلاو چهار فقره‌را که اهالی استدعا کرده بودند بر طبق مقررات‌علیه همایونی مهر و امضا نموده دادم دستخط تلگرافی را هم فرستادم که باهالی داده همگی مطلع وشکر گذار باشند بطوریکه آنها تعهد کرده‌اند مطمئنا بروند و بازار را بازکرده مشغول کسب وکار خودشان باشند

امضا

﴿ ولیعهد دولت علیه ایران ﴾

اعلان شمارهٔ ۸ — سواد دستخط مظفرالدین شاه ومحمدعلی‌میرزا ولیعهد

(سواد تعلیقه حضرت مستطاب آقای حجة الاسلام و المسلمین آیة الله العظمی)

(فی الارضین آقای حاجی میرزا حسین متع الله المسلمین بطول بقائه است که)

(بعنوان حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای)

(آقا سید جمال الدین افجه دامت برکاته مرقوم فرمودند)

بعرض عالی میرساند رجاء از حضرت باری جل وعلا آنکه وجود شریف را که حامی اسلام است از کافهٔ الام واسقام مصون و محروس بدارد ولازال در ترویج شرع انور موفق ومنصور بوده باشید چند هفته است تعلیقه از طرف سرکار نرسیده است انشاالله رفع کسالت شده و مستقبل را بر خلاف ماضی در ارسال رقیمه جات معمول فرمائید وبحمدالله والمنه اخبارات و رقیمه جات از طهران وسایر بلاد مشعر بر تشکر از ذات مقدس اعلیحضرت شهریاری خلدالله ملکه واز اهتمامات اعلیحضرت همایونی در انعقاد مجلس شورای ملی و اجرای احکام بمجلس محترم که در واقع اجرا احکام الله است متواتراً میرسد امیدواست بعون الله تعالی که علماء اعلام کثرالله امثالهم وتجار ذوالعز والاحترام ووکلاء محترم بمعاونت امام عصر عجل الله تعالی فرجه و بمراقبت و همراهی دولت ابد مدت وقت را غنیمت دانسته دامن همت بمیان بندند واین اساس را برایشان بنیان محکم استوار نمایند (حتی ان یملأ الله الارض قسطاً وعدلا کما ملئت ظلماً وجوراً اولئک لهم الخیرات واولئک هم المفلحون) وپس از این عنایت خاص کبری از طرف حضرت اقدس شاهنشاهی بر عموم مسلمانان ورعایا لازم میآید که بعدها حکام جور را بهیچ وجه در عهده نشناسند وخود ظلم بنفس خود ننمایند چنانچه خدای نخواسته ظلمی بر آنها وارد آید بتوسط علماء اعلام مدظلهم ووکلاء محترم بحضور مهر ظهور حضرت شهریاری ادام الله سلطنته ظلم وتعدیات وارده را عرضه بدارند که مبنای آن مظهر عدل وانصاف بر رفع ظلم وتعدیات خواهد بود والبته ید ظالم را کوتاه خواهد فرمود باری سلام این حقیر خدمت آقایان عظام دامت برکاتهم برسانید خصوصاً خدمت جناب مستطاب عمدة العلماء العاملین ناصر الملة والدین محیی شریعة سید المرسلین غوث المسلمین آقای آقا سید عبدالله دامت برکاته وخدمت جناب مستطاب شریعتمدار عمدة العلماء الاعلام وسید الفقهاء الکرام ملاذ الاسلام آقای آقا میرزا سید محمد دامت برکاته وبگوئید ﴿ ان تنصروا الله ینصرکم ﴾ بر حسب لزوم باین چند کلمه مصدع شدم انشاالله تعالی بعدها رقعه بعنوان تبریک بر تشیید بمجلس محترم نوشته خواهد شد فعلا زیاده بر این مجال نبود ان فی ذلک لذکری لمن کان له قلب والقی السمع وهو شهید والحمد لله الذی جعلکم ممن ینصر لدینه والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته الراجی الی عفو ربه الجلیل نجل المرحوم الحاج میرزا خلیل قدس سره بتاریخ ۲۴ شهر ذی الحجة الحرام

﴿ در مطبعه شرقی بطبع رسید ﴾ ﴿ بمباشرت اقل السادات ابو الحسن الحسینی ﴾

اعلان شمارهٔ ۹ ـ نامه حجة الاسلام میرزا حسین به حجة الاسلام سید جمال الدین افجه

دستخط همایون اقدس اعلی ... مشروطیت ایران

برکافهٔ هوشمندان دل آگاه صحیفهٔ عالم عموماً و مرصوصهٔ ... بصیرما خصوصاً پوشیده ومستورنیست ومکرر گفته ایم که امضای اصول قوانین سیاسی ... شاهنشاه مبرور ... برهانه از برکت انفاس مقدسه وتوجهات کاملهٔ این شهریار عالیقدر و پدر ... رما حلد الله ملکه ودولته بود و همکان تصدیق دارند که این یادشاه جوان بخت ... روز که ... تمام تخت و ... مشکل ... جهت مصروف راحت خلق وآسایش رعیت وتشیید مبانی ... مقرر شده اند که (ولکلای ملت چرا کار نمیکنند ؟ وچرا مشغول تسویهٔ امور ... هم ...) همراهی کرده مفاسد ماضیه را اصلاح کنیم شاهد مدعا دستخط همایون است که برحسب ... حجج اسلام ومجلس شورای ملی درخصوص مشروطیت دولت وسلطنت قویهٔ ایران صادرشده وبرای کافهٔ ناس شرح آنرا ذیلا نگارش داده ونامهٔ مجلس را بدین زیور مزین ومطرز میسازیم زحمهٔ مردم بخواند ... سپس تصدیق کنند که این شهریارسعاد تمند رتبهٔ خودرا بالمباشره بطور ژاپون برابرساخته است ... چنانچه نگارندهٔ روزنامه (ثانوا) جناب مصطفی کامل پاشا که یکی ازاعاظم سیاسیون ملت اسلام است مقام مقدس این ... پادشاه را برابر ومساوی دانسته

اگرچه ترتیب نگارش ما برآن بود که این ملاحظات همپوشان ... درضمن مذاکرات مجلس شورای ملی درموقع خود نگارش آید ولی بملاحظهٔ اینکه مشترکین عظام درانتظار ژاپ ... تاسیس ... بکال سرعت دران ورقه درج ومنتشرساختیم نابملاحظهٔ آن چشم ودل را روشنی داده بقای ذات همیون ودوام سلطنت مسعوده را درخلدان مقدس ایشان از حضرتعالی مسئلت نموده بدانند که ازاین تاریخ ملت ... برآن داری شرف واعتبارات ... واعلیحضرت شاهنشاه مؤید و لا کهر درکشورخود شهریار خواهند بود ... این است سواد دستخط همایون خلدالله ملکه

جناب اشرف صدر اعظم ... سابق هم دستخط فرموده بودیم که نیات مقدسه مادر توجه باجرای اصول قوانین اساسی که امضای آنرا خودمان از شاهنشاه مرحوم ... برهانه گرفتیم بیش از این است که ملت بتواند تصور کند و این بدیهی است ازهمان روز که فرمان شاهنشاه ... برهانه شرف صدور یافت و تأسیس شورای ملی شد دولت ایران در عداد دول مشروطه صاحب کنسی ... بشمار میاید منتها ملاحظهٔ که دولت داشته این بوده است که قوانین لازمه برای انتظام وزارت خانها و دوایر حکومتی ومجلس ملی مطابق شرع محمدی تدوین نشده ان وقت بتوقع اجرا گذارده شود عین این دستخط مارا برای جنابان مستطابان حجج اسلام سلمهم الله تعالی و منتخبین شورای ملی ابلاغ نمائید ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۴

اعلان شمارهٔ ۱۰ ــ دستخط مظفرالدین شاه

(تلگرافات علماء نجف و شیراز و دستخط آقای آقا سید عبدالله دام برکاتهم)

(از نجف بطهران) — نمره ۷۰۲

بتوسط مجلس محترم عماد الاسلام آقا سید جعفر شیرازی و آقاشیخ محمد مساعدت بامجلس مقدس بر همه لازم تفصیل از قصر محمد کاظم الخراسانی

(ایضا از نجف بطهران) — ۲۸ جمادی الاولی

حجج اسلام با مجلس شورای ایران بی درنگ باید همراهی کرد حرفهای مخالفین مسموع نیست دعاویشان مزخرف الاحقر محمد کاظم الاخراسانی

(از شیمران بشهر)

بتوسط جناب مستطاب افصح للناطقین حاجی ملک المتکلمین سلمه الله تعالی جناب مستطاب آقای بهاء الواعظین سلمه الله تعالی شرح پیغامات و مطالب برادران خودم را نقل نمودند مخصوصا امروز باحضرت اشرف اتابک اعظم ملاقات کرده و لازمه اصرار را نمودم شهد الله تعالی لازمه همراهی و و اقدامات را حضرت معظم بعمل آورده و مشغول هستند و با کثرت مواضع برودی انشاالله تعالی تمام امور ثلاثه را انجام خواهند فرمود چنانچه خود داعی مساعی جمیله و مکاتیب داله بر این مطلب را نمودم لذا در کمال امید واری از تمام آقایان طلاب وغیرهم خواهش مقدم شماهم مردم را ارشاد فرمائید که امید است کار ها انجام بگیرد و بعضی قدامات هروقت انسان بخواهد موقع دارد عجالتا باید بعنوان همرهی باشخص اتابک اعظم کارها صورت داد عجالتا بعضی از معرضین در مقام مخاصمه با وزارت داخله شده اند و از حضرت عبدالعظیم ۴ پیغامات داده اند بعنوان اینکه با ما همراهی نمیکنید انصاف نیست که ماهارا مزاحمت نمائیم وایشان هم بی فرصت کنیم انشاالله تعالی امید داریم همین دوروزه اهتمامات کلی در کلیه امور شده که اسباب آسایش عموم فراهم آید جناب مستطاب بهاء الواعظین هم اینجا تشریف دارند عجالتا در انجام امورات اقدامات لازمه میفرمایند سید عبدالله بهبهانی

(از شیراز بطهران)

جواب ۲۰۳ روز دوشنبه

خدمت ذیشرافت حجج الاسلام و امنای محترم دار الشورای ملی دامت برکاتهم عرضه میدارد تلگراف مبارک زیارت شد خواطر اهالی مجلس مقدس مسبوق است که این خدام شریعت مطهره در اعلاء کلمهٔ مقدسهٔ اسلامیه و تقویت مجلس مقدس که واقعا مبنی بر احیاء آثار اسلام است دقیقهٔ مسامحه جایز ندارند و مخالف این اساس مقدس اگر چه آباء و ابناء ما باشند مطرود و مردود صاحب شریعت و مخرب اساس اسلام میدانیم چه رسد بامثال شیخ فضل الله چنانچه خدمات شعبهٔ مجاهدین ما در طهران گواه مدعی است و چون ابقاء و اعدام این مجلس مقدس مساوی با ابقاء و اعدام اسلام است این خدام شریعت و عموم ملت با دل و جان ملی و اتحاد اهالی در مساعدت آن مجلس و دفع مخالفین و مستبدین اول همراهی را آخر قطرهٔ خون خود میدانیم و بجهة یاس جناب شیخ از ملت بتوسط وکلاء فارس تلگرافی شد و خواطر مهر ظاهر آقایان حجج الاسلام عتبات عالیات را هم مستحضر ساختیم البته امناء ملت بحکم مفاد (ان کید الشیطان کان ضعیفا) این وساوس را تشویش خاطر نمیدانند و بی ملاحظهٔ بوظایف خود مشغول خواهند بود (وفقنا الله و ایاکم لاتباع الهدی)

الاحقر محمد جعفر العبد العابد محمد باقر محقق العلماء ابراهیم الموسوی اقل حاجی علی آقا اقل محمود ابن عبدالجبار ابوطالب الحسینی الاحقر جمال الدین الاحقر هاشم طباطبائی محمد علی الحسینی الاحقر احمد طباطبائی

قیمت صدینار انجمن مقدس اسلام

اعلان شمارهٔ ۱۱ ـ تلگرافهای علماء نجف و شیراز

2002

صورت سؤال از حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای حاج ملا محمد تقی مشروطه

بمحضر و سایر علماً کبلان دامت برکاتهم

حضور مبارک حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای حج خراسانی و سایر عظام اعلام کبلان دامت برکاتهم عرضه میدارد اگر چه اقدامات مجدانهٔ حضرت مستطاب عالی و سایر آقایان رشت . . . . دو تقویت مجلس شورای ملی بر عموم ملت مکشوف است ولیکن حرکت حضرت مستطاب عالی بدار الخلافه دراین موقع باعث بعضی توهمات گردیده استدعا میرود مقصود از حرکت بدار الخلافه را در ذیل این ورقه بیان نموده تا علت حرکت بهنگام معلوم و موقع این کونه توهمات از مردم شود ایام اقامات مستدام از طرف عموم طلاب عرض شده . . . . . .

صورت جوابیکه آقایان کبلان در همراهی و تقویت مجلس مقدس شورای ملی شبه الله ارکانه داده‌اند

(بسم الله تعالی شأنه العزیز) خدمت آقایان عظام و اخوان دینی و وطنی معروض میدارد ازحرکت داعی وعلماً اعلام واستعلام فرموده بودید اجمالا عرضه میداریم بحمدالله والمنه چنین تهیئات عجبی و توجهات حضرت حجة الله تعالی فرجه اخیر مجدد و سعادت اسلام واسلامیان از افق شرافت ساطع و لامع مجلس مقدس دار الشورای ملی که اس اساس دین اسلام و رکن رکین آئین سید خیر الانام است در ایران تاسیس وانعقاد یافته فواید و منافع این اساس مقدس که حاوی حفظ بیضهٔ اسلام و رافع حوائج مسلمین از اجانب و دافع ظلم و طغیان و باعث ترقی ایران و موجب نشر عدل و مساوات است زائد ازوهم و قیاس میباشد و هر آدم منصف ذی شعور ملت دوست متدینی منکر فواید این اساس مقدس باشد باعتقاد این داعی مخالف و معاند دین مبین اسلام و منکر شریعت حضرت خیر الانام است این داعی از بدو ظهور تاکنون همه وقت از صمیم قلب و خلوص وجدان همراه بوده و یعلم مجلس شورای ملی را باعث تشیید مبانی اسلام و ترقی دولت و ملت دانسته و حق المقدور در پیشرفت این اساس مقدس قائماً قدماً جداً ملا حاضر بوده و خواهم بود این اوقات ملاحظه حرکات جماعه بعضی مفسدین که به پاره از شبهات تولید اغتشاش در کبلان نموده و جمعی از مردم عوام ساده لوح و اشرار هنگامه طلب را که کاملا اطلاع از معنی مشروطیة ندارند دور خود جمع نموده و این اساس مقدس را آلت اغراض شخصیه خود نموده تضییع حقوق مردم و هتك احترامات محترمین مینمایند سلب امنیت و آسایش گردیده داعی هر قدر در صدد اطفأ این ثائره و رفع فتنه و فساد و جلوگیری از حرکات اهالی انسامان بر آمدم ممکن نشده بعض رفع این اغتشاش و تحصیل آسایش عموم مردم الجا حرکت کرده که به تقویت حجج اسلامیه و اولیاء دولت قویدوکت و وکلاء محترم دار الشورای ملی این فتنه فراً منطفی نموده امید واریم بتاییدات امام عصر عجل الله فرجه و مرحمت وفتوت اعلیحضرت شاهنشاه جهانمتاع اسلام پناه خلد الله ملکه و ما عالت حجج اسلامیه و امنای دار الشورای ملی یوما فیوما بر سطوت و قدرت اسلامیان افزوده خرابیهای مملکت و مفاسد امور اصلاح و کلیه امور بر وفق مصالح جمهور صورت پذیر کرده

و ریشه مفسدین و ممرضین و مستبدین و خائنین ملت و دولت از بیخ و بن کنده آید والسلام علی من اتبع الهدی فی ۲۱ صفر ۱۳۲۵

محل مهر حجة الاسلام حاج خراسانی محل مهر آقای آقاشیخ علی مجتهد قوچانی محل مهر آقای حاجسیداسمعیل مجتهد محل مهر آقای آقاشیخ طاهر مجتهد محل مهر آقای آقاشیخ محمد آقای مجتهد

(در حاشیه نسخه‌ای بخط رسید)

(از بانوت کتابخانه شرافت)

اعلان شمارهٔ ۱۳ ــ صورت سئوال از حجج اسلام

عشریه و مفتیان طایفهٔ حقهٔ جعفریه که بر حسب توقیع منیع حضرت حجة الله امام عصر عجل الله فرجه
اطاعتشان بر تمام شیعیان فرض ومتحتم است اعنی حاج میرزا حسین نجل مرحوم حاج میرزا خلیل طهرانی
و آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقای ملا عبدالله مازندرانی متع الله المسلمین بطول بقائهم

اعلان شمارهٔ ۱۲ – فتاوی حجج اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

عالم الله كمال تأسف وحيرت دارم ازاين تعطيل و وحشت مسلمانان چگونه متحد در اين مجلس مقدس بر خلاف مقتضاى مأموريت و على اينكه تمامى ممالك اسلام ونهضت جديده مسلمانان مقتضى وجود مجلس مقدس بوده و هست و بكلا خودمان مجلس مقدس بوده و هست و كمتر دورى است كه اين مطلب در آن مذكور نشده و بالكليه اغماض از اين مهمات و اخلال باين واجبات ديندارى چه معنى دارد و چگونه ميتوان اطمينان بعلماء و مجتهدين نمود و بكلا هيچ شبهه و شكى نيست كه قوانين موضوعه مجلس مخترع بايد مخالف با احداث قشون و ضبط نفوس و مخارج و مداخل و غيرها باشد و مخالفت با قوانين مقدسه اسلام و مجتهدين عظام كه مرجع تمام امور مسلمين هستند و بايد هميشه عدد اعضاء مجلس بيش از پنج نفر نباشد و بايد همه عصر علماء مذهب رسما قائم باشد و اينهم بشنيد و عالم علما اعلام و بكلا مجلس مخترع دراين دوره مسلمانان مقتدر و فعال كه مقتضى اين دوره است قوانين اساسى درج خواهد شد و البته نظر بعموم مسلمانان خواهد بود و انشاء الله تعالى عالم علما اين بلاد و سائر بلاد متفق الكلمه و متحد البته در قوانين اساسى مذكور خواهد شد و البته مجلس مقدس مشروطيت اسلاميه بلكه تمامى جميع ممالك و ايدام الله تعالى بمقامات عظمت و علو عمر ارواح الملتين فداء تمام شد جمله اين مجلس مقدس در مقام بيان دين اسلام و تشييد احكام حضرت خير الانام صلوات الله عليه و آله و السلام على الدوام و ورحمه الله و بركاته ١٣٢٥ هجرى

حرره الفقير الى الله العلام
عبدالله الموسوى البهبهانى
عفى عنهما

محمد بن المشهدى على الطباطبائى الحسينى
عفى عنهما

بسم الله الرحمن الرحيم

عموم اهل اسلام بخدمت علماء اعلام حجج اسلام

آيات الله بين الانام ادام الله بركاته وحودهم على كافة الانام

عرضه ميدارند چون در بلاد سلام از وضع مجلس مقدس شورى ملى سيدالله بنيانه آنچه سپرشده در خطرات و وحشت ميباشند كه دواء قانونيه ان بر وفق قواعد شرعيه اسلام خواهد بود يا نه وهم چنين از مواقعت و مخالفت قوانين موضوعه بقوانين اسلامى ابدا آنچه مجتهدين عظام كرامة الله امثالهم ميباشد يحير اگر چنانچه اختلافى بين علما رانسس بوجه خصوص بين دوسوال نيست مرقوم فرمايند و بخاتم شريف مختوم فرمايند كه بحيثى محل اعتماد است سپارت اخرى خط دادا عتماد مسلمين خواهد بود

دراصفهان بين دوسوال — محل فروش در كتابخانه مشار اليه

144

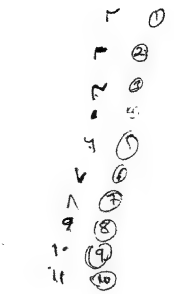

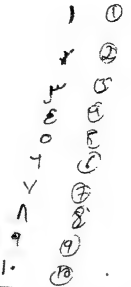

115

272

278

Raj and Tuna

Office - 23379238

A8

HAPPY NEY YEAR FROM RAJ.

LAY

Library

Library

Library

10 670

پنجشنبهٔ ۲۸ شهر جمادی الآخره ۱۳۲۵ بموجب دعوة از انجمن اصلاح تمام نمایندگان انجمن های طهران چهار ساعت بغروب مانده در محل انجمن مزبور تشریف فرما شدند و باتفاق آراء سابقه منتخبان با بصیرت انجمن ها عریضه ذیل را بمجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه عرض و تمام امضا نموده تقدیم داشتند

﴿ اسامی انجمن ها که نمایندگان خود را فرستاده بودند از این قرار است ﴾

—•§•§ تمام انجمنهای پای تخت ایران §•§•—

حضور (حجج اسلام : و وکلاء کرام) بنهایت تأسف عرضه میدارند که اتفاق سرحدی ارومیه و تخطی عشایر سرحدات سبب قتل چندین صد نفوس و اسارت و غارت چندین خانمان شده است امروز تمام نمایندگان انجمنهای متحده متفقاً عرض و تظلم میدارند که (حجج الاسلام مدظلهم و وکلاء کرام دام بقائهم) معجلاً و حداً رفع این غائله و دفع این قضیه را از دولت قویشوکت علیه بخواهند که دیگر از عدم مواظبت اولیاء دولت اغتشاش در هیچ سرحدی واقع نشود که اطمینان کلی از کابینه وزراء حاصل فرمایند امید واریم که از حسن اقدامات (مجلس مقدس شورای ملی) شیدالله ارکانه تکلیف ملت معلوم و تأمین کامله در رفع غائله حالیه و انتظام امور آتیه سرحدات سایره بدهند امر امر (حجج الاسلام و وکلاء کرام) است

انجمن سعادت طهران انجمن مهدیه انجمن محمدیه انجمن اتحادی شمالی
انجمن محمدیه بهارستان انجمن عراق عجم انجمن غیرت انجمن فاطمیه
انجمن آذربایجان انجمن مرکزی برادران انجمن اتحادیه طلاب
انجمن اتحادیه حسینی انجمن اتفاق انجمن سعادت دروازه قزوین
انجمن برادران دروازه قزوین انجمن اتحادیه اصناف انجمن اتحادیه زرتشتیان
انجمن اتحادیه ارامنه تبعه ایران انجمن متحده صرافان انجمن لشکرنویسان
انجمن جنوبی انجمن مستوفیان انجمن مودت انجمن خراسان
انجمن سیادت شهر نو انجمن کوچه غریبان انجمن خیریه انجمن متظلمین
انجمن خباطان انجمن کوچه جرها انجمن سعادت طهران

—•§•(محا نیست)§•—

﴿ انشاءالله جواب هم که صادر شود طبع و منتشر خواهد شد ﴾

((• (در مطبعه شرقی بطبع رسید) •))

اعلان شمارهٔ ۱۶ ــ نامهٔ نمایندگان انجمن های طهران به مجلس شورای ملی

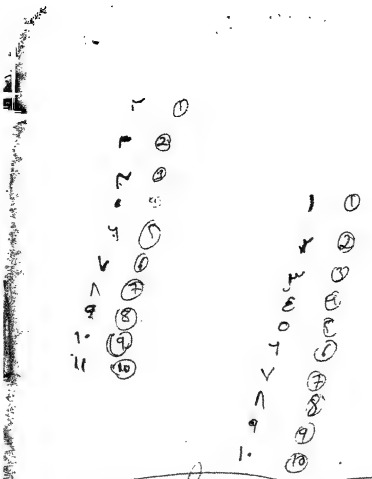

144

115

272

278

Raj and TUNA

Office 23379238

A8

HAPPY NEY YEAR FROM RAJ.

LAY

Library

Library

Library

10 670

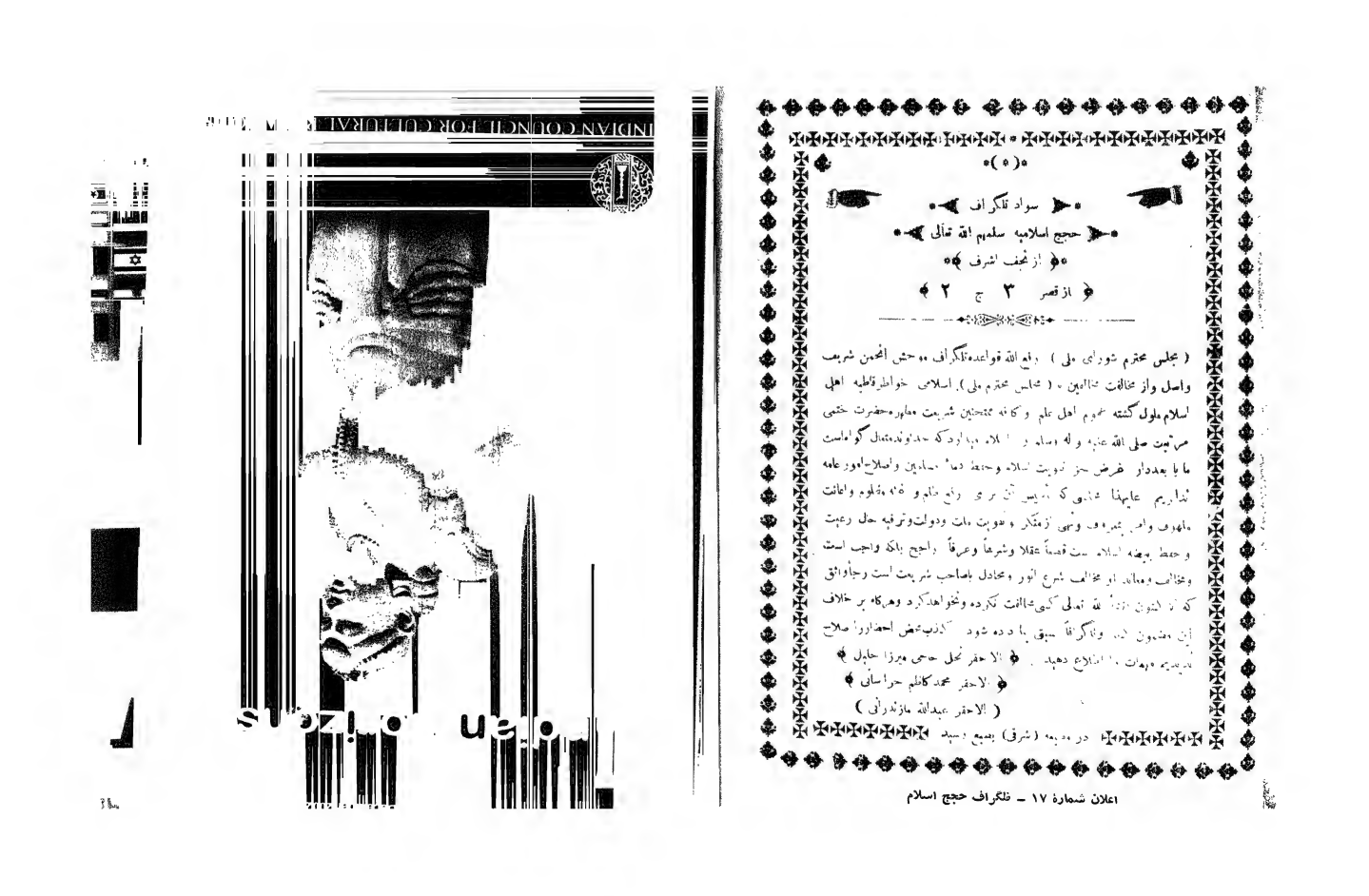

سواد تلگراف

حجج اسلامیه سلمهم الله تعالی

از نجف اشرف

از قصر ۳ ج ۲

(مجلس محترم شورای ملی) رفع الله قواعده تلگراف موحش انجمن شریف واصل واز مخالفت مخالفین (مجلس محترم ملی) اسلامی خواطر قاطبه اهل اسلام ملول گشته عموم اهل علم و کافه ممتحنین شریعت مطهره حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله وسلم را اسلام میدارد که خداوند متعال گواه است ما با بعد دار غرض جز تقویت اسلام وحفظ دماء مسلمین واصلاح امور عامه نداریم علیهذا مجلسی که تأسیس آن برای رفع ظلم و غلبه مظلوم واعانت ملهوف وامر بمعروف ونهی از منکر وتقویت ملت ودولت وترفیه حال رعیت وحفظ بیضه اسلام است قطعاً عقلا وشرعاً وعرفاً راجح بلکه واجب است ومخالف ومعاند او مخالف شرع انور ومجادل باصاحب شریعت است رجاواثق که تا کنون انشاء الله تعالی کسی مخالفت نکرده ونخواهد کرد وهرگاه بر خلاف این مضمون کند وتلگرافاً سبق یاد داده شود کذب محض احضار را صلاح ندیدیم مهمات را اطلاع دهید . الاحقر نجل حاجی میرزا خلیل

الاحقر محمد کاظم خراسانی

(الاحقر عبدالله مازندرانی)

در مطبعه (شرقی) بطبع رسید

اعلان شمارهٔ ۱۷ ـ تلگراف حجج اسلام

वर्ष 25 अंक 4 अक्तूबर–दिसम्बर 2002

वागर्थ

प्रवासी भारतीय विशेषांक

اعلان شمارهٔ ۱۸ – تشکر از حجةالاسلام حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل

वर्ष 25 अंक 4 अक्तूबर-दिसम्बर 2002

गगनाञ्चल

प्रवासी भारतीय विशेषांक

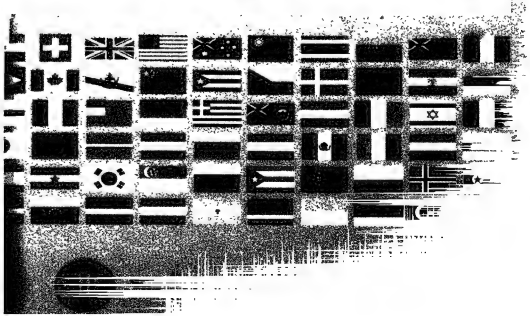

بسم الله الرحمن الرحیم

بموقف عرض بندگان اعلیحضرت شاهنشاه اسلامیان پناه خلدالله ملکه و سلطانه معروض میداریم

در روز دوازدهم شهر حال شوال که کارگذاران دولت جم کثیری از وجوه علماء و شاهزادگان ووزراء وامراء واعیان واشراف وتجارراحسب الامر احضار بدربار گردون مدار نمودند ازطرف قرین الشرف اراده سنیه رابامضای مجلس شورای عمومی وتأسیس قوانین ان ابلاغ فرمودند تمام حاضرین متفق الکلمه جواب عرض نمودند که مجلس شورای عمومی منافی باقواعد اسلام است و ممکن نیست چنانچه برأی العین مشاهده کردیم و ما مسلمانان که در تحت اقتدار و سلطنت اسلامیه هستیم ابداً راضی نمیشویم که وهنی باسلام و مبنی ما برسد و درمقابل احکام اسلامیه شاه و رعیت یکسان است و بر همه لازم است حفظ دین و آئین شریعت سید المرسلین ص بعدازان تلگرافات عموم ولایات و ایالات که قریب بدویست تلگراف بعضی تفصیلا و بعضی بر وجه اجمال قرائت شد

و پس ازان احکام حجج اسلام و علماء اعلام و ولایات کوشزد حاضرین شد و عرایض عدیده مطالبانه دراستیمان ازاین بابه عظیمه ازطبقات علماء واهل علم وطلاب وتجاروامنصاف که غائب از انحضرت بودند بکان بکان خوانده شد بعد ذالک کافه حضار مجلس ازعلماء وتمام طبقات بتوسط جناب اشرف صدر اعظم عریضه متضرعانه در استدعای انصراف ازاین عزیمت بحضور باهرالنور ملوکانه تقدیم داشتند وپس ازاستیذان شرفیاب حضور معدلت ظهور شدند و استدعای عجدانه حضوری هم نمودند و بوعده مراحم ملوکانه وقبول استدعای مقصد اسلامی باصدار دستخط انجم نقط مرخص شدند تا کنون که یوم بیست و چهارم است ازناحیه مقدسه اعلیحضرت همایونی دستخط آسایش شرف صدور نیذیرفته زانجائیکه بحکم خلاق عالم جل اسمه وحفظ بیضه اسلام درفروض واعصار برعهده سلطان وقت وعلماء اعلام است ازآن روز تاحال همه روزه ازعلمای مطالبه انجاز و عدو اصدار دستخط میمانند و داعیان بدفع اوقات گذرانیده تاامروز که مطالبه ازحد گذشت چارهٔ ندیده جز شرفیابی در دربار معدلت آثار و بحمدالله نایل شدیم و از پیشگاه همایونی ابقاء بوعده را جداً مسئلت هستیم وچون این استدعا ازجهة ادای تکلیف شرعی است از صاحب شرع رخصت رجوع نداریم ومتضرعانه چشماً دستخط آفتاب نقط درآستانه کی اهل اسلام ازاضطراب ووحشته و دهشتی که درایران مرحله دارند ازسده سنیه اسلامیه تقدیم قسم مجمیم مطلبات شرعیه که ماها بلکه تمام اهالی اسلام این مملکت برای تأسیس مجلس شورای عمومی حاضر نیستند و نتیجه انرا جز هدم دین وهرج ومرج و دمار محترمه وهتك نوامیس اسلامیه نمیدانیم امر امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع

حق طبع محفوظ است

رئیس مطبعه میرزا کریم شاهنشاهی عبدا

دستخط جهانمطاع اعلیحضرت اقدس همایون ارواحنافداه

جناب مشیرالسلطنه رئیس الوزرا چنانکه بر احدی پوشیده نیست بواسطه ایجاد انجمنهائی که بدون نظامنامه تشکیل و در امور دولتی که از وظایف اهالی خارج است مصراً دخالت مینمودند بطوریکه رشتهٔ انتظام امور را بکلی از دست اولیای دولت خارج و بمیل خود میخواستند امور مملکتی را حل و عقد نمایند و نزدیک بود هرج و مرج عظیمی در کلیه مملکت روی داده موجب اضمحلال دولت قویم قدیم ایران گردد از طرف دیگر انطباعات و ناطقین بواسطهٔ اتکاء بانجمنها ممد اختلال و اغتشاش کلیه امور شده بودند از آنجاکه رشتهٔ امور مملکتی باید در تحت توجه مخصوص ما در دست معدودی از عقلا بوده باشد هر قدر خواستیم که انجمنها را بوظایف خود ملتفت نموده از تخطیات فساد آمیز آنها جلوگیری نمائیم بجهة اتکائی که در مجلس شورای ملی داشتند نیت خالص ما پیشرفت ننمود و علاوه برای نیل بمقاصد مضرهٔ خود بعضی مفسدین و آشوب طلب که همیشه طالب هرج و مرج بودند مانع از جریان امور در مجاری صحیحه بودند عاقبت بجهة حفظ و آسایش این ملک که از طرف حضرت باری تعالی جل شانه بکف کفایت ما تفویض شده است و برای امنیت و رفاهیت قاطبه اهالی که بمنزله فرزندان ما هستند خواستیم مفسدین را دستگیر نموده و از نتایج وخیمه اعمال و حرکت ناشایست آنها جلوگیری نمائیم بمجرد اینکه در این امر اقدام نمودیم از طرف مجلس از آنها حمایت شده و جمع کثیری از اشرار و مفسدین مجلس را پناه گاه قرار داده و در مقابل قشون دولتی سنگرها بسته و باستعمال نارنجک و مواد ناریه اقدام نمودند لهذا مجبور شدیم که از تاریخ مرور بمدت سه ماه مجلس شورای ملی را منفصل کرده و پس از این مدت وکلای متدین صحیح دولت و ملت پرست منتخب شده بمجلس سنا که موافق قانون اساسی است توأماً مفتوح میشود مقرر اینکه عبارت همین دستخط را بحکام ولایات مخابره نمائید که قاطبه اهالی از نیات حسنه ما در آسایش و رفاهیت عامه و جد و جهدی که پیوسته در انتظام امور داریم مستظهر و مبدوار باشند ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۲۶

اعلان شمارهٔ ۲۱ ــ دستخط محمدعلی‌شاه در مورد تعطیل انجمنها و مجلس شورای ملی

वर्ष 25 अंक 4 अक्तूबर–दिसम्बर 2002

गगनाञ्चल

प्रवासी भारतीय विशेषांक

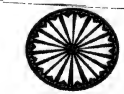

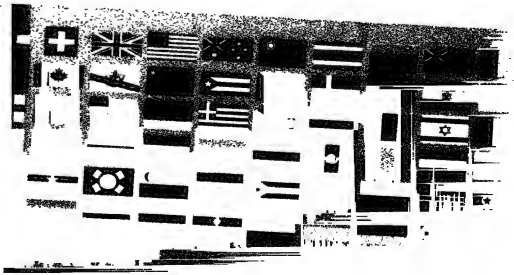

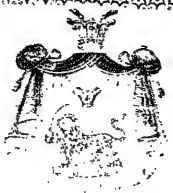

سواد دستخط افتاب نقط مبارك اعليحضرت اقدس همايونى ارواحنا فداه

جناب وزير اعظم چون چندى زوار عتبات عاليات عرش درجات را در سر حد توقيف و اجازه عبور داده نميشد اكنونكه بعنايات قادر ذوالجلال و توجهات خاصه خسروانى رفع تمام موانع داخله شده و در خارج هم چيزى كه موجب منع عبور زوار بوده باشد موجود نيست براى ازدياد شوكت اسلام و مزيد دعاگوئى و استظهار كافه انام دراين عيد ميلاد همايون حضرت شاه ولايت عليه السلام عموم زوار و مسافرين عتبات عاليات را اجازه فرموديم كه باستان عرش نشان ائمه انام تشرف جسته ذات مقدس همايون مارا دعاگو باشند بوزير امور خارجه قدغن نمائيد تلگرافاً اين عنايت خسروانى را بعموم ملت اخطار نموده و بمأمورين سرحد هم سفارش شود كه زوار بقاع مقدسه را بهيچوجه جلو گيرى ننمايند و اين دستخط همايون را در دارالخلافه طبع و منتشر سازيد ۱۳ رجب المرجب ۱۳۲۶

﴿ رئيس مطبعه مباركه شاهنشاهى عبدالله قاجار ﴾

اعلان شمارهٔ ۲۳ ــ سواد دستخط محمدعلى شاه

سواد دستخط افتاب نقط مبارك همايونی ارواحنافداه

جناب وزیراعظم چون عمدهٔ مقصود و منظور ما آسایش رعیت وبذل مرحمت نسبت بتمام طبقات ملت ودعاگویان دولت خاصه جماعت نوکر و خدمتکذاران سلطنت سابقه است این است بصدور این دستخط مرحمت نمط انتخاب مرر ومقرر میفرمائیم که در این دوساله بواسطهٔ بعضی قوانین صادره نسبت بحقوق نوکر که مخالف عقیدهٔ ما بوده ومستخدمین دولت بعداز یك عمر خدمت مطمئن نبودند که حقوق آنها درحق اولاد مرحمت شود یا نکه اگر نصف و ثلثی درحق اولاد انها برقرار شود ده ساله و یازده ساله بطور موقت خواهد بود وبتغیره موجب یأس مردم شده بود لهذا محض امیدواری آنها دردعاگوئی وخدمتکذاری بے ان قانون موقتی را ابطال و مقرر فرموده ایم حقوقاتی که از مقرری ومستمری بے ومواجب وغیره از پنجاه تومان پائین است ثلث کسر نشود واز دادن تومانی هفتهزار تقدیمی معاف باشد و انچه را که از پنجاه تومان بالا است هرقدر باشد بلااستثناء بعداز وضع ثلث ودادن تقدیمی درحق اولاد متوفی ابدالدهر نسلاً بعدنسل مرحمت وبرقرار خواهیم فرمود البته این دستخط مبارك را چاپ واعلان نموده مردم را برأفت و مرحمت ما مستظهر وامیدوار دارید شهر رجب ۱۳۲۶

((رئیس مطبعهٔ مبارکه شاهنشاهی عبدالله قاجار))

اعلان شمارهٔ ۲۴ ــ سواد دستخط محمدعلی‌شاه

دستخط جهانمطاع اعلیحضرت اقدس همایون ارواحنافداه

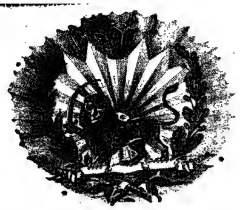

سواد دستخط اعلیحضرت قدرقدرت اقدس همایونی ارواحنا فداء

چون برای تهیهٔ ضروریات مملکت وتدارک حوائج ملت تنظیم وترتیب ادارهٔ دولتی شرط اول است و تا کنون دوایر دولت بر روی اساس صحیحی مرتب نبوده و اغتشاش ادارات تولید انواع مشکلات وهرج ومرج نموده روز بروز سلاسل نظم وامنیت ازهم گسیخته است لهذا برای ترتیب و تنظیم ادارات دولتی اصول مشروطیت را که در تأمین اساس حال رعیت و ترتیب امورات دولت و مملکت بهترین اساس است از تاریخ امروز که ۱٤ ربیع الثانی ۱۳۲۷ است به میمنت وسعادت در ممالک ایران برقرار فرمودیم تا نمایند گان ملت و علمای مملکت در حل و فصل مشکلات امور و تدوین قوانین بر حسب احتیاجات وطن عزیز و مقتضیات وقت و میزان شرع مبین و مذهب اسلام با اولیای دولت موافقت نموده در استحکام مبانی نظم و امنیت و مصدات و استحصال موجبات سلامت وسعادت مملکت مبانی جهد له بکار برده بعون الله تعالی از میامن توجهات حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه بلایای جور و نفاق بمزایای شود و اتفاق مرتفع و بساط انقلاب واختلاف باساس عدل و رفاه مبدل گردد [illegible]

مطابق نظامنامه انتخابات که عنقریب منتشر خواهد شد باید دوغرهٔ [illegible]

نمایند گان ملت منتخب شده هرچه زودتر دربهران حاضرشوند که انشاء الله تعالی در تهیه اسباب ترقی و سعادت مملکت سعی و جاهد باشند

(محمد علی شاه قاجار)

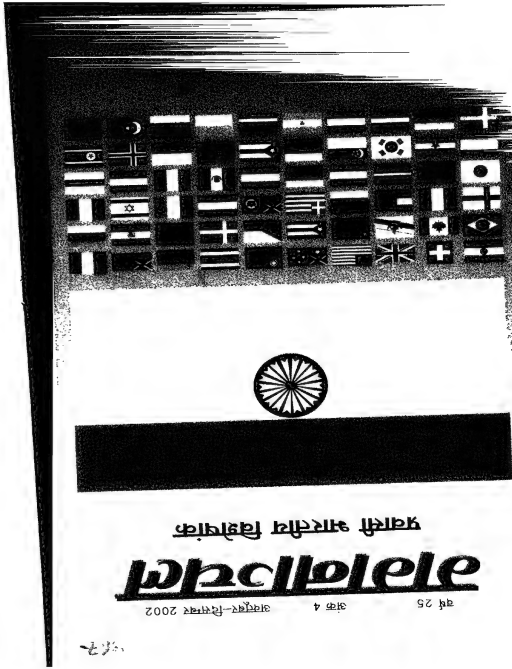

لایحه جناب سعدالدوله رئیس الوزرا که بتمام ولایات مخابره شده

چون از مراتب رأفت ملوکانه و مرحمت پدرانهٔ اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه در بارهٔ عموم ایرانیان کاملاً مطلع و از حسن نیات مقدسه بخوبی مطمئن بودم که بعداز رفع محظورات اعاده و استقرار اساس مشروطیت که مایهٔ سعادت و ترقی این مملکت است مکنون خاطر حقایق مظاهر همایونی است لهذا در این دورهٔ مظالم انقلابات از تصدی به خدمات دولتی احتراز نکرده آرزومند بودم در موقعیکه نیات مقدسه خسروانه صورت خارجی پیدا کرده آفتاب مشروطیت از مطلع عطوفت ملوکانه به آفاق و انتظار ایرانیان میتابد در حسن اجرای آن مقاصد مقدسه صرف مقدرت نمایم با اینکه دو طغرا دستخط جهانمطاع همایونی که اخیراً در اجازهٔ تجدید انتخابات نمایندگان ملت و تهیهٔ افتتاح پارلمان شرف صدور بخشید بخوبی اشکار میساخت که هیچگونه قصد کسر و نقصانی در ارکان مشروطیت به قلب تابناک شاهنشاهی راه نیافته و قانون اساسی ایران مرکب از نجباه و یک اصل سابق که بامضای شاهنشاه مبرور انارالله برهانه رسیده و یکصد و هفت اصل لاحق که بصحهٔ اقدس ملوکانه موشح و مزین است تماماً محفوظ و اجرای مدلول قوانین مزبوره کاملاً منظور و مقصود همایون است معهذا محض رفع پارهٔ شبهات و برای اینکه بر افراد اهالی پوشیده نماند که خاطر مهر مظاهر اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه در استرضای قلوب اولاد روحانی خود هیچ قسم تأمل روا نمیدارد بموجب دستخط جهانمطاع مجدد عواطف شاهانه به تصریح دو دستخط سابق شامل و متوجه گردید حال بر عموم ابنای وطن عزیز است که بتشکر این عطیه کرانبهای خسروانه از جان و دل حاضر و به پاداش خدمتی که در این موقع موفق بانجام آن شدم و در حفظ نظم و امنیت مملکت و خصوصاً در ترک مبانیت و نفاق خانه برانداز که بدبختانه از چندی باینطرف بعنوان مشروطه طلبی و استبداد خواهی در میان فرزندان یک خانه و خاک حادث شده است همت و غیرت نمایند و اغراض شخصی و اسراض هوا پرستی را از خود دور کرده یکدل و یک جبهه در شاهراه اتحاد مقدم باشند تا بسلامت ابدی و سعادت سرمدی نایل آیند

محل مهر سعدالدوله

سواد دستخط اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه

چون ترفیه حال و تأمین قلوب ابنای وطن که اولاد روحانی ما هستند پیش از پیش منظور نظر و تشیید مبانی اتحاد این دولت و ملت زیداً علی ما سبق مقصود همایون ما است و برای حسن اعمال این نیات مقدسه توضیح هر مبهم و تفصیل هر مختصر بکه تشویش قلوب و تخدیش اذهان عامه را باعث تواند شد لازم است علیهذا در تصریح دستخط سابق محض آگاهی عموم مینویسیم که مشروطیت ایران از روی همان یکصد و پنجاه و هشت اصل قانون اساسی بر قرار و سعادت آینده مملکت را اساس و مدار است

۲۷ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۷ ﴿ محمد علی شاه قاجار ﴾

﴿ رئیس مطبعه شاهنشاهی عبدالله قاجار ﴾

ضمائم

اعلان رسمی دولتی

از آنجا که خداوند تبارک و تعالی ذات اقدس ما را مظهر عدل و رأفت و مظهر حکم و قدرت خود قرار داده و مخصوصاً حفظ جان و مال رعایای ممالک محروسه ایران را در کنف کفایت ما گذاشت بشکرانه این موهبت عظمی بر خود لازم میشماریم که در ادای این تکلیف از احقاق حق و حفظ جان و مال مردم این مملکت از تعرض متعدیان خودداری و مضایقه نفرمائیم و لازمه سعی و جهد را داشته باشیم که مردم مالک جان و مال خود بوده در کمال وسعت و راحت در اموریکه مایه تمدن و نشاء تکمل است مشغول باشند لهذا برای اطلاع و اطمینان خاطر عموم رعایا و برایا و استظهار آنها بتوجهات خاطر خطیر معدلت تخمیر ملوکانه بصدور این توقیع رفیع و خطاب مستطاب منیع کوشزد عامه اهالی ممالک محروسه مینمائیم که عموم رعایای ما نسبت بجان و مال خود آزاد و مختار باشند که بدون هیچ ترس و واهمه هر قسم تصرفی در اموال خود بخواهند بنمایند و بهر کاری از اجتماع پول و انعقاد کمپانیها از برای ساختن کارخانه و راهها و بهر رشته از رشته های تمدن و تکمل اقدام نمایند اسباب رضای خاطر خوشنودی ما است و حفظ آن بر عهده ما است واحدی حق و اختیار دست اندازی یا تصرف یا مداخله در جان و مال یا سیاست و تنبیه رعایای دولت ایران نخواهد داشت مگر اینکه در اجرای حکم شرع و عرف باشد

سنه ۱۳۰۵

REGISTER

M.R.P. :

Sheets :

Available From :
TANEJA SALES CORPORATION
31 More Sarai Road, Old Lajpat Rai Mkt., Delhi-6
Ph. : 2386 2331, 2386 4138, 3863 2889, 3103 1302
(M) 3103 1288, Fax No. :- 011-2254 4918

REGISTER

Name C-DAC NOIDA

Subject SCANNING

Year 2004-05

M.R.P. :

Sheets :

Available From :
TANEJA SALES CORPORATION
31 More Sarai Road, Old Lajpat Rai Mkt., Delhi-6
Ph. : 23862331,23864130, 30032889, 31031302
(M) 31031288, Fax No. :- 011-22544918

اعلان شمارهٔ ۳ – ابراز رضایت خاطر مظفرالدین شاه از ملت

REGISTER

Name C-DAC NOIDA

Subject Scanning -

Year 2004-05

M.R.P. :

Sheets :

Available From :
TANEJA SALES CORPORATION
31 More Sarai Road, Old Lajpat Rai Mkt., Delhi-6
Ph. : 23862331,23864130, 30932889, 31031302
(M) 31031288, Fax No. :- 011-22544918

بسم الله الرحمن الرحیم

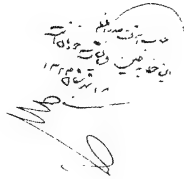

منت خدای را که آنچه سالها در نظر داشتیم امروز بعون تعالی و توفیق او بدست آمد و بنیانی مرصوص و محکم بعنایات الهیه تقدیم ملت رشید و فداکار ایران گردید و روز مبارک امروز که روز افتتاح مجلس شورای ملی است

مجلسی که رشته های امور دولتی و ملکی را بهم مربوط و متصل میسازد و علائق دولت و ملت را متین و محکم میسازد مجلسی که مظهر افکار عامه و حیاتیات ملی مملکت است

نگهبان عدل و داد شخص همایون ماست و حفظ واقعی که ذات واجب الوجود بکمک کفایت سپرده امروز روزیست که بروداد و اتحاد مابین دولت و ملت تازه و پایدار شود و اساس دولت و

بر سالوس و محکم گذارده میشود و امروز روزی است که یقین داریم رؤسای محترم ملت و وزرای دلسوز دولت و نمایندگان و اعیان و تجار و عموم عایلات ملی مملکت در اجرای قوانین شرع انور

و ترتیب تنظیم دوائر دولتی و اجرای اصلاحات لازمه تهیه اسباب آرامش و راحت طبقات ملی وطن ما گردیده هیچ منظوری نداشته باشند جز مصالح دولت و ملت و منافع

اهالی و مملکت و البته میدانید که نیت اساسی در بلیات شخصی مرتفع و مضمحل شود و با غرض نفسانی فاسد نگردد حالا برای انتخاب کسانی است که تکالیف خود را چنانچه منظور دولت

دولت است انجام بدهند بدیهی است که هیچکدام از شما منتخبین انتخاب نشده مگر بواسطه تعلق و رجحانی که از حیث اخلاق و صفات از غالب اهالی مردم داشته اند و خود این نکته

باعث اطمینان خاطر و قوت قلب ماست و چنان داریم که با کمال دانش و بینش و مخصوصی این جا بروید و متصدی قیام خواهید شد و تکالیف خود را با کمال صداقت در راستی انجام خواهید داد

ولی با وجود این چون قاطبه اهالی را مثل فرزندان خود دوست داریم و نمیگذاریم بدانها نا ملایمی برسد و در خوشنودی و مسرت و غم و الم انها سهیم و شریک و بالنتیجه

خاطر شما را باین نکته معطوف داریم که تا امروز نتیجه اعمال هر کدام از شما فقط چند نفر و تا پنج و دو بس ولی از امروز شامل حال هزاران نفوس است که شما را انتخاب کرده اند

و منتظر که شما با خلوص نیت و پاکی عقیدت به دولت و ملت خدمت نمائید از امور یکه باعث فضاحت است احتراز نمائید پس باید بکاری بکنید که در پیشگاه مسئولین امور

شرمنده و خجل نباشید این نصیحت را با بیچوقت فراموش نکنید و آنی از مسئولیت بزرگی که بر عهده گرفته اید غافل نباشید و بدانید که خداوند متعال ظاهر و باطن اعمال ها

و حافظ حق و حقانیت دست خدا همراه شما بردیم مسئولیتی که بر عهده گرفته اید با صداقت و درستی انجام دهید و بفضل خداوند متعال و توجه حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف

بیهم شهر ۱۳۲۸

dsc

REGISTER

Name C-DAC NOIDA

Subject Scanning

Year 2004-05

M.R.P. :

Sheets :

Available From :
TANEJA SALES CORPORATION
31 More Sarai Road, Old Lajpat Rai Mkt., Delhi-6
Ph. : 23862331,23864130, 30932889, 31031302
(M) 31031288, Fax No. :- 011-22544918

ترتیب اوقات بندگان حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع اعظم وزیرداخله و رئیس دارالشورای وزراء دامت شوکته که برای استحضار عموم اخطار و اعلام میشود

روزهای شنبه ویکشنبه و سه شنبه وچهارشنبه و پنجشنبه که روز دربخانه وکاراست و باید زودتر در دربار حاضر شوند پذیرائی در منزل موقوف است

آقایانی که کاری راجع بوزارت داخله دارند از ساعت دو از دسته گذشته بغروب تا دو بغروب مانده در دربار همایونی درعمارت وزارت داخله تشریف آورده درطرف پذیرائی می‌نشینند و بترتیب سبقت ورود باطاق دفترمخصوص وارد مطلب خودرا اظهار نموده بعد از تحصیل جواب مراجعت مینمایند یا اگر جواب فوری ممکن نباشد روزی معین میشود که درآنروز حاضر شده رئیس دفتر مزبور مختصر جواب میکفته وهمچنین اشخاصیکه مطالب خودرا کتباً حضور میدهند باید مکتوبات خودرا درروزهای مقررهٔ فوق بدفتر مخصوص رسانده وحصول جواب را از شب منتظر باشند چونکه خارج از انجا سبب کار میشود بست وصدور جواب از ترتیب خود خارج میگردد و هرکاسه مطلب آن شخصی باشد که دولتی باید بمنزل مراجعه نموده انجا بدهند وجواب بگیرند

در روزهای شنبه و سه شنبه از ظهر تا دو بغروب مانده مخصوص بمذاکرات دولتی است و در این دو روز هیچ کس پذیرائی نمیشود مگر اینکه از طرف اعلیحضرت همایونی مأمور میشوند و یا آنکه لازمه بموقع مشاوره میگذارند

روزهای دوشنبه از صبح ساعت دو تا ساعت پنج از دسته گذشته سر شغل و از چهار بغروب مانده تا غروب درپارك از آقایانی که محض تلطف دیدن میفرمایند یا کار شخصی دارند پذیرائی میشود

روزهای پنجشنبه از چهار بغروب مانده تا غروب درپارك از سفراء کرام و وزراء مختار و صاحبمنصبان سفارتخانها و صاحبمنصبان خارجه پذیرائی میشود

روزهای جمعه که تعطیل عمومی کلی است و بهیچوجه پذیرائی نمیشود

رئیس مطبعهٔ شاهنشاهی عبدالله قاجار

REGISTER

Name C-DAC NOIDA

Subject SCANNING

Year 2004-05

M.R.P. :

Sheets :

Available From :
TANEJA SALES CORPORATION
31 More Sarai Road, Old Lajpat Rai Mkt., Delhi-6
Ph. : 23862331,23864130, 30032889, 31031302
(M) 31031288, Fax No. :- 011-22544918

هو الله تعالی

امتیازنامهٔ بانک ملی ایران

چون ارادهٔ خاطر الهام مظاهر ملوکانه بر این علاقه فرموده که محض تکمیل علائم رافت و افتتاح ابواب ثروت وسعادت نسبت بقاطبه اهالی دولتخواه ایران ادارهٔ بانک ملی در تمام ممالک محروسه تاسیس و دایر شود بموجب این فرمان همیون که از تاریخ شهر ذی‌حجة‌الحرام ۱۳۲۴ بوت‌ئیل شرف صدور می‌یابد دولت علیهٔ ایران اجازهٔ ایجاد بانک ملی بمؤسسین بانک مزبوره مرحمت نموده ومحض تشویق مؤسسین وامیدواری عموم ملت ایران امتیازات مندرجهٔ درین فرمان همیون را مطابق فصول مرقومه ببانک ملی ایران واگذار میفرماید

فصل اول — بانک ملی از شرکت عامه تبعهٔ ایران تشکیل و ایجاد میشود که هرکس تفاوت وجهی در بانک گذارده اسهام از بانک بگیرد

فصل دویم — جمیع عایدات دیوانی از هر قبیل در طهران وسایر بلاد باید تحویل بانک ملی شود و تمام مخارج دولت را از هر قبیل این بانک بحوالهٔ وزیر مالیه خواهد پرداخت

فصل سوم — بانک ملی میتواند معاملات زراعتی ورهن املاک را بقانون شرع مطاع بنماید وهمچنین خرید وفروش بروات تجارتی داخله وخارجه وقرض واستقراض را بتراضی طرفین دایر نماید

فصل چهارم — مطابق قرارداد جداگانه که مرتب خواهد شد حق امتیاز بلیت رایج (بانک نوت) در تمام ممالک محروسه بعد از انقضاء مدت امتیاز بانک شاهنشاهی بانفساخ حق امتیاز آن بموجب قرارنامه بالانحصار مخصوص بانک ملی خواهد بود

فصل پنجم — بانک ملی حق دارد در تمام نقاط ایران احداث راههای آهن مطابق قراردادیکه بعد مرتب خواهد شد بنماید و همینطور میتواند راههای شوسه را باستثنا آنچه امتیازش سابقا بدیگران داده شده بموجب قرارداد جداگانه احداث نماید واگر دیگری برای کشیدن راه‌آهن وشوسه حاضر گردد بانک ملی بتساوی شروط حق تقدم خواهد داشت

فصل ششم — بانک ملی میتواند در اراضی موات واملاک دولتی انکشاف واستخراج معادن نماید واز منافع وعوائد آن بعد از وضع کلیهٔ مخارج صدی ده بدولت علیه عاید دارد وسایر شروط بموجب قرارداد جداگانه است که بین دولت و بانک ملی منعقد خواهد شد و هرگاه معادن طلا و نقره و جواهرات این بانک انکشاف و استخراج نماید حق دولت از منافع آن بموجب قرارداد جداگانه خواهد بود

فصل هفتم — دولت علیه امتیاز غواصی در خلیج فارس واستخراج مروارید را ببانک ملی ایران واگذار میفرماید صدی ده از منافع حاصلهٔ حق دولت خواهد بود

فصل هشتم — در مواقعی که برای مسکوکات رایجه نقره جهة ضرابخانه دولتی لازم شود این بانک در آوردن نقره وفروش بضرابخانه حق تقدم خواهد داشت باتساوی شروط

فصل نهم — از آنجا که معاملات خزانه دولت راجع باین بانک است ودرآتیه بلیت بانک هم بتوسط این بانک منتشر خواهد شد لهذا دولت علیه حق مامور کردن دونفر مفتش برای این بانک خواهد داشت که در تمام امور این بانک تفتیش و رسیدگی نماید مفتشین مذکور هروقت مقتضی بدانند میتوانند انجمن اداره و انجمن عمومی شرکاء را اخبار واحضار نمایند و درمشاورت آنها خود حاضر شده وداخل مذاکرات بشوند ونیز هرزمان میتوانند رسیدگی بدفاتر ومحاسبات ومعاملات بانک نمایند

فصل دهم — فروش و انتقال امتیازات مندرجه درین فرمان به تبعه ویا شرکت خارجه از هرقبیل که باشد قویاً ممنوع وکان لم‌یکن خواهد بود وهکذا فروش و انتقال سهام این بانک به تبعهٔ خارجه نیز ممنوع واز درجهٔ اعتبار ساقط است واگر بوراثت یا تبدیل تابعیت باشد باید در مدت یکسال به تبعهٔ داخله فروخته شود واگر صاحب اینگونه اسهام در فروش آنها مسامحه نماید انجمن عمومی شرکاء باید درموقع اجلاس سالیانه سهم اورا از شرکت تبدیل نقد نموده و وجه اسهام اورا امانتاً در بانک نگاه‌دارند تا صاحبش بیاید و بگیرد

فصل یازدهم — درمواردیکه برای دولت علیه تنخواهی بطور استقراض لازم باشد این بانک باندازهٔ یک خمس سرمایهٔ خودرا بموجب قرارداد جداگانه بدولت قرض خواهد داد

فصل دوازدهم — مدت امتیاز این بانک یکصد و ده سال است پس از انقضاء مدت بانک ملی حق دارد با شرایط مقتضیه وقت تجدید امتیاز بنماید

مطبعهٔ [illegible]

اعلان شمارهٔ ٦ — در مورد امتیازنامهٔ بانک ملی ایران

REGISTER

Name C-DAC NOIDA

Subject Scanning -

Year 2004-05

M.R.P. :

Sheets :

Available From :
TANEJA SALES CORPORATION
31 More Sarai Road, Old Lajpat Rai Mkt., Delhi-6
Ph. : 23862331,23864130, 30032889, 31031302
(M) 31031288, Fax No. :- 011-22544918

مجلس و مشروطیت را شاهنشاه مرحوم بملت مرحمت فرمودند و [illegible]
و از آن وقت تا حال هم کمال همراهی و تقویت را داشته و داریم و مجلس را موجب سعادت و نیکبختی و ترقی
دولت و ملت میدانیم مجلس را ما خودمان بملت داده ایم و از خودمان است و شما ها هم پیرو این عقیده واین
مسلک باید باشید و حالا که شماها برای خدمت گذاری دولت و ملت حاضر شده اید چه بهتر اسباب کمال خوشوقتی
است و ما هم انشاء الله نهایت همراهی و مجاهدت و تقویت را خواهیم نمود وشما هم برای خدمتگذاری بدولت
و ملت باید همیشه حاضر باشید و همین طوری که تصدیق کرده اید در یک مجلس وزرا باوکلاء بنشینند و شما ها
هم حاضر شوید در رفع این انقلابات و نظم مملکت گفتگو نمائید و قراری بدهید

۱۸ شهر شعبان ۱۳۲۵ ﴿ محل صحه همایونی ﴾

فرمان خاکپای جواهر آسای اقدس مبارکت شویم بر صغیر و کبیر وضیع شریف عالی‌دانی اظهر من الشمس
است که تمام اعتبار و افتخار و شرف و دارائی غلامان از تصدق فرق فرقدان اسای اعلیحضرت همایونی ارواحنا
فداه و این شجره طیبه است و حتی المقدور سعی و کوشش عموم خانزادان دولت جاوید آیت این است ترتیبی که
پنجاه شصت سال خود خانه زادان و چندین سال آبا و اجداد غلامان زندگی کرده اند باقی بوده درظل عواطف
ظل اللهی و در مهدامن و امان باستراحت کنیم بقای این ترتیب که عادت دیرینه عموم چاکران است نمیشود مگر
در بقای قدرت و شوکت و ازدیاد نفوذ و قوهٔ سلطنت اعلیحضرت شاهنشاهی خلدالله سلطانه که امروز قدرت
و شوکت سلاطین عظیم‌الشان روی زمین را می‌بینیم که بواسطهٔ این اساس مقدس مشروطیت باین عظمت نائل
شده اند حالا که این مسئله عقلا و نقلا مبرهن شد چه چیز غلامان را ملزم به این عرایض کرده است اولا حق
نمک خواره‌گی چندین ساله که خدای واحد احد شاهد است دیگر تاب و توانی کتمان این مسائل نمانده به
عبارة اخری کار بجان و کارد باستخوان رسیده این است در عالم خانه زادی از خاکپای اقدس
مقدس همایونی ارواحنا فداه مستدعی میشویم که میانه خود وخدا مکنونات خاطر همایونی را ازخانه‌زادان
مکتوم ندارید زیرا بدلایل که عرض شد بوالله العلی المدرک المنتقم غیر از خیر خواهی و بقای همه چیز قبله
عالم که بقای همه‌چیز خودمان است قصد وغرضی نداریم ازدوشق یکی باید مجری شود اگر خانه‌زادان را خیرخواه مسئول
بقای این سلطنت میدانید چنانچه فردا فردهم بخاکپای همایونی کراراً عرض کرده ایم قلب مبارک را با این اساس
مشروطیت که نتایج مساعدت ومعاونت باهمچو اساس برأی العین دردول معظمه اروپ مشاهده میشود صافی و همراه
فرمایند و در جهر و اخفا بدست هیچ یک ازصغیر کبیر که شاید هم ندانند و نفهمند حرکت وقصدی که میکنند
بر خلاف این اساس و صلاح نام نیک و قدرت قبله عالم است ابداً قصد و اقدام روحانی نفرمایند زیرا که بتمام
کتب آسمانی و بتاج و تخت پادشاه با اقتدار قسم است که رفتنی ها رفته است و آنچه هم باقی مانده با این
وضع حالیه خواهد رفت و هیچ ننگی برای خانه زادان که سالها نمک دولت را خورده و همه چیزمان از سلطنت
قاجاریه است بدتر و بالاتر از این نمیشود که با چشم باز و گوش شنوا و پای توانا به بینیم که قبله مقصود و
کعبه معهود متزلزل بلکه معدوم شود اگر در خاطر قبله عالم این عرایض غلامان بشایبهٔ اغراض نفسانیه جلوه‌گر
شود متفقاً عاجزانه مستدعی هستیم که فدویان را از مسؤلیت خارج دانند و بهیچوجه من الوجوه اطلاق اسم
نوکری نفرمایند واین عریضه بعد ازخیالات بسیار ومقالات بیشمار اخرالدوائی است که برای ایفاء به تکلیف خانه
زادی بنظر خانه زادان رسیده عرض شد و صراحتاً عرض میکنیم بخدای احد واحد ابواب چاره از هر طرف
مسدود است و سلطنت چندین هزار ساله در تلف چاکران صحیح است که نمک پرورده دودمان سلطنت وپشت در
پشت خانه زاد دولت جاوید آیتیم اما در اینکه زاده این وطن وشریک این آب و خاکیم شکی و حرفی نیست والله اگر باز
قدر قلیلی اغفال دراقدام باصلاح کارشود ازشاه و گدا هیچ کس صاحب هیچ چیز نیست آنچه درچاره کار بعقل فدویان دولت
رسیده این است که مقرر شود تمام وزرای مسئول در یک مجلس حاضر شوند و از وکلای مجلس محترم شورای ملی
هم قدر معتد به بیایند با حضور چاکران تکالیف کلی و جزئی را که دیگر راه عذر و حرف برای هیچکس
نماند معین کنند باین معنی که تکالیف عموم از شاه و گدا معلوم و محدود شود و آنچه نتیجه آراء عموم شد
اعلیحضرت همایونی هم دستخط و امضا کنند باین معنی که دیگر در راه ترقی مملکت و مساعدت دربیشرفت صلاح
عموم واساس مشروطیت حرفی نگفته ورائی نهفته نماند وهر کس بخیال خود انگشتی تواند رساند و اگر اعلیحضرت
را غیر از آنچه عرض شد رای و میلی باشد صریحاً عرض میکنیم بطور حتم از نوکری و چاکری ما غلامان
مایوس باشید که بغیر از وطن پرستی و ملت دوستی و اطاعت مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه تکلیفی و خیالی
نداریم و قبله عالم را به مقتضی رای و صلاح خود واگذار خواهیم کرد امر امر بندگان اعلیحضرت قدر
قدرت اقدس همایون ظل الهی خلدالله ملکه و سلطانه است

آصف الدوله	سردار مؤید	امیر اعظم	نصرالملک	سردار امجد
ضیاء الملک	سردار مفخم	امیر سیف‌الدین	امین الدوله	وزیر نظام
سردار فیروز	سردار منصور	محتشم الملک	مدیر الملک	امیر بهادر
امین توپخانه	بهاء الملک	اجودان باشی توپخانه	وزیر همایون	اجودان باشی کل
علاء الدوله	ناصرالسلطنه	معین الدوله وزیر مخصوص	محتشم السلطنه	سپهدار

اعلان شمارهٔ ۷ــ دستخط محمدعلی شاه دائربر تایید فرمان مشروطیت واعلان
تشکیل نخستین دولت

6

REGISTER

Name C-DAC NOIDA

Subject Science 6

Year 2004-05

M.R.P. :

Sheets :

Available From
TANEJA SALES CORPORATION
31 More Sarai Road, Old Lajpat Rai Mkt., Delhi-6
Ph. : 23862331,23864130, 30032889, 31031302
(M) 31031288, Fax No. - 011-22544918

این است مکنونات خاطر مقدس ما — از برای
اطمینان عامهٔ ملت جرایداجازهٔ طبع دارند فی تاریخ
هو الملک المقتدر

هیچ لازم نمی دانیم که حسن نیت و شراکت و مساعدت خودمان را در حفظ استقلال دولت مشروطهٔ سلطنت ایران تجدید و تشریح فرمائیم — که برای آبادی ملک و ترقی عامه خلق و اطمینان عموم طبقات چه طرح های آگفتنی در خاطر ملوکانه ذخیره کرده — و هیچ دقیقه را که وظیفه خاصهٔ سلطنت مشروطهٔ خودمان است فروگذار نفرموده ایم

با همه مساعدت های ظاهر و باطن بچه دلیل قلوب برخی مرعوب و اوضاع از هر جهة مشوش در پیشرفت امور ممدوحه سدهای مخالف بسته شده واحدی در اجرای مأموریت خود جد وافی بکار نمی برده

اینک برای [illegible] اهالی ایران باتفاقات عجیبه الهیه بر ذات مقدس همایونی مسلم گردیده که بصراحة آشکار دستخط بفرمائیم — که در کلیه امور ترقی اهالی ایران هر گونه اقداماتی که مبنی بر عقل و علم رفاه حال رعیت و ترقی ملت و آبادی مملکت و فلاح عموم و حفظ استقلال دولت و سلطنت مشروطهٔ ماست خود را بهترین مقوی دانسته و نهایت بذل توجه را در انتظام کلیه امور خواهیم داشت

و نیز اکیداً بشما وزرای مسئول امر میفرمائیم که بر طبق قوانین مشروطه منتهای جد و تقلید خود را در رتق و فتق امور مشهود و معمول بدارند — و هر چه زودتر اسباب آسودگی همه را تدارک نمایند که ما بذاته مصدق و شریک تنظیم امور همه ادارات و مقوی پیشرفت آن خواهیم بود

بتاریخ ۲۹ شهر رمضان ۱۳۲۵

در مطبعهٔ پارسیان بطبع رسید

اعلان شماره ۸ — تأیید حکومت مشروطه از طرف محمدعلی شاه

REGISTER

Name C-DAC NOIDA

Subject Comp. Sc.

Year 2004-05

M.R.P. :

Sheets :

Available From :
TANEJA SALES CORPORATION
31 More Sarai Road, Old Lajpat Rai Mkt., Delhi-6
Ph. : 23862331,23864130, 30932889, 31031302
(M) 31031288, Fax No. :- 011-22544918

در این موقع که برادعا علیه گرمین ما بافتتاح پارلمان
اعلان فرموده بعموم حکام ولایات و عمات محروسهٔ ایران امر
و مقرر میداریم که در هر جا یی ایران و خارجه متهمین
بافکار پاشند بلا استثنا عفو و آزاد و بحدی حق تعرض
بانها نخواهد شد و این امر و مقرر و فرمانیم تمام اشخاص
و نانیی که تبعید شده اند در معارضت و مراقبت بهر نقطه
مجاز و آزاد و نانر و مقرر فرمانیم که شرح اشتباهات را
بساحله و عدم علام دارند ی ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۷

اعلان شمارهٔ ۹ ــ فرمان عفو مهمین سیاسی

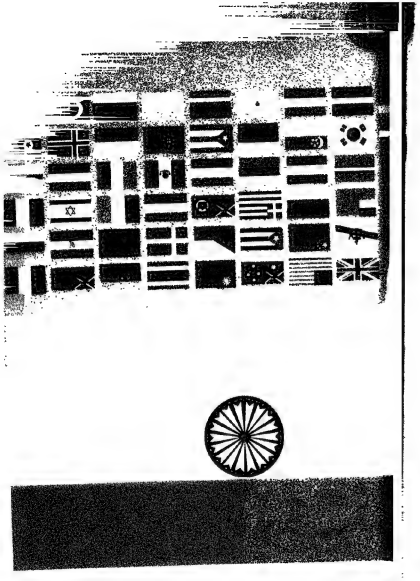

ISSN 0258-2503

جلد ۴ شماره ۴ دسامبر-فوریه 2002

اطلاعات

ویژه‌نامه تاریخ اطلاعات

77 6

REGISTER

Name C-DAC NOIDA

Subject SCANNING

Year 2004-05

M.R.P. :

Sheets :

Available From :
TANEJA SALES CORPORATION
31 Mere Sarai Road, Old Lajpat Rai Mkt., Delhi-6
Ph. : 23862331,23864130, 30932689, 31031302
(M) 31031288, Fax No. :- 011-22544918

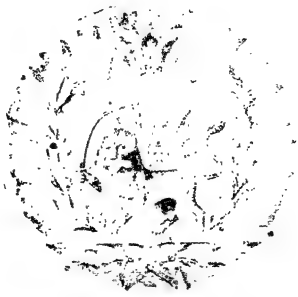

(اعلان دولتی)

چون احوال و اوضاع حاضره مملکت ایران معین و مسلم نمود که اعاده نظم و امنیت مملکت و استقرار حقوق و اطمینان قلوب ملت بدون تغییر سلطنت مقدور نخواهد بود و پادشاه سابق انزجار طبایع ملت را درحق خود بدرجه کمال یافته درسفارت محترمه دولت بهیه روس بحمایت دولتین فخیمتین انگلیس و روس پناهنده شده بالطبع شخص خود را از تاج و تخت ایران بی نصیب و مستعفی نمود علی هذا در غیاب مجلسین سنا و شورای ملی مجلس عالی فوق العاده بر حسب ضرورت فوری در روز جمعه ۲۷ جمادی الاخری ۱۳۲۷ در طهران در عمارت بهارستان تشکیل یافته اعلیحضرت قوی شوکت اقدس سلطان احمد میرزا ولیعهد دولت علیه را بسمت شاهنشاهی ایران منصوب و نیابت سلطنت را عجالة بحضرت مستطاب اشرف عضد الملک تفویض نمود که بعد از تشکیل پارلمان بنا بمادهٔ ۳۸ قانون اساسی در باب نیابت سلطنت موافق مقتضیات وقت قرار قطعی داده شود .

محل مهر وزیر جنگ
سپهدار اعظم

محل مهر وزیر داخله
علیقلی

رئیس مطبعهٔ شاهنشاهی عبدالله قاجار

اعلان شمارهٔ ۱۰ ـ در مورد خلع محمدعلی‌شاه و پادشاهی سلطان احمد میرزا

REGISTER

Name C-DAC NOIDA

Subject Scanning -

Year 2004-05

M.R.P. :

Sheets :

Available From :
TANEJA SALES CORPORATION
31 More Sarai Road, Old Lajpat Rai Mkt., Delhi-6
Ph. : 23862331,23864130, 30832889, 31031302
(M) 31031288, Fax No. :- 011-22544918

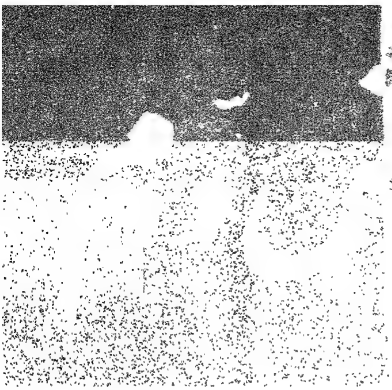

کتابهای رسیده :

= ۱ =

هنگامیکه آخرین صفحات شمارهٔ حاضر مجله زیر چاپ بود ، چند جلد از انتشارات مؤسسهٔ فرهنگی منطقه‌ئی بدفتر مجله رسید

مؤسسه فرهنگی منطقه‌ئی با آنکه مؤسسه‌ئی جوان است و با بهار سال ۱۳۴۹ پنجمین سال عمر خود را آغاز نموده ، در ظرف مدت بسیار کوتاهی توانسته است با انتشار کتابهائی جالب و نفیس و مجله‌ای فصلی جای گرانقدری برای خود در بین مؤسسات فرهنگی و مطبوعاتی بدست آورد .

این مؤسسه ، وابسته بسازمان همکاری عمران منطقه‌ئیست (R.C.D) که در بهار ۱۳۴۵ در تهران تشکیل شد و هدف از تشکیل آن ، بررسی و تحقیق در سوابق سنتهای مشترك فرهنگی ، اجتماعی و ادبی میان سه کشور عضو (ایران و پاکستان و ترکیه) میباشد .

برنامهٔ فعالیت‌های مؤسسه در درجهٔ اول معطوف بتألیف و ترجمهٔ کتاب‌هائیست که برای رسیدن به هدف یاد شده یاری کند .

در مدت چهار سال که از زمان بنیادگذاری مؤسسهٔ مزبور میگذرد طرح کتاب جامعی در باب تاریخ تمدن و فرهنگ سه کشور ایران و پاکستان و ترکیه فراهم شده که بهمکاری قریب چهل تن از دانشمندان سه کشور تألیف میگردد . همچنین کتاب دیگری در باب آداب و رسوم اجتماعی و نیز مجموعه‌ئی

تیرماه ۱۳۴۹ : از انتشارات کار گزینی وزارت امور خارجه
قطع رحلی : پلی کپی در ۳۵ صفحه

☆☆☆

انتشار این مجموعه که بالفعل بصورت پلی کپی ، چند جلدی از آن تکثیر شده و قرار است در آیندهٔ نزدیکی نیز بچاپ برسد ، از اقدامات بسیار مهم و اساسی و ارزشمند ادارهٔ کار گزینی وزارت امور خارجه است که جای آن در میان مدارك تاریخ دورهٔ قاجار بکلی خالی می‌بود . زیرا آنهائی که با تاریخ این‌دوره سرو کار دارند و بویژه محققان تاریخ دورهٔ قاجار در مطالعات تحقیقی خود غالباً بدستورات و مطالب و مسائلی بر میخورند که بیکی از سفرای ایران مربوط می شود و یا در میان اوراق و اسناد تاریخی و سیاسی ، گزارشها و نامه‌هائی بدست می‌آید که سفیری از سفرای ایران بدولت ایران فرستاده است و چون امضای او درپای گزارش و نامه نیست ، نویسندهٔ آن شناخته نمی شود و در نتیجه تاریکیها وابهامهای چندی در مسائل تاریخی مذکور در متن آن اسناد بوجود می‌آید که اگر نویسندهٔ نامه و گزارش معلوم میشد امکان بیشتری برای روشن کردن آن ابهامها و کشف‌حقایقی‌دیگر، فراهم‌می گردید . بهمین‌سبب‌است که باید گفت با انتشار مجموعهٔ حاضر ، این نقیصه بکلی مرتفع گردیده وای کاش سایر وزارتخانه ها نیز به تأسی از وزارت امور خارجه ، دست بتدوین تاریخچه خود و تنظیم مجموعه‌هائی مشابه مجموعه مورد بحث بزنند . مثلا چه‌خوب است که‌وزارت کشور، فهرستی از کلیه حکمرانان ، ولات وحکام گذشته و تقسیمات اداری کشور در سالهای پیش فراهم سازد و چنانچه این کار بسبب فقد مدارك میسر نباشد واجب‌است لااقل صورتی‌از وزرای کشور (داخله)و بخشداران ، فرمانداران‌واستانداران ۴۹ سال اخیر(از کودتای ۱۲۹۹به‌بعد) که هنوز مدارك‌وپرونده‌های آنها از میان نرفته‌است تنظیم وتدوین نماید .

ازهنر مینیاتور وچند کتاب دیگر بوسیله مؤسسهٔ مزبور در دست تهیه است آنچه تاکنون بوسیلهٔ این مؤسسه چاپ ومنتشر شده است ۱۸ کتاب میباشد که بزبانهای فارسی ، ترکی ، اردو ، بنگالی وانگلیسی تهیه ویاترجمه شده است وازآنجمله دوجلد کتاب احیای فکردینی دراسلام وسیر فلسفه‌درایران اثر علامه اقبال لاهوری ازانگلیسی بفارسی ترجمه شده ، همچنین‌شرح حال آتاتورك ومحمد عاکف شاعرترك‌زبان ازترکی بفارسی ترجمه وانتشاریافته است . ازانتشارات سودمند مؤسسهٔ فرهنگی منطقه‌ئی یکی‌هم‌فهرست جامع نسخه‌های خطی فارسی موجود درهمه کتابخانه های مشهور جهان است که جلد اول‌آن در ۷۰۰ صفحه منتشر شده ومجلد های دوم وسوم آن زیر چاپ است .

برگزیده‌ئی ازغزلها وترانه‌های امیرخسرو نیز نشریهٔ شماره۱۸ مؤسسهٔ فرهنگی منطقه‌ئی است که بکوشش آقای دکتر سلیم نیساری رئیس‌مؤسسه بادقت وسلیقه‌ای خاص انتخاب وبخط زیبای نستعلیق‌آراسته شده‌است. این جزوه که هدف‌آن‌ارائهٔ نمونه‌های‌جالب غزلهای امیرخسرو است در۵۲صفحه بقطع جیبی تهیه وبتازگی منتشر شده است تاهمهٔ علاقمندان به ادبیات‌وشعر فارسی - نه‌تنها درایران بلکه درخارج ازکشور - نیز بتوانند ازآن استفاده کنند . جالبترین قسمت این مجموعه قسمت ترانه‌هاست که با دقتی خاص از میان غزلها انتخاب وبهم تلفیق گردیده است .

= ۴ =

تاریخچهٔ وزارت امور خارجه :

شامل اسامی وزراء امور خارجه وسفرای شاهنشاهی از ابتدای‌تاسیس وزارت امورخارجه وسفارتخانه‌ها تاکنون

مجلهٔ
بررسی‌های تاریخی

مدیر مسئول و سردبیر

سرهنگ دکتر جهانگیر قائم‌مقامی

مدیر داخلی - ستوان یکم مجید بهرام

مجلهٔ تاریخ و تحقیقات ایران شناسی - نشریهٔ ستاد بزرگ ارتشتاران
(کمیتهٔ تاریخ)
جای اداره : تهران - میدان ارک ساختمان ادارهٔ روابط عمومی ستاد بزرگ ارتشتاران
نشانی پستی : « تهران ۲۰۰ »
تلفن ۲۲۴۲۲

بهای هر شمارهٔ مجله	برای نظامیان و دانشجویان	۳۰ ریال
	برای غیر نظامیان	۶۰ ریال
بهای اشتراک سالانه ۶ شماره در ایران	برای نظامیان و دانشجویان	۱۸۰ ریال
	برای غیر نظامیان	۳۶۰ ریال

بهای اشتراک درخارج ازکشور : ۶ دلار

برای اشتراک : وجه اشتراک را به‌حساب ۷۱۴ بانک مرکزی با ذکر جملهٔ «بابت اشتراک مجلهٔ بررسی‌های تاریخی» پرداخت ورسید را با نشانی کامل خود به‌دفتر مجله ارسال فرمائید .

اقتباس بدون ذکر منبع ممنوع است

چاپخانهٔ ارتش شاهنشاهی ایران

بهر صورت مجموعه جدید وزارت امور خارجه ، بهمه جهت از نفایس انتشارات رسمی و اداری این روزهاست که بهمت و ابتکار ادارهٔ کار گزینی وزارت امورخارجه ورئیس دانشمند و فاضل آن آقای دکتر حسین داودی منتشر شده وبدست ما رسیده است و ما انتشار این مجموعهٔ گرانقدر را بهوزارت امور خارجه و مبتکر دانشمند آن تبریك میگوئیم .

بررسی های تاریخی

Barrasihâ-ye Târikhi

REVUE DES ÉTUDES HISTORIQUES

PAR

ETAT — MAJOR DE COMMANDEMENT SUPRÊMI

(SERVICE HISTORIQUE)

DIRECTEUR ET RÉDACTEUR:

COLONEL DR. DJAHANGUIR GHAÏMMAGHAMI

ADRESSE:

IRAN

TÉHÉRAN - ARMÉE 200

ABONNEMENT: 6 DOLLARS POUR 6 NO S.